پژوهشکده مطالعات راهبردی
غیر انتفاعی

مأخذشناسی امنیت

(جلد اول)

پژوهشکده مطالعات راهبردی

مأخذشناسی امنیت

جلد اول

انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

زمستان ۱۳۸۳

مأخذشناسی امنیت. ـ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳ ـ .
ج .ـ (پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ ۵۴. امنیت؛ ۲۰)

ISBN 964-6946-53-4 (ج. ۱) ۲۵۰۰۰ ریال :

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. امنیت بین‌المللی -- کتابشناسی. ۲. امنیت ملی -- کتابشناسی. ۳. امنیت (حقوق) -- کتابشناسی. الف. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲ م ۹ ی / Z ۶۴۶۴ ۰۱۶/۳۲۷۱۷
[۳۲۷/۱۷۰۱۶]

کتابخانه ملی ایران ۸۳-۹۹۶۰ م

مأخذشناشی امنیت

تألیف: پژوهشکده مطالعات راهبردی
ناشر: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده مطالعات راهبردی
نوبت چاپ: اول – ۱۳۸۳
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: پارت گرافیک
چاپ: مجمع جهانی اهل بیت
صحافی: مجمع جهانی اهل بیت
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال
شابک: ۴-۵۳-۶۹۴۶-۹۶۴ ISBN 964-6946-53-4

نشانی: تهران ـ صندوق پستی ۵۱۸۹ ـ ۱۴۱۵۵

فهرست مطالب

سخن ناشر ۹

راهنمای کلی استفاده از اثر ۱۱

قسمت اول: منابع فارسی

بخش اول: امنیت ملی

فصل اول: مفاهیم نظری ۱۵

فصل دوم: بُعد اجتماعی ۳۵

فصل سوم: بُعد اقتصادی ۵۱

فصل چهارم: بُعد سیاسی ۵۹

فصل پنجم: بُعد نظامی ۶۵

فصل ششم: ایران ۶۹

الف) مفاهیم نظری ۶۹

ب) بُعد اجتماعی ۷۵

ج) بُعد اقتصادی ۸۲

د) بُعد سیاسی ۸۴

ه) بُعد نظامی ۹۷

بخش دوم: امنیت منطقه‌ای

فصل اول: مفاهیم نظری ۱۱۱

فصل دوم: اروپا ۱۱۹
فصل سوم: آسیا و اقیانوس آرام........ ۱۲۱
فصل چهارم: آسیای مرکزی ۱۲۵
فصل پنجم: خاورمیانه........ ۱۳۳
فصل ششم: دریای خزر........ ۱۴۷
فصل هفتم: خلیج فارس ۱۵۳
فصل هشتم: ایران........ ۲۰۱

بخش سوم: امنیت بین‌المللی
فصل اول: مفاهیم نظری ۲۱۷
فصل دوم: سلاحهای کشتار جمعی........ ۲۳۵
فصل سوم: نقش سازمانهای بین‌المللی ۲۵۱
فصل چهارم: شورای امنیت (ایران) ۲۷۳

قسمت دوم: منابع انگلیسی

بخش اول: امنیت ملی
فصل اول: مفاهیم نظری ۲۷۹
فصل دوم: بُعد اجتماعی ۲۸۳
فصل سوم: بُعد اقتصادی ۲۸۷
فصل چهارم: بُعد سیاسی ۲۸۹
فصل پنجم: بُعد نظامی ۲۹۳
فصل ششم: ایران ۲۹۵
الف) مفاهیم نظری........ ۲۹۵
ب) بُعد سیاسی ۲۹۶

بخش دوم: امنیت منطقه‌ای
فصل اول: مفاهیم نظری ۱۹۹
فصل دوم: اروپا ۳۰۳

فصل سوم: آسیا و اقیانوس آرام ۳۰۵
فصل چهارم: خاورمیانه ۳۰۹
فصل پنجم: خلیج فارس ۳۲۳

بخش سوم: امنیت بین‌المللی

فصل اول: مفاهیم نظری ۳۳۷
فصل دوم: سلاحهای کشتار جمعی ۳۴۵
فصل سوم: نقش سازمانهای منطقه‌ای ۳۵۳

سخن ناشر

حجم فزاینده مطالعات امنیتی در جامعه علمی کشور، پدیده‌ای مبارک و ارزشمند به شمار می‌آید که می‌تواند در توسعه مفهوم امنیت نقش برجسته‌ای داشته باشد؛ اما نمی‌توان منکر این واقعیت شد که افزایش اطلاعات کار دسترسی نظام‌مند به آنها را دشوار می‌سازد. برای این منظور پژوهشکده مطالعات راهبردی تهیه ماخذشناسی متون امنیتی را در دستور کار خود قرار داده است تا از این طریق، اولاً ـ به مجموعه دانش موجود در این حوزه نظم بخشیده و بدین ترتیب دسترسی به آنها را آسان سازد؛ ثانیاً ـ از انجام کارهای تکراری و صرف هزینه‌های انسانی ـ مالی پژوهشی در حوزه‌های یکسان تا حد امکان ممانعت به عمل آورد. در این راستا ناشر نخستین اثر از مجموعه ماخذشناسی های مطالعات امنیتی که تا سال ۱۳۷۸ را شامل می‌شود، خدمت کلیه علاقه‌مندان عرضه می‌دارد. پژوهشکده امیدوار است با استمرار این سیاست و به روز کردن ماخذشناسی‌ها با انتشار مجلدات تکمیلی این نیاز مهم جامعه علمی پاسخ درخوری بیابد. پژوهشکده همچون قبل از کلیه نویسندگان و محققان برای انجام این پروژه دعوت به همکاری می‌نماید.

راهنمای کلی استفاده از اثر

۱. «مأخذشناسی امنیت» مجموعه‌ای از منابع اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه به دو زبان فارسی و انگلیسی در موضوع امنیت می‌باشد که در دو قسمت تنظیم شده است. قسمت اول حاوی منابع فارسی و قسمت دوم دربرگیرندهٔ منابع انگلیسی است. هر قسمت نیز به سه بخش امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تقسیم شده است.

۲. بخش اول از قسمت منابع فارسی شش فصل را شامل می‌شود فصل اول مفاهیم نظری در باب امنیت ملی را در برمی‌گیرد. در فصول دوم تا پنجم ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی برای امنیت ملی درنظر گرفته شده است و فصل ششم به امنیت ملی در ایران اختصاص یافته است که ابعاد مذکور در فصول دوم تا پنجم در خصوص ایران، این فصل را به چند بخش منقسم کرده است.

۳. بخش دوم از منابع فارسی، امنیت منطقه‌ای را در هفت منطقه تقسیم کرده است، اروپا، آسیا و اقیانوس آرام، آسیای مرکزی، خاورمیانه، دریای خزر، خلیج‌فارس و ایران، عناوین فصول دوم تا هشتم این بخش هستند و فصل اول به مفاهیم نظری اختصاص یافته است.

۴. در بخش سوم از قسمت اول منابع موجود در خصوص امنیت بین‌المللی در چهار فصل طبقه‌بندی شده‌اند. فصل اول مفاهیم نظری، فصل دوم سلاحهای کشتار جمعی،

۵. قسمت دوم کتاب شامل منابع انگلیسی می‌شود، نیز دارای تقسیم‌بندی‌هایی مشابه قسمت اول است؛ جز این که از بخش دوم این قسمت، دو فصل آسیای مرکزی و دریای خزر حذف شده است و در فصل ششم از بخش اول ـ یعنی امنیت ملی ایران ـ نیز فقط به بعد سیاسی اشاره شده است.

۶. منابع مذکور در این اثر عمدتاً از دو کتابخانه پژوهشکده مطالعات راهبردی و دانشگاه امام صادق(ع) و در مرحله بعد از کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه امام‌حسین(ع) می‌باشد. ذکر این نکته لازم است که منابع گردآوری شده در این مجموعه تا سال ۱۳۷۸ را دربرمی‌گیرد. شایان ذکر است که به دلیل یکسان بودن و یا مشابه بودن مدارک کتابخانه‌های مختلف در حوزه امنیت پژوهی، در طرح حاضر به جای مراجعه به کلیه کتابخانه‌ها و ذکر آدرس‌های مکرر برای یک مدرک، به چند کتابخانه مرجع در این حوزه مراجعه گردیده است. با عنایت به دسترسی پژوهشگران به عموم کتابخانه‌های داخلی، بنظر می‌رسد این روش پاسخ‌گوی نیاز محققان داخلی باشد و از حجیم شدن اثر نیز ممانعت به عمل آورد.

۷. به منظور تفکیک بین مدارک مختلف، در هر قسمت و بخشی ابتداء کتابها، سپس مقالات و در آخر «پایان نامه‌ها» آورده شده است. ضمناً کل مدارک در دو قسمت اصلی «فارسی» و «انگلیسی» رده‌بندی شده‌اند. از حیث اجرایی نیز برای اجرای طرح حاضر مراحل شش‌گانه‌زیر طی شده است:

اول. بررسی اولیه موضوع و ارایه طرح کلان ماخذشناسی

دوم. تاسیس کمیته علمی طرح و تعریف مدخل‌ها و کلیه واژه‌هایی که باید جستجو شود.

سوم. بررسی مدارک کتابخانه‌های مرجع و فیش‌برداری

چهارم. بررسی و پالایش فیش‌ها

پنجم. دسته‌بندی فیش‌ها و نگارش متن

ششم. کنترل و ارزیابی نهایی متن در کمیته علمی و تصویب جهت انتشار.

بخش اوّل

امنیت ملی

فصل اول

مفاهیم نظری

* هوشنگ عامری، «اصول روابط بین‌الملل»، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ۲۷۸ص، یک جلد، چاپ اول، ۱۸۰۰ ریال.

این کتاب شامل یک مقدمه و پنج بخش می‌باشد:
در بخش اول رشته روابط بین الملل و سیر تحولات آن بررسی می‌شود، بخش دوم به برخی از ایدئولوژی‌های مهم و موثر در روابط بین‌الملل اشاره می‌کند، بخش سوم به سیستم بین‌المللی و کشور در روابط بین‌الملل اختصاص دارد. بخش چهارم منافع ملی، امنیت ملی و سایر هدفهای سیاست خارجی کشورها توضیح داده می‌شود. بخش پنجم قدرت در روابط بین‌الملل نام دارد.

در این کتاب بیشتر مباحث نظری مطرح شده است. کتاب شامل بیان خلاصه و فشرده‌ای از مهمترین مباحث روابط بین‌الملل می‌باشد. نویسنده در بخش چهارم مشخصاً به موضوع امنیت ملی اشاره می‌کند و فصول دوم و سوم از بخش چهارم را با عناوین: امنیت ملی و عوامل تهدید کننده امنیت ملی به امنیت ملی اختصاص می‌دهد. در این فصول نویسنده ابتدا مفهوم امنیت را توضیح می‌دهد، سپس به شرح ویژگیهای امنیت ملی (نسبی بودن و ذهنی بودن) می‌پردازد. آنگاه رابطه امنیت و قدرت را بیان می‌کند و پس از آن عواملی که امنیت ملی را تهدید می‌کنند شرح می‌دهد. در مجموع نویسنده، صفحات ۱۷۷ تا ۱۸۷ کتاب خویش را به موضوع امنیت ملی اختصاص

* حمید بهزادی (مددی)، «اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی»، تهران، انتشارات کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۲، ۳۳۲ ص، یک جلد، چاپ اول.

کتاب شامل یک پیشگفتار و پنج قسمت است. قسمت اول مربوط به تعریف روابط بین‌الملل، برداشتهای مختلف در مطالعه روابط بین‌الملل، موضوعات مورد بحث در این علم و بالاخره اهمیت آکادمیکی و علمی روابط بین‌الملل در جهان امروز است. قسمت دوم کتاب شامل بحثهایی درباره سیستم بین‌المللی و کشور و انواع مختلف آن، آثار حاکمیت در روابط بین‌الملل، اصل تساوی کشورها و فرق جامعه داخلی و جامعه بین‌المللی می‌باشد. عنوان قسمت سوم عبارتست از: «امنیت و هدفهای خارجی کشورها در صحنه بین‌الملل.» این قسمت که مشخصاً به موضوع امنیت پرداخته است در چهاربخش ارایه شده است: بخش اول منافع ملی، بخش دوم امنیت ملی (۱. نسبیت امنیت ۲. ذهنی بودن امنیت ۳. امنیت و قدرت نظامی). دربخش سوم از قسمت سوم نویسنده عوامل تهدید کننده امنیت کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد، و بخش چهارم به انواع هدفهای ملی در سیاست خارجی اختصاص دارد. این قسمت صفحات ۹۶ تا ۱۵۰ را شامل می‌شود.

* یزید سایق، «امنیت در کشورهای در حال توسعه؛ رویارویی با سده بیست و یکم» ترجمهٔ مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ۱۳۶ص، چ اول، ۳۰۰۰ نسخه،

کتاب مزبور مشتمل بر عناوین زیر است:

ـ مقدمه مترجمان و مقدمه مؤلف کتاب؛ پس از آن در فصل اول مفاهیم بنیادی موضوع بررسی می‌شود. در فصل دوم چالشهای مطرح برای قوام دولت توضیح داده می‌شود. فصل سوم به پیشینه عدم امنیت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد. در فصل چهارم مسائل بقاء، درفصل پنجم ابعاد نظامی امنیت و در فصل ششم امنیت جهان سوم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در این کتاب نویسنده می‌کوشد ضمن ارایه نگرشی پویا و بدیع درباره امنیت و طرح تفاوتها و تمایزات کشورهای در حال توسعه، چالشهایی راکه در راه قوام دولت در جهان

سوم وجود دارد و آثار و تبعاتی که از فرایند ناتمام ساختارهای دولت (همچون عدم هماهنگی ملت و دولت و عدم تمایز رژیم سیاسی و دولت) ناشی می‌شود، بعنوان وجوهی از تهدیدات امنیتی در جهان سوم مورد بررسی قرار دهد. سپس نویسنده نتایج زیر را در باب مفهوم امنیت کشورهای در حال توسعه، می‌گیرد.

۱) در بیشتر موارد میان وجوه داخلی و خارجی امنیت تضادی آشکار وجود دارد.

۲) موقعیت جغرافیائی کشور و جایگاه نسبی آن در گردونه توازن قدرت منطقه‌ای تعیین‌کنندهٔ نیازهای فوری دفاعی هر کشور و سرشت تهدیدهای پیش روی آن است.

۳) امنیت کشورهای در حال توسعه در دهه (۱۹۹۰) و پس از آن را تنها می‌توان بر حسب تعدادی تنش یا مجموعه‌ای از دوگانگیها دریافت که میان تقاضاهای غالباً متعارض وپیامدهای تناقض‌آمیز بروز می‌کند. این تنش‌ها و دوگانگیها در سلسله مراتبی از سطح داخلی تا سطح خارجی به موازات هم عمل می‌کنند ولی تکامل آنها در قالب ترکیبات خاصی که بستگی به اوضاع محلی،منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، تعیین کننده وضع امنیت‌نهائی هر کشور خاصی است.

* سعید رضوانی، «امنیت ملی»، تهران، دانشکده عالی فرماندهی و ستاد مشترک، (رژیم سابق)، ۱۳۴۱، ۱۵۰ ص

گرچه کتاب مذکور در سالهای گذشته و در رژیم پهلوی در باب «امنیت ملی»، چاپ و منتشر گردیده است ولی از آن جهت که نویسنده در فصلهای عمده و بیشتر کتاب خود مباحث نظری و تئوریک را مطرح نموده است، در خور توجه و دقت می‌باشد. این کتاب مشتمل بر بیست و یک فصل می باشد که پس از بیان تعاریف در فصل اول به تأثیر ژئوپلتیک در امنیت ملی و در فصل دوم به ملاحظات سیاسی و اقتصادی در امنیت ملی در فصول سوم و چهارم می‌پردازد در فصلهای ۶ تا ۹ نیز اثر علوم در امنیت ملی، رابطه بین علوم و مهندسی و تأثیر در امنیت ملی؛ ملاحظات نظامی در امنیت ملی و اداره دفاع از نظر امنیت ملی بررسی می‌شود. فصول بعدی کتاب بیشتر به مسائل نظامی می‌پردازد و بطور مستقیم به امنیت مربوط نمی‌شود.

* جلیل روشندل، «امنیت ملی و نظام بین‌الملل»، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، ۲۰۱ ص، ۵۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۳۰۰۰ ریال

کتاب مشتمل بر یک مقدمه، هفت فصل و فهرست منابع و مآخذ می‌باشد:

نویسنده در فصل اول، به چگونگی پیدایی مفهوم امنیت ملی، دگرگونیها در این مفهوم و تطبیق تعاریف نظری و واقعیتها می‌پردازد. در فصل دوم به پیدایی مفهوم منافع ملی، نحوه تعیین منابع، عوامل تشکیل دهنده منافع ملی می‌پردازد. در فصل سوم ساختار قدرت ملی و منابع (انسانی، جغرافیایی، فرهنگی) را ذکر می‌کند. در فصل چهارم به نقش و عملکرد قدرت ملی در باب نظام بین‌المللی در امنیت کشورها و شیوه‌های بهره برداری از امکانات بین المللی برای تأمین امنیت ملی اشاره شده است. در فصل پنجم نقش نظامی بین‌المللی در امنیت کشورها مورد بررسی قرار گرفته است. فصل ششم به عوامل تهدید کننده امنیت ملی می‌پردازد و بالاخره در فصل هفتم دگرگونیهای امنیت ملی یعنی دگرگونیهای بین‌المللی، داخلی و افکار عمومی و رسانه‌های گروهی بر امنیت مورد کنکاش قرار گرفته است.

* علی‌اصغر هجراسی فراهانی، «بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی»، (عوامل تهدید امنیت ملی و شیوه‌های حراست از آن در سیاست بین المللی)، تهران، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴، چاپ اول، ۱۵۶ ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، ۳۳۶۰ ریال،

این کتاب شامل یک پیشگفتار و شش فصل می‌باشد:

در این کتاب ابتدا مفهوم امنیت ملی و دیدگاههای مختلف در این زمینه در فصل اول بررسی شده و آنگاه به اهداف و ابزارهای امنیت در فصل دوم پرداخته شده است. در دو فصل بعد عواملی که امنیت را تهدید می‌کنند از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل مطرح شده است. در فصل پنجم طرق حراست از امنیت ملی و بین‌المللی که عبارتند از، بازدارندگی، امنیت دسته جمعی، ایجاد نهاد فراملی و همگرایی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، اقتدار سیاسی و دیپلماسی و بالاخره اتخاذ استراتژی و سمت‌گیری معقول در سیاست خارجی مورد کنکاش قرار گرفته است. در فصل آخر نیز امنیت از دیدگاه اسلام و عوامل تهدیدکننده آن مطرح شده است. هدف کتاب تهیه و ارایه مجموعه‌ای

منظم و کلاسیک در زمینه امنیت ملی است. تقریباً تمامی مطالب کتاب جزء مباحث نظری در زمینه امنیت ملی می‌باشد و از مباحث کاربردی کمتر مطرح شده است.

* حسین مصلحتی کوچصفهانی (ویراستار) توسعه و امنیت عمومی، (مجموعه مقالات) ناشر: وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل) ـ تهران ـ ۱۳۷۶، تعداد مجلد: دو جلد ـ جلد اول ۴۱۷ صفحه، جلد دوم ۵۰۹ صفحه

* رابرت ماندل، «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ۲۱۵ ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ۷۰۰۰ ریال

کتاب فوق الذکر مشتمل بر یک پیشگفتار از مترجم و یک مقدمه و هشت فصل به شرح زیر می‌باشد:

در فصل اول نویسنده ضمن اشاره به تحولات جهانی در سالهای پایانی دهه هشتاد میلادی معتقد است این دگرگونی طی سه مرحله کاهش حاکمیت ملی، افزایش وابستگی متقابل جهانی و بالاخره بالاگرفتن کشمکشهای هرج و مرج گونه صورت‌پذیر است.

در فصل دوم بر آن است تا مفهوم در حال حضور «امنیت ملی» را ریشه یابی کند وی «احساس ایمنی» را معادل «امنیت» قرار می‌دهد و بر این اساس محورهایی چون بررسی عقاید مختلف مربوط به امنیت ملی و عناصر کلیدی امنیت ملی در روابط بین الملل را مطرح ومورد گفتگو قرار می‌دهد. بعلاوه عناصر تشکیل دهنده امنیت نیز مورد تجزیه و تحلیل مؤلف قرار می‌گیرد از این رو منابع اطلاعاتی و قدرت نقش مهمی در تأمین امنیت ملی هر کشوری ایفا می‌کنند و بدون برخورداری از اطلاعات صحیح و مناسب درباره سایر ملل، امنیت ملی در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد.

از دیدگاه نویسنده کتاب علاوه بر دو عامل مذکور، منابع اطلاعات و قدرت، ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و فرهنگی در بررسی مسأله امنیت حائز

بحث دربارهٔ ابعاد چهارگانه، محور اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. در پایان نیز اظهار می‌دارد که حکومتهای ملی، علیرغم محدود شدن قدرتشان در اثر تقویت عواملی بویژه شرکتهای چند ملیتی هنوز هم نقش مسلط را در عرصه امنیت ایفا می‌کنند.

در چهار فصل بعدی به بررسی موردی و تطبیقی ابعاد چهارگانه امنیت اختصاص دارد. در فصل پایانی نگارنده به چند چالش عمده امنیتی که احتمالاً در آینده رخ خواهد نمود اشاره می‌کند:

۱) سر درگمی دولتها در انتخاب بین جهانگرایی و پرداختن به منافع ملی
۲) بین حمایت از فرد و جامعه
۳) بین نیاز به همکاری فراملی و فشارهای محدود ملی
۴) تفکیک در مسائل نظامی، اقتصادی، منابع محیطی و منابع سیاسی ـ فرهنگی.

* علی اصغر کاظمی، «روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل»، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲، ۶۶۹ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۴۸۰۰ ریال.

کتاب شامل یک پیشگفتار، یک مقدمه و دوازده فصل می‌باشد. در پایان نیز فهرست ضمائم (فهرست کشورهای عضو سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۹۲ و منشور سازمان ملل متحد)، فهرست گزیده کتب و مطالب، و فهرست راهنما ذکر شده است.

هدف کتاب ارایه ابزار در آگاهی‌های لازم برای درک مفاهیم و پدیده‌های روابط بین‌الملل در تئوری و عمل می‌باشد. عناوین فصول کتاب عبارتند از: ۱) کلیات روابط بین‌الملل (مفاهیم و دیدگاهها)، ۲) بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل، ۳) ریشه‌های اختلافات و تضاد در روابط بین‌الملل، ۴) پدیده قدرت در روابط بین‌الملل، ۵) ارزیابی قدرت و نیت دولتها در روابط بین‌الملل و دیپلماسی، ۶) نظام حقوقی ناظر بر روابط بین‌الملل، ۷) روابط سیاسی و حقوقی بین‌الملل، ۸) روابط بین‌الملل در شرایط بحرانی، ۹) وحدت و همگرایی در روابط بین الملل، ۱۰) نظم نوین جهانی و پایان جنگ سرد، ۱۱) چشم انداز روابط بین‌الملل در آستانه قرن بیست و یکم ۱۲) بحران‌ها و ابهامات آینده. نویسنده یکی از قسمتهای فصل سوم کتاب را مشخصاً به موضوع امنیت ملی اختصاص داده است (از ص ۱۱۷ تا ۱۲۴). در این صفحات مفهوم امنیت مورد بحث

قرار گرفته است. همچنین سطوح امنیت، راههائی که کشورها برای حفظ امنیت اتخاذ می‌کنند و برخی ویژگی‌های امنیت ملی مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر اینها در فصل پایانی «بحران هویت و امنیت» بعنوان یکی از بحران‌های آینده مطرح شده است.

* علی‌اصغر کاظمی، زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰، ۳۲۷ ص، ۳۳۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۷۰۰ ریال

کتاب شامل یک پیشگفتار، یک مقدمه و چهار بخش می‌باشد، عناوین بخشها عبارتند از: بخش اول ـ دولت در عرصه سیاست، تعاریف، الگوها و انگیزشهای رفتاری. بخش دوم: رفتار تنازعی: مفاهیم، دیدگاهها، ابعاد و فرضیه‌ها. بخش سوم: نقش محیط و توسعه در فراگردهای تنازعی. بخش چهارم: خلاصه بحث و جمع بندی نظریه‌ها و فرضیه‌ها.

کتاب حاضر در واقع آن سلسله از روابط دولتها را به بحث و تحلیل می‌کشد که ماهیتی بحرانی، خصومت‌انگیز و مناقشه‌ای دارند. تأکید خاص آن بر حول بررسی و نقد نظریه «رفتار تنازعی و زنجیره سیاسی» است که این اصطلاح برای اولین بار توسط «جیمز روزنو» بکار برده شد. آنچه که به مبحث امنیت مربوط می‌شود در فصل سوم از بخش اول با عنوان «انگیزشهای رفتاری دولتها» (از صفحه ۹۸ تا ۱۳۸) می‌باشد:

در قسمت دوم از این فصل با عنوان «امنیت ملی» که از صفحات ۱۱۴ تا ۱۲۳ را به خود اختصاص داده است، نویسنده ابتدا مفهوم امنیت را توضیح می‌دهد و ویژگیهای آنرا بر می‌شمارد. سپس مولفه‌های موثر در امنیت ملی و سطوح مختلف امنیت بررسی می‌شود، آنگاه رابطه امنیت ملی و رفتار دولتها، چگونگی و نحوه تأثیر مفهوم «امنیت ملی» در عملکردهای دولتها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نویسنده معتقد است نظریه بازده نزولی که ارزش و سودمندی سرمایه را در بخشهای دفاعی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد، ابزار و وسیله مناسبی برای ارزیابی میزان تخصیص منابع، بویژه در جهان سوم، جهت تأمین امنیت یک کشور می‌باشد.

ظرفیت سیستم سیاسی،» ترجمه: گروه امنیت ملی فصلنامه، مجلهٔ سیاست دفاعی، ۱۳۷۷، سال ششم، ش ۲۲، ص ۳۹ تا ۵۹.

موضوع اصلی مقاله گذار از نگرشی واقعگرایانه نسبت به مفهوم امنیت ملی و ورود به ابعاد و جنبه‌های نوینی از آن است. نویسنده در تلاش است با ارایه یک تقسیم‌بندی از مفهوم امنیت ملی، ابعاد نرم‌افزاری آنرا مورد بررسی قرار دهد. این ابعاد بعد از امنیت در نظر نگارنده عبارتند از: مشروعیت، یکپارچگی و ظرفیت سیستم سیاسی. چارچوب بحث در واقع برقراری ارتباط بین سه ویژگی فوق از مفهوم امنیت ملی است. نهایتاً نویسنده بر حسب جنبه‌های فوق مبادرت به ارایه یک سنخ‌شناسی از امنیت ملی در جهان سوم می‌نماید.

* محسن شاه حسینی، مقاله «امنیت در فلسفه سیاسی اسلام» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و نظامی ـ اداره کل) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ج ۲، جلد اول: ۳۴۶ ص

به نظر نویسنده، «تئوری امنیت روان» و به تبع آن «امنیت عمومی» در نگرش اسلامی بسیار کلیدی است و می‌توان مدعی شد که این نظریه دربر گیرنده فلسفه اخلاق، حقوق و سیاست می‌باشد. نویسنده همچنین در این مقاله به مباحثی چون: «خدای امنیت آفرین»، عصر مهدویت، فلسفه سیاسی و حکومت عرفانی علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) و... نیز اشاره می‌نماید.

* ک. پ. مسیرا، «امنیت ملی در جهان سوم: نیاز به چارچوبی جدید» ترجمهٔ م. زندیه ـ ک. احتشامی اکبری، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۶، سال دوم، شماره سوم، ص ۳۴۳ تا ۳۵۴، فصلنامه

این مقاله نمایانگر این واقعیت است که مفهوم قدیمی امنیت با توجه به ویژگی وضعیت داخلی و بین المللی کشورهای جهان سوم، ناکافی به نظر می‌رسد. تلاش نویسنده بر این بوده است که تعدادی از ابعادو تضادها در مقوله امنیت را با توجه به امنیت ملی در جهان سوم تبیین نماید.

* اصغر افتخاری، «امنیت ملی، رهیافتها و آثار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۲۷ تا ۶۰.

هدف اصلی نویسنده از نگارش این مقاله به دست دادن تصویری کلی از تحقیقات بعمل آمده در خصوص امنیت ملی می‌باشد لذا بیش از پنجاه عنوان کتاب که بیشتر آنها به زبان انگلیسی است مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف اقدام به دسته بندی موضوعی آثار و معرفی آنها بصورت مستقیم (درون متن) و غیر مستقیم (در پاورقیها) کرده است. بهترین عناوین مورد بحث در مقاله عبارتند از: تعاریف و نظریه‌های مختلف در حوزه امنیت ملی و راهبردهای پیشنهادی، ابعاد مختلف امنیت ملی (نظامی، اقتصادی، زیست محیطی و فکری) و پژوهشهای موردی (جهان سوم، آسیا، اروپا و آمریکا). در مجموع توضیحات مندرج در این مقاله می‌تواند راهگشای محققانی باشد که مایل به پژوهشهای بنیادین در خصوص امنیت ملی هستند.

* حسن ره‌پیک «امنیت ملی و تحدید حقوقی آن» فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۱۲۹ تا ۱۴۲.

نویسنده معتقد است در کشورهای جهان سوم به علت ضعف سیاسی‌ـاجتماعی حاکم بر آنها، در تعریف امنیت، بعد داخلی در اولویت قرار می‌گیرد. در کنار تعریف امنیت ملی، اصطلاحاتی چون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزشهای اساسی یک دولت یا ملت در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده می‌شودکه به اعتقاد نگارنده فهم آنها مهم است. نویسنده در ادامه برخی مقدمات حقوقی را ذکر می‌کند. نگارنده معتقد است امنیت ملی از مفاهیمی است که برای وصول به مصادیق خود آن و یا بالعکس مصادیق امنیتی برای دستیابی به مفهوم امنیتی، از شبکه‌های پیچیده‌ای گذر می‌کنند. استخراج اصول کلی اولویت‌بندی شده از قانون اساسی بخش پایانی مقاله است که نویسنده به منزلهٔ شاهد می‌آورد.

* دیوید. ا. بالدوین، «بررسیهای امنیت و پایان جنگ سرد»، ترجمهٔ علیرضا طیب، ماهنامه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۷۶ سال یازدهم، ش هفتم و هشتم، شمارهٔ

نویسنده به بررسی چهار اثر می‌پردازد: باز اندیشی امریکا؛ پس از جنگ سرد تا نظم نوین جهانی (آلیسون و تروورتون)، ایالات متحده و پایانی جنگ سرد؛ پیامدها، بازنگری‌ها، تحرکات (جان لوئیس گادیس)، پایان جنگ سرد؛ معنا و پیامدهای آن (مایکل هوگان)، بررسی‌های امنیت در دهۀ ۱۹۹۰ (شوتز، گادسون و گرین ورد). هدف مقاله فراهم ساختن مبنایی برای بازاندیشی در مورد نظریه‌ها، مفاهیم و مفروضاتی است که در دوران جنگ سرد در بررسی امنیت ملی ارایه شده است. هر چهار اثر یاد شده خواهان این بازبینی هستند.

* ح. قاسمی «برداشتهای متفاوت از امنیت ملی»، فصلنامه سیاست دفاعی، ۱۳۷۲،سال اول، شماره ۲، ص ۵۳ تا ۹۸.

در این مقاله تلاش می‌شودبرداشتهای متفاوت از امنیت ملی که هر یک زمینه‌ای برای ارایه یک گروه از تعاریف نزدیک به هم است تبیین شود. برای این منظور نویسنده ابتدا جنبه‌های داخلی و خارجی امنیت ملی را مورد توجه قرار می‌دهد و سپس برداشتهای مختلف از امنیت ملی را مطرح می‌نماید. بخشهای اصلی مقاله عبارتند از: برداشتهای رئالیستی از امنیت ملی، برداشتهای ایده‌آلیستی (یونیورسالیستی) از امنیت ملی، برداشتهای انترناسیونالیستی از امنیت ملی، تناسب هریک ازبرداشتها با وضع جامعه. تبیین برداشتهای مختلف از امنیت ملی می‌تواند طریقی برای فهم اختلافات مورد تعریف این مفهوم و تقسیم بندی تعاریف مختلف باشد.

* میزگرد «تأملی بر پارادوکسهای امنیت» با شرکت (دکتر یوسفی، دکتر افروغ و آقای ذاکری)، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، ش (۷ و ۶)، ص ۴، دو ماهنامه،

در این میز گردمسائلی چون، مفهوم امنیت، علت پارادوکسیکال بودن مفهوم امنیت، تهدیدهای امنیتی و چگونگی شناسایی آن، امنیت و ساختار نظام سیاسی، امنیت و قانون، امنیت و نهادهای امنیتی، امنیت و آزادیهای فردی و اجتماعی، و امنیت و جامعه مدنی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

* داوود محمّدی، «تحول مفهوم امنیت ملی در عصر نوین روابط بین الملل» روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۵، پنجم و ششم و هفتم اسفند ماه، ش م: ۹ ـ ۸ـ ۲۰۹۹۷،

نویسنده در صدد است ضمن آشنا کردن علّاقه‌مندان با تعاریف، ابعاد، ویژگیها و دیدگاههای مختلف در خصوص امنیت ملی، روند و نتایج تحول این مفهوم حیاتی را مورد بحث و بررسی قرار دهد و تصویری روشن از مفهوم نوین امنیت ملی مطابق با واقعیات حاکم بر نظام بین‌الملل ارایه دهد.

* اتان بی، کاپشتاین، «توسعه اقتصادی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۲۳۵ تا ۲۵۲.

این مقاله عامل امنیت ملی را در پیشرفت اقتصادی بررسی می‌کند. ارتباط میان اقتصاد و سیاستهای امنیت ملی در کشورهای جهان سوم از جمله موضوعات این نوشتار است. اختصاص منابع کم کشورهای جهان سوم برای مقابله با تهدیدات امنیت ملی خویش که نتیجه آن بر زمانبندی و سیر پیشرفت اقتصادی آنها تاثیر گذاشته است. از جمله موارد مورد بحث در این مقاله می‌باشد. کشورهای برزیل، امریکای لاتین، کره جنوبی مواردی هستند که در طول جنگ جهانی اول و دوم در مورد تأثیر امنیت ملی بر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. وارداتی و آمریکائی بودن ایدئولوژی امنیت ملی برای جهان سومی‌ها نیز بررسی شده است.

نتیجه اینکه رابطه میان امنیت ملی و توسعه اقتصادی امری فراتر از منافع مقطعی است.

* فرهاد درویشی سه تلانی، «تهدیدات امنیت ملی، یک چارچوب نظری»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۴، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱ ص ۱۴۱ تا ۱۶۲، فصلنامه،

هدف اصلی مقاله دستیابی به یک چارچوب نظری برای مطالعه تهدیدات امنیت‌ملی واحدهای سیاسی می‌باشد، بحث درباره تهدیدات ارتباط زیادی با مفهوم امنیت‌ملی دارد لذا نویسنده ابتدا تعریفی ازمفهوم امنیت ملی ارایه می‌دهد سپس به موضوع اصلی مقاله که الگوی مطالعه تهدیدات امنیتی است می پردازد. بخش های اصلی مقاله عبارتند

از: تعاریف و معانی تهدیدات، برداشت و سوء برداشت از تهدیدات، ماهیت تهدیدات (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و زیست محیطی)، منابع تهدیدات (تهدیدات داخلی و خارجی، دسته بندی تهدیدات).

* امانوئل سرکیسیان، «جامعه بشری و تصورات سنتی درباره امنیت ملی» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دورهٔ دوم، شماره (۱۳)، ص۲۸، فصلنامه. به نقل از «گزارش سمینار امنیت و سیاست خارجی در آسیای مرکزی» (به کمک سید رسول مولوی)

نویسنده عقیده دارد که تمام کشورهای منطقه آسیای مرکزی بزرگترین تهدید خود را کوششهای روسیه در راستای همگرایی در فضای سیاست اتحاد جماهیر شوروی می‌دانند. طبیعی است که در چنین اوضاع و احوالی تصویری از تهدیدات که مطابق با واقعیت باشد نمی‌توان انتظار داشت بویژه اینکه ارزیابی از تهدیدات واقعی امنیت، خود نیازمند به بازنگری است.

تصورات جامعه بشری در مورد عوامل تهدید امنیتی بطور سنتی با مجموعه‌ای از عوامل ویرانگر و مخرب همراه است از جمله عواملی که بعنوان تهدیدی شناخته شده برای امنیت تصور می‌شود فاجعه‌های متحمل فراگیر اکولوژی و تسلیحات انهدام جمعی می‌باشد بعلاوه موارد دیگری چون مهاجرت، مواد مخدر و درگیریهای قومی نیز از سوی جامعه بشری به مشابه عناصر تهدید معروف هستند.

* محمد رئوف، «دو راهبرد امنیتی، نشریه امنیت»، ۱۳۷۷، سال دوم، ش (۷و ۶)ص ۴۳، دو ماهنامه

نویسنده در این مقاله دو راهبرد برای تأمین امنیت که در جامعهٔ اسلامی مطرح است را توضیح می‌دهد.

الف) راهبرد نفی تنوع: مقابله با گفتگوهای سازنده و آزاد، محدود کردن جراید، نفی احزاب و... نویسنده عقیده دارد این راهبرد محکوم است زیرا هم از لحاظ نظری و هم با توجه به واقعیتهای بیرونی امیدی به تداوم حیات آن اصلاً وجود ندارد.

ب) راهبرد امنیتی: مبتنی بر پذیرش «تنوع و ایجاد فضای آزاد و گفتگوهای سازنده در چارچوب اصول و مبانی نظام اسلامی». نویسنده اظهار می‌دارد که این استراتژی ریشه در مبانی محکم فکری، فلسفی و منطقی اسلام دارد و از طرف دیگر با نگاهی واقعگرایانه به جهان خارج سعی دارد از طریق اعطای آزادی به مردم در چارچوب قانون به امنیت واقعی و پایدار در جامعه دست یابد.

* مقصود فراستخواه، «دین و امنیت به نقل از کتاب» توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور، (معاونت امنیتی و انتظامی) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۳۷۰

مقاله مذکور نکات زیر را مورد بحث و بررسی قرار داده است:
اول اینکه انسان با توجه به سرشت خویش، نیازمند امنیت و در جستجوی آن است.
دوم اینکه دین با ایمان تحقق می‌یابد و ایمان از ریشهٔ امن، و در واقع نوعی سازگاری روحی، روانی و ذهنی با کلیت هستی می‌باشد. البته برخی آنرا موجب نوعی ترس، وسواس، اضطراب، حساسیت و دلهره و نگرانی و در واقع استرس‌زا و منشأ نوعی افسردگی و اختلال شخصیت و از خود بیگانگی و آرامش ناشی از آنرا تخدیرآمیز می‌دانند. برخی دیگر برای کارکردهای (فونکسیون‌ها) ایمن بخشی دین، ارزشی عملی قائل شده‌اند. سوم اینکه از کاربرد کلمات در قرآن می‌توانیم به تأکید این کتاب آسمانی دربارهٔ امنیت روحی و معنوی و امنیت جان و مال و حیثیت افراد در جامعه و امنیت بین‌الملل پی ببریم.
چهارم اینکه از آیات و سوره‌های قرآن چنین استفاده می‌شود که در منظر قرآن «امنیت» و «توسعه» ارتباطی متقابل با هم دارند. و بالاخره اینکه در تمام ادیان توجه بسیاری به «امنیت عمومی» شده است.

* ناصر ثقفی عامری «رهیافت استراتژی ملی در محیط جدید بین‌المللی» به نقل از کتاب مجموعه مقالات استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس از دوران جنگ سرد، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، چ اوّل، دانشگاه امام حسین(ع)، پژوهشکده علوم استراتژیک و دفاعی)

بطور کلی استراتژی ملی برای جفظ و تأمین امنیت ملی طرح ریزی و در نظر گرفته می‌شود. اما این استراتژی در حال تغییر و تحول است، بطور کلی عوامل جهانی تأثیر گذار بر استراتژی ملی کشورها را در دوران جدید به شرح زیر می‌توان ذکر نمود:

۱ـ اهمیت یافتن اقتصادی در فرایند استراتژی ملی؛ ۲ـ کنترل تسلیحات پس ازجنگ سرد؛ ۳ـ دو روند متضاد قوم گرایی در داخل کشورها (دولت ـ ملتها) و اتحادیه گرائی در سطح منطقه‌ای؛ ۴ـ اهمیت یافتن بیش از پیش سازمان ملل متحد در جهت حفظ صلح و امنیت جهانی.

* سید علی قادری، مبانی سیاست خارجی در اسلام: مفهوم امنیت (۱)، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، ش ۲، ص ۱۹۳ تا ۲۱۶، فصلنامه.

مبانی سیاست خارجی و اسلام نام شش جلد کتاب است. یکی از آن کتب، مفهوم امنیت در اسلام است که نوشته حاضر بخشی از فصل اول آن کتاب است. این کتاب در حال تدوین می‌باشد. مقاله حاضر که بخشی از کتاب مفهوم امنیت در اسلام است به عوامل تهدید امنیت در حقوق بین الملل اشاره می‌کند و کل کتاب مفهوم و تعریف امنیت و عوامل تضمین و تهدید آن را از سه دیدگاه اسلام، حقوق بین‌المللی و علم روابط بین‌المللی مورد بحث قرار می‌دهد.

* سید علی قادری، «مبانی سیاست خارجی در اسلام: مفهوم امنیت (۲)»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، ش ۴، ص ۵۶۳ تا ۵۹۰، فصلنامه،

مفهوم امنیت در اسلام در بخش نخست این مقاله روشن شده است. در ادامه عوامل برهم زننده امنیت کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.از دیدگاه نویسنده این عوامل عبارتند از: بروز بحران سیاسی، سابقه تخاصم در میان دو کشور، الحاق سرزمین کشوری به کشور دیگر، انفصال قسمتی ازیک کشور و اعلام استقلال آن و دخالت در امور داخلی کشورها (تروریسم، استعمار نو و بر اندازی).

* محمدرضا تاجیک، «مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی» به نقل از کتاب

توسعه و امنیت عمومی، ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲ چ اول ص ۴۸

نویسنده در این مقاله به مباحثی چون، معمای امنیت و مبهم بودن مفهوم مزبور و علل آن و تبارشناسی مفهوم امنیت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که بازتاب تحولات مفهومی ورویکردی در عرصه امنیت ملی در ایران بعد از انقلاب اسلامی را به روشنی می‌توان در سه گفتمان «حفظ محور، رشد محور و بسط محور» مورد مطالعه قرار داد اما این به معنای حاکمیت مطلق گفتمانهای مذکور بر مقوله امنیت نیست. در پایان اظهار می‌دارد گفتمان «امنیت ملی» باید فراگیر و چند سویه باشد و این گفتمان باید در بر گیرنده موارد زیر باشد:

«ثبات و تغییرات، آرمانهاو تقاضاها، ارزشها و واقعیتها، تهدیدها و فرصتها، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها، فرد و اجتماع، اهداف، منابع و مصالح، محیط داخلی و خارجی، خودی و دیگری و...».

* باری بوزان، «مشکل امنیت ملی در جهان سوم»، واحد ترجمه، مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۲۵۳ تا ۲۸۲، فصلنامه.

مقاله حاضر به چگونگی تناوب ایده امنیت ملی درکشورهای جهان سوم می‌پردازد و شرایط امنیت ملی در جهان سوم را با شرایط امنیت ملی در غرب می‌سنجد. ادامه مقاله به برخی از مشکلات به کار بستن ایده امنیت ملی که عمدتاً غربی است، در کشورهای جهان سوم می‌پردازد و اینکه در قالب مفهوم امنیت ملی متناسب با وضعیت کشورهای قدرتمند که منشأ بیرونی دارندکماکان فضای زیادی برای بروز بحث و تضاد پیرامون نتایج و طرق اجرای ایده امنیت ملی وجود دارد را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که نوع مشکل امنیت ملی که برای کشورهای جهان سوم ایجاد می‌شود با کشورهای غربی متفاوت است. در پایان نویسنده برای بهبود دراز مدت شرایط امنیت ملی در جهان سوم اقداماتی را طرح می‌نماید.

اجتماعی، تهران، انتشارات بینش، ۱۳۷۵، ۳۵۴ص، ۵۰۰۰ نسخه، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۳۱۸

نویسنده دراین مقاله به بررسی «مفهوم امنیت، آسیب‌پذیری، امنیت ملی و بین‌المللی و سیاستهای امنیتی در دنیای جدید» می‌پردازد و آنها را مورد بحث و نقد قرار می‌دهد. نویسنده با طرح ساده‌ترین مفهوم امنیت یعنی (توان مقابله با تهدید) بحثهای خود را شروع می‌نماید. در بحث از آسیب‌پذیری «شناخت آسیب‌پذیری» را مهم تلقی می‌نماید و در بخش امنیت ملی و بین‌المللی، میزانی از عدم امنیت را محصول اجتناب‌ناپذیر ماهیت سیستم بین‌الملل می‌داند و مسئله توازن قوا و امنیت دسته جمعی را در تأمین امنیت ملی و بین‌المللی ناتوان می‌داند زیرا در امنیت دسته جمعی اولاً امنیت ملی نسبت به امنیت دسته جمعی اولویت دارد و ثانیاً احتمال سقوط و ظهور دولتی قدرتمند که بتواند موازنهٔ قوا و در نتیجه امنیت ملی و بین‌المللی را تهدید نماید، وجود دارد.

* عبدالحسین ذاکری، «مفهوم امنیت در عصر جدید»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم شماره چهارم، ص ۴، فصلنامه

نویسنده معتقد است هندسه معرفت‌شناسی و تغییرات تکنیکی دراجتماع دو عامل مهم در ایجاد نگرشی جدید به عالم و آدم می‌باشند. این نگرش جدید مفهوم امنیت را نیز دگرگون کرده است و توسل به خشونت و اعمال زور را به عنوان تنها راه تامین امنیت مورد تردید قرار داده است نویسنده ادعا می‌کند که در شرایط جدید و در این مفهوم جدید از امنیت، تنها راه خردمندانه و درست برای امنیت، مشارکت مردمی است، سپس نویسنده به بررسی تحولات ایجاد شده در مفهوم امنیت با توجه به عامل ذکر شده می‌پردازد و در پایان مشارکت مردمی را به عنوان عنصر اساسی ایجاد امنیت در عصر جدیدمعرفی می‌نماید.

* بهادر امینیان، «مفهوم امنیت ملی و تحولات آن»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۱، سال اول، شماره ۱، ص ۳ تا ۲۲، فصلنامه.

در این مقاله کوشش می‌شود تا ضمن تعریف مفهوم امنیت ملی و ویژگی های آن،

تحولات ایجاد شده در آن مفهوم به اختصار بررسی شود. برای این منظور ابتدا تعاریف گوناگونی از امنیت ملی ارایه شده و بررسی می‌گردد، آنگاه اوصاف این مفهوم طرح می‌شود. در بخش بعد عواملی که منجر به پیدایش تحول در مفهوم امنیت ملی شده‌اند و هم‌چنین تحولات ایجاد شده در آن بررسی می‌شود. بخش‌های اصلی مقاله عبارتند از: الف) تعاریف، ابعاد و خصوصیات امنیت ملی، ب) تحولات مفهوم امنیت ملی؛ ۱) عوامل تحول: تغییرات تکنولوژیک، تغییر سیستم بین‌المللی و تقسیم قدرت، محیط داخلی. ۲) تحولات: ابعاد اقتصادی، تحولات ناشی از تغییر در سیستم بین المللی، مسائل زیست محیطی.

* محمد فرجیها «نظامهای امنیتی توسعه نیافته و نظامهای امنیتی توسعه یافته»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره (۷و۶)، ص ۳، دو ماهنامه.

نویسنده در این نوشته به تفاوتهای اساسی میان دو نظام توسعه نیافته وتوسعه یافته اشاره می‌کند و در این زمینه حدود بیست تفاوت برمی‌شمارد. بعنوان نمونه: در نظامهای توسعه نیافته نیروهای انتظامی از نظام حاکم سرچشمه می‌گیرند و ابزاری برای بقاء و تأمین امنیت سیاسی حاکم هستند، در صورتیکه اقتدار نهادهای مسئول امنیت داخلی در نظامهای توسعه یافته از مردم ناشی می‌گردد و پلیس سازمانی است از مردم، با مردم و برای مردم.

* فرهاد درویشی سه تلانی، «نظریه‌ها و رهیافتهای امنیت ملی»، یک چارچوب پیشنهادی، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول. ش اول. ص ۲۳، فصلنامه.

مقاله حاضر در صدد آن است تا اولاً بر رهیافتها و نظریه‌های گوناگونی که تاکنون در زمینه امنیت ملی از جانب محققان طرح و یا ازجانب کشورهای کوچک و بزرگ بکار گرفته شده است مروری داشته باشدو ثانیاً با اشاره به پارامترها و عوامل مؤثر در سیاستگزاری امنیت ملی کشورها و خصوصاً کشورهای در حال توسعه، الگو و چارچوبی را ارایه نماید.

* سید مهدی سادات نژاد، «پایان جنگ سرد و تأثیر آن بر مفهوم امنیت ملی»، با

تأکید بر کشورهای جنوب ۹۴-۱۹۹۱، استاد راهنما: محمود سریع القلم، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۵، ۲۷۲ص

مطالب پایان نامه مزبور به قرار زیر است:

مقدمه؛ بخش اول: مفاهیم نظری در پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند و شامل دو فصل می‌باشد: در فصل اول به مفهوم امنیت ملی و تحولات آن، و در فصل دوم مفهوم جنگ سرد و پایان جنگ سرد پرداخته می‌شود.

بخش دوم نظام بین الملل و امنیت ملی در دوران جنگ سرد نام دارد که خود شامل دو فصل (عناوین سیستم دو قطبی و جایگاه کشورهای جهان سوم) و (اوضاع اقتصادی و نظامی جهان سوم در دوران جنگ سرد) می‌باشد.

بخش سوم نظام بین‌الملل و امنیت ملی بعد از جنگ سرد را توضیح می‌دهد که این بخش نیز دو فصل را در بر می‌گیرد در فصل اول پایان جنگ سرد و جایگاه کشورهای جنوب و در فصل دوم اوضاع اقتصادی و نظامی کشورهای جنوب بعد از جنگ سرد بررسی می‌شود. در پایان نیز نویسنده به نتیجه گیری می‌پردازد.

نویسنده بر آن است که فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، موجب تغییر مفهوم امنیت کشورهای جنوب گردیده که این تغییر در دو زمینه مشهود و بارز است:

اول اینکه تحولات موجب اولویت امنیت در سطح داخلی و سپس منطقه‌ای در نزد کشورهای جنوب گردید و دوم اینکه پایان جنگ سرد موجب گرایش کشورهای جهان به حوزه‌های غیر نظامی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) نسبت به حوزه‌های نظامی گردید. (توسعه در مفهوم امنیت ملی به وقوع پیوست و شامل هدفهای غیرنظامی گردید.)

* حسن شاه محمدی، «مفهوم امنیت ملی و تحولات جدید بین المللی»، استاد راهنما؛ محمود سریع القلم، دانشگاه امام صادق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۲، قطع رحلی، ۲۸۵ ص

رساله شامل یک پیشگفتار و یک مقدمه می‌باشد. بخش دوم از چهار فصل تشکیل شده است.

بخش اول با عنوان کلیات شامل دو فصل است؛ مفاهیم بنیانی، امنیت، ملت و دولت در فصل اول و تعارضات بین‌المللی و تعریف مفهوم امنیت ملی در فصل دوم بحث می‌شود. بخش دوم با عنوان «دیدگاهها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و حفظ امنیت» شامل چهار فصل می‌باشد،

عوامل، نیازها، جغرافیا، فرهنگ و ایدئولوژی؛ عوامل تکنولوژی، اقتصاد و قدرت نظامی، عوامل نظام بین‌الملل، تهدیدات و سیاست خارجی، تحولات جدید بین‌المللی و مفهوم امنیت ملی مطالب مورد بحث و بررسی در این چهار فصل می‌باشند.

سوال اصلی این تحقیق عبارتست از اینکه مفهوم امنیت ملی در دهه‌های پایانی قرن بیستم از چه محتوایی برخوردار بوده است ؟

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱) مفاهیم بنیانی امنیت ملی در نظام بین‌الملل اواخر قرن بیستم متحول شده‌است.

۲) کیفیت مطالعه امنیت ملی در دهه‌های پایانی قرن بیستم تغییر کرده است؛

۳) عوامل و شرایط بین‌المللی و اولویت بندی متغیرهای امنیت ملی دولت ـ کشورها تغییر کرده است.

نگارنده سعی می‌نماید به صورت تحلیلی ـ تاریخی به اثبات فرضیه‌های فوق بپردازد.

فصل دوم

بُعد اجتماعی

* هدایت‌الله ستوده «جامعه‌شناسی انحرافات» تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۶، ۲۴۷ص، ۶۰۰۰ نسخه، چ چهارم، ۸۰۰۰ ریال،

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر دو بخش و سیزده فصل است:

کتاب حاضر به دو بخش جداگانه و در عین حال به هم پیوسته تقسیم شده است بخش اول شامل تبیین و شناخت مسائل نظری دردهای اجتماعی است و بخش دوم به بررسی برخی از انواع آسیبهای اجتماعی می‌پردازد (سرقت، انحرافات جنسی، اعتیاد، طلاق و خودکشی). هر یک از آسیبهای اجتماعی مورد بررسی دقیق قرار گرفته و نمونه‌ها نیز ذکر می‌شود تا شناخت بهتری نسبت به مسائل و بیماریهای اجتماعی و عوارض ناشی از آن کسب گردد و در نهایت در هدایت و راهنمایی فرد و جامعه به خیر و صلاح موثر باشند.

* مسعود چلبی «جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی» تهران، نشرنی، ۱۳۷۵، ۳۵۸ ص ۳۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ۱۲۰۰۰ ریال،

کتاب فوق الذکر مشتمل بر یک مقدمه، چهار بخش و ده فصل می‌باشد و در بخش اول آن جامعه‌شناسی و نظم اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و شامل دو فصل است: فصل اول مسائل اساسی جامعه‌شناسی نظم در سطح خرد و کلان و فصل دوم نظم اجتماعی شامل تعریف نظم اجتماعی، سنخ‌شناسی نظم، نظم اجتماعی، اقتصادی،

در بخش دوم نظم کلان مورد مطالعه قرار می‌گیرد و دارای دو فصل است: ۱ـ تجزیه نظم اجتماعی: (فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد). ۲ـ ترکیب نظم اجتماعی: پاسداران نظم ـ حوزه نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قشربندی اجتماع و جامعه)

بحش سوم با عنوان اختلال اجتماعی به بررسی اختلالهای هنجاری، نمادی، رابطه‌ای و... در فصول خود می‌پردازد.

بخش چهارم، بهگشت اجتماعی نام دارد که در دو فصل به توضیح نظم پویا و خودمختار می‌پردازد.

نویسنده در فصل ششم اظهار می‌دارد: «در کشورهای در حال توسعه که در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی آسیب پذیرند، در وهله نخست تاکید باید روی اشتراکات عقلی و عاطفی با مراجعه به فصول مشترک ابعاد انسانی، مذهبی و ملی در سطح جامعه باشد بطوریکه هویت جامعه‌ای اکثر در راس سایر هویتهای جمعی قرار گیرد.»

و در پایان فصل دهم اضافه می‌نماید که نظم اجتماعی یا هدف بهگشت اجتماعی، استقرار نظم اجتماعی است که این نظم حداقل چهار صفت دارد:

الف) فراگیر ب) همدلانه ج) عادلانه د) پویا

* محمدحسن شهیدی، «موادمخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم» تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵، ۱۴۶ص، ۲۱۰۰ نسخه، چ اول، ۴۰۰۰ ریال.

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر پنج فصل، یک مقدمه و فهرست اعلام است:

در فصل یکم با عنوان ماده مخدر، معتاد و اعتیاد، نویسنده به بررسی و تعاریف و مصادیق موادمخدر می‌پردازد؛ فصل دوم: ماده مخدر و تاریخ نام دارد. نویسنده در این فصل تاریخچه اعتیاد در جهان و ایران را دردوره صفویه، قاجاریه، افشاریه و زندیه مورد بحث قرار می‌دهد؛ در فصل سوم: نویسنده جغرافیای کشت و کشورهایی که بیشترین تولیدات موادمخدر را دارند توضیح می‌دهد. فصل چهارم نیز تجارت موادمخدر، سازمان ملل و سیاستهای استعماری نامیده شده است.

نویسنده در فصل آخر کتاب، به رویکردهایی که در باب مواد مخدر و اعتیاد وجود دارد می‌پردازد و دو رویکرد که یکی علت اعتیاد را وجود شبکه قاچاق موادمخدر می‌داند و در نتیجه راه‌حل آنرا درکنترل و مبارزه با شبکه‌های قاچاق موادمخدر می‌یابد و رویکرد دیگری که علت را تقاضای مواد مخدر در داخل و راه حل را در خشکاندن تقاضای آن می‌داند، ناقص و ناکارآمد تلقی می‌نماید و عقیده دارد که مبارزه با ترک اعتیاد باید در تمام سطوح اعم از داخلی، منطقه‌ای و بین المللی، تقاضای شبکه‌های قاچاق و... صورت گیرد. در این راستا ضد ارزش بودن مواد مخدر و تبلیغات علیه آن نقش مهمتری دارند.

* نصرت علیمی، «امنیت اجتماعی و منبع آن»، مجله جامعه سالم، ۱۳۷۳، سال چهارم، شماره۱۹، ص ۲، ماهنامه،

مفهوم امنیت مستقیماً از مفهوم اختیار سرچشمه و مایه می‌گیرد:اینکه یک «مدیر» چه در سطح کلان و چه در سطح خرد چقدر اختیار دارد و چگونه این اختیار را بکار می‌برد نشانگر میزان امنیت اجتماعی اشخاصی است که تحت اداره او قرار می‌گیرند. قسمت اعظم مقاله به توضیح جمله بالا و رابطه مؤلفه‌های اختیار و امنیت اجتماعی اختصاص دارد. نویسنده در جای جای مقاله موارد و مصادیقی را بعنوان شاهد ذکر می‌کند در پایان نویسنده اظهار می‌دارد عدم رعایت قانون اساسی بیش از پیش امنیت اجتماعی مردم را متزلزل می‌کند.

* ژان گلیزال، «امنیت، پلیس و جرم» ترجمه علی اوسط جاویدزاده، نشریه امنیت، ۱۳۷۶ سال اول شماره سوم، ص ۳۲، فصلنامه

در قسمت اول مقاله، نویسنده به توضیح اصطلاح «امنیت» و ابهامات موجود در آن مفهوم می‌پردازد. آنگاه ساختار امنیت و زمینه‌های ساختار امنیت را بررسی می‌کند. در قسمت پایانی مقاله، قانون پاسکوا (قانونی که در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ در فرانسه به تصویب رسید) و تأثیرات آن در زمینه امنیت در جامعه فرانسه را بررسی می‌کند. نویسنده در

تحولات را با توجه به مفهوم امنیت می‌توان توضیح داد. مقاله هم شامل مباحث نظری و هم موضوعات عملی و کاربردی می‌شود.

* توماس ژیلی، «امنیت داخلی مفهومی در حال تحول» مترجم: امیر حسین کردوانی، نشریهٔ امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره ۶و۷، ص ۶۹، دو ماهنامه.

نویسنده عقیده دارد که مفهوم امنیت در دههٔ اخیر دچار تغییر و تحول گردیده است. امنیت داخلی به تدریج از قلمرو مربوط به جرم به سوی قلمرو مربوط به انحراف حتی انحراف بالقوه گسترش پیدا کرده است و جنبه حقوقی و کیفری یافته است. از طرف دیگر سیاست جنایی، مسیر خود را از پاسخ‌ها و واکنشهای دولتی که در برابر پدیده مجرمانه روی داده است، تغییر داده و به پاسخهایی اجتماعی و مردمی که طبیعت پیشگیرانه دارد، اهمیت می‌دهد.

* سلطان محمد اعتماد، «امنیت و ثبات اجتماعی در برنامه‌های آمایش سرزمین، ایجاد قطبهای جدید اقتصادی و سیاستهای جابجا جمعیت»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج دوم، چ اول، ص ۸،

در این مقاله نویسنده ابتدا به تعریف و تبیین مفاهیم نظریه «امنیت و ثبات اجتماعی» می‌پردازد و سپس سعی می‌نماید با اشاره به مفهوم و اهداف طرح «آمایش سرزمین در ایران،» موضوع ایجاد قطبهای اقتصادی و شهرهای جدید را توضیح دهد. در این رابطه به علل ایجاد این مراکز و سیاستهای هدایت جابجایی جمعیت با توجه به آمار و ارقام موجود، می‌پردازد. و در نهایت به مسئله امنیت و ثبات اجتماعی در شهرهای جدید و قطبهای نوین اقتصادی اشاره شده و توصیه‌ای نیز ارایه گردیده است. نویسنده با شمردن برخی از عواملی که موجب تأمین و ثبات اجتماعی، از طریق ایجاد قطبهای جدید اقتصادی می‌گردد، توصیه‌های زیر را می‌نماید: ۱) اولویت اسکان برای شهروندانی که در شهرهای جدید شاغل می‌باشند. ۲) برخورداری از بیمه‌های اجتماعی.۳) مشارکت شهروندان در امور شهر.۴) انتقال سربازخانه‌ها و تأسیسات نظامی از درون شهر و

پیرامون آنها به مناطق استراتژیک کشور، جهت فراهم نمودن امنیت و حفاظت شهروندان در برابر عملیات نظامی دشمن.

* بهزاد رضوی فرد، «امنیت و ناامنی در پرتو عملکرد مطبوعات»، اندیشه حقوقی، ۱۳۷۷ش، ۳و۲، دو فصلنامه.

نویسنده با توجه به نقش مطبوعات در ایجاد امنیت و عدم امنیت بر آن است که اولاً مطبوعات می‌توانند موجب ایجاد ناامنی و القای ترس و روحیه عدم اعتماد میان مردم شده و ثانیاً ممکن است مخاطب را به طرف ارتکاب جرمهای سیاسی ـ اقتصادی و ضدامنیت اجتماعی سوق دهد. در این نوشتار نویسنده با بررسی ساختار سیاست جنایی – مطبوعاتی به بررسی عقبه‌های هدایت‌گری و انحراف مطبوعات در ایجاد «امنیت یا ناامنی» در جامعه می‌پردازد، در قسمت اول نویسنده به تعریف مفاهیم کلی چون «امنیت»، مطبوعات و... می‌پردازد و در قسمت بعدی سیاست جنائی – مطبوعاتی و... را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

* قربان حسینی، «امنیت و نیروی انتظامی»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول، شماره دوم، ص ۳۰، فصلنامه

در این مقاله نویسنده ابتدا مفهوم امنیت را توضیح می‌دهد. سپس جایگاه و نقش وزارت کشور و نیروی انتظامی را بعنوان نهادهایی که در بعد اجرایی مسوول امنیت داخلی است مورد بررسی قرار می‌دهد. موضوع اصلی مقاله بررسی ارتباط نیروی انتظامی و امنیت عمومی جامعه است. در پایان مقاله نیز نمونه‌هایی از مباحث مدیریت علمی پلیس ذکر می‌شود.

* نسیم سلوکیان، «بررسی تأثیر امنیت روانی بر رفتار عاطفی جوانان» به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص یک جلد، چ اول، ص ۲۰۹

نویسنده اظهار می‌دارد که «ارتقای فرهنگی جوانان موجب افزایش امنیت اجتماعی

و امنیت اجتماعی نیز به سهم خود موجب افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی خواهد شد. این ارتقای فرهنگی جوانان را می‌توان با ارتقای سطح دانش علمی، استفاده از رسانه‌های گروهی اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، آموزشهای مناسب و... تأمین کرد. از طرف دیگر وجود امنیت، سلامت توسعه در کلیه ابعاددیگر را تضمین می‌نماید و از طرف دیگر آموزش جوانان می‌تواندبا استفاده از شیوه‌هایی چون: ارتقای سطح آگاهی جوانان نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تاریخی کشور، توجه جوانان به مسائل و احکام اسلامی، پیدا کردن حس مسئولیت و... انجام گیرد.

* داود سلیمانی، «بررسی رابطه ایمان، عدالت و توسعه اقتصادی و امنیت اجتماعی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور، (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۳۶۲

نویسنده عقیده دارد که: ۱) ایمان به خداوند و استقرار نظام اجتماعی بر محور عدل، زمینه امنیت فردی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. ۲) حاکمیت عدالت از طرفی موجب توسعه اقتصادی می‌گردد و از سوی دیگر، موجب اقتدار دولت و حکومت و تداوم آن می‌گردد (امنیت نظام) و بالاخره اینکه ۳) شکر نعمت و تحقق نظام عدل و روابط عادلانه در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، موجب حاکمیت «امنیت اجتماعی» می‌شود.

* محمد ملیونی و مهدی نارجیلی، بزرگراههای اطلاعاتی و چالشهای امنیتی به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین ملحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی ـ انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ج، ج ۲، چ اول، ص ۳۹۲.

نویسنده باگذری بر تحولات پایان قرن بیستم در حوزه ارتباطات، تاریخ ارتباطات، شبکه ارتباطاتی جهان بویژه اینترنت و توانایی و گستردگی و تنوع حوزه‌های «سیاسی، هنری، اقتصادی» امپریالیسم ارتباطی و روابط بین‌المللی در عصر ارتباطات و معضلات امنیتی بزرگراههای اطلاعاتی را در سه حوزه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد:
۱) دولت و حاکمیت فرارسانه‌ای (رویاویی با تشکلهای مخالف نظام، آزاد سازی در

عرصه ارتباطات رسانه‌ای، جنگ در فضای ارتباطات رسانه‌ای، جنگ در فضای ارتباطات و...)

۲) فرهنگ عمومی و فرارسانه: (تحول در روابط اجتماعی - تهاجم فرهنگی)

۳) جرائم جنایی و فرارسانه: (گسترش فساد و فحشا) و دیگر معضلات امنیتی چون (تروریسم در بزرگراهها، مواد مخدر و مافیا در بزرگراهها، تبهکاری در بزرگراهها)

نویسنده در قسمت آخر مقاله مبحثی تحت عنوان «راهبردی در برد بزرگراهها» کارکرد انقلاب ارتباطات در دستگاههای انتظامی و امنیتی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و راه‌کارهایی را برای حل این معضلات پیشنهاد می‌نماید.

* غلامرضا صدیق اورعی، «تأثیر عوامل ساختاری بر پدیدهٔ امنیت و یا ناامنی اجتماعی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی - اداره کل امنیتی)، ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۱۳۱

این مقاله در صدد توضیح و تبیین «تأثیر عوامل ساختاری بر پدیده امنیت و ناامنی اجتماعی» است. در ابتدا سعی گردیده مفهوم امنیت و امنیت اجتماعی و سطوح گوناگون، آن روشن شود و سپس به عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه جامعه شناختی اشاره شود. بعلاوه به امنیت و ناامنی ملت، از جانب عوامل سطوح کلان و میانهٔ داخلی اشاراتی شده و امنیت و نا امنی، نظام سیاسی و نهادهای حکومت و سازمانهای مربوط به آن مانند «دولت و مجلس» از جانب عوامل سطح کلان و سطح میانه داخلی، مورد بحث و بررسی قرارگرفته است.

* میزگرد «تأملی بر پارادوکسهای امنیت» با شرکت (دکتر یوسفی، دکتر افروغ و آقای ذاکری)، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، ش (۷و۶)، ص ۴، دو ماهنامه

در این میزگرد مسائلی چون مفهوم امنیت، علت پارادوکسیکال بودن مفهوم امنیت، تهدیدهای امنیتی و چگونگی شناسایی آن، امنیت و ساختار نظام سیاسی، امنیت و قانون، امنیت و نهادهای امنیتی، امنیت و آزادیهای فردی و اجتماعی و امنیت و جامعه ... قرار گرفته است.

* بهرام سرمست «تشدید کثرت گرایی فرهنگی - قومی در شرایط نوین جهانی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیت و انتظامی) ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ج، ج ۲، چ اول، ص ۲۰۷،

به نظر می‌رسد در وضعیت کنونی، کثرت گرائی فرهنگی - قومی به سبب وقوع و وجود برخی تحولات و متغیرهای عهده در درون نظامهای سیاسی در حال تشدید می‌باشد. اهم این موارد را می‌توان به صورت ذیل خلاصه و تشریح نمود:

۱) فروپاشی شوروی سابق و داعیه نظم نوین جهانی: که نویسنده عقیده دارد فروپاشی شوروی و آغاز نظم نوین جهانی خود موجب بروز و حیات دوبارهٔ قومیتها گردیده است. ۲) توسعه و تکوین حمایت بین المللی از حقوق اقلیت. ۳) رویکرد «پست‌مدرنیسم» به تحول «پارادایم مدرنیسم» نویسنده اظهار می‌دارد که رونق چنین رویکردی می‌تواند پشتوانه نیروهای گریز از مرکز و در عین حال عاملی بازدارنده در اقدامات سرکوبگرانه سیستم تمرکزگرا و کلیت‌گرا در فرایند مشارکت سیاست تلقی گردد. سیستم‌هایی که به این تحول در حال تسری و انتشار در سطح جهانی بی‌توجه باشند، قطعاً از عوارض خشونتهای مدنی و قومی در امان نخواهند ماند و بدین ترتیب زمینه ای امنیت ملی چنین کشورهایی هموار نخواهد شد که به تبع آن کشور ما ایران نیز بنا به تعدد فرهنگی و قومی خود، در معرض چنین تهدیدهایی خواهد بود.

* محمد زاهدی، «توسعه و امنیت عمومی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چ اول، ص ۴۷۵،

نویسنده اظهار می‌دارد که «توسعه و امنیت» لازم و ملزوم یکدیگرند نه در صورت عدم تأمین شرایط امنیتی و اجتماعی می‌توان در انتظار به ثمر نشستن و حتی پاگرفتن نهاد توسعه بود و نه جامعه‌ای توسعه یافته، می‌تواند ناامنی و بی‌ثباتی را تحمل کند، توسعه به تقویت مبانی امنیتی جامعه خواهد انجامید.

* عماد افروغ، «جایگاه شوراها در امنیت ملی»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول، شماره سوم، ص ۱۳، فصلنامه،

موضوعات و محورهای اصلی مقاله عبارتند از: مروری بر مسیر تاریخی و معنایی مفهوم امنیت ملی، جایگاه و اهمیت مشارکت اجتماعی در دستیابی به امنیتی پایدار و جامع و توضیح نقش شوراها به عنوان بخش ابعاد سه گانه مشارکت (تصمیم‌گیری، مشارکت و اجرا) و در نتیجه نقش شوراها در امنیت ملی.

* شهلا کاظمی‌پور، «جمعیت و امنیت ملی»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت ملی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۴، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج دوم، چ اول، ص ۷۴، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
نویسنده در وهله نخست به مباحث نظری چون، تعریف مفهوم امنیت، اهداف امنیت ملی و امنیت عمومی می‌پردازد و در بخشی نیز عامل جمعیت را در پرتو مسائل مربوط به آن و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر آن بویژه بیکاری و عدم اشتغال مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. بیکاری، رشد سریع جمعیت و عدم رشد همزمان اقتصادی با آن، ترکیب سنی و جنسی جمعیت، توزیع نامتناسب جمعیت در مناطق مختلف جمعیت و.... از مباحث مهم در باب امنیت و ثبات سیاسی جامعه می‌باشد. متغیرهای فوق‌الذکر در صورتیکه حالت ترکیبی یابند می‌توانند به عوامل عمدهٔ تهدید کننده امنیت تبدیل گردند.

* شارل پاسکوا، «چشم اندازهایی برای پلیسهای پیشرفته»، مترجم: روح الدین کرد علی وند، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره چهارم، ص ۳۲، کتابخانه، فصلنامه،
نویسنده در این مقاله تلاش می‌کند تا مسائلی چون: تحولات قابل پیش بینی شکل‌های نا امنی، روابط بین تهدیدات داخلی و خارجی و چگونگی تحول این روابط، تقاضای مردم از امنیت و چگونگی سازماندهی عرضه امنیت را توضیح دهد.
اکثر مطالب مقاله بحثهای نظری می‌باشد وکمتر به مباحث کاربردی اشاره شده است. همچنین در این مقاله، نقش پلیس در ایجاد امنیت مورد توجه قرار گرفته است.

* صدیق شهرستانی، «حاشیه نشینی و امنیت»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، ص ۱۶، سال

در این مقاله نویسنده به طرح موضوع ارتباط حاشیه‌نشینی و امنیت می‌پردازد. ابتدا فرایند حاشیه نشینی توضیح داده می‌شود و سپس شرح و تحلیل ویژگیهای حاشیه نشینان و چگونگی ارتباط این ویژگیها با ثبات و عدم ثبات اجتماعی و تهدیدهای ناشی از حاشیه نشینی برای امنیت عمومی می‌آید. در پایان نویسنده عوامل تشدید کننده بی‌نظمی و ناامنی را ذکر می‌کند. در این مقاله بیشتر امنیت عمومی و ثبات اجتماعی مورد نظر نویسنده است.

* ایوو اتاویو، «حفظ نظم عمومی»، مترجم: علی اوسط جاویدزاده، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، ش ۷ و ۶، ص ۴۹، دو ماهنامه

اعتراض اجتماعی پدیده متنوع و مختلفی است که در سالهای اخیر دچار تغییر و تحول بنیادین شده است و بر نظم عمومی و امنیت اشخاص و اموال، تأثیر و پیامدهای زیادی داشته است. برای پاسخگویی به این تحولات، دولت باید نیروی انتظامی و چارچوب حقوقی آن را روزآمد کند تا عمل نهادهای دموکراسی و تضمین حقوق و آزادیهای شهروندان ممکن گردد. نویسنده عقیده دارد که راه‌حلها و راهکارها باید نه تنها به وسیله متخصصین حفظ نظم عمومی، بلکه به وسیله کلیه کسانی که می‌توانند در این زمینه کمک کنند، جستجو شود و اضافه می‌نماید که ما در آینده با بی‌نظمی‌های اجتماعی روبرو خواهیم شد، پس باید ابزارهای دقیق، مناسب و روزآمد حفظ نظم عمومی را بکارگرفت و در این مورد دقت بیشتری نمود تا از بکارگیری نیروهایی که از انرژی نامناسب سنتی و قدیمی استفاده می‌کنند جلوگیری شود.

* محمدرضا عامری سیاهمویی، «خشونت شهری، بررسی نتایج فعالیتهای کمیته مطالعات خشونت شهری در فرانسه (۱۹۹۸)»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره (۷ و ۶)، ص ۳۶، دو ماهنامه،

رشد شهرها طی سالهای گذشته دو اثر عمده داشته است: اول اینکه باعث پیدایش محله‌ها یا مناطق شهری که محروم از خدمات عمومی مطلوب و تراکم زیاد جمعیت می‌باشند شده است و دیگر اینکه موجب افزایش میزان بزهکاری شده است. رشد

بی‌رویه شهر موجب افزایش «خشونتهای شهری» گردیده است، خشونتهایی که خسارات و پیامدهای زیادی به همراه داشته است و به طور معمول خود را در قالب «بی‌نظمی‌های اجتماعی» نمایان می‌کند. بسیاری بر این عقیده‌اند که «خشونت» تنها راهی است که گروههای «فاقد قدرت و توان مالی» جهت رسانیدن خواسته‌هایشان به گوش مسئولان از آن استفاده می‌کنند. بطور طبیعی این نوع خشونتها برای مردم غیر قابل تحمل شده و نظم و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند.

نویسنده در پایان راهبردهایی را برای حل مشکلات «خشونت شهری» پیشنهاد می‌کند.

* مجید محمدی، «رسانه‌ها و مقتضیات امنیت اجتماعی»، مجله جامعه سالم، ۱۳۷۳، سال چهارم. شماره ۱۷، ص ۲، ماهنامه.

نویسنده ابتدا به تعریف امنیت اجتماعی می‌پردازد. سپس عوامل تعیین کننده در محافظت یا نقض حریم امنیت اجتماعی افراد را بر می‌شمرد: قانون، رژیم سیاسی، نحوه رفتار نیروهای نظامی، انتظامی یا امنیتی و چگونگی عملکرد رسانه‌ها. از میان این عوامل نویسنده به بررسی چگونگی عملکرد رسانه‌ها در امنیت اجتماعی می‌پردازد. ایدئولوژی و خشونت ازجمله مواردی است که نویسنده به بررسی آنها می‌پردازد. به عبارت دیگر مسئله نحوه برخورد رسانه‌ها با امنیت اجتماعی با توجه به ایدئولوژی و خشونت توضیح داده می‌شود.

* ابراهیم رزاقی، «مدیریت توسعه و امنیت اجتماعی»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اوّل، شماره سوم، ص ۱۹، فصلنامه

نویسنده ابتدا به شرح مفهوم امنیت و سطوح مختلف آن می‌پردازد و چنین توضیح می‌دهد که لازمه امنیت داخلی و خارجی مشارکت مردمی است. نگارنده از همین جا وارد بحث توسعه می‌شود و مفهوم توسعه و انواع آن را توضیح می‌دهد. نویسنده معتقد است توسعه فرهنگی و فرهنگ عاملی بسیار مهم در تن دادن به نظم اجتماعی
... ایجاد شده از ۱۲۹۹ در ایران

می‌پردازد و معتقد است که این توسعه ناموزون باعث بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و امنیتی در جامعه ایران شده بود. توسعه همگن متضمن دو رویکرد است: سخت‌افزاری و نرم‌افزاری. در این مقاله به اهمیت اندیشه و بحث مدیریت اندیشه تاکید شده است.

* محمد فرجیها، «مشارکت جامعه مدنی در تأمین امنیت عمومی»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول، شماره سوم، ص ۵، فصلنامه

ادعای اصلی نویسنده در این نوشتار آن است که سیاست جنایی دولت به تنهایی و بدون توجه و توسل به اعتماد و مشارکت مردم، قادر به کنترل جرم و تأمین امنیت مطلوب در جامعه نخواهد بود. برای تقویت مشارکت مردم لازم است مردم از فعالیتها و حدود وظایف دستگاههای امنیتی و انتظامی آگاه باشند و ساختار نهادهای امنیتی با توجه به تحولات و نیازهای جامعه اصلاح شود.

* عباس عبدی، «مطبوعات و مقتضیات امنیت ملی)، مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات" وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها)، ۱۳۷۱، ۴۲۲ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ص ۱۱۴

نویسنده عقیده دارد که رابطه میان مطبوعات و امنیت ملی از دیدگاه سلبی بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، به عبارت بهتر نقش تخریبی مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی بر امنیت ملی، بیشتر در معرض گفتگو بوده است. این یکسونگری زمینه مساعدی شده است تا دولتها بتوانند با تمسک به نتایج چنین بخشی مانع از گسترش و توسعه آزادیهای اساسی بخصوص در عرصه وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات گردند. یکی از دلایل مهم این یکسونگری تفاوت در تعریف و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن است، بر حسب اینکه فرد چه نوع برداشت و تصوری از امنیت داشته باشد، تأثیر رسانه‌های جمعی را بر آن متفاوت ارزیابی می‌نماید. علت دیگر در تأثیر بی‌واسطه و قابل توجه مطبوعات، در به خطر انداختن امنیت ملی است که باعث می‌شود کمتر به جنبه ایجابی مطبوعات بر امنیت ملی پرداخته شود.

* علی ساعی، «نظم اجتماعی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۸۶

در این مقاله نظم اجتماعی در دو سطح خرد و کلان مورد تحلیل قرار گرفته است. در سطح خرد، رفتارهای فردی در چارچوب الگوهای عمل و نیز انواع نظم اجتماعی بررسی گردیده، که در طی آن به «دیگران مهم»، «هنجارها»، «الزامات اجتماعی نهادینه»، «نظم درونی» و «نظم سیاسی (برونی)» پرداخته شده است. در سطح کلان، نهادهای اجتماعی، وارتباط متقابل آنها و کارکرد این نهادها در چارچوب ضرورتها و انتظارات اجتماعی تحلیل گردیده است. در سطح کلان نظم اجتماعی زمانی برقرار می‌گردد که نهادهای اجتماعی در حد وظایف محول و متناسب با نیازهای اجتماعی کارکرد داشته باشند. در این نوشتار منابع برقراری نظم اجتماعی یعنی (سنت‌ها، استبداد فردی و قانون) مورد بررسی قرار گرفته است. در بحث پایانی، عوامل مؤثر بر «آسیب‌پذیری نظم اجتماعی» در دو سطح خرد و کلان بیان گردیده است. در سطح خرد، شکاف میان اخلاق نظری و عملی، کثرت قانون و... و در سطح کلان، تعارض ساختاری و وجود نهادهای چند نقشی و جابجا در نقشهای نهادهای اجتماعی و... به عنوان عوامل «کاهش نظم اجتماعی» تحلیل شده است.

* غلامرضا خوشرو، «نظم، اختیار فرد و اجبار جامعه» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی)، ۱۳۷۶، ۴۱۷ ص، ج ۲، چ اول، ج اول ص ۱۳۱

نویسنده با گذری کوتاه بر تفاوتهای جوامع سنتی و مدرن امروزی و مسائل و مشکلات امنیتی جوامع مدرن دو رویکرد را در باب امنیت جوامع یعنی رویکرد عقلانی و ارزشی هنجارگرا» مورد بحث و بررسی قرار داده است و نتیجه می‌گیرد که مسئله نظم، ترکیبی پیچیده از رابطه فرد و جمع، ارزش و عقل، نفع خصوصی و عمومی است. این معضل را نمی‌توان تنها با تأکید یکسویه بر یکی از وجوه آن حل کرد زیرا که زمینه‌های

می‌گذارند. به عبارت دیگر نمی‌توان فرد را یکسره عامل نظم یا بی‌نظمی قلمداد کرد. نویسنده در پایان برخی از اصول و مبانی که لازمه استقرار و دوام نظم می‌باشند را برمی‌شمرد.

* علی محمد حاضری، «نظم و امنیت از دیدگاه امام خمینی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور، (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی)، ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، جلداول، چ اول، ص ۶۳

نویسنده در مقاله مذکور در صدد پاسخگویی به دو سوال مهم است: چه نظمی را بایدپاس داشت؟ امنیت چه کسانی یا چه نظمی را باید حفظ نمود؟ رویکرد امام(ره) به مسأله نظم و امنیت اجتماعی، نگاهی کلان نگر و تعمیقی است و در مواجهه با بی‌نظمی، اسیر ظواهر نظم نمی‌شود و هر نظمی را طلب نمی‌کند. همچنین امام(ره) بی‌اعتنا به عوامل و زمینه‌های ساختاری و فرهنگی جرم ساز، به مجازات مجرمین بسنده نمی‌کند و بر این اساس می‌توان گفت در منطق امام(ره)، در جامعه‌ای که بشدت نامتعادل است و اختلافات طبقاتی در آن چشمگیر است، نمی‌توان انتظار داشت امنیت اغنیا محفوظ بماند. بطور خلاصه در جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی چشمگیر است و عدالت اجتماعی وجود ندارد، نمی‌توان انتظار داشت نظم و امنیت اجتماعی جاری و ساری می‌گردد.

* اوگلیزا، «نگرش بزه دیدگاه به پلیس» مترجم: علی اوسط جاویدزاده «نشریه امنیت» ۱۳۷۷، سال دوم، شماره ۷ و ۶، ص ۷۴، دو ماهنامه،

در فرایند عدالت کیفری، «پلیس» در بررسی کارکرد کلی دادگستری دارای نقش مهمی است زیرا پلیس در آغاز و انجام مجازات شرکت دارد. نظرسنجی‌های بین المللی بزه دیدگی در سالهای (۴ـ۱۹۹۲ ـ ۱۹۸۹) در میان چهل کشور توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار اقتصادی به عمل آمد که اطلاعات بسیاری در مورد پلیس، مجازات و عملکرد آنها در اختیار ما قرار می‌دهد. بر پایه برخی شاخصهای نظرسنجی، پلیس کشورهای صنعتی و توسعه یافته، مثبت عمل کرده است و مردم نسبت

به آن ابراز خرسندی کرده‌اند، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه و گذار اقتصادی، عملکرد پلیس منفی ارزیابی شده است. نویسنده در پایان اظهار می‌دارد که پلیس باید خود را برای پیشبرد و بهبود اهداف زیر متمرکز سازد ۱) کاهش میزان بـزه دیـدگی ۲) بهبود و توسعه امنیت ۳) از بین بردن احساس ناامنی در مردم ۴) تقویت و جلب اعتماد مردم به نیروی انتظامی و پیشگیری از بروز مشکلات نظم عمومی. این ارزیابی بـدون تردید در مهار جرم و توسعه عدالت اجتماعی به وسیله پلیس، تأثیری مـثبت خـواهـد داشت.

فصل سوم

بُعد اقتصادی

* کرافورد گودوین، «اقتصاد و امنیت ملی»، تاریخچه‌ای از تأثیر متقابل، بـه نـقل از «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی» کتابخانه دانشکده اطلاعات (تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۲۰۰۰ نسخه، چ اول، ۶۵۰۰ ریال، ص ۱۳۱)

کتاب فوق الذکر مشتمل بر چهارده عنوان است: در فصل اول با عنوان نگرش دیرینه به مسئله اقتصاد و امنیت می‌گوید: در زمانهای قدیم کشاورزی زیربنای اقتصاد به شمار مـی‌رفت و بـراسـاس آن زنـدگی شـهری، قـدرت امـپراطـوری، نـاسیونالیسم و حـتی سرمایه‌داری شکل گرفت. در فصل دوم با عنوان «امنیت ملی در اقتصاد سیاسی دیرینه» آمده، اقتصاد سیاسی پیشینیان براساس جنگ استوار بود، اقتصاددانان عهد قدیم ناچار می‌بایست به مسأله جنگ پرداخته و آنرا در چارچوب «سود و زیان» بررسی می‌کردند. فصل سوم اقتصاد دفاعی در اقتصاد انگلیس از سال (۱۹۱۴ ـ ۱۸۴۸) را بررسی می‌کند. طی سالهای مذکور اقتصاددانان مطالبی را در ارتباط با اقتصاد دفاعی عنوان نـمودند و پیشرفتهایی صورت گرفت. فصل چهارم «اقتصاددانـان انگـلیسی و آمـریکائی و انـجام تلاشهایی بمنظور درک واقعی ماهیت جنگ» نام دارد. در فصل پنجم با عنوان جـنگ، صلح و امنیت ملی چنین بیان گردیده که صحیح نیست بگوییم اقتصاددانان در طول قرون گذشته بطورکلی از جنگ غافل بودند. در این فصل تجزیه و تـحلیل «تـورشتاین فـبلن» اقتصاددان آلمانی در مورد جنگ، صلح و امنیت ملی که همزمان با جـنگ جـهانی اول می‌زیست، مورد بررسی قرار گرفته است. فصل ششم بـه «تـحقیقات پـاره‌تو در مـورد

جنگ و امنیت ملی اختصاص یافته است.» نویسنده به توضیح در زمینه تحقیقات جامعه شناختی و تجزیه و تحلیلهایی که پاره‌تو از جنگ جهانی اول بعمل آورده بود، می‌پردازد. فصل هفتم با عنوان «از اقتصاد رفاهی تا اقتصاد جنگ» بر مطالعه اقتصاد جنگ تأکید دارد. فصل هشتم «اقتصاددانان و تحولات صلح‌آمیز دهه ۳۰» به کنفرانس اقتصاد جهانی در سال ۱۹۳۳ اشاره دارد. فصل نهم اقتصاد سیاسی آدولف هیتلر (قدرت و عقیده) مورد بررسی قرارگرفته است. فصل دهم «مارکسیست و اقتصاد دفاعی شوروی» از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۲۷ را مطالعه می‌کند. فصل یازدهم «وقتی بازیهای جنگ مرگبار می‌شود» به بررسی نظریهٔ بازیها پرداخته و توضیح می‌دهد که در یک بازی باید دید طرفین بازی چه‌کارهایی باید انجام دهند تا منافع بیشتری عایدشان گردد. فصل دوازدهم بازی عروسکی نام دارد. فصل سیزدهم جنگ بعنوان یک شکل اقتصادی ساده مورد بحث قرارگرفته است و بالاخره در فصل چهاردهم با عنوان «اقتصادهای دوم توسعه و سیاست امنیت ملی» توضیح می‌دهد که جنگ مشکلات اقتصادی بسیاری را به وجود می‌آورد، اما این مشکلات نمی‌توانند اقتصاددانان را به‌سمت خود جلب کنند.

* ریچارد بارت، «آثار امنیتی رشد کند و ناموزون»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۶۶ سال اول، شماره نهم، ص ۱۶ تا ۹۸، ماهنامه.

نویسنده عمدتاً به آثار امنیتی رشد ناموزون اقتصادی می‌پردازد. از نظر نویسنده رشد ناموزون از سه نظر دارای نتایج امنیتی مهمی است: ۱) برای کشورهای غربی نتایج استراتژیک مهمی دارد، ۲) تعادل غرب و شرق، ۳) و برای روابط بین کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته. در قسمتی دیگر از مقاله، نویسنده به رشد کند در شوروی و اروپای شرقی و نتایج امنیتی آن می‌پردازد. مقاله بیشتر به مباحث علمی و کاربردی توجه دارد تا مباحث تئوریک و نظری.

* سیداحمد میر مطهری، «امنیت اقتصادی»، مجله صنعت روز، ۱۳۷۳، سال سوم، شماره ۲۷، ص ۱۶، ماهنامه.

مقاله عمدتاً در مورد مفهوم امنیت اقتصادی و مشخصه‌های آن می‌باشد. نویسنده

پس از بیان تعریف دولت، تلاش می‌کند مفهوم امنیت اقتصادی را توضیح دهد. سپس به بیان مشخصه‌های اصلی امنیت اقتصادی می‌پردازد. برخی مشخصه‌های امنیت اقتصادی که در این مقاله توضیح داده شده‌اند عبارتند از: احترام به مالکیت؛ وجود قوانین روشن و غیرقابل تفسیر، وجود عدالت. در قسمت پایانی مقاله نویسنده برخی از عواملی که در زمینه سنجش ریسک در سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران موثرند را ذکر می‌نماید.

* امنیت اقتصادی، مبرم‌ترین پیش‌نیاز توسعه (میزگرد با حضور ۵ تن از نمایندگان مجلس)، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره دهم، ص ۶۹ تا ۸۴، دو ماهنامه،

اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، ضرورت نگاه دوباره به بحث «امنیت اقتصادی» را مطرح ساخته است. در غیاب امنیت و آرامش خاطر، هیچ فعالیتی به شکل دلخواه به ثمر نمی‌نشیند. برای دستیابی به تعریفی دقیق و روشن از «امنیت اقتصادی» و ابعاد آن، نشستی با حضور پنج تن از نمایندگان مجلس (مجدآرا، الیاس حضرتی، نیکنام، جمالی و خاموشی) تشکیل شد. عناوین اصلی و محورهای مورد بحث عبارتند از: تعریف امنیت اقتصادی، عوامل کاهش یا افزایش امنیت اقتصادی و رابطه امنیت اقتصادی با دیگر سطوح امنیت.

* فهیمه جامی، «امنیت اقتصادی و توسعه»، صنعت روز، ۱۳۷۳، سال سوم، شماره ۲۶، ص ۸، ماهنامه.

نویسنده ابتدا مفهوم امنیت اقتصادی را توضیح می‌دهد. وجود «قانون» یکی از ضرورتهای برقراری امنیت اقتصادی است، اما هر قانونی به امنیت اقتصادی نمی‌انجامد. نگارنده در این قسمت از مقاله به توضیح ویژگی‌های قانونی می‌پردازد که بتواند استمرار امنیت اقتصادی را تضمین کند. در قسمت بعد رابطه امنیت سیاسی با امنیت اقتصادی بررسی می‌شود، براین اساس امنیت سیاسی لازمه امنیت اقتصادی است. عناوین بخش‌های اصلی مقاله عبارتند از: قانون و هویت پایدار، امنیت سیاسی لازمه امنیت اقتصادی، کارگذاری بیمه برای حفظ امنیت اقتصادی.

* فهیمه جامی، «امنیت اقتصادی و توسعه؛ پیوندها و کنش‌های متقابل»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره دهم، ص ۵۵ تا ۵۸، دو ماهنامه

این مقاله به بررسی نقش قوانین و مقررات در حفظ و تداوم امنیت اقتصادی پرداخته و در یک جمع‌بندی، کوچک کردن منطقی بدنه دولت را از جمله شرایط ضروری برای دستیابی به امنیت اقتصادی بیان کرده است. نویسنده معتقد است هر قانونی نمی‌تواند به امنیت اقتصادی بیانجامد، بلکه باید ویژگی‌هایی داشته باشد که از جمله مهمترین این ویژگی‌ها هویت پایدار قانون است. همچنین امنیت اقتصادی مقوله‌ای جدا از امنیت سیاسی نیست بلکه اصولاً امنیت اقتصادی یک فصل یا برش از امنیت سیاسی محسوب می‌شود.

* اکبر کرباسیان، «امنیت اقتصادی و رفتار معکوس بوروکرات‌ها»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره دهم، ص ۵۹ تا ۶۳، دو ماهنامه

پس از تعریف مفهوم امنیت اقتصادی نویسنده به مباحثی چون ناامنی اقتصادی و کاهش قدرت خرید، امنیت اقتصادی و قوانین و ضوابط، تضاد قوانین، موضوع «مرور زمان»، بخش دولتی و امنیت اقتصادی، و رابطه بخش دولتی و بخش خصوصی می‌پردازد. در حقیقت این مقاله با تعریف مباحث «دولت» و «امنیت اقتصادی» به تشریح مسایلی پرداخته است که در تصمیم‌گیریهای سرمایه‌گذاران موثرند و خطرپذیری آن را کاهش یا افزایش می‌دهند.

* محسن قانع بصیری، «امنیت، توسعه و مدیریت کلان جامعه»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره دهم، ص ۴۵ تا ۵۴، دو ماهنامه،

نویسنده ابتدا تلاش می‌کند مفهوم امنیت را توضیح دهد. سپس امنیت فعال، موهوم و تخیلی توضیح داده می‌شود. از دیدگاه نویسنده «امنیت فعال» امنیتی است که در بستر آن میان دو سطح ثبات و تغییر در جامعه، رابطه‌ای فعال برقرار می‌شود. در ادامه نویسنده به توضیح امنیت اقتصادی و مولفه‌های آن می‌پردازد و بیان می‌کند که تحقق امنیت

اقتصادی جدا از امنیت سیاسی نیست. تعریف مدیریت رقابتی و حمایتی، جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه کیفی و کمی مدیریت‌های رقابتی و توضیح تحولات جهانی از این نظر هدف اصلی نویسنده می‌باشد که پس از ذکر مقدماتی در مفهوم امـنیت و امـنیت اقتصادی به توضیح و تشریح آن می‌پردازد.

* غلامحسین بلندیان، «امنیت، زیربنای توسعه متوازن»، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول شماره سوم ص ۴، فصلنامه،

نویسنده معتقد است اقتصاد می‌تواند منشأ استحکام و امنیت عمومی یا بروز ناامنی در جامعه شود، ادعای اصلی نویسنده این است که ثبات و امنیت کشور، مستلزم توسعه متوازن است و توسعه متوازن مستلزم ایجاد زیر بناها و تداوم سازندگی است.

* جلال متقی، «امنیت و اقتصاد»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره چهارم، ص ۲۵، فصلنامه،

در این مقاله هدف یافتن ارتباط میان امنیت و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد، تولید و رشد اقتصادی است. لذا ابتدا تعریفی از اقتصاد و امنیت ارایه می‌شود و سـپس تأثـیر امنیت بر اقتصاد بررسی می‌شود. در قسمت تأثیر امنیت و اقتصاد، مطالب و موضوعات ذیل بررسی می‌شود عدم امنیت و منحنی امکانات تولید، امنیت را چه بخشی باید تولید کند (خصوصی یا دولتی)؟ و چه مقدار برای تأمین امنیت باید هزینه شود؟

* اتان بی، کاپشتاین، «توسعه اقتصادی و امنیت ملی»، واحد ترجمهٔ مجلهٔ مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۷، فصلنامه، ص ۲۳۵.

این مقاله عامل امنیت ملی را در پیشرفت اقـتصادی بـررسی مـی‌کند. ارتـباط مـیان اقتصاد و سیاستهای امنیت ملی در کشورهای جهان سوم از جمله موضوعات این نوشتار است. اختصاص منابع کم کشورهای جهان.سوم برای مقابله با تـهدیدات امـنیت مـلی خویش که نتیجه آن بر زمانبندی و مسیر پیشرفت اقتصادی آنها تاثیر گذاشـته است از

کشورهای برزیل، امریکای لاتین، کره جنوبی مواردی هستند که در طول جنگ جهانی اول و دوم در مورد تاثیر امنیت ملی بر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین وارداتی و آمریکایی بودن ایدئولوژی امنیت ملی برای جهان سومی‌ها نیز بررسی شده است. نتیجه اینکه رابطه میان امنیت ملی و توسعه اقتصادی امری فراتر از منافع مقطعی است.

* سیداحمد میرمطهری، «دولت و امنیت اقتصادی؛ از آرزو تا واقعیت»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره دهم، ص ۶۴ تا ۶۸، دو ماهنامه،

این مقاله به موضوع امنیت اقتصادی و ارتباط آن با سایر امنیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخته و در آن نشان داده که چگونه وظیفه دولت از برقراری و حفظ امنیت اقتصادی، به کارگزاری امور اقتصادی تبدیل می‌شود و آثار و نتایج زیانبار اقتصادی و اجتماعی به بار می‌آورد. نویسنده هم چنین به تعریف امنیت اقتصادی و مشخصه‌های آن می‌پردازد. یکی از مشخصه‌های اصلی امنیت اقتصادی، امنیت در مورد مالکیت است، اما وجود امنیت در مالکیت، وجود قوانین روشن و دستگاه عدالت قوی به تنهایی نمی‌تواند مشخصه‌های امنیت اقتصادی را عرضه کند.

* صادق زیباکلام، «قانون، حکومت، امنیت و اقتصاد»، مجله جامعه سالم، ۱۳۷۶، سال هفتم، شماره ۳۵، ص ۲۹، ماهنامه،

ایران و کره، صنعت ماشین سازی را تقریباً همزمان با هم شروع کردند، چه شد که آنها به «پراید» و «هیوندا» رسیدند و ما در همان پیکان مانده‌ایم؟ تلاش اصلی نویسنده برای پاسخ به این سوال است. نویسنده دو نکته اساسی را در مورد تفاوت ایران و کره ذکر می‌کند: ۱) مستقل بودن صنایع کره از دولت ۲) امنیت اقتصادی در کره توضیح این دو عامل و تاثیر آنها بر پیشرفت کره و عدم وجود آنها در ایران و تاثیراتشان در عقب ماندگی ایران در مقایسه با کره، شاکله اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد.

* جلال متقی، «هزینه تأمین امنیت»، نشریهٔ امنیت سال ۱۳۷۷، سال دوم، شماره ۷و ۶، ص ۴۰، دو ماهنامه

عدم امنیت در جامعه موجب عدم تخصیص بهینه منابع اقتصادی می‌شود. در شرایط ناامنی میزانی از منابع که می‌توانند در راههای تولیدی بکار گرفته شوند، تغییر مسیر داده و به جای آن صرف مواردی چون، تهیه گاو صندوق، حفاظها، دیوارها و... در بخش خصوصی می‌گردد که به نوبه خود هزینه‌هایی را برای تأمین امنیت در بردارد. بنابراین تولید و عرضه امنیت، چه بصورت کالا و خدمت خصوصی یا بصورت کالای عمومی هزینه بردار بوده و تعدادی از منابع تولیدی کشور به آن تخصیص می‌یابد. لذا نویسنده تخصیص منابع به تولید و عرضه امنیت را در قالب مدلهای اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

فصل چهارم

بُعد سیاسی

* تد رابرت‌گر، «چرا انسانها شورش می‌کنند»، مترجم: علی مرشدی‌زاد، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ۵۳۴ ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ۲ ج، ۱۸۰۰۰ ریال

کتاب فوق‌الذکر شامل یک پیشگفتار، یک مقدمه، یک ضمیمه و ده فصل به شرح زیر است: در فصل اول، نویسنده تبیین‌های مربوط به خشونت سیاسی را ذکر می‌کند. فصل دوم به «محرومیت نسبی» بعنوان انگیزه خشونت اختصاص یافته است، در فصل سوم نویسنده شدت و گستره محرومیت نسبی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصول چهارم و پنجم به بررسی منابع محرومیت فزاینده و عناصر تعیین کننده توانائیهای ارزش بعنوان خاستگاههای اجتماعی محرومیت می‌پردازد. فصل ششم به تاثیرات جامعه پذیری سنت و مشروعیت در بروز خشونت پرداخته و در واقع در پی توجیه روانی ـ فرهنگی خشونت است. فصل هفتم به بررسی توجیهات آموزه‌ای خشونت سیاسی اختصاص یافته و عناصری چون ایدئولوژی نفع‌طلبی و... مورد بحث قرار گرفته است.

فصول هشتم و نهم به بحث تعادل قوه قهریه و نیز حمایت نهادی در دو سوی رژیم و مخالفان آن و تاثیر آنها بر بروز یا عدم بروز خشونت می‌پردازد. در فصل دهم نویسنده به جمع بندی مطالب فصول گذشته می‌پردازد.

بطور کلی «گر» انتظارات فزاینده انسانها را ـ حتی در وضعیت فقدان محرومیت واقعی ـ عامل بروز خشونت تلقی می‌داند و تلاش دارد تا با نوعی روانشناختی اجتماعی

انقلاب بویژه خشونت سیاسی در سه سطح (آشوب، توطئه و جنگ درونی ـکشوری) را بررسی و تبیین نماید.

* فرهنگ لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی (انگلیسی ـ فارسی)، تهران، ناشر: دانشکدهٔ اطلاعات، ۱۳۷۶، ۳۴۰ص، یک جلد، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

کتاب مشتمل بر چند بخش است. بعد از مقدمه در قسمت اول کتاب، لغات و اصطلاحات اطلاعاتی و امنیتی بر اساس ترتیب حروف الفبای انگلیسی به همراه ترجمه فارسی آن آورده شده است. این قسمت، بخش اعظم کتاب را تشکیل می‌دهد. قسمت بعد تحت عنوان Acronyms (کلماتی که از حروف اول کلمات دیگر تشکیل شده‌اند) می‌باشد. ترتیب این قسمت نیز بر اساس حروف الفبای انگلیسی است که در آن علائم اختصاری که در مسائل و موضوعات اطلاعاتی و امنیتی موجود است به صورت کامل بیان گردیده است. مثال:

ADF Automatic Direction Finding. بعد از این بخش منابع و مآخذ کتاب ذکر می‌شود. سپس سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی جهان بر اساس ترتیب حروف الفبای انگلیسی و مشتمل بر نام اختصاری و کامل به انگلیسی و ترجمه آن به فارسی ذکر شده است. در قسمت پایانی کتاب، گروههای افراطی و نهضت‌های آزادی‌بخش معرفی شده است. مثال:

نام: جبهه آزادیبخش فلسطین Popular Front for the Liberation of Palestine (PFLP)

توضیحات: تأسیس در سال ۱۹۶۷؛ حوزه فعالیت: سرزمینهای اشغالی.

* «جرج بوش»، گزیده مقالات سیاسی ـ امنیتی، پژوهش‌های اجتماعی، انتشارات بینش، تهران، ۱۳۷۵، چ اول، ۲ جلد،

این کتاب شامل مقالاتی با موضوع کلی سیاست و امنیت است.

* فهیمه جامی، امنیت اقتصادی و توسعه، پیوندها و کنش‌های متقابل، مجله مجلس و پژوهش، سال دوم، ۱۳۷۳، شماره دهم، دو ماهنامه، ص ۵۵

نویسنده در قسمتی از این مقاله که به بررسی نقش قوانین و مقررات در حفظ و تداوم امنیت اقتصادی می‌پردازد، بیان می‌دارد که امنیت اقتصادی مقوله‌ای جدا از امنیت سیاسی نیست بلکه اصولاً امنیت اقتصادی یک فصل یا برش از امنیت سیاسی محسوب می‌شود.

* مورتون برکورتیز و پی.سی.باک، «امنیت ملی»، مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۵ تا۲۰۶، فصلنامه

دانشمندان علوم اجتماعی، امنیت ملی را توانایی یک ملت برای حفظ ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی معنا می‌کنند. این مسأله مهمترین بحث در حفظ حیات واحدهای سیاسی محسوب می‌شوند. سیاستهای امنیتی بر این اساس استوار است که امنیت یک ملت تنها در سایه افزایش امنیت دیگر ملتها افزایش پیدا می‌کند. مباحث امنیت ملی و کشاکشهای بین‌المللی از جمله موضوعاتی است که در ادامه مقاله بررسی شده است. مقاله این مطلب را روشن می‌سازد که موضوعات اساسی در حوزه امنیت ملی اشتراکات زیادی با مباحث و حوزه‌های سنتی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی دارند. همچنین امنیت ملی یک مفهوم سازمان بخش و دارای امتیازات بیشتر نسبت به مفهوم سیاست خارجی می‌باشد. امنیت ملی از لحاظ تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای با دیگر کشورها ازموارد دیگری است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* عماد افروغ، «امنیت ملی و بنیانهای قدرت» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چ اوّل، ص ۲۰

نویسنده ابتدا مروری بر مفهوم امنیت ملی و تصورات تاریخی آن در دهه‌های اخیر دارد و سپس به بحث و بررسی رویکردهای مختلف در خصوص امنیت ملی در جهان سوم می‌پردازد، به دنبال این مطلب بحثی در مورد روابط و منابع قدرت می‌کند و در پایان تحت عنوان امنیت ملی و قدرت، تبیینی در این رابطه به دست می‌دهد. هدف آنست تا با مروری بر آثار موجود در مفهوم روش‌شناسی قدرت، به درکی ازروابط قدرت در صحنه بین‌المللی نائل آید.

* ویپین گوپتا، «امنیت ملی و فروش تصاویر جدید ماهواره‌ای»، مترجم: حمیدرضا بهزاد، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۵، سال پنجم، ش ا، شماره مسلسل ۱۷، ص ۱۲۷ تا ۱۶۶، فصلنامه

پدیده سنجش از دور، بعنوان یکی از ابزارهای جنگی بین آمریکا و شوروی در جنگ سرد آغاز شد. از اوائل دهه ۱۹۷۰ کاربردهای غیرنظامی این تکنولوژی پیشرفته باعث جلب توجه گروههای مختلف سیاسی به عواقب امنیتی فروش تجاری تصویرهای دقیق ماهواره‌ای شد.

نویسنده مقاله بر این عقیده است که باید مطالعات دقیقی مربوط به توانائیهای فنی و جوانب سیاسی در این پدیده انجام شود. در این مقاله برخی نکات مربوط به تقویت امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اثرات ماهواره‌ها در برنامه ریزی دفاعی و لزوم قوانین مربوط به فروش تصاویر ماهواره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* تد رابرت‌گر، برخوردهای فرقه‌ای و امنیت جهان، مترجم: علیرضا محمدخانی، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۷۶، شماره ۸ و ۷، شمارهٔ مسلسل ۱۱۶ ـ ۱۱۵، ص ۵۴ تا ۵۹، ماهنامه.

نویسنده معتقد است پس از پایان جنگ سرد، منازعه گروههای قومی با دولتها بزرگترین تهدید برای امنیت داخلی و بین‌المللی بوده است. نگارنده در این مقاله تلاش می‌کند با یک تجزیه و تحلیل جهان شمول به یازده پرسش در مورد گروههای قومی در زمینه فعالیت سیاسی پاسخ بگوید. اهم این پرسش‌ها عبارتند از: برای برقراری توازن میان علائق گروههای معارض در داخل دولتها چه رهیافتهایی به کار می‌آید؛ جایگاه کارکردی گروههای قومی در سیستم جهانی دولتها چیست؟ در دهه ۱۹۹۰ احتمال شدت یافتن منازعات قومی ـ سیاسی در کجا بیشتر است؟ آیا گرایش فعالان قومی ـ سیاسی به سوی اعتراض است یا شورش؟

* «میزگرد تأملی بر پارادوکسهای امنیت» با شرکت (دکتر یوسفی، دکتر افروغی و آقای ذاکری)، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، ش ۷ و ۶، ص ۴، دو ماهنامه.

در این میزگرد مسائلی چون، مفهوم امنیت، علت پارادوکسیکال بودن مفهوم امنیت، تهدیدهای امنیتی و چگونگی شناسایی آن، امنیت و ساختار نظام سیاسی، امنیت و قانون، امنیت و نهادهای امنیتی، امنیت و آزادیهای فردی و اجتماعی و امنیت و جامعه مدنی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

* سید علی قادری، مبانی سیاست خارجی در اسلام: مفهوم امنیت (۲)، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، شماره ۴، ص ۵۶۳ فصلنامه

عوامل برهم زننده امنیت کشور از دیدگاه نویسنده عبارتند از: بروز بحران سیاسی، سابقه تخاصم در میان دو کشور، الحاق سرزمین کشوری به کشوری دیگر، انفصال قسمتی از یک کشور و اعمال استقلال آن، دخالت در امور داخلی کشورها (تروریسم استعمار نو و براندازی) که در این مقاله به بررسی و توضیح آنها می‌پردازد.

فصل پنجم

بُعد نظامی

* سعیده لطفیان، «استراتژی و روشهای برنامه ریزی استراتژیک»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ۲۶۹ ص، ۲۰۰۰ جلد، یک جلد، چاپ اول، ۸۵۰۰ریال

کتاب شامل یک مقدمه، شش فصل، واژه‌نامه وگزیده‌ای از منابع انگلیسی موجود در زمینه استراتژی می‌باشد. مهمترین عناوین و فصول کتاب عبارتند از استراتژی: تعاریف و سطوح آن، استراتژی: گونه‌ها و ترکیب‌های آن، استراتژی‌های دفاعی ملی، روش‌ها و مراحل برنامه ریزی استراتژیک، استراتژی بزرگ و طرح‌ریزی استراتژی در ایران. در فصل سوم نویسنده دو قسمت از این فصل را تحت عناوین: دفاع استراتژیک و امنیت ملی، و سیاستهای امنیت ملی، به مبحث امنیت ملی اختصاص می‌دهد که از صفحات ۶۹ تا ۸۰کتاب را شامل می‌شود و بیشتر به مباحث نظری می‌پردازد. همچنین در فصل چهارم نویسنده قسمتی از بحث خود را مستقیماً به امنیت ملی اختصاص می‌دهد: مراحل طرح‌ریزی استراتژیک در برنامه ریزی امنیت ملی که از صفحه ۱۵۷ تا ۱۶۲ طرح شده است. در فصل پنجم نیز نویسنده در قسمتی تحت عنوان: «تهدیدات امنیتی جدید» صفحات ۲۱۰ تا ۲۱۵ به مبحث امنیت می‌پردازد. همانگونه که از عنوان پیداست موضوع اصلی استراتژی است که به تناسب آن در برخی فصول به امنیت و امنیت ملی نیز اشاره شده است.

تهران انتشارات بینش، ۱۳۷۵، ۱۳۳ ص، ۵۰۰۰ نسخه، ۲ ج، جلد اول، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال

کتاب مجموعه‌ای از مقالاتی است که در چند نشریه اطلاعاتی و امنیتی به چاپ رسیده است و معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات اقدام به ترجمه آنها کرده است. عناوین مقالات عبارتند از: نگرش جدید به اطلاعات، تحلیل اطلاعات در دوران نشر الکترونیکی داده‌ها، مقررات صدور تسلیحات: بریتانیا و عراق، کا.گ. ب بعد از کودتا، و اظهارات کلینتون در جمع کارکنان سیا و جامعه اطلاعاتی.

مباحث کتاب بیشتر به موضوعات عملی و کاربردی اطلاعات و امنیت پرداخته است و مباحث نظری امنیت کمتر در آن طرح شده است.

* مجموعه مقالات اطلاعاتی ـ امنیتی، ترجمه معاونت پژوهشی دانشکده اطلاعات، تهران، انتشارات بینش، ۱۳۷۵، ۱۶۹ ص، ۵۰۰۰ نسخه، ۲ ج، جلد دوم، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

کتاب شامل شش مقاله از نویسندگان خارجی در موضوعات اطلاعاتی ـ امنیتی می‌باشد که در نشریه اطلاعات و امنیت ملی، انتشارات فرانک کاس، لندن به چاپ رسیده است.

عناوین مقالات موجود در این کتاب عبارتند از: ارزیابی اطلاعات ایالات متحده در دنیای دستخوش تحولات، نیاز به انجام اصلاحات، بررسی کتاب «جاسوسی که دنیا را نجات داد»، جنایات جنگی از دیدگاه امنیت و اطلاعات، استفاده و سوءاستفاده از سازمان‌های اطلاعاتی در هندوستان، پیش بینی اهداف صدام حسین و روابط مدیران و تحلیل گران اطلاعاتی در سیا. همانگونه که از عناوین مقالات کتاب پیداست، بیشتر مطالعات کتاب جزء مباحث کاربردی مبحث امنیت می‌باشد و کمتر مفاهیم نظری امنیت در آن طرح شده است.

* رضا کلهر، «ابعاد امنیتی مبادلات و تحقیقات علمی»، مجلهٔ سیاست دفاعی، ۱۳۷۱، سال اول، پیش شماره ص ۹۷ تا ۱۰۷، فصلنامه

در این مقاله به بررسی پیامدهای مبادلات علمی و نوع ارتباط آنها با محیطهای نظامی

پرداخته شده است. منظور از امنیت در این نوشتار، حفاظت از سیستم اطلاعات در برابر اعمال آگاهانه‌ای است که منجر به از بین رفتن، آسیب دیدگی، دگر گونی، افشاء غیر مجاز و یا جلوگیری از خدمات سیستم اطلاعات به استفاده کنندگان آن می‌شود. هدف مقاله طرح مسائل امنیتی در تحقیقات علمی و ایجاد یک حلقه دفاعی در زمینه حفظ اطلاعات و دانسته‌های استراتژیک می‌باشد.

* ناصر ثقفی عامری، «استراتژی در فرایند تحول،» به نقل از کتاب مجموعه مقالات استراتژی و تحولات ژئوپلیتک پس از دوران جنگ سرد، تهران، انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۲۵۰۰۰ ریال، چ اول دانشگاه امام حسین (ع)، پژوهشکده علوم استراتژیک و دفاعی.

در طی زمان مفهوم استراتژی تحول یافته و در هر برهه با شرایط و موقعیت نظام بین‌المللی هماهنگ و سازگار شده است از این دو استراتژی، عنصر متفاوتی یافته و دارای پیچیدگی خاصی گردیده است. در مراحل ابتدایی، استراتژی به عنوان هنر یا علم فرماندهی نیروی نظامی (جنگی) تلقی می‌شد و از زمان کلازویتز استراتژی بعنوان وسیله سیاسی و تامین امنیت ملی شناخته شد. از حدود سی سال پیش که مفهوم کنترل تسلیحات مطرح شد، مفهوم استراتژی بر اساس این باور شکل گرفت که در دوران جدید بر خلاف گذشته هدف نیروهای نظامی پیروزی در جنگ، بیست هدف مهمتر برداشتن دشمن از تجاوز است. از سوی دیگر تغییر عمده‌ای نیز در برنامه‌ریزی و طرحهای نظامی بسیاری از کشورها ملاحظه گردیده است.

* جودیس دپی، «اقتصاد امنیت ملی»، ترجمه گروه امنیت ملی مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۲، سال اول، شماره ۲، ص ۶۹ تا ۹۸، فصلنامه

مبادلات میان بخشهای نظامی و غیرنظامی و به‌کارگیری موثر منابع در بخش نظامی، مهمترین موضوع مورد بحث در اقتصاد دفاعی است. در این مقاله پاسخ به این مسأله در سه سرفصل اصلی مطرح می‌شود: بسیج منابع برای بخش نظامی با تخصیص بودجه به هر یک از بخشهای نظامی و غیرنظامی، نگرشی عامتر در مورد فشارهای ناشی از

مصارف نظامی برکل اقتصاد، زمینه‌های نهادی و سازمان یافته که اساساً به بازارهای اقتصاد صنعتی مربوط می‌شود. مختصراً در مباحث مختلفی تأثیر مصارف نظامی در کشورهای کمتر توسعه یافته و در اقتصادهای برنامه‌دار ارزیابی می‌شود.

* بهروز آقایی، امنیت خطوط هواپیمایی کشوری و حقوق بین الملل، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۶۷، سال دوم شماره دهم، شماره مسلسل ۲۱، ص ۱۲ تا۱۶، ماهنامه

مقاله حاضر به بررسی قوانین و عرف بین المللی در برخورد با هواپیماهای غیرنظامی می‌پردازد. عنوان‌های قسمتهای مختلف مقاله عبارتند از: سابقه تهدید خطوط هواپیمایی کشوری توسط هواپیماهای نظامی، ماجرای سقوط هواپیمای ۷۴۷ کره جنوبی، بازتاب سقوط هواپیمای کره: اصلاح کنوانسیون شیکاگو.

فصل ششم

ایران

الف: مفاهیم نظری

* حسین کاظم پور اردبیلی، «امنیت ملی»، به نقل از کتاب «مقولاتی در سیاست خارجی»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۴، ۱۲۷ ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۶۰ ریال،

مقاله چهارم از کتاب مذکور با عنوان امنیت ملی در چارچوب موضوع شناسی امنیت جای می‌گیرد. مطالب مقاله شامل: استراتژی و تاکتیک، دیپلماسی، سیاست خارجی، استراتژی ملی و امنیت ملی و عوامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نویسنده در قسمت استراتژی ملی و امنیت ملی، ابتدا مفهوم امنیت را توضیح داده است و سپس ابزارهای نیل به امنیت ملی را بیان می‌کند و ویژگیهای امنیت ملی را شرح می‌دهد. آنگاه در بحثی کاربردی به عوامل تهدیدکنندهٔ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

* محمدرضا تاجیک، «انتظام و پراکندگی: در امنیت ملّی ایران»، مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوّم، ص ۱۱۷ تا ۱۲۸، فصلنامه،

مؤلف ابتدا سه فرض اصلی مطرح می‌کند: اول اینکه تحولات تاریخ بشری، نشان دهنده نسبی بودن امنیت است. دوم اینکه ضریب تداوم و ثبات یک نظام مبتنی بر عوامل متعددی است: انسجام بخشی، ایجاد یک ارتباط کارکردی متناسب بین مؤلفه‌ها، قابلیت

تخصیص قدرتمندانه ارزشها، توانایی سمت دهی به تحولات و سرانجام افزایش آستانه تحمل نظام و سوم اینکه امنیت ملی با توجه‌به عوامل مذکور در بند(۲)قابل تعریف تازه‌ای است. تلاش نویسنده در این مقاله بررسی مؤلفه‌های عمده گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، در این زمینه بررسی صبغه مدرن انقلاب اسلامی، خدامحوری، نفوذ ام‌القری، جنگ و امنیت، توسعه و امنیت و... صورت می‌گیرد. در پایان نیز امنیت ملّی به صورتی متفاوت، تعریف راهبردی می‌شود.

* عزت‌الله عزتی، «بررسی مساله امنیت و نظم عمومی در ایران با توجه به موقعیت منطقه‌ای و جهانی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ج، ج۲، چ اول ص ۴۹۴،

نویسنده به بررسی منطقه ایران در ساختار نظام ژئوپلتیکی آینده و نقش پیرامون در ساختار نظامی و ژئوبلتیکی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که دقت و موشکافی دائمی در وجوه مختلف ایران از جمله امنیت سیاسی ـ اقتصادی ـ نظامی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، در آینده نه فقط از طریق کشورهای جهان اسلام بلکه از طریق کلیه کشورهای (مرکز ـ پیرامون) مورد سوءظن می‌باشد. لذا برای اینکه ایران بتواند از این فرصت خوبی که در آینده برایش فراهم می‌گردد، حداکثر استفاده را نماید نیاز به تدوین یک استراتژی (راهبرد) ژئوپلتیک دارد که در این راهبرد نه تنها «اسلام» به عنوان محور اصلی بلکه باید سایر وجوه ژئوپلتیکی نیز مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه حتی لازم است بیشتر توجه خود را معطوف به مشترکات جهان اسلام نماید و از مفردات فاصله بگیرد و یا لااقل بحثی از آن به میان نیاورد. در غیر این صورت ما دارای یک کشور جایگزین (یعنی ترکیه) خواهیم شد که هم در پیرامون و هم در منطقه است.

* مجتبی عطارزاده، «تاثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۵، پیش شماره دوّم، ص ۸۳ تا ۱۱۶،

مفهوم امنیت ملّی سیال است. درگذشته غالباً تهدید نظامی اصلی‌ترین عامل تهدید

امنیت ملی کشورها دانسته می‌شد. پایان جنگ سرد، فصلی نوین در نگرشهای امنیت کشور بود و بازنگری در مفهوم «تهدید» را ضروری ساخت. در ایران نیز تا قبل از پیروزی انقلاب مهمترین تهدید علیه امنیت ملّی صبغه نظامی داشت. در دوران پس از انقلاب اسلامی وتا مقطع جنگ تحمیلی تفکر تامین امنیت از طریق نظامی و نه تنها بر ایران بلکه بر کل جهان حاکم بود، امّا با تحولات اساسی در نظم جهانی این تفکر تغییر کرد. این مقاله نگاهی دارد به تحولات رخ داده در حوزه امنیت ملّی.

* میزگرد تحولات جدید ژئوپلتیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۷، سال پنجم شماره ۳ و ۲، مسلسل ۱۴ و ۱۵، ص ۵ تا ۵۵، فصلنامه

شرکت کنندگان در میزگرد عبارتند از: محسن امین‌زاده، محمدباقر حشمت‌زاده، علی شمخانی، حسین عظیمی و پیروز مجتهدزاده.

محور اصلی بحث امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کانونهای بحران برای آن است. هم‌چنین به نقش عراق در امنیت منطقه، نقش انرژی در امنیت آینده منطقه خاورمیانه و وضعیت داخلی کشور و تاثیر آن در امنیت ملی اشاره شده است.

* تحولات جدید منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله خاورمیانه، سال دوم شماره چهارم، ش‌م ۷، ص ۹۱۷ تا ۹۵۸، فصلنامه

در این میزگرد، تأثیرپذیری‌ها و اثر گذاری‌های متقابل تحولات منطقهٔ خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است. شرکت‌کنندگان عبارتند از: داریوش اخوان زنجانی، دریادار شمخانی، حمید شهرستانی، سعیده لطفیان، علی معنوی، محمود واعظی و فریدون وردی نژاد. ارزیابی روندهای سیاسی ـ استراتژیک خاورمیانه و نقش قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا و روسیه در این زمینه، تعیین کننده اصلی سیاست خلیج فارس، اقداماتی که ایران در این زمینه می‌تواند انجام دهد، با عطف نظر به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از محورهای اصلی مورد بحث در این میزگرد می‌باشد.

«توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی - اداره کل امنیتی) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ۲ ج، ج اول، چ اول، ص ۲۸۱

نویسنده اظهار می‌دارد که هدف مقاله بحثی «تبار شناسانه» از مفهوم امنیت ملی و ادبیات مربوط به آن نیست بلکه سعی دارد این تنبه را ایجاد کند که پس از انقلاب اسلامی مقوله امنیت ملی معنای ژرفی داشته و هر یک ازما با توجه به افقی که در آن بسر می‌بریم، مضمون خاصی را از آن مراد می‌نمائیم. نویسنده در وهله نخست به مؤلفه‌های اساسی رهیافتهای گوناگون در خصوص تحول مفاهیم و انطباق هر یک از آنها، به مفهوم امنیت می‌پردازد و در وهله دیگر با بهره‌گیری از رهیافتهای مذکور سیر تحول این مفهوم را در شرایط بعد از انقلاب اسلامی توضیح می‌دهدو در این باره، دوره‌هایی چون «گفتمان بسط محور، حفظ محور ورشد محور» را در باب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند.

* سوال بی‌پاسخ امنیت، مجله ایران فردا، ۱۳۷۶، سال ششم، شماره ۳۷، ص ۸، ماهنامه

این مقاله کوتاه قسمت دهم از مجموعه کارنامه ۸ ساله دولت در یک نگاه می‌باشد. نویسنده در این مقاله اظهار می‌دارد دولت آقای هاشمی هیچ گاه امنیت انسانی را رکن رکین برنامه توسعه قرار نداد. سیاست تعدیل، ناامنی اقتصادی را ایجاد کرد (بویژه برای گروههای متوسط و فرودست). هم چنین امنیت سیاسی، فردی، اجتماعی و شغلی نیز از دست رفت و بدین ترتیب جامعه‌ای ناامن ایجاد شد. نویسنده سپس به ذکر مصادیق می‌پردازد. در مجموع این مقاله نقد عملکرد آقای هاشمی در زمینه امنیت داخلی در سطوح مختلف اقتصادی اجتماعی سیاسی و شغلی می‌باشد.

* سید حسین ولی‌پور زرومی، «گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» (از پیروزی انقلاب تا اتمام دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی)، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۶۱ تا ۸۲.

در مقاله حاضر سعی شده گفتمانهای حاکم در باب امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران از زمان پیروزی انقلاب تاکنون تحت عنوان سه گفتمان «بسط محور، گفتمان حفظ محور و گفتمان رشد محور»، بررسی گردد. گفتمان بسط محور به نظرگاههای انقلابیون و میانه‌روها می‌پردازد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مبارزه برای نجات میهن آغازگر گفتمان دیگری بود. جنگ برای پیگیری اهداف آرمانی نظام محدودیتهایی پدید آورد و این از جمله مواردی است که در گفتمان حفظ محور مورد بررسی قرار گرفته است. در اولویت بندی اهداف نظام مسأله حفظ نظام و تلاش برای امنیت فیزیکی کشور از اولویت اول برخوردار بوده است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تمرکز قدرت در ریاست جمهوری همراه با ریاست جمهوری آقای هاشمی همگی از عواملی می‌باشند که در سطح داخل بر محتوای سیاستگزاریهای نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری راجع به مسائل عمده کشور مؤثر بوده‌اند که در گفتمان رشد محور به آنهاپرداخته شده است.

* علی‌محمد بشارتی، «نظم و امنیت عمومی» (گفتگو)، نشریه امنیت، ۱۳۷۶، سال اول، شماره اول، ص ۶، فصلنامه

مجله امنیت با آقای بشارتی (وزیر کشور دولت آقای هاشمی) گفتگویی در زمینه امنیت عمومی و نظم انجام داده است. در این گفتگو محورهای اصلی که مورد بحث قرار گرفته است عبارتند از: جایگاه نظم و امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران، تفاوت نظام امنیتی اسلام با سایر نظامهای امنیتی، نقش وزارت کشور در تامین نظم و امنیت عمومی، تاثیر مشارکت گسترده مردم در انتخابات بر امنیت داخلی، تاثیر برنامه‌های اوّل و دوّم توسعه بر امنیت داخلی و نقش مردم در تامین امنیت داخلی.

* کاظم رضائی، «تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، اساتید راهنما و مشاور محمد تاجیک، عبدالعلی قوام، استاد ناظر: محمد باقر حشمت زاده، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۲۵۱ ص

پایان نامه مزبور مشتمل بر یک مقدمه، فهرست و دو بخش می‌باشد:
بخش اول که به مباحث مقدماتی و تئوریک می‌پردازد شامل سه فصل است (فصل اول: تعریف و مفاهیم، فصل دوم: رهیافتهای امنیتی در سیاست خارجی و فصل سوم: عوامل و

شرایط موثر بر تحول مفهوم امنیت)
بخش دوم به تجزیه و تحلیل مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و فصول چهارم، پنجم و ششم را دربر می‌گیرد و به ترتیب به بررسی رویکردهای امنیتی در سیاست خارجی اسلامی ایران، «تجزیه و تحلیل مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رهیافت تصمیم‌گیری» و «مسائل ژئوپلتیک و تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی» می‌پردازد.

مهمترین سوال پایان نامه مزبور آن است که مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه تحول یافته و دلایل این تحول چه بوده است؟ نویسنده بر آن است که: اولاً: مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت عناوین «رویکرد بسط محور»، «حفظ محور» و «رشد محور» در سه دوره پیاپی متحول شده است. ثانیاً: تحول مفهوم امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تابعی از عوامل داخلی و خارجی بوده است. در بعد داخلی تابعی از برداشت نخبگان سیاسی و تصمیم گیران، موقعیت جنگی و نیازهای کشور و در بعد منطقه‌ای تابعی از تحولات جدید در مسائل منطقه بوده و تحول در نظام بین‌المللی و ظهور شرایط نوین جهانی ناشی از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی بوده است.

* سید حسین ولی پور زرومی، «سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسسلامی ایران»، اساتید راهنما و مشاور محمود سریع القلم، عبدالعلی قوام، استاد ناظر محمدرضا تاجیک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۶، رحلی، ۲۵۰،

پایان نامه مزبور مشتمل بر یک مقدمه و هشت فصل می‌باشد.
فصل اول بحث نظری مفهوم امنیت ملی است. فصل دوم به مطالعه گفتمانهای امنیت ملی در دوره محمدرضا پهلوی می‌پردازد. فصل سوم جایگاه امنیت در اسلام و اندیشه امام خمینی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل چهارم عوامل تعیین کننده امنیت جمهوری اسلامی ایران را برمی‌شمارد. فصول پنجم تا هفتم به گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران جایگاه امنیت در سیاستگزاریهای جمهوری اسلامی ایران و

عوامل موثر در تحول ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران اختصاصی دارد. فصل هشتم نیز بحثی پیرامون چگونگی تحول در سیاستگزاری ایران و جایگاه امنیت می‌باشد.

نگارنده به دنبال پاسخگوئی به این سوال است که مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تا به حال چه تحولات فکری را پذیرفته است. فرضیه‌های پایان نامه مزبور عبارتند از: ۱) با گذر زمان، اشاعه اهداف انقلاب در سطح منطقه و جهان، منافع محسوس ملی واعتقادی بعنوان اهداف امنیت ملی نظام در مراحل اولیه انقلاب کم‌کم جای خود را تا حد زیادی به توجه به درون، رفاه مردم، ثبات سیاسی و ملاحظات اقتصادی بعنوان منافع محسوس ملی داده است. ۲) ساخت آسیب‌پذیر اقتصاد ملی، جنگ دوم خلیج فارس، حضور علنی و رسمی آمریکادر مرزهای جنوبی ایران، فروپاشی شوروی سابق و پیدایش همسایگانی با موقعیت مثبت و منفی و ستیزه جویی نوین آمریکا برای تغییر رفتار ملی و بین‌المللی ایران عوامل تعیین کننده در تحول مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند.

ب: بُعد اجتماعی

* ابراهیم رزاقی، اثر خصوصی سازی بر امنیت و ثبات اجتماعی ایران، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۷۶، سال یازدهم، شماره ۸و۷، شماره مسلسل ۱۱۶ ـ ۱۱۵، ص ۱۶۸ تا ۱۷۶، ماهنامه

مقاله متشکل از دو قسمت است: در قسمت اول اهداف و شرایط خصوصی‌سازی و همچنین خصوصی سازی اخیر ایران و بخش خصوصی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در قسمت دوم تاثیر خصوصی سازی بر ثبات و امنیت مطرح می‌شود و به بحث پیرامون این موضوعات می‌پردازد. ۱) خصوصی سازی برتر از قانون ۲) تاثیر منفی خصوصی‌سازی بر فرهنگ کار ۳) سنگینی روابط اجتماعی ۴) ایجاد ناخرسندی در مزد و حقوق بگیران و ۵) به بیراهه کشیده شدن آموزش و غفلت از تولید اندیشه توسعه و مدیریت آن.

* علی اصغر قربان‌حسینی، «احساس امنیت»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم شماره ۲۲، فصلنامه

در این مقاله ابتدا مفهوم امنیت و جایگاه قانونی وزارت کشور در نظام جمهوری اسلامی ایران در ایجاد امنیت بیان می‌شود. سپس نویسنده عوامل کاهش احساس امنیت (ضعف یا فقدان قوانین و مقررات، ضعف ارکان اداری و مدیریتی نیروهای حافظ نظم، ضعف فرهنگ رفتار اداری، ضعف کنترل اجتماعی و عدم پایبندی به ضوابط، و وجود تبعیض در زندگی اجتماعی) را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس راهکارهایی برای ایجاد «احساس امنیت» در میان شهروندان جامعه، ارایه می‌دهد.

* محمد فرجیها، «آزادی، امنیت و قانون»، نشریه امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شماره ۴، ص ۳، فصلنامه

ادعای اصلی نویسنده این است که در نظام جمهوری اسلامی ایران آزادی عقیده، آزادی اجتماعات سیاسی، آزادیهای مدنی و... تا زمانی قابل احترام است که نظم عمومی و امنیت ملی مورد تهدید قرار نگیرد، در قسمت بعد نویسنده مواردی که ناامنی اجتماعی رخ می‌دهد را برمی‌شمارد و اظهار می‌دارد که مهمترین ابزار تأمین امنیت عمومی، خود مردم هستند.

* غلامحسین بلندیان، «امنیت، مردم و دولت»، نشریهٔ امنیت، ۱۳۷۷، سال دوم، شمارهٔ ۴، ص۲، فصلنامه

در این مقاله ابتدا مفهوم امنیت، امنیت ملی و امنیت داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده معتقد است نظام جمهوری اسلامی ایران هم مسئول ایجاد امنیت برای مردم و هم مسئولین است و این دو از هم جدا نیستند. در قسمت بعد نویسنده به ابزارهای تحقق امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند.

* محسن خلیلی، «پیوند امنیت و آزادی در قانون اساسی» نشریه امنیت، سال دوم، ۱۳۷۷، ش ۷ و ۶ ص ۳۷، دو ماهنامه

نویسنده تلاش دارد تا پیوند اساسی را که میان «امنیت و آزادی» وجود دارد با توجه

به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار دهد. لذا با بررسی برخی از اصول اساسی قانون اساسی بویژه اصل نهم نتایج زیر را استنتاج می‌نماید: الف) در اصل نهم هم استقلال و هم آزادی به یکسان واجد ارزش و برابر شناخته شده‌اند. ب) اصل نهم هم شهروندان و هم حکومتگران را مکلف به حفظ استقلال و آزادی و تمامیت ارضی کشور می‌داند. ج) تهدید و تحدید آزادی به مثابه یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی به هر شکل ممنوع است. د) امنیت و برقراری آن در یک جامعه مستلزم وجود و تأمین امر مهم یعنی (آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی) در کنار هم است.

* مجتبی عطارزاده، «دولت، جامعه مدنی و امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، شماره ۲، سال اوّل، ص ۹۵.

این نوشتار ضمن تشریح و تبیین آثار و پیامدهای منفی فقدان نهادهای مدنی در جامعه ایران بر این باور است که تقویت جامعه مدنی برای ایجاد توازن منطقی میان قدرت دولت و ملت، شرط حیاتی و ضروری تامین احساس امنیت و آرامش خاطر شهروندان به منظور ترغیب ایشان جهت حضور در عرصه‌های سیاسی برای تعیین سرنوشت خویش و در نهایت توسعه اقتصادی کشور می‌باشد که بطور حتم غفلت از آن پیامدهای ویرانگر در زمینه ثبات سیاسی و اقتصادی به دنبال خواهد داشت.

* رضا احمدی، «رادیوهای بیگانه و امنیت ملی»، مجله حضور، ۱۳۷۷، شماره ۲۵، ص ۹۹ تا ۱۰۸، فصلنامه

نویسنده ابتدا تلاش می‌کند با نگاهی گذرا به تحول مفهومی «امنیت ملی» تعریفی از این مفهوم بدست دهد. در قسمت بعد به نقش رسانه‌ها در امنیت ملی و دیدگاههای امام(ره) در این زمینه پرداخته می‌شود. بخش‌های مختلف مقاله عبارتند از: نقش رسانه‌ها در امنیت ملی، عوامل تأثیرگذاری رسانه‌های بیگانه که در این بخش نویسنده به این عوامل اشاره می‌کند: ضعف نظام اطلاع رسانی، بی اعتمادی نسبت به رسانه‌های داخلی، برخورد تبلیغی با سیستم اطلاع رسانی، چشم اندازی به بخش خبری صدا و

سیما و چشم‌اندازی به وضعیت مطبوعات و نارسائیهای بخش مطبوعات از دیگر قسمتهای این مقاله می‌باشند. نویسنده در این مقاله عنایت بسیاری به گفته‌های امام(ره) در زمینه رسانه‌ها داشته است.

* هادی خانیکی، «رسانه‌های جمعی و امنیت ملی»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی) ۱۳۷۶، ۵۰۹، ۲ ج، ج ۲، چ اول، ص ۳۴۶

نویسنده اظهار می‌دارد، در گذار شتابان جامعه ما، رسانه‌های جمعی هم در قالب و هم در ساخت بین‌المللی می‌توانند کارایی و ناکارایی توسعه‌ای داشته باشند که در تقویت یا تضعیف پایه‌های امنیت ملی تجلی می‌یابد. این شرایط هم یک تهدید و هم یک فرصت است. لذا برای اینکه بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل نمود می‌توان به موارد ذیل بعنوان راهبردهای اساسی اشاره نمود: ۱) امنیت ملی مقوله‌ای مبتنی بر وفاق و همبستگی ارگانیک جامعه است که بر اثر بالارفتن فرهنگ و قدرت مفاهمه به وجود می‌آید. در این رسانه‌های متنوع و توسعه بخش می‌توانند عامل قوام و استمرار آن باشند. ۲) در گذار سریع توسعه، رسانه‌های جمعی در صورتی که متکی به بازشناسی و بازآفرینی ارزشها و باورهای دینی و اخلاقی و انقلابی باشند، می‌توانند جامعه را در غلبه بر بحرانها و نیل به سطوح عالی امنیت ملی یاری دهند. ۳) مقابله، کنترل و ساماندهی رسانه‌های جمعی در فرایند تقویت امنیت ملی، الزاماً از جنس خود رسانه‌ها نیست. راهبردهای موازی تعدیل و یا تقویت فرهنگی بویژه در دوره غلبه گفتمانهای، «جهانگرا» یا «محلی ـ فرهنگی» حائز اهمیت است.

* موسی الرضا عبدالهی «روانشناسی امنیت و ضدامنیت» به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات) تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، یک جلد، چ اوّل، ص ۱۹۰، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ش ۲)(۴۲۲۵۳)

نویسنده مقوله «امنیت» را با دیدگاه و رهیافتی روانشناسانه مورد بحث و بررسی قرار

داده و در وهله نخست به «روانشناسی امنیت» پرداخته است و اظهار می‌دارد که دستگاه حاکمه باید تدابیری اتخاذ نماید تا با آموزش و تعلیم و تربیت، روان افراد بگونه‌ای ساخته شود که واقعیتها در وجود آنها زنده شود تا اسباب نا امنی نگردد. عدم توجه به این امر مهم آثار سوء مخربی بر فرد و نهایتاً امنیت جامعه خواهد داشت و سبب انحرافاتی می‌گردد و در نتیجه جذبهٔ جامعه، ارزش افراد در مقابل یکدیگر، احساس مسئولیت ورشد در بین جوانان و... از بین خواهد رفت. نویسنده در بحثی دیگر، شیوه‌های رفع بیماریهای روانی، جامعه را بررسی نموده و عواملی را چون: نصیحت، پند، مداراکردن، عطف توجه مردم به تفکر، تعقل، کسب دانش و... نام می‌برد و در مباحث دیگر عوامل مؤثر بر امنیت، راههای مقابله با بحرانهای ضد امنیتی و تأثیر رفتارهای انحرافی بر امنیت را مورد بازشناسی قرار می‌دهد. در صورت اجرای عدالت اجتماعی و رفع نیازهای منطقی افراد جامعه در دراز مدت، این عمل زندگی سعادتمندی را برای بسیاری از افراد جامعه به ارمغان خواهد آورد که اثر بارز آن رفع ناامنیهای اجتماعی و برقراری امنیت و سعادت جامعه خواهد بود.

* محمود صانعی‌پور، «روش‌شناسی تأثیر متقابل توسعه و امنیت با دیدگاه استراتژیک» به نقل ازکتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات)، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، یک جلد، چ اول، ص ۲۳۱، کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره (۲)(۴۲۲۵۳).

نویسنده اظهار می‌دارد که هیچ کشوری امنیت ملیش جدا از امنیت بین‌المللی نبوده و در رابطه با پویائی، مرتباً دچار نوسانات می‌گردد، همچنین تنها کشورهایی از امنیت و رضایت بیشتر (بطور نسبی) برخوردارند ابتکارات عملیات را در تحرکهای ذهنی، ساختارهای بین‌المللی، آمادگیهای رزمی و تکنولوژی در دست دارند. ما باید در ابتدا به خود باوری برسیم، در پی تحقق این ایده‌ها و آرزوها باشیم، به فرموله کردن آن، بیان و تعیین اهداف و تبیین استراتژیها پرداخته و طرحهای نوین خود را برای پیاده کردن در عرصه بین‌المللی مشخص نماییم. لازم به یادآوری است که این مقاله در دو بخش تدوین گردیده است و به مباحثی از جمله مفهوم واژه توسعه، امنیت عوامل تهدیدکننده برون

مرزی و فرامرزی، تأثیر متقابل رابطه علت و معلولی (رابطه میان تغییرهای توسعه و امنیت) تأثیر متقابل بین آموزش و متغیرهای کلیدی و تأثیر متقابل میان استقلال و متغیرهای کلیدی امنیت، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و بیان می‌شود که نقش‌آفرینی سپاه در گرو دو محور آموزش و اشتغال در موضوع «توسعه» است.

* «طرح‌ریزی جامعه امن (گفتگو ـ بخش نخست)»، نشریه امنیت، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۶، ص ۱۰، فصلنامه

هدف اساسی نشریه امنیت از تشکیل چنین میز گردی، یافتن پاسخی مناسب و منطبق با شاخصه‌ها و مختصات جامعه ایرانی در زمینه جامعه امن است. محورهایی که برای بحث پیرامون این موضوع در نظر گرفته شده عبارتند از: مفهوم جامعه امن، نسبی بودن جامعه امن، جامعه امن و محیط پیرامونی آن، روابط وکارکردها در جامعه امن، عوامل مؤثر در تقویت ظرفیت تاامنی و امنیت، راهبردهای افزایش ماندگاری در امنیت، تهدیدزدایی و توان مهار و مقابله با تهدیدات، رابطه جامعه، ثبات و امنیت، مختصات امنیتی جامعه ایرانی، ارایه طرح کاربردی در جهت ایجاد یک جامعه امن. این نشست با حضور فرشاد مومنی، محمد رضا تاجیک و مهرداد حاجی میر عرب برگزار شد.

* محمدجعفر حبیب‌زاده، «عوامل و موانع حقوقی امنیت و نظم اجتماعی در ایران»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج اول، چاپ اول، ص ۱۵۸

نویسنده اظهار می‌دارد یکی از عواملی که از دیدگاه حقوقی موجب نظم و امنیت اجتماعی می‌گردد، اطلاع آحاد جامعه از، «ممنوعیتها» است که قانونگذار بعنوان نماینده جامعه تعیین کرده است. این مفهوم در اصطلاح حقوقی تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرم و مجازات و دادرسی» بیان شده است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد پذیرش واقع شده است. عدم توجه به این اصل، موجب هرج و مرج قضائی می‌گردد و از موانع حقوقی امنیت و نظم اجتماعی به حساب می‌آید. از اینرو بر قانونگزار فرض است قوانینی را که به تصویب می‌رساند با اصل مذکور همسان نماید و اجازه

ندهد در مواردی که خود برای جامعه ممنوعیتهایی ایجاد نکرده است، قضات بجای او تصمیم بگیرند و با مراجعه به منابعی که راهنمای قانونگذار در تدوین قوانین می‌باشد، رفتار افراد را مشمول مجازات قرار دهند. چنین اجازه‌ای موجب جانشینی قضات به جای مقنن می‌گردد و موجبات تهافت آراء و هرج و مرج قضایی را سبب می‌گردد و در نتیجه «امنیت اجتماعی» را متزلزل می‌گرداند.

* عباس عبدی، «عوامل و موانع حقوقی امنیت و نظم در ایران»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور، (معاونت امنیتی و انتظامی) ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چ اول، ص ۱۹۲

نویسنده با بیان مطالبی در باب «نظم و بی‌نظمی»، «حقوق و نظم اجتماعی» به «عوامل و موانع حقوقی استقرار نظم و امنیت در ایران» می‌پردازد و عللی چون تعارض حقوق با عرف و اخلاق، عدم اطلاع از حقوق، پس افتادگی حقوقی و تعارضات درونی نظام حقوقی اشاره می‌کند.

* ابراهیم رزاقی، مدیریت توسعه و امنیت اجتماعی، نشریه امنیت، سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۶، ص ۱۹، فصلنامه

در قسمتی از این مقاله نویسنده به بررسی توسعه سرمایه داری ایجاد شده در ایران از سال ۱۲۹۹ شمسی می‌پردازد و معتقد است این توسعه ناموزون باعث بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و امنیتی در جامعه ایران شده بود.

* عزت‌الله سام آرام، «ناامنی در روستاها، عاملی در توسعه نیافتگی روستا»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چ اول، ص ۱۰۲

نویسنده عقیده دارد که مهمترین عاملی که می‌تواند زمینه‌های فرهنگی توسعه در روستا را سبب گردد، وجود امنیت در ابعاد مختلف روستایی است و در مقابل ناامنی به هر میزان که به وجود آید، به همان میزان می‌تواند مانعی در مسیر توسعه باشد و شاید

هم بتوان گفت این دو مقوله دو روی یک سکه‌اند. سپس پیشنهادات خود را برای ایجاد امنیت در روستاها چنین ارایه می‌دهد: الف) انجام تحقیقات با تأکید بر چگونگی امنیت و ناامنی در روستاها و با هدفهای کاربردی برای توسعه روستا ب) جلب مشارکت مردم روستا در فرایند توسعه از ابتدا (برنامه ریزی) تا انتها ج) ارایه خدمات دادگستری در روستا د) گسترش امکانات ارتباطاتی دور در روستاها برای کاهش ناامنی ه) توسعه فرهنگی و نیروی انتظامی گسترده در روستاها، جهت حفظ امنیت متناسب با بافت روستایی.

ج: بُعد اقتصادی

* سید احمد میرمطهری، امنیت اقتصادی، مجله صنعت روز، سال سوم، شماره ۲۷، ۱۳۷۳، ماهنامه، ص ۱۶

مقاله عمدتاً در مورد مفهوم امنیت اقتصادی و مشخصه‌های آن می‌باشد.

در قسمت پایانی مقاله نویسنده برخی از عوامل که در زمینه سنجش و سبک در سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران مؤثرند، ذکر می‌نماید.

* مهدی ادیبی سده، «تاثیر متقابل توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و امنیت» به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، یک جلد، چ اول، ص ۲۰۹،

نویسنده در این مقاله با بررسی مباحثی چون، مفاهیم توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و امنیت، توسعه و رشد هماهنگ در سطح و وفاق فرهنگی و نظم اجتماعی به این نتیجه‌گیری می‌رسد که توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و امنیت ارتباط متقابل یکسانی با هم دارند و اشاره می‌نماید برای بدست آوردن امنیت داخلی رعایت موارد زیر ضروری است: تکیه بر ارزشهای اسلامی و رعایت دقیق آنها. گسترش امر به معروف و نهی از منکر، فقرزدایی، گسترش تامین اجتماعی در جامعه، رعایت نسبت رشد شتابان با ارزشهای اسلامی.

* علی‌اکبر کرباسیان، «حلقه مفقود امنیت اقتصادی در ایران»، مجله گزارش، ۱۳۷۵،

سال ششم، شماره ۶۵، ص ۵۰، ماهنامه

نویسنده ابتدا مفهوم «امنیت اقتصادی» را توضیح می‌دهد و برخی از ابعاد گسترده این مفهوم را اجمالاً بیان می‌کند. مهمترین بخش‌های اصلی مقاله عبارتند از: رجحان امنیت اقتصادی؛ بیان و قلم عامل ناامنی؛ آثار ناامنی اقتصادی؛ جای پای دولت؛ و امنیت و سرمایه‌گذاری. در پایان نویسنده متذکر می‌شود که لازم است دولت با سیاستهای اصولی‌تر و منطقی‌تر تصورات اقتصادی مردم را عوض کند تا رفتار اقتصادی آنها نیز عوض شود. در این زمینه، دولتمردان باید در مواضع خود نسبت به کیفیت اجرای عدالت اقتصادی، پس‌انداز، پول، مالیات و سرمایه‌گذاری و اصولاً بنیان امنیت اقتصادی کشور تجدیدنظر جدی و اساسی نمایند.

* هوشنگ شادنیا، «قاچاق کالا تهدیدی برای امنیت کشور»، نشریه امنیت ۱۳۷۷، سال دوم، شماره ۷و۶، ص ۳۰، دو ماهنامه

نویسنده اثرات مخرب نا امنیتی کالای قاچاق را در سه حوزه (بازرگانی، امنیت مرزها و سرمایه‌های ملی) مورد بحث وبررسی قرار می‌دهد و اثرات منفی قاچاق را در این سه حوزه برمی‌شمارد و چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که قاچاق کالا و امنیت دارای رابطه متضاد هستند، امنیت، شرایط و فضای مناسب برای حفظ ارزشها است و قاچاق کالا در تقابل با ارزشها حرکت می‌کند. وسعت و گسترش هر کدام از این دو مقوله موجب کوچکتر شدن حیطه دیگری می‌گردد.

* صادق زیبا کلام، «قانون، حکومت، امنیت و اقتصاد»، مجله جامعه سالم، سال هفتم ـ ۱۳۷۶، شماره ۳۵ ماهنامه، ص ۲۹

ایران و کره، صنعت ماشین سازی را تقریباً همزمان با هم شروع کردند چه شد که آنها به «پراید» و «هیوندا» رسیدند و ما در همان پیکان ماندیم. تلاش اصلی نویسنده برای پاسخ به این سوال است. نویسنده دو نکته اساسی را در مورد تفاوت ایران و کره ذکر می‌کنند: ۱) مستقل بودن صنایع کره از دولت ۲) امنیت اقتصادی در کره توضیح این دو عامل و تاثیر آنها بر پیشرفت کره و عدم وجود آنها در ایران و تاثیراتشان در عقب ماندگ

ایران در مقایسه با کره شاکل اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد.

* منطقه آزاد قشم، «مقوله اقتصاد و مقوله امنیت ملی»، مجله گزارش، ۱۳۷۵، سال ششم، شماره ۶۳، ص ۳۵، ماهنامه

در اوایل سال ۷۵، لایحه‌ای که «اصلاح قانون چگونگی اداره مناطق تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی» نام داشت از تصویب مجلس گذشت. مخالفان آن را مغایر با قانون اساسی و تشکیل این مناطق را مغایر با حاکمیت ملی می‌دانستند. در مقابل موافقان تشکیل این مناطق را باعث رونق اقتصادی اعلام می‌کردند. این نوشتار دیدگاههای مخالف و موافق برخی از نمایندگان را با لایحه مزبور، مورد بررسی قرار می‌دهد. قسمت اعظم این مقاله، نقل مستقیم سخنان نمایندگان در مجلس شورای اسلامی است.

* فریدون برکشلی، نفت، اقتصاد و امنیت جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۳، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ص ۱۴۳ تا ۱۶۲، فصلنامه

در این مقاله، چهار فرایند صنعتی که از صنایع نساجی آغاز و به صنعت نفت پایان می‌یابد شناسایی شده و چنین نتیجه‌گیری می‌شود که صنعت نفت با از دست دادن نقش مسلط خود در اقتصاد بین‌المللی و در بطن رکورد جاری جهان جای خود را به فرآیند نوینی از فعالیتهای صنعتی و خدماتی خواهد داد. توجه به این روند از آن جهت برای ایران مهم است که بتواند با درک عمیقتری از نفت و جایگاهش در اقتصاد جهانی برای تأمین منابع مالی خود جهت اهداف توسعه اقدام نماید. با توجه به این واقعیت که نفت تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی برای امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد، اهمیت روند تحولات داخلی و بین‌المللی در این زمینه نمایان می‌شود.

د: بعد سیاسی

* احمد بخشایشی اردستانی، «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۶۴،۱۳۷۵ ص، ۴۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۴۵۰۰ریال،

کتاب متشکل از یک مقدمه و دو بخش است. بخش اول با عنوان «مباحث مقدماتی و

روش شناختی» دو فصل را شامل می‌شود: فصل اول به دیدگاههای سیاست می‌پردازد فصل دوم سیاست خارجی را توضیح می‌دهد بخش دوم تحت عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» خود شامل سه فصل می‌باشد در فصل اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سطح تحلیل کلان بررسی می‌شود. در فصل دوم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه سطح تحلیل خرد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. فصل سوم به منابع قدرت در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد.

نویسنده در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح تحلیل خرد، سه دوره را بدست می‌دهد. شاخص تمایز این سه دوره، دو شیوه ارتباط دولت با دولتها و ملت با ملتهاست؛ دوره اول: از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ تحت عنوان محافظه کاری با خط مشی لیبرالیزم، شیوه ارتباط غلیظ دولت ایران با سایر دولتها خودنمایی می‌کند. دوره دوم از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ تحت عنوان رادیکالیزم یا صاحبان اصلی انقلاب معرفی می‌شود. در این دوره شیوه ارتباط ملت ایران به نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران با ملتهای دیگر غلیظتر و ارتباط دولت با دولتها رقیقتر می‌گردد. دوره سوم از سال ۱۹۸۸ شروع می‌شود و تحت عنوان عادی سازی رفتار خارجی جمهوری اسلامی با تأکید زیاد بر شیوه ارتباط دولت با دولتها و دقیقتر کردن شیوه ارتباط با ملتها معرفی می‌شود. ویژگی اصلی این دوره در دو رهیافت خلاصه می‌شود: الف) الزامات امنیتی و تأمین مصالح و منافع ملی ب) جهان و همکاریهای خلیج فارس

از میان مباحث کتاب آنچه که به مبحث «امنیت» مربوط می‌شود، در فصل دوم از بخش دوم مطرح می‌شود، در توضیحات مربوط به دوره سوم سیاست خارجی ایران مشخصاً بحث امنیت مطرح می‌گردد، و صفحات ۱۱۷ تا ۱۳۹ را شامل می‌شود.

* امیر سپهوند، «جرائم علیه امنیت، آسایش و مصالح عمومی کشور» تدوین: مجید ادیب، جزوه منتشر نشده، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۷، ۳۴۲ ص، یک جلد،

کتاب شامل یک پیشگفتار یک مقدمه و سه بخش می‌باشد. بخش‌اول شامل هفت فصل می‌باشد. بخش دوم از شش فصل تشکیل شده است.

دسته، جمعیت و شبه جمعیت؛ عضویت در دسته، جمعیت یا شبه جمعیت؛ تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران؛ داخل شدن به مکانهای نظامی، سیاسی و امنیتی، تحریک رزمندگان به عصیان، فرار و تسلیم و...، همکاری علیه جمهوری اسلامی ایران و جاسوسی. در بخش دوم جرائم علیه امنیت داخلی مورد بحث قرارمی‌گیرد. این بخش از فصول ذیل تشکیل شده است: تروریسم، سوء قصد، تحریک مردم به جنگ و کشتار، محاربه، قیام مسلحانه، طرح براندازی حکومت و تخریب و آتش زدن اموال.«جرائم علیه آسایش عمومی» عنوان بخش سوم کتاب است که شامل فصول تقلب در مسکوکات، ساختن سکه تقلبی، داخل کشور کردن مسکوکات تقلبی، و جعل و تزویر می‌شود. همانگونه که از عناوین مباحث، بخش‌ها و فصول کتاب پیداست، مسأله امنیت با رویکردی قانونی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است و بیشتر مصادیق و مفاهیم جرائم علیه امنیت (داخلی یا خارجی) و آسایش عمومی مطرح شده است.

* ایرج گلدوزیان، «حقوق جزای اختصاصی» (جرائم علیه تمامیت جسمانی، اموال و مالکیت، امنیت و آسایش عمومی)، تهران، ۱۳۷۲، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۴۸۴ ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ سوم، ۴۰۰۰ ریال

کتاب در سه باب تنظیم شده است: جرائم علیه تمامیت جسمانی، جرائم بر ضد اموال و مالکیت، و جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. باب سوم مربوط به موضوع امنیت است. در ابتدای این باب هدف و موضوع جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مورد بحث قرارگرفته است، سپس جرائم علیه امنیت خارجی کشور (خیانت به کشور و جاسوسی)، جرائم علیه امنیت داخلی کشور (جرائم بر ضد حکومت و دولت بدون وقوع جنگ و قتال در داخل کشور، جنگ داخلی و قتال و تروریسم) و جرائم علیه آسایش عمومی (قلب سکه، جعل و تزویر، استفاده از اسناد و نوشته‌های جعلی) توضیح داده شده است.

از عنوان کتاب و فهرست مطالب آن پیداست که مساله امنیت و مسائلی که مخل آن است با رویکردی حقوقی و قانونی مورد بررسی قرار گرفته است. مباحث کتاب هم شامل مباحث نظری و هم مباحث عملی و کاربردی می‌شود. که هر دوی اینها رهیافت، حقوقی و قانونی است.

* محمدصالح ولیدی، «حقوق جزای اختصاصی» (جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی)، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳، ۴۰۶ ص، ۳۰۰۰ نسخه، ۳ ج، جلد سوم، چاپ دوم

نویسنده کتاب را در سه دفتر تهیه کرده است. این دفاتر عبارتند از: جرائم بر ضد امنیت خارجی مملکت، جرائم بر ضد امنیت داخلی مملکت، و جرائم بر ضد آسایش عمومی. دفتر نخست شامل چهار فصل می‌باشد. فصل اول با عنوان «مفاهیم کلی» مفهوم جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل دوم به «خیانت به کشور از ناحیه غیرنظامیان» اختصاص دارد و عناوین فصول سوم و چهارم به ترتیب عبارتند از: خیانت نظامیان به کشور و جاسوسی.

دفتر دوم شامل دو فصل است: جرائم علیه قوای حاکم و بر ضد دولت؛ جرائم مخل نظم و امنیت داخلی و تخریب اموال دولتی و عمومی. و دفتر سوم شامل شش فصل است: سکه قلب، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر یا سرقت نوشته‌ها از اماکن عمومی، فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین، غصب عناوین و مشاغل دولتی و تخریب ابنیه و آثار مذهبی و خارج کردن اشیای عتیقه از کشور و یا تقلب در آنها.

همانگونه که از عناوین فصول و بخشهای کتاب پیداست، مفهوم امنیت و آسایش عمومی با رویکردی حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده در دفتر اول و دوم کتاب مشخصاً به موضوع امنیت پرداخته است. ابتدا مفهوم امنیت داخلی و خارجی و سپس مصادیق آنها و مجازاتشان را با رویکردی حقوقی توضیح می‌دهد. در پایان، در دفتر سوم به جرائم علیه آسایش عمومی می‌پردازد که به نوعی با مسأله امنیت در ارتباط است.

* ضیاءالدین پیمانی، «حقوق کیفری و اختصاصی»؛ (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵، ۱۶۶ ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ دوم، ۵۰۰۰ ریال

کتاب شامل مقدمه و پنج فصل می‌باشد. فصل اول شامل دو بخش و فصل پنجم

شامل پنج بخش می‌باشد. عناوین فصول کتاب به ترتیب عبارتند از: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی، سوء قصد و توهین به مقامات سیاسی خارجی، تهیه و ترویج سکه قلب، و جعل و تزویر و جرائم وابسته.

کتاب عمدتاً به شرح مواد قانونی جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی می‌پردازد، و همانگونه که از عناوین فصول پیداست بیشتر مباحث حقوقی مطرح می‌شود تا مباحث سیاسی ـ امنیتی. در فصل اول نویسنده مشخصاً به جرائم علیه امنیت می‌پردازد که این فصل دو بخش دارد: بخش اول به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در مبحث تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده می‌پردازد، و در بخش دوم «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور پیش بینی شده در مبحث حدود،» توضیح داده می‌شود.

* هوشنگ شامبیاتی، «حقوق کیفری و اختصاصی» (جرائم بر ضد مسائل عمومی کشور)، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۷۶، ۵۹۱ ص، ۲۵۰۰ نسخه، ۳ ج، جلد سوم، چاپ اول، ۱۹۰۰ تومان

کتاب شامل دو باب کلی می‌باشد: باب اول ـ جرائم بر ضد امنیت کشور. باب دوم ـ جرائم علیه نظام اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و عفت عمومی. باب اول به سه مبحث می‌پردازد: جرائم بر ضد امنیت کشور که مستوجب حداست، جرائم بر ضد امنیت کشور که بر حسب شرایط تحقق‌گاهی مستوجب حد و زمانی مستوجب تعزیر است، و جرائم علیه امنیت کشور که مستوجب تعزیر می‌باشد. باب دوم نیز شامل سه بحث است: جرائم علیه نظام اقتصادی کشور، جرائم علیه نظام اجتماعی، و جرائم علیه نظام اخلاقی و عفت عامه. در این کتاب در باب اول مشخصاً از جرائمی که مخل امنیت ملی و امنیت کشور است سخنانی به میان آمده است و با توجه به قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اعمالی که امنیت کشور را تهدید می‌کند، بیان شده و مجازات هر کدام توضیح داده شده است، مباحث کتاب با رویکردی حقوقی و قانونی مطرح شده است و بیشتر به مصادیق اعمالی که امنیت را مختل می‌کند پرداخته است و کمتر بحث نظری طرح شده است.

* سید محمد صدر، «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات و استراتژی

مقابله در زمینه سیاست خارجی»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، سال نهم ش ۱، ص ۷۳ تا ۸۶، فصلنامه

این نوشتار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تهدیدات مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. بعد از آنکه عامل تهدید کننده امنیت ملی ایران را خارجی می‌داند نه داخلی، با نگاهی گذرا به تاریخ پانزده ساله انقلاب و جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل‌را مهم‌ترین تهدید خارجی برای ایران برمی‌شمارد. به طور کلی این مقاله ابتدا برخوردهای آمریکا با انقلاب ایران را در سه حوزه برنامه‌ریزی و اقدام جهت جلوگیری از پیروزی انقلاب، نابودی جمهوری اسلامی و کنترل و جلوگیری از صدور انقلاب، بررسی می‌کند. سپس اقدامات استراتژیک جمهوی اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی جهت مقابله با تهدیدات آمریکا را برمی‌شمرد. در پایان نیز تشکیل ستادی زیر نظر رئیس شورای امنیت ملی با عضویت برخی از وزیران را جهت اجرای استراتژی مقابله پیشنهاد می‌کند.

* کیهان برزگر، مقاله «ایران، همسایگان شرقی و امنیت مرزهای مشترک»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۷، شماره ۴، سال پنجم، ص ۱۹۹، فصلنامه

این نوشتار تمرکز اصلی را بر روی مساله تاثیر فروپاشی شوروی بر تقویت گرایشهای استقلال‌خواهانه در مرزهای شرقی ایران و خطرات آن بر امنیت ملی ایران و کشورهای همسایه شرقی، گذاشته است. بدین ترتیب تقویت گرایشهای استقلال خواهی قومیت‌ها در کشورهای همجوار ایران، امنیت کشور را با آسیب پذیری جدی مواجه ساخته است.

* بحران افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (میزگرد علمی) مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۳۰۴ تا ۳۱۰ فصلنامه

این میزگرد با حضور آقایان: خیرخواه سفیر افغانستان در ایران، زهره وند سرکنسول سابق جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف و اکبری مشاور تحقیقاتی وزارت دفاع برگزار گردید. ماهیت بحران فعلی افغانستان، پیش بینی تحولات آینده افغانستان، تهدیدات رشد طالبان در افغانستان برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، توقع

نیروهای متحد اسلامی افغانستان در شرایط فعلی از دول منطقه و سازمانهای جهانی و بالاخره روابط تهران و اسلام آباد پس از بحران اخیر، عناوین اصلی محورهای مورد بحث در این میزگرد می‌باشند.

* سهراب رزاقی سیاهرودی، «بی‌ثباتی سیاسی و توسعه در ایران معاصر»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی - اداره کل امنیتی) ۱۳۷۶، ۴۱۷ص، ج ۲، ج اول، ص۳۰۵

نویسنده در گام نخست به بحث نظری و مفهومی پیرامون ثبات و بی ثباتی سیاسی و توسعه می‌پردازد و نقش بی‌ثباتی در فرایند توسعه ایران معاصر را مورد بحث قرار می‌دهد و در نهایت بر نقش دولت و جامعه قوی در فرایند موفقیت‌آمیز توسعه تاکید می‌کند. نویسنده عقیده دارد دولتهای حاکم در ایران معاصر بیشتر دولتهای ضعیف و فاقد مشروعیت بوده‌اند تا دولتی قوی، کار آمد و توسعه خواه. در دوران گذار از بی‌ثباتی سیاسی به ثبات سیاسی، تأکید بر نقش دولت و جامعه قوی و تاکید بر ایجاد ثبات سیاسی در فرایند توسعه لازم و ضروری است و می‌توان نتایج زیر را اتخاذ کرد:

۱) توسعه عنصر با اهمیت «ثبات سیاسی» است .

۲)توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است.

۳)مدیریت موفقیت‌آمیز توسعه و مشارکت مردم در این فرایند مدلهای حیاتی ثبات سیاسی هستند.

* سید اصغر کیوان حسینی، «پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۶، سال پنجم شماره ۴و سال ششم ش ۱، شماره مسلسل ۲۰-۲۱، ص ۳۲ تا ۵۴، فصلنامه

تاریخ روابط ایران و افغانستان، همواره از فراز و فرودهای فراوانی برخوردار است. در این رابطه بحران کنونی در افغانستان که بدلیل اشغال نظامی این کشور توسط شوروی (سابق) آغاز شد و در طول حیات خود در دهه گذشته مقاطع گوناگونی را پشت سر گذاشته، پیامدهای مختلفی را متوجه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران ساخته است.

چون بحران مذکور، عملاً به صحنه تقابل سیاستهای منطقه‌ای و جهانی کشورهای ذینفع تبدیل شده است، تبعات امنیتی مورد نظر بیش از گذشته شایسته توجه است. در این مقاله ضمن تاملی کوتاه بر ابعاد نظری شاخص‌های امنیت ملی در جهان سوم، و با عنایت نظری کلی بر مقاطع بحران مزبور، تبعات این بحران بر ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

* عبدالله رمضانزاده، «توسعه و چالشهای قومی» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» حسین مصلحتی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی) ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲جج۲، چ اول، ص ۲۳۳

نویسنده با طرح مباحثی چون: گروههای قومی، هویت قومی به مدرنیزاسیون و مناقشات قومی به موج نوین دموکراسی و تحولات تاریخ ایران مانند اشغال کشور توسط متفقین و دوران پس از آن و جمهوری اسلامی و چند گونگی قومیتی ایران، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شاخصهای توسعه از سوئی موجب آگاهی از هویت قومی شده و از سوی دیگر باعث احساس تحدید آن از طرف دیگر می‌شود. در چنین بستری چنانچه سیاستهای اقتصادی توسعه منجر به گسترش دامنه احساس تبعیض شود، موجب افزونی احتمال مناقشه‌های قومی در صورت مساعد بودن سایر عوامل می‌گردد. تحدید مشارکت در قدرت سیاسی نیز عامل دیگر است که می‌تواند افزونی احتمال مناقشه‌های قومی را باعث گردد.

* محسن نصری، سپاه، «امنیت ملی و فراملی»، به نقل از کتاب نقش سپاه در دفاع و امنیت کشور، (مجموعه مقالات) تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اول، ص ۱۷۷.

نویسنده در این مقاله به طرح مباحث امنیت از دیدگاه اسلام، ابعاد امنیت، امنیت ملی در حوزه فراملّی، سپاه و امنیت فرهنگی ـ اجتماعی ـ اقتصادی، سیاسی، نظامی، و طبیعی می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌نماید که امنیت مقوله ملّی و فراملّی است و با برقراری

مسلمان خواهیم بود. در این زمینه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهادی سازمان یافته، کارآمد و مردمی و با بهره‌گیری از پنج نیروی زمینی، دریایی، هوایی، بسیج و قدس در ایجاد امنیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فراملّی نقش بسزایی دارد.

* حیدرعلی مهدوی‌نیا، «شیوه‌های دستیابی به امنیت پایدار» به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملّی»، (مجموعه مقالات) تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، یک جلد، چ اوّل، ص ۱۹۰

نویسنده تلاش می‌نماید تا به سه سوال عمده در این مقاله جواب مناسبی ارایه دهد: اول اینکه چرا شناسائی معضلات جدید امنیتی اهمیت دارد؟ نویسنده عقیده دارد، ممانعت از غافلگیری دشمن، ایجاد زمینه‌های پیشگیرنده و کسب آمادگی برای مقابله با دشمن، شناسائی چنین امری را ضرورت می‌بخشد. دوم اینکه آیا شرایط امنیت داخلی ما در حال تغییر است؟ نویسنده با بررسی و اشاره به مقاطع تحول و تکوین یک نظام سیاسی به ویژه «ایجاد نظام»، «تثبیت نظام» و «گسترش اقتدار» اظهار می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران در حال گذر از مرحله «تثبیت» به «گسترش اقتدار» است و در چنین شرایطی، دشمنان انقلاب، تمام توان خود را مصروف می‌دارند تا از انقلاب اسلامی کسب امتیاز نمایند، لذا اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند مرحله گذار را پشت سر بگذارد در شرایط مناسبی است و سوم اینکه چه عواملی موجب تغییر شرایط امنیتی می‌شوند؟ نویسنده «تغییرات جهانی»، «تغییر گروهکها» و «تغییرات در جمهوری اسلامی ایران» را بعنوان منابع تغییر ذکر می‌کند.

* صادق زیبا کلام، «عوامل و موانع سیاسی امنیت» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی ـ اداره کل امنیتی) ۱۳۷۶ ـ ۴۱۷ص، ۲ج، جلد اول چ اول ص ۳۲۸

نویسنده عقیده دارد که به لحاظ تاریخی، مانع اصلی سیاسی بر سر راه امنیت در جامعه ایران «حکومت» به معنای «State» بوده است. این پدیده خود معلول ویژگیهای «جغرافیایی ـ محیطی» فلات قاره ایران می‌باشد. این ویژگیها و شرایط اقلیمی، بیشترین

تاثیرات را بر ماهیت «کارویژگی» و نقش حکومت در مناسبات اجتماعی در طول تاریخ ایران گذارده است بگونه‌ای که حکومت در ایران نه تنها نتوانست در طول تاریخ در جهت برقراری ثبات اجتماعی و امنیت سیاسی گام بردارد بلکه به نوبه خود عمده‌ترین موانع را بر سر راه این اهداف به وجود آورد.

* جعفر حق‌پناه، «قاچاق مواد مخدر و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷پیش شماره دوم، ص ۱۴۳ تا ۱۷۰.

تاثیر یا عدم تاثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی ایران، سوال اساسی مقاله می‌باشد. برای پاسخگوئی به این سوال، ابتدا ویژگی‌های یک تهدید در سطح ملی برشمرده می‌شود و در ادامه با تفکیک تاریخ ایران به دو دوره عمده قبل و بعد از انقلاب، به تطبیق این ویژگی‌ها با شرایط موجود در هر زمان پرداخته است. به نظر مولف، قاچاق مواد مخدر به علت همسویی با سیاستهای حاکم در رژیم سابق، بعنوان تهدید برای امنیت ملی ایران مطرح نبوده ولی با وقوع انقلاب اسلامی، این عامل به صورت یک تهدید امنیتی رخ نموده است. آمار و ارقام مورد استفاده همگی موید استنتاجی است که مولف در این مقاله اخذ کرده است. نفوذپذیری مرزها، ایجاد شرارت و ناامنی، سرمایه داری سیاسی، مخالفان داخلی و خارجی و... از جمله مواردی هستند که زیر عنوان عوامل مخرب امنیت ملی طرح و بطور مفصل بررسی شده‌اند.

* هوشنگ امیراحمدی، «قومیت و امنیت» (تأثیر سیاستهای قومی رژیم پهلوی در پیرایش جنبش‌های قومی دسته جمعی در ایران)، ترجمه حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص۲۰۷ تا ۲۳۳.

نویسنده در ابتدا چارچوبی نظری برای تبیین جنبشهای قومی به دست می‌دهد. به اعتقاد نویسنده علیرغم تجربه شکل‌گیری جنبشهای قومی در ایران و نقش آنها در بحرانهای سیاسی و اقتصادی، امروزه اجزا و عوامل شکل‌گیری این جنبش‌ها تا حدود زیادی از بین رفته‌اند و بنابراین خطری برای امنیت ملی ایران به حساب نمی‌آید. به عبارتی اجزاء چهارگانه مؤثر بر شکل گیری جنبشهای قومی در ایران وجود ندارد از

لحاظ سیاسی قدرت دولت مرکزی کاملاً بیشتر از قدرت گروههای قومی است. از لحاظ اقتصادی، دسترسی دولت به منابع عظیم اقتصادی، طبیعی، صنعتی و مالی نیز عملاً رکن دوم جنبش‌های قومی را از بین برده است. از لحاظ فرهنگی نیز همسانی رو به رشد فرهنگهای پیرامونی با فرهنگ مرکزی باعث شده گریز از مرکز جای خود را به ادغام بدهد.

* سهراب شهابی ـ فریده فرهی، «ملاحظات امنیتی و سیاست خارجی ایران»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، سال نهم، ش اول، ص ۳۹ تا ۵۶، فصلنامه

نوشتار حاضر مقدمه‌ای است در باب آنچه باید به عنوان ملاحظات مشروع امنیتی دولت ایران مطرح شود. در این راستا، ۳ حوزهٔ مشخص و در عین حال مرتبط ارایه داده می‌شود: ۱ـ بی‌ثباتی منطقه‌ای که با فروپاشی نظام دوقطبی و تأثیرات جنگ دوم خلیج فارس به وجود آمده است؛ ۲ـ نظام‌گرایی شدید منطقه‌ای ۳ـ آسیب‌پذیری اقتصادی.

در زمینه توضیح ملاحظات امنیتی دولت ایران بر نظریه‌هایی که درک صرفاً ژئوپلتیک این مفهوم و جدایی سیاستهای داخلی و جهانی را رد می‌کند تکیه شده است و در عین حال تهدیدات داخلی نسبت به ساختار دولت، علاوه بر طرقی که نظام بین‌المللی بر امنیت ایران اثر می‌گذارد مورد تأکید قرار گرفته است.

* علی شمس اردکانی، «ملاحظه‌ای درباره امنیت ملی»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۵ـ۱۳۶۶، سال اوّل، ش ا، ص ۹۷ تا ۱۰۴، فصلنامه

مقاله در مورد امنیت منطقه‌ای و یا به تعبیر دقیقتر امنیت ملّی و امنیت بین الملل در رابطه با سیاست خارجی و برنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. نویسنده ابتدا ابعاد مختلف امنیت یک کشور را بررسی می‌کند(داخلی و خارجی). آنگاه به وظائف حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع) (اصلاح اهل، عمران بلاد و حفظ ثغور) اشاره می‌کند. ضمن اشاره‌ای مختصر به دو وظیفه اوّل، نویسنده تلاش می‌کند مسأله حفظ ثغور و ترمیم خطوط سیاست بین المللی برای حفظ ثغور را با توجه

به جمهوری اسلامی ایران و مسائلی که ایران باید برای حفظ امنیت در نظر داشته باشد توضیح دهد.

* زهرا احمدی‌پور، «همکاری منطقه‌ای، پیش شرط توسعه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی»، حسین مصلحتی کوچصفهانی، وزارت کشور (معاونت امنیتی ـ انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چاپ اول، ص ۴۴۲

نویسنده با بررسی مفهوم «امنیت ملی و ابعاد آن» و «عوامل تهدیدکننده آن»، همکاریهای منطقه‌ای و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در چهار حوزه، جنوب (خلیج فارس)، غرب، شرق و شمال مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران، باید نسبت به این امر واقف باشد که تعدادی از مشکلات ژئوپلتیکی در حوالی مرزهای ایران، مشکلات پایدار هستند که دقت و توجه خاصی را می‌طلبند و در صورت عدم شناخت دقیق مشکلات فوق، کانونهای بحرانی فعالی شکل خواهد گرفت که به راحتی به تمامی نقاط داخل ایران نفوذ خواهد کرد. نکته اساسی که در این جا مورد تأکید می‌باشد آن است که امنیت ملی جزء جداناپذیری از صلح و ثبات و امنیت منطقه را تشکیل می‌دهد. بعلاوه از آنجا که در یک منطقه ناامن، هیچ کشوری نخواهد توانست از ثبات و امنیت کافی برخوردار گردد و احتمال رشد و توسعه اقتصادی یک دولت، در یک منطقه بحرانی بسیار بعید می‌نماید، لذا جمهوری اسلامی ایران باید ثبات و امنیت، رشد و توسعه ملی و منطقه‌ای را از اصول کلی سیاستهای داخلی و خارجی خود قرار دهد.

* جعفر جمشیدی راد، «بازتاب بحران قفقاز پس از فروپاشی شوروی بر امنیت ملی ایران»، هوشنگ مقتدر، چنگیز پهلوان، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکدهٔ علوم انسانی، ۱۳۷۳، ۱۷۶ ص

پایان نامه مذکور مشتمل بر قسمتهای زیر می‌باشد:

مقدمه و روش پژوهش، پیش‌گفتار و درآمد تحقیق و شش فصل: فصل اول به بررسی

و نتایج بحرانها و منابع فصل اول). فصل دوم با عنوان بررسی امنیت و امنیت ملی شامل این قسمتها است: (بررسی تعاریف و ویژگیهای امنیت، شناخت مفهوم امنیت ملی، ویژگیهای امنیت ملی، عوامل تهدید کنندهٔ امنیت ملی و منابع فصل دوم). فصل سوم جغرافیای سیاسی و پیشینهٔ تاریخی قفقاز را مطالعه می‌کند. فصل چهارم بحران قفقاز و فصل پنجم بازتاب بحران قفقاز بر امنیت ملی ایران را مورد بحث قرار می‌دهد که شامل این موضوعات است: ۱) تأثیر بحران بر نیروهای درونی ایران ۲) نقش و رسالت ایران در قبال تحولات قفقاز ۳) اهمیت قفقاز برای ایران، منابع فصل پنجم در فصل ششم نویسنده به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نویسنده بر آن است که فروپاشی شوروی و بحران قفقاز بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر خواهد داشت و می‌تواند منبع ناامنی در آینده باشد اگر ایران با درایت و تدبیر به مسأله نیاندیشد. عمده‌ترین تهدیدی که متوجه امنیت ملی ایران است بی‌ثباتی مرزها و عدم کنترل جریانات متشکل جدید در منطقه و نفوذ سرایت به درون ایران و افزایش نابسامانی اجتماعی و سیاسی می‌باشد.

* علیرضا سلیمانی، «تحولات اخیر شوروی و امنیت ملی ایران»، استادان راهنما و مشاور: داریوش اخوان زنجانی، جلیل روشندل، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۱، ۲۷۹ص

نویسنده در فصل اول به بررسی نظری امنیت ملی و چگونگی تأمین آن در سیستم بین‌المللی، در فصل دوم، به بررسی سیاست خارجی روسیه بر امنیت ملی ایران و چگونگی افزایش میزان تهدیدات دولت روس علیه امنیت ملی ایران، در فصل سوم به تجزیه و تحلیل تأثیر سیاست خارجی شوروی و چگونگی تأثیر کاهش تدریجی میزان تهدیدات دولت شوروی و در فصل چهارم به توضیح وضعیت امنیتی منطقه و ایران پس از فروپاشی شوروی و تجزیه آن به جمهوری‌های مستقل پرداخته است.

نویسنده بر آن است که کاهش و فروپاشی قدرت شوروی سابق و استقلال

جمهوری‌های جدید در منطقه موجب برجسته شدن نقش ایران در معادلات امنیتی منطقه گردیده است.

هـ) بُعد نظامی

* جواد منصوری، «نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵، ۲۱۶ ص، ۴۴۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۳۲۰ ریال

کتاب شامل چهار فصل می‌باشد: فصل اول مقدمه است که به ضرورت بحث سیاست خارجی در سالهای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌پردازد. عنوان فصل دوم شناخت نظام کفر جهانی است. در فصل سوم اهداف سیاست خارجی (برقراری توسعه و تحکیم روابط ـ ایجاد وحدت بین ملل مسلمان ـ حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ـ تبلیغ اسلام و افشای ماهیت استکبار جهانی ـ دفاع از سرزمینها و منافع مسلمین) مورد بحث قرار می‌گیرند. فصل چهارم اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برمی‌شمارد (حاکمیت موازین اسلامی ـ نفی سلطه جویی و سلطه پذیری ـ تولی و تبری ـ روابط صلح‌آمیز با دول غیرمحارب ـ عدم مداخله در امور داخلی کشورها ـ اولویت روابط با جهان سوم و...

همانگونه که از عنوان کتاب پیداست، توضیح اهداف و اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محور اصلی بحث می‌باشد، که در این زمینه نویسنده ضمن مروری بر سیاست خارجی در سالهای اولیه انقلاب و بررسی و شناخت نظام کفر جهانی، به بررسی این اصول و اهداف می‌پردازد. یکی از اهداف سیاست خارجی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور می‌باشد. نویسنده مبحثی را بعنوان «امنیت داخلی و خارجی» ذیل این هدف مطرح می‌کند و در آن مبحث به توضیح ابزارها و زمینه‌های لازم برای تدوین استراتژی امنیت ملی می‌پردازد و در همین راستا برخی از نظریات حضرت امام خمینی(ره) را مطرح می‌نماید. همچنین در فصل چهارم نویسنده چند صفحه‌ای را به «نقش نیروهای مسلح در برقراری صلح و امنیت» اختصاص می‌دهد. موضوع اصلی کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است ولی در برخی از مباحث کتاب به

* نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور (مجموعه مقالات)، انتشارات نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۵، وزیری، چ اول، یک جلد، ۳۱۷ص

کتاب فوق شامل مقالاتی در موضوع امنیت ملی کشور و نقش سپاه در این خصوص می‌باشد.

* ابومحمد عسگرخانی، «آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج. ا. ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ۲۱۹ تا ۲۹۵،

دیدگاهی که نویسنده در مورد آزمایش هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران مطرح می‌کند دیدگاه ضرورت امنیتی وجود سلاح هسته‌ای می‌باشد. نویسنده معتقد است همانگونه که تحولات نظام بین‌الملل بیانگر این مطالب است که نظام بین‌المللی در بعد اقتصادی بسوی منطقه‌ای شدن پیش می‌رود، در بعد امنیتی نیز «منطقه‌ای شدن» در حال تحقق است. در قسمت بعد نگارنده به چگونگی شکل‌گیری و اهداف سازمان انرژی اتمی و معاهده منع ایجاد سلاحهای هسته‌ای و نقش آمریکا در این دو، اشاره دارد. «تصویر امنیتی هند و پاکستان از جهان فردا»، «جمهوری اسلامی ایران و تعهدات بین‌المللی»، «استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران» عناوین بخش‌های دیگر این نوشتار را تشکیل می‌دهند.

* قدرت احمدیان، «آزمایش هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۱۹۵ تا ۳۰۳،

در ابتدا، نویسنده انگیزه‌های رقابت تسلیحاتی هند و پاکستان را مطرح می‌کند. آنگاه تأثیرات این آزمایش‌ها از ابعاد مختلف بررسی می‌شود (در این قسمت عمدتاً به تأثیرات منفی این آزمایش‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.) در ادامه نویسنده با این نظریه که این آزمایشها فرصت مناسبی برای خروج ایران از NPT است مخالفت کرده و دلایل خود را ذکر می‌کند. قسمت بعدی مقاله به «ضرورت پذیرش تعهدات بین‌المللی» اختصاص دارد. پس از آن، با توجه به وضعیت فعلی، ابزارهای

تقویت امنیت ملی ایران توضیح داده می‌شود. قسمت پایانی این نوشتار نیز به «استفاده از سلاحهای متعارف با برد زیاد» اختصاص دارد.

* محسن رضایی، «آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (سخنرانی در تاریخ ۷۷/۵/۷). مجله مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۸۴ تا ۲۹۰، فصلنامه

هدف مقاله، تبیین تأثیرات آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. دیدگاه نویسنده در این زمینه یافتن جایگزین مناسب برای سلاحهای هسته‌ای است. در قسمت اول ارتباط تنگاتنگ امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای بررسی می‌شود. در قسمت دوم سابقه تاریخی مسابقات هسته‌ای هند و پاکستان توضیح داده می‌شود. انگیزه و تأثیرات امنیتی این آزمایشها در قسمت سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. این علل عمدتاً بین‌المللی، منطقه‌ای و درونی می‌باشد، عناوین بخش‌های بعدی این نوشتار به ترتیب عبارتند از: افزایش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، معاهدات بین‌المللی، و شهاب ۳ و تنش‌زدایی.

* علی خرم، «افغانستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، شماره ۱۳، ص ۲۸۳، فصلنامه

عبور مواد سلاح از جمله مواردی است که در سایه بی امنیتی و بی ثباتی در افغانستان دامنگیر جمهوری اسلامی ایران شده است. همچنین آوارگی افغانی‌ها و مسائل اجتماعی ناشی از آن از موضوعات دیگر می‌باشد. در این مقاله ابتدا به اهمیت استراتژیک افغانستان و علاقات مشترک ایران و افغانستان پرداخته می‌شود. سپس به تأثیر مسائل افغانستان در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود که از آن جمله می‌توان به قاچاق مواد مخدر و سلاح اشاره نمود. در پایان نیز به تشریح دیدگاههای جمهوری اسلامی ایران برای رفع مشکلات.فوق و ایجاد صلح در افغانستان اشاره می‌نماید. نویسنده در خلال مقاله به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای حل

* بهروز آقایی، «امنیت خطوط هواپیمائی کشوری و حقوق بین‌الملل»، نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ۱۳۶۲، سال دوم، شماره ۱۱، شماره مسلسل ۲۲، ص ۲۶و۲۷، ماهنامه

مقاله شامل سه قسمت است: تهدید امنیت قلمرو هوایی ایران توسط عراق (در زمان جنگ تحمیلی)، کنوانسیون شیکاگو و مسأله جنگ، اقدامات دولت ایران برای مقابله با تهدیدات عراق. مقالهَ با رویکردی حقوقی مسأله تجاوز عراق به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی و اقدامات ایران در این مورد را بررسی می‌کند.

* احمد هاشم، «امنیت ملی مصر و ایران و خلیج فارس» مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۲۷۱

نویسنده به بررسی منافع مصر در خلیج فارس، شکل‌گیری مصر در دهه ۱۹۷۰، مصر، انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق، مصر و تحولات خلیج فارس در سالهای ۱۹۸۸ـ۹۰، مصر، ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان پس از عملیات طوفان صحرا می‌پردازد و بر آن است که از نظر منافع ملی ـ میهنی ایران، تهدیدی روزافزون برای افزایش نقش منطقه‌ای مصر، تلاشهای صلح اعراب و اسرائیل برای ثبات داخلی مصر از طریق حمایتی که از گروههای اسلامی به عمل می‌آورد، و نیز برای کشور همسایه مصر یعنی سودان که اهمیتی استراتژیک برای مصر دارد، محسوب می‌شود. بدنبال عملیات «طوفان صحرا» مصر احساس می‌کرد که در عراق بیش از اندازه تضعیف گردیده است و این امر می‌تواند منجر به افزایش نقش کشورهای غیرعربی یعنی (اسرائیل، ایران و ترکیه) در منطقه گردد. از نظر مصر ایران خیال تقسیم عزاق و الحاق آن به سرزمین خود را دارد و همچنین می‌خواهد بر خلیج فارس و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تسلط یابد تا بتواند بنیادگرائی اسلام را در منطقه رواج دهد.

* محمد حیدری، «اولویت‌های امنیت ملی کدامند؟» مجله گزارش، ۱۳۷۵، سال هفتم، شماره ۶۹، ص ۹، ماهنامه

حریم امنیت ملی ما درکجا واقع است؟ در نقطه صفر مرزهای خاکی یا در فاصله ۱۲

مایلی در دریاهای آزاد؟ آیا امنیت ملی ما با عبور سربازان دشمن از این نقاط مورد تهدیدقرار می‌گیرد یا عوامل دیگری نیز هست؟ نویسنده، تلاش می‌کند تا پاسخهایی برای این سوالات بیابد. نویسنده چنین اظهار می‌دارد که تصرف کابل بوسیله طالبان و حمله موشکی دولت عراق به مسعود بارزانی نشان داد که لازم است در مقوله امنیت ملی و تعیین حریم امنیتی کشور بازبینی اساسی بشود. نگارنده، قسمتی از مقاله خود را به تبیین دو علت ذکر شده برای بازنگری در مفهوم امنیت ملی اختصاص می‌دهد.

* نجاح محمد علی، «ایران و طرح کمربند امنیتی در افغانستان»، مترجم: مهدی ادیب، مجله ترجمان سیاسی، ۱۳۷۷، سال سوم، شماره ۱۴۷، ص ۹، هفته نامه،

ایران در حال حاضر طرحی را بررسی می‌کند که مستلزم ایجاد کمربند امنیتی در مرزهای مشترک با افغانستان و به ویژه منطقه هرات در این کشور است. نویسنده اظهار می‌دارد این کمربند امنیتی نمی‌تواند از نفوذ طالبان و گروههای مورد حمایت آن به مناطق مرزی جلوگیری نماید. اهداف ایران از طرح این مساله، «مجاهدین خلق» و استقرار آنها در افغانستان و واکنش عمومی ایران در این زمینه، موضوع اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد. لازم به تذکر است این نوشتار بسیار کوتاه و در حد یک صفحه است.

* مصطفی زهرانی، «تروریسم دولتی: بهانه تجاوز نظامی آمریکا»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۵، سال پنجم، ش ۱، شماره مسلسل ۱۷، ص ۵ تا ۲۶، فصلنامه

یکی از پایه‌های سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران برخورد نظامی است. این برخورد نظامی در قالب سناریوهای مختلفی قابل بحث است. محتمل‌ترین سناریو بصورت عکس العمل در برابر به اصطلاح تروریسم دولتی است. تجاوز احتمالی تحت عنوان «دکترین تلافی در برابر تروریسم دولتی» انجام خواهد شد. این دکترین اولین بار علیه لیبی بکار برده شده ولی پایه و مبانی آن همچنان زیر سؤال است. در مقاله حاضر سعی بر این است تا این دکترین در قبال جمهوری اسلامی ایران مورد سنجش قرار گیرد. پایه‌های اصلی این دکترین اثبات تروریسم دولتی، مشروعیت اقدام نظامی در سطح جامعه آمریکا و سطح بین‌المللی و عکس‌العمل ایران است. در این مقاله

تأکید اصلی بر پایه اول است. وقتی این پایه اثبات نشود دیگر پایه‌ها نیز قابل بحث نیستند.

* ابراهیم متقی، «تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۶، سال پنجم، شماره ۲، شماره مسلسل ۱۸، ص ۶۹ تا ۹۶، فصلنامه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و اسرائیل کاملاً دگرگون شد.این مقاله ضمن بررسی این دگرگونی می‌کوشد با بررسی ماهیت دولت ونظام سیاسی در اسرائیل و توان و قابلیت نظامی آن کشور، تاثیرات موارد فوق بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران و نوع تهدیدات اسرائیل را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این باره تهدیدات فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش‌های مهم مقاله عبارتند از: ماهیت دولت و نظام سیاسی در اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، توان و قابلیت نظامی اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران؛ نوع تهدیدات و چگونگی بکارگیری علیه منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران.

* ابومحمد عسگرخانی، «تحلیلی بر بحران هسته‌ای هند و پاکستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۷، سال ششم، ش ۲، شماره مسلسل ۲۲، ص ۱۲۵ تا ۱۵۵

در این نوشتار سعی بر آن است که موضوع بحران هسته‌ای شبه قاره هند، در چارچوب بین‌المللی بررسی شود و آنگاه نظریه موجود در این زمینه بررسی و تجزیه و تحلیل شود. بر این اساس نگارنده ابتدا تعریفی از رژیم‌های بین‌المللی امنیت ارایه می‌دهد و آنگاه مکاتب مختلفی که از دیدگاه نظری در زمینه امنیت مطرح است را توضیح می‌دهد و بر این اساس به تجزیه و تحلیل بحران ایجاد شده و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

* مرتضی شمس، «تهدیدهای نظامی، امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»

مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷ ص ۱۷۱ تا ۱۹۳، فصلنامه

مقاله حاضر به ماهیت، ابعاد و پیامدهای تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. اسرائیل به دلیل داشتن منابع مالی فراوان وحمایتهای سیاسی ابرقدرتها و همچنین برخورداری از سلاح هسته‌ای و تکنولوژی پیشرفته، به منزله یک تهدیدبرای کشورهای منطقه و به خصوص ایران مطرح می‌باشد. نویسنده مقاله در پایان به این نکته اشاره می‌کندکه: برای جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت توسعه طلبانه و ضد اسلامی رژیم صهیونیستی چاره‌ای جز دستیابی به ابزار مقابله به مثل که موجبات ایجاد تعادل در موازنه منطقه‌ای قدرت را فراهم می‌آورد، وجود ندارد.

* علی اکبر باصری، «دفاع، امنیت ملی و کارائی نظام عشایری»، بـه نـقل از کـتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اوّل

در این مقاله ویژگیهای جامعه عشایری مانند همواره در حال مبارزه بودن، آشنائی عمومی با اسلحه و جنگهای پارتیزانی، نوع زیست، حاکمیت قوانـین عـرفی، اهـلیت، پیشینه تاریخی و نقش آنها در برقراری امنیت کشور مـورد بـررسی قـرار گـرفته است، نویسنده در پایان پیشنهادهای ذیل را برای استفاده بهینه از توان عشایر در دفاع از امنیت کشور ارایه می‌دهد: ۱) برقراری امنیت و افزایش توان دفاع از حریم جمهوری اسلامی ایران؛ شناسائی و استفاده از همه تواناییهای داخلی، سازماندهی و طبقه بندی آنها در مراحل مختلف کار، میسر و موجب اطمینان می‌باشد. ۲) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌تواند با توجه به تواناییهای جامعه عشایری در جهت طرح جامع امنیتی وبرای ایفای مسؤولیتهای محوله خود،از این استعدادها بهره برداری نماید. ۳) استفاده از ظـرفیت دفاعی عشایر نیاز به روان‌شناسی و جلب اعتماد برای یک اقدام فراگیر دارد. ۴) مسلح نمودن عشایر، اعطای مجوز حمل سلاحهای متعارف علاوه بـر ایـنکه مـوجب ایـجاد انگیزه، تعهد بیشتر و اطمینان خاطر خواهد شد، قدرت دفاعی کشور را افزایش خواهد داد.

* علی حافظیه، «سپاه و امنیت ملّی»، به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت

ملی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اوّل، ص ۱۶۹

نویسنده از مطالب خویش در مقاله مذکور نتیجه می‌گیرد که: ۱) بقای سپاه رابطه مستقیم با بقای کشور دارد. ۲) قدرت سپاه عاملی مهم در اقتدار نظام سیاسی در داخل کشور است. ۳) قدرت سپاه علاوه بر قدرت تسلیحاتی، باید در قدرت «فرماندهی» نیز جستجو شود. ۴) شیوه‌های دستیابی به امنیت پایدار مستلزم شناخت دشمن خارجی و داخلی و آشنائی با شیوه‌های عملکرد گذشته آنان است. ۵) در بعد امنیت خارجی، ایران با دو دشمن عمده یعنی آمریکا و اسرائیل روبرو است و مطالعه عملکرد آمریکا در مقابل کشورهای عرب، مطالعه جامعی را طلب می‌نماید. ۶) در بعد داخلی امنیت، احتمال حرکتهای ضد انقلابی متصور است که سپاه باید برای مقابله با آنها آمادگیهای لازم را داشته باشد.

* محسن رضائی، «نظریه موازنهٔ قوا در اندیشه حضرت امام خمینی(ره)»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۲، سال دوم، شماره ۱ ص ۶۷ تا ۹۰، فصلنامه

در این مقاله سعی شده است بطور منطقی، مفهوم اصلی و تکیه‌گاه واقعی نظریات امام(ره) در بعد مسائل دفاعی مورد مداقهٔ نظر قرار گیرد و بصورت تئوریزه در قالب فرم منطقی و ریاضی بیان شود. بخشهای اصلی مقاله عبارتند از: اندیشه حضرت امام(ره) در «قوای دفاعی» و موازنه قوا (تعریف موازنه قوا، آثار و فواید موازنه قوا، عناصر اصلی موازنه قوا، تابع توازن رزمی، رشد توان رزمی، حفظ و نگهداری موازنه قوا).

* عبدالله نورانی، «نقش بسیج در امنیت ملی»، به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اوّل، ص ۲۸۱

نویسنده در مرحله نخست به بررسی مفهوم امنیت، ابعاد و خصوصیات امنیت، می‌پردازد و سپس رابطه میان دو مقوله، امنیت و بسیج را توضیح می‌دهد. نویسنده اظهار می‌دارد که نیروهای بسیج مردمی در طول دوران جنگ هشت ساله بعنوان یکی از

مؤلفه‌های قدرت سیاسی، نظامی و انسانی و عامل پیروزی در جنگ محسوب می‌شدند. این افراد از ویژگیهایی چون دلاوری، از خود گذشتگی، خود جوش، آموزش ساده‌و... برخوردار بوده‌اند. این تئوری ریشه در اندیشه‌ها و عقاید امام(ره) دارد، نویسنده در پایان به برخی از اجزاء این دکترین اشاره می‌کند: ۱) تاکید بر ایجاد و گسترش بسیج داوطلبانه با تکیه بر فرهنگ غنی اسلام. ۲) ایجاد تعادل و همکاری میان نیروهای مردمی و کلاسیک. ۳) تهاجم همه جانبه. ۴) تکیه بر برخوردهای تهاجمی با استکبار جهانی و...

* حسین سلامی، «نقش سپاه در امنیت ملّی»، به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملّی کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اوّل، ص ۱۴۴

نویسنده در مرحله نخست به بررسی مدلها و سیستمهای امنیت ملی و بین المللی (یعنی امنیت بر مبنای همکاری، نظام امنیت جمعی و اتحادها)، استراتژی امنیت ملّی برمبنای ملی و بین المللی، عوامل موثر بر امنیت ملّی در مقابل تهدیدات خارجی و داخلی، می‌پردازد و در وهله بعد تلاش دارد تا نقش سپاه در امنیت ملی در مقابله با تهدیدات خارجی با تکیه بر عواملی چون: «نقش موثر» تجربه و موفقیت در جنگها، موقعیت مناسب استراتژیک و میزان توانایی در هدایت بحرانها را مورد تاکید قرار دهد. در قسمت پایانی مقاله، نویسنده نقش سپاه در تامین و ایجاد امنیت ملّی در مقابله با تهدیدات داخلی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. بطور خلاصه سپاه یکی از نهادها و نیروهایی است که در حفظ و تامین امنیت ملی در مواجهه با تهدیدهای داخلی و خارجی، از توانایی بسیاری برخوردار است.

* روح‌الله حیدرزاده، «نقش سپاه در دفاع از کشور و امنیت ملّی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)»، به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت کشور» (مجموعه مقالات)، تهران، نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، ۳۱۷ص، ۱۰۰۰، یک جلد چ اوّل، ص ۱۱۹

نویسنده تلاش دارد تا«نقش» سپاه در امنیت ملّی و دفاع از کشور را از دیدگاه امام

خمینی(ره) توضیح و تبیین نماید، پس از این توضیحات اظهار می‌داردکه امام(ره) تنها به نقش سپاه در محدوده دفاع از کشور و امنیت ملّی اکتفا ننموده و برای سپاه معتقدبه پنج نقش اساسی و استراتژیک است: ۱) دفاع از اسلام بعنوان حریم اقتصادی مکتب اسلام. ۲) پاسداری از کشور بعنوان ام القری اسلام.۳)پاسداری از جمهوری اسلامی ایران بعنوان حریم حکومتی مکتب اسلام. ۴) حفظ دستاوردهای انقلاب. ۵) پاسداری از مردم بعنوان حریم پیروان مکتب اسلام.

* مرکز تحقیق و توسعه قرارگاه بازسازی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «نقش متقابل سپاه در توسعه و امنیت کشور» به نقل از کتاب «نقش سپاه در دفاع و امنیت ملّی کشور» (مجموعه مقالات) تهران، نیروی زمینی سپاه پاسدارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ وزیری، ۳۱۷، ۱۰۰۰ ت، یک جلد، چ اوّل ص ۲۵۹

در این مقاله سعی شده است که با تبیین مفاهیم امنیت و توسعه و طرح مدلی برای نشان دادن ساده روابط میان این دو، نقش سپاه در توسعه و امنیت تا حد ممکن تشریح شود. نویسنده در قسمتی از مقاله اهداف کلی امنیتی را در سه مقوله: حفظ تمامیت ارضی، استقلال و نظام جمهوری اسلامی ایران؛ حفظ منافع جمهوری اسلامی ایران؛ یاری رساندن به ملل مسلمان یا مستضعف جهان و بدیهی است تأمین امنیت نظامی کشور از سوی سپاه، زمینه لازم را برای توسعه کشور در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌کند. از طرفی دیگر سپاه در فرایند توسعه و نوسازی و بازسازی نقش اساسی دارد و این اهداف را دنبال می‌نماید: الف) استفاده بهینه از منابع، امکانات و استعدادهای عمرانی و اقتصادی موجود سپاه در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی. ب) ایجاد روش یکنواخت به منظور مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه. ج) کمک به اجرای برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران د) کسب تجربه و دانش فنی به منظور افزایش توان رزمی و دفاعی

* محمدتقی عرب نصرت‌آبادی، «نقش بسیج در امنیت ملی ج.ا.»، استادان راهنما و مشاور: دکتر محمدباقر حشمت‌زاده، محمدرضا تاجیک، استاد داور مهرداد حاجی

میرعرب، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۶،

پایان نامه مزبور در قالب یک مقدمه و شش فصل تنظیم گردیده است: فصل اول: با عنوان «امنیت ملی؛ بررسی نظری» شامل این موضوعات می‌شود: امنیت ملی، امنیت ملی در گذر زمان، تعریف و ملاحظاتی درباره امنیت ملی (نسبی بودن، تجزیه ناپذیربودن)، محیط امنیت ملی، امنیت ملی و گستره اهداف و منافع ملی و تهدیدات و آسیب پذیریها و استراتژیهای امنیت ملی. در فصل دوم: بسیج؛ تاریخچه، تعریف و تشکیلات بسیج مورد مطالعه قرار گیرد. فصل سوم به اهداف و ارزشهای حیاتی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. در فصل چهارم: تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (تهدیدات علیه نظام سیاسی، تهدیدات علیه تمامیت ارضی (تهدیدات داخلی و خارجی)، تهدیدات علیه فرهنگ و ارزشهای اسلامی شناسانده می‌شوند. فصل پنجم: توانائیها و نقش بسیج در استراتژی دفاعی (خصایص کارکردی، توانائیها و نقش بسیج در استراتژیهای دفاعی و بازدارندگی) را به بحث می‌گذارد و در فصل ششم به نتیجه‌گیری و اثبات فرضیه پرداخته می‌شود.

نگارنده بر آن عقیده است که «بسیج در تأمین و حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقشی حیاتی دارد». به طور کلی این پژوهش بدنبال آن است تا تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تعریف و دسته بندی نماید و دیگر اینکه به تبیین علمی منزلت نظری و عملی بسیج در دفاع از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

بخش دوم

امنیت منطقه‌ای

فصل اول

مفاهیم نظری

* علیرضا ازغندی، «مسابقه تسلیحاتی و جهان سوم»، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، وزیری، ۲۰۰ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ۵۵۰ ریال

این کتاب در سه فصل، یازده بخش، یک پیشگفتار و یک جمع‌بندی تنظیم شده است.

فصل اول: با عنوان «نظام بین المللی؛ سیر تکوینی» که جنبه مقدماتی دارد، مسایل ساختاری و سیاسی جامعه بین المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تصویری که در این فصل از سیستم نظامیگرای حاکم بر جامعه انسانی ارایه می‌گردد، زمینه‌های فهم و درک دقیق‌تر مسائل مطرح شده در فصول بعدی را فراهم می‌آورد.

فصل دوم: با عنوان «مسابقه تسلیحاتی پایان‌ناپذیر» ضمن تعریف و ارایه نظریات مختلف مربوط به علل مسابقه تسلیحاتی، عناصر تشکیل دهنده این رقابت از جمله تجارت اسلحه، صادر کنندگان و دریافت کنندگان عمده تسلیحات و نیز تکنولوژی و هزینه‌های نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فصل سوم: با عنوان «تتایج مسابقه تسلیحاتی و هزینه‌های نظامی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورهای جهان سوم» به بحث و بررسی در زمینه مسائل زیر می‌پردازد؛ تحکیم وابستگی، توسعه نیافتگی، انتقال تکنولوژی نظامی، مسئله اشغال، تنش پایدار، شکست آئین صلح، افزایش درگیریهای نظامی و حکومتهای نظامی و غیره.

عمومی و جلوگیری از درگیریهای مسلحانه ارایه می‌دهد: «استراتژی دفاع ملی». طرح و اجرای یک استراتژی ملی با خصوصیاتی که نویسنده ذکر می‌نماید می‌تواند قدمی موفقیت‌آمیز در راه خلع سلاح عمومی و جلوگیری از درگیریهای مسلحانه باشد.
در پایان کتاب، کتابنامه‌ای در باب مسائل نظامی ویژه مسابقه تسلیحاتی آورده شده است.

* سوخ رئومونی، «نقش زرادخانه در سرنوشت جهان سوم»، مترجم؛ پرویز محبت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، ۴۶۰۰ نسخه، چ اول، ۲۹۰ ریال

کتاب مشتمل بر سه بخش می‌باشد؛ نویسنده در بخش نخست به تعریف سه مفهوم «ساخت اسلحه»، «توسعه» و «جهان سوم» پرداخته است. در بخش دوم مسیرهای اصلی و علت‌العللهای توسعه، در کنار ساخت اسلحه مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم نتایج حاصل از ساخت اسلحه در زمینه توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. (لازم به یادآوری است که نویسنده در بخش دوم مسائل امنیتی در جهان سوم را نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد). نویسنده در پایان اظهار می‌دارد که ارتباطی قوی میان توسعه در جهان سوم و ساخت اسلحه وجود دارد و بیشتر جنبه‌های منفی این ارتباط مورد بحث و بررسی قرار گرفته است زیرا آثار منفی این ارتباط نقاط مثبت آنرا تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. از طرف دیگر روی آوردن کشورهای جهان سوم به ساخت سلاحهای هسته‌ای ناشی از استراتژی جایگزینی است که نخبگان سیاسی و رهبران کشورهای جهان سوم برای تداوم و بقای خویش، بجای «توسعه» برمی‌گزینند. بنابراین مسأله «کنترل اسلحه و خلع سلاح» در ارتباط با جهان سوم باید به مقدار زیادی متوجه منابع اصلی ساخت اسلحه شود، و در صورت نیاز باید یک حمله همزمان بر تمامی کارگزاران ساخت اسلحه در جهان سوم صورت گیرد، این حمله نه تنها باید متوجه کشورهای جهان سوم بلکه باید در بر گیرنده قدرتهای بزرگ و تولیدکنندگان عمده سلاحهای نظامی نیز باشد.

* سید مرتضی میرمحمد، «نقش سازمانهای منطقه‌ای در حفظ صلح در دوره پس از

جنگ سرد»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ۸۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۲۹۰۰ ریال

کتاب متشکل از یک مقدمه، چهار فصل و نتیجه‌گیری است. عناوین فصول به ترتیب عبارتند از: فصل اول: جایگاه سازمانها و ترتیبات منطقه‌ای در منشور ملل متحد، فصل دوم: جایگاه سازمانهای منطقه‌ای، فصل سوم: عملکرد سازمانهای منطقه‌ای پس از جنگ سرد، فصل چهارم: عوامل عدم موفقیت سازمانهای منطقه‌ای، نتیجه.

این نوشتار در پی آن است که مشخص نماید سازمانهای منطقه‌ای با توجه به امکانات و محدودیتهای خود، چه نقشی در تأمین امنیت منطقه‌ای می‌توانند داشته باشند و موفقیت آنها تا چه حد است؟ نویسنده ضمن برشماری عوامل عدم موفقیت سازمانهای منطقه‌ای در حفظ امنیت منطقه‌ای نتیجه می‌گیرد که سازمانهای منطقه‌ای با دشواری می‌توانند به تنهایی در حفظ امنیت منطقه‌ای موفق باشند و می‌باید برای افزایش عوامل دخیل در موفقیت و کاهش عوامل دخیل در عدم موفقیت آنها و یافتن مکانیزمهای لازم برای همکاری میان سازمان ملل و سازمانهای منطقه‌ای از طریق نوعی تقسیم کار بین آنها تلاش نمود. عوامل عدم موفقیت سازمانهای منطقه‌ای در حفظ امنیت منطقه‌ای، از دیدگاه نویسنده عبارتند از: مشکلات مالی، ضعف ساختاری، دشواری تأمین بیطرفی از سوی قدرتهای منطقه‌ای، ناتوانی در نفوذ بر عوامل خارج از منطقه، عدم توازن قدرت در منطقه، فراگیر نبودن سازمانهای منطقه‌ای و مشکلاتی که از نظر مداخله در امور داخلی وجود دارد.

* علی‌اصغر کاظمی، «نظریه همگرائی در روابط بین‌الملل: تجربه جهان سوم»، تهران، نشرقومس، ۱۳۷۰، ۲۳۷ص، ۳۳۰۰ نسخه، چ اول، ۱۶۰۰ ریال

کتاب مزبور مشتمل بر شش فصل به شرح ذیل است:

در فصل اول با عنوان «همگرایی سیاسی؛ مفاهیم و دیدگاهها» نویسنده به بررسی دیدگاههای متفکرین کلاسیک و معاصر و مفهوم همگرایی در اندیشه اسلامی، می‌پردازد. در فصل دوم: باعنوان «همگرایی سیاسی؛ مبانی و ملاکها» به مباحثی چون ملاکهای وحدت در نظام بین‌المللی، سیستم همگرایی و واگرایی در روابط بین‌الملل،

نیروهای همگرا و واگرا و... پرداخته می‌شود. فصل سوم با عنوان «همگرایی سیاسی، انگیزه‌ها و قالبها» به اشکال گوناگون همگرایی و انگیزه‌های همگرایی اشاره می‌کند. در فصل چهارم: «همگرائی سیاسی، علایق ملی و تنگناها»، نویسنده به موانع و تنگناهای همگرایی سیاسی چون وحدت ملی، حاکمیت ملی، ناسیونالیسم و حاکمیت ملی و مسئله همگرایی در جهان سوم می‌پردازد. فصل پنجم با عنوان «همگرایی سیاسی؛ جهان سوم و تجربه‌ها»، به تجربه کشورهای جهان سوم در طول قرن بیستم برای رسیدن به وحدت، اشاره می‌کند، جنبش عدم تعهد، وحدت کشورهای اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه کشورهای آسیایی و... از چنین تجربه‌هایی می‌باشند که از آنها بحث می‌شود. در فصل ششم با عنوان «همگرایی سیاسی در جهان سوم؛ آینده و امیدها»، نویسنده بر این عقیده است که از آنجایی که جهان سوم ساختار نامتجانسی دارد، فدرالیسم منطقه‌ای ممکن است بهترین راه برای همگرایی کشورهای جهان سوم باشد، زیرا در فدرالیسم کشورها به نحوی استقلال و حاکمیت و هویت ملی خود را حفظ می‌کنند و از سوی دیگر خود فدرالیسم نوعی تن دادن به دموکراسی و نفی استبداد است که خود می‌تواند به عنوان یک عامل «بازدارنده و تنظیم کننده» عمل کند.

* محمد ایوب، «وضعیت وخیم امنیت در جهان سوم» به نقل از «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی» کتابخانه دانشکده اطلاعات، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰نسخه، ج اول، ۶۵۰۰ریال، ص ۱۵۱

کتاب فوق الذکر مشتمل بر نه فصل است. در فصل اول با عنوان «مفاهیم و تعاریف کلیات جهان سوم و امنیت» نویسنده به توضیح تعاریف مختلفی که از این دو مفهوم شده است می‌پردازد. درفصل دوم با عنوان تأسیس کشور و ارتباط آن با امنیت در جهان سوم، نویسنده با بررسی روند تحول و تکامل کشور و تعریف مؤلفه‌های آن، همچون قدرت، فرآیند نوسازی و... به بررسی مشکلات امنیتی جهان سوم می‌پردازد. در این زمینه مسائلی چون درخواست گروههای اجتماعی ـ سیاسی جهت مشارکت در امور سیاسی، تقاضا برای توزیع عادلانه ثروت، اختلافات قومی ناشی از مدرنیزه کردن، خودکامگی و

عدم توسعه سیاسی و ضعفْ دستگاه قوه قضائیه مسبب ایجاد خشونت و در نتیجه ناامنی کشور می‌گردد، علاوه بر مسائل مذکور مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بر شدت وحدّت این امر می‌افزایند. فصل سوم با عنوان «جنگ میان کشورها و ناامنی منطقه‌ای» دو علت عمده برای بروز جنگ میان کشورهای جهان سوم ذکر می‌کند: الف) تقابل ناامنیهای درونی دو کشور بایکدیگر ب) درگیریهای منطقه‌ای مبتنی بر جاه‌طلبی کشورهای بزرگتر منطقه. در فصل چهارم با عنوان «جهان سوم و نظام کشورها» بیان می‌دارد که بررسی وضع امنیتی کشورهای جهان سوم بدون در نظر گرفتن نقش کشورهای جهان سوم در نظام بین‌المللی، به دلایل متعدد، ممکن نیست. فصل پنجم: «کشورهای جهان سوم، چند قطبی شدن جهان و دوران جنگ سرد» را بررسی می‌کند. فصل ششم: «جهان سوم و توازن قدرت در جهان پس از پایان جنگ سرد» نام دارد. فصل هفتم وضعیت وخیم امنیت در جهان اسلام پس از جنگ سرد و ابعاد خارجی مسئله را مورد مطالعه قرار می‌دهد. فصل هشتم به وضعیت وخیم امنیت در جهان اسلام پس از جنگ سرد و ابعاد داخلی مسئله می‌پردازد و فصل نهم مشکلات امنیتی در کشورهای جهان سوم را برمی‌شمرد. نویسنده عقیده دارد مشکل امنیتی جهان سوم در سه سطح «داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی» امنیت قابل بحث و بررسی است.

* ابراهیم رزاقی، «امنیت ملی آمریکا به قیمت بی امنیتی جهان سوم»، بخش اول، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹، هفدهم شهریور، ش م:۱۹۱۳۴، ص ۱۲

نویسنده در این مقاله با توجه به گزارش «استراتژی امنیت ملی» که بعنوان مواضع و اهداف دولت و ریاست جمهوری بوش به کنگره آمریکا ارایه شده بود، آنرا به نقد کشیده و در این میان به سیاستهای خصمانه و توسعه طلبانه آمریکا در مورد کشورهای جهان سوم اشاره می‌کند. گزارش مزبور شامل چهاربخش مهم و عمده بود. نویسنده در این مقاله، دو بخش آن یعنی «مبنای استراتژی ملی (اهداف و منافع)» و «ارتباط وسایل و اهداف و برنامه سیاسی» که بخشهای مهم گزارش بوش به کنگره را تشکیل می‌داد به نقد کشیده است.

... آمریکا به حقوق و منافع ملتها با عنوان دفاع از نظام و سیستم بین المللی

سرمایه‌داری و به دنبال آن دخالت در ساختار اقتصادی کشورهای جهان سوم، حفظ منافع و اهداف خود به هر قیمتی حتی حمله نظامی برای دسترسی به بازارهای کشورهای جهان سوم، مخالفت با توسعه اقتصادی کشورهای مزبور، هجوم تبلیغاتی و لشکرکشیهای نظامی و... نمونه‌ای از این توسعه‌طلبی‌ها و اقدامات خصمانه‌ای است که آمریکا علیه کشورهای جهان سوم تدارک دیده است.

* ویپین گوپتا، امنیت ملی و فروش تصاویر جدید ماهواره‌ای، ترجمه: حمیدرضا بهزاد، فصلنامه سیاست دفاعی، سال پنجم، ۱۳۷۵، شماره اول، ص ۱۲۷

در این مقاله برخی نکات مربوط به تقویت امنیت ملی، منطقه‌ای و بین المللی، اثرات ماهواره‌ها در برنامه‌ریزی دفاعی، قوانین مربوط به فروش تصاویر ماهواره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* نبی سنبلی، «استراتژی کلان آمریکا پس از جنگ سرد»، استادان راهنما و مشاور: محمد علی فردانش، علی معنوی تهرانی، استاد ناظر: عبدالعلی قوام، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده علوم سیاسی ۱۳۷۶، ۱۵۷ص

این رساله مشتمل بر یک پیش‌گفتار، مقدمه و فهرست جدولها، نقشه‌ها و منابع و شش فصل است. در فصل اول یک چارچوب نظری جهت مطالعه استراتژی کلان توسعه داده شده است. در فصل دوم سیر تحول تاریخی استراتژی کلان توسعه نشان داده شده است. فصل سوم و چهارم به ترتیب به بررسی نگرشهای نخبگان فکری و سیاسی آمریکادر مورد استراتژی کلان این کشور اختصاص یافته است. در فصل پنجم به استراتژی منطقه‌ای آمریکا پرداخته شده است و در فصل ششم ضمن ارایه یک جمع‌بندی از فصول گذشته، چشم‌انداز آینده مورد توجه قرار گرفته و پیشنهاداتی نیز برای سیاستگزاری و مطالعه تحقیقی بیشتر ارایه شده است.

ایالات متحده به منظور حفظ، توسعه و گسترش هرچه بیشتر حوزه نفوذ و سلطه خود، سعی دارد تا از سلطه هر قدرتی برای مناطق حساس بر منافع ملی آمریکا (یعنی اروپا، شرق آسیا، خلیج فارس، خاورمیانه، و نیمکره غربی) جلوگیری کرده و با دائمی

ساختن تسلط خود بر این مناطق جایگاه این کشور را بعنوان «رهبر جهان یک قطبی» تضمین نماید.

* فرهاد قاسمی، تجزیه و تحلیل ستیزشهای منطقه‌ای در روابط بین الملل (مطالعهٔ موردی سیستم تابع خلیج فارس)، استاد راهنما سیدحسین سیف زاده، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۴، ۳۳۳ص

پایان نامه مذکور علاوه بر طرح تحقیق و نتیجه‌گیری متشکل از پنج فصل می‌باشد. در فصل اول مفهوم منطقه و ستیزش در سیاست بین الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل دوم تجزیه و تحلیل ستیزشهای منطقه‌ای از بعد تئوریهای سطح خرد می‌باشد. فصل سوم رهیافت کلان سیستمی و تجزیه و تحلیل ستیزشهای منطقه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در فصل چهارم به اتصال سطوح تحلیل و ارایه طرحی برای مطالعه ستیزشهای منطقه‌ای می‌پردازد و بالاخره در فصل پنجم تجزیه و تحلیل ستیزشهای منطقه‌ای در سیستم تابع خلیج فارس انجام می‌شود.

فرضیه اساسی تحقیق این است که تلاقی و برخورد عوامل داخلی و منطقه‌ای سبب بروز ستیزشهای منطقه‌ای گردیده‌اند. علاوه بر آن وجود ستیزشهای بالقوه داخلی زمینه را برای دخالت نظام بین الملل در امور منطقه فراهم می‌آورد. این تحقیق به بررسی انطباقی فرضیه فوق‌الذکر در مورد منطقه خلیج فارس پرداخته است.

* الهه کولائی، «نقش اکو در همگرائی منطقه‌ای»، استاد راهنما قاسم افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۴، ۲۸۵ص

فصول و عناوین پایان نامه مزبور به شرح ذیل است: پس از مقدمه پژوهش در بهره اول نظریه‌ها و تجارب همگرایی در یک فصل با عنوان انواع همگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بهره دوم به روند همگرایی در منطقه اکو در سه فصل پرداخته می‌شود. سازمانهای همکاری اقتصادی اکو؛ ساختارهای اقتصادی و سیاست گرایی در کشورهای عضو اکو؛ و برون گرائی و همگرایی در اکو؛ عناوین این فصول می‌باشند. در بهره سوم

مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در ادامه در فصل چهارم به نزدیکی جغرافیائی و پیوندهای فرهنگی در اعضای اکو اشاره می‌شود. فصل پنجم به جمع بندی و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. عهدنامه ازمیر، طرح عمل اکو، دورنمای بلندمدت اکو در قسمت ضمائم آمده است.

فصل دوم

اروپا

* امیر محمد حاجی یوسفی، «امنیت اروپا و آیندهٔ ناتو»، نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ۱۳۷۲، سال نهم، شماره ۱۲ و ۱۱، شماره مسلسل ۹۶ـ۹۵، ص ۵۷ تا ۶۱، ماهنامه

در این مقاله، از دیدگاه کلان، وضع امنیتی اروپا و آیندهٔ ناتو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه‌ای که نویسنده می‌گیرد این است که در پاسخ به تحول نظام بین‌المللی با پایان جنگ سرد، ناتو نیز باید متحول شود. ناتو می‌تواند با تغییراتی بعنوان مهمترین ترتیب امنیتی قاره اروپا باقی بماند.

* ناصر ثقفی عامری، «نظام امنیتی اروپای غربی در ارتباط با وحدت اروپا در سال ۱۹۹۲»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، شماره ۴، ص ۶۳۱ تا ۶۴۸، فصلنامه

در این مقاله، نویسنده ابتدا به بررسی نظام امنیتی اروپا در سال ۱۹۹۲ می‌پردازد. سپس اثرات احتمالی وحدت اروپا را بر نظام مزبور بررسی می‌نماید و در پایان تأثیر وحدت اروپا را بر منطقه خلیج‌فارس از لحاظ استراتژی امنیتی و نظامی مورد بحث قرار

فصل سوم

آسیا و اقیانوس آرام

* کنت ملک فرسون، تقویت یا ایجاد ساز و کارهای نهادی برای امنیت و خلع سلاح در منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام، مترجم: گروه تحقیق و ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱، هفدهم و هجدهم و نوزدهم بهمن، ش‌م: ۸ - ۱۹۸۶۷ ص ۱۲

با از میان رفتن رقابت میان شوروی وایالات متحده آمریکا، نگرانیهای جهانی در مورد امنیت و خلع سلاح تغییر جهت داده و بر جهان سوم متمرکز شده است. هدف این مقاله بررسی این مسائل در چارچوب منطقه آسیا، اقیانوس آرام و با تاکید ویژه بر خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی است.

نویسنده در وهله نخست علل مناقشه و بی ثباتی در مناطق فوق الذکر را در دو سطح ملّی و منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌دهد و سپس به بررسی ساز و کارهای نهادی جهت تامین امنیت و خلع سلاح می‌پردازد و این ساز و کارها را به دو گروه تقسیم می‌نماید: الف: پیمانهاو کنوانسیونهای بین المللی. ب: مجامع شبه منطقه‌ای. نویسنده در پایان به بررسی ساز و کارهای تکمیلی می‌پردازد.

* چالش‌های سیاست خارجی امریکا در منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام، گزارش نهایی اجلاس مجمع آمریکا، روزنامه اطلاعات، بیست و دوم اردیبهشت، ۱۳۷۳، ش م:

در مجمع مذکور مباحث متفاوتی مطرح گردید اما مهمترین عقیده این بود که امریکا نقش هدایتی مهمی در منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام ایفا می‌کند و اینکه عدم موفقیت آمریکا و ژاپن در ادامه روابط دوجانبه، نتایج منفی عمیقی بر کل منطقه خواهد داشت. در این زمینه به سردرگمی و تضاد آرا میان جامعه آمریکا در زمینهٔ نقشی که این کشور باید در منطقه داشته باشد، تحلیل روابط امریکا با منطقه مزبور در چارچوب روابط منافع اقتصادی و نهایتاً امنیت منطقه‌ای اشاره شده است.

در مورد امنیت منطقه‌ای به تأثیر فروپاشی شوروی بر این امنیت و چالشهایی چون عدم تعهد کره شمالی به بازرسی سازمانهای بین‌المللی، تجدید و بازسازی نیروهای نظامی چین و... اشاره گردیده و همچنین بر نقش ژاپن، چین و مجمع منطقه‌ای «آ.سه.آن» اشاره شده است. اما آنچه پایه ثبات منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد، شبکه مستحکم روابط امنیتی دوجانبهٔ شوراهای منطقه با آمریکا است.

* یوسف واناندی، «دورنمای امنیت و خلع سلاح در منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام»، ترجمه: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۲، ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت ماه، ش م: ۲ـ۱۹۹۰

نویسنده در این مقاله به بررسی نقش قدرتهای بزرگ منطقه چون (ژاپن، ایالات متحده آمریکا، چین، هند و روسیه) و سازمانهای منطقه‌ای در آسیا و اقیانوس آرام در زمینه خلع سلاح و امنیت در منطقه پرداخته، نتیجه‌گیری می‌نماید که آ. سه. آن بعنوان سازمانی منطقه‌ای، در پیشگیری و غلبه بر مناقشات میان کشورهای عضو خود، موفق بوده است. اعضای این اتحادیه نسبت به یکدیگر اطمینان به وجود آورده و در نتیجه از بودجه دفاعی امنیتی پایینی استفاده نموده‌اند و به علاوه آنها توانسته‌اند تا شالودهٔ یک نظم منطقه‌ای را برای آسیای جنوب شرقی بنا نهند. در حال حاضر به نفع «آ.سه.آن» است تا فکر ایجاد یک نظم منطقه‌ای را به منطقه‌ای وسیعتر یعنی آسیا ـ اقیانوس آرام تعمیم دهد.

* افشین سروی، «شوروی و امنیت آسیا و اقیانوس آرام»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹، دهم تیرماه، ش م: ۱۹۰۸۰، ص ۱۲

نویسنده در این مقاله به اهمیتی که منطقه اقیانوس آرام و آسیا در سیستم امنیتی بین‌المللی برای دو کشور آمریکا و شوروی ـ بویژه شوروی سابق ـ دارد می‌پردازد و بر آن است که این نقش روز بروز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد زیرا منافع و مرزهای نه تنها دو ابرقدرت بزرگ جهان (یعنی آمریکا و شوروی) بلکه منافع و مرزهای چین و ژاپن که نقش آنها در سیاست جهانی روزبروز مهمتر می‌گردد و نیز از نظر ارضی و سیاسی با هم مرتبط می‌باشند با تحولات این منطقه گره خورده است. دوم: نقش اقتصادی این منطقه در حال افزایش است. سوم: احتمال درگیری مستقیم آمریکا و شوروی سابق در این منطقه چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

نویسنده در این گزارش بر نقش ژاپن و چین بعنوان مهمترین کشورهای آسیایی و ساحلی اقیانوس آرام، در امنیت منطقه نیز اشاره می‌کند.

* افشین سروی، «شوروی و امنیت آسیا و اقیانوس آرام»، (تجدید نظرگرائی شوروی در قبال مسایل آسیا و اقیانوس آرام)، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹، یازدهم تیر، ش م: ۱۹۰۸۱، ص ۱۲

نویسنده در این مقاله به بازنگری شوروی به منطقه آسیا و اقیانوس آرام می‌پردازد و اهمیت آن را در پویایی اقتصادی این کشور برمی‌شمرد. او چند عامل را در تسریع حل مشکلات مبتلا به شوروی در قبال منطقه یاد شده یادآور می‌گردد. تجدید نظر ساختاری مسکو در قبال سیاست خارجی، بازنگری عمیق به اهمیت منطقه در اقتصاد جهانی در آینده و تلاش برای ایجاد یک امنیت جمعی که جز با همکاری شوروی با کشورهای ژاپن، چین، کره جنوبی و امثال آنها حاصل نخواهد شد و همچنین آغاز یک رقابت جدی با آمریکا جهت دستیابی به یک جایگاه استراتژیک اقتصادی ـ سیاسی و نظامی در مناطق مزبور از مباحث مهم این مقاله می‌باشد.

* «عوامل تهدید کنندهٔ ثبات در منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱، بیست و یکم بهمن، ش م: ۱۹۸۸۹، به نقل از: واشینگتن کوارترلی / تابستان ۱۹۹۲

مقاله مزبور بر آن است که کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه، رقابت ابتدایی را بین کشورهای ساحلی برای حفظ موقعیت برخواهد انگیخت و موجب رقابت تسلیحاتی در منطقه می‌گردد. مقاله مزبور در وهلهٔ نخست به منافع آمریکا در منطقه و خطراتی که ثبات منطقه را به خطر می‌اندازد چون: «خروج نیروهای امریکایی از منطقه»، تنشهای موجود در شبه جزیره کره از قبیل (غیر اتمی ساختن، وحدت دوباره و...)، عدم تمایل چین در انجام اصلاحات سیاسی و رقابت آن با هند و افزایش تسلیحات و... اشاره می‌کند و سپس به اتحادیه‌های بین منطقه‌ای و اقدامات ایجاد اعتماد و امنیت و دخالت آینده ایالات متحده در امنیت منطقه می‌پردازد و بر آن است که ایالات متحده آمریکا بایستی برای توسعه و گسترش یک سیستم منسجم امنیتی که بر پایه‌های ارزش‌های مشترک همکاری اقتصادی و تقسیم منصفانه مسؤولیت قرار دارد تلاش نماید و از طرف دیگر وسوسه سود بردن از کاهش حضور ایالات متحده در بین کشورهای منطقه به طور اجتناب ناپذیری ایجاد شده است که این مسأله می‌تواند و بایستی بوسیله تشویق فعالانهٔ (CSBMS) و پیروی از آن کاهش یابد.

فصل چهارم

آسیای مرکزی

* استبدان، «آسیای مرکزی: موضوعات و چالشها»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دورهٔ دوم، شماره ۱۳، فصلنامه، ص ۱۲۱

پیدایش مجدد آسیای مرکزی در صحنه جهانی موجی از مباحث استراتژیک را به وجود آورده که خود موضوعات مختلفی را در مورد فرصتها و چالشهای دوران بعد از جنگ سرد مطرح کرده است. این موضوعات شامل مسائل عقیدتی، مشکلات مربوط به تشکیل دولت مستقل، تحول اقتصادی و بحران اکولوژیک، دموکراتیزه شدن حقوق، احیاء مذهبی و نژادی، ناسیونالیسم، تروریسم و تکثیر سلاح، تمامیت ارضی و موضوعات امنیتی و غیره است. نویسنده در این مقاله به موضوعات آسیای مرکزی مدرن، عامل اسلام، اتحاد سیاسی کشورهای ترک، نگرانی روسیه، دیدگاه ایالات متحده نسبت به منطقه و... می‌پردازد. بطور خلاصه، روسیه عملاً آسیای مرکزی را مجدداً به حوزه خود پیوست کرده و در عین حال اجازه داده تا این کشورهای نو، هویت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تشکیل دهند، سیاست آمریکا همسو با سیاست روسیه و همکاری با آن بوده است، بعلاوه آمریکا نگران گسترش سلاحهای هسته‌ای، بنیادگرایی اسلامی و امنیت اقتصادی منطقه نیز بوده است.

* راجان منون، «امنیت آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی»، ترجمه و تلخیص: منوچهر شجاعی، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۷۶، سال یازدهم، ش ۸ و ۷،

در این مقاله ابتدا آسیای مرکزی به صورت مختصر معرفی می‌شود. سپس عوامل اصلی تعیین کننده امنیت این منطقه توضیح داده می‌شود. احتمال پا گرفتن سیاست جدید امپریالیسم در روسیه دغدغه اصلی نویسنده در این مقاله می‌باشد.

* هومن پیمانی، «امنیت منطقه‌ای و آینده آسیای مرکزی رقابت ایران، ترکیه و روسیه»، نقد و بررسی از «وجیهه صادقیان خودی» به نقل از «فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز» ۱۳۷۸، سال هفتم، دورهٔ سوم، ش ۲۵، ص۱۷۸، فصلنامه

فرضیهٔ اصلی کتاب مزبور آن است که فروپاشی شوروی موقعیتی را برای ایجاد مجموعه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌کند که به دور شدن از حوزهٔ نفوذ روسیه و نزدیکی به ایران و ترکیه تمایل دارد. تمرکز اصلی کتاب پیرامون روابط بین کشورهای آسیای مرکز و قدرتهای اصلی منطقه (ایران، روسیه و ترکیه) است. در فصل دوم نویسنده به بحث در خصوص استدلالهای نظری پرداخته و تعدادی از ساختارهای ثابت مسأله امنیت منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده است. از میان این عناصر به نقش عوامل «اجتماعی، اقتصادی و نظامی» تأکید بیشتری شده است. فصل سوم به بررسی روند تشکیل کشورهای آسیای مرکزی و حرکت آنها به سوی ایجاد واحدهای سیاسی مستقل اختصاص یافته است. در فصل چهارم و پنجم به نقش عوامل قومی، زبانی و مذهبی و اهمیت خاص آنها در پیوند ایران، ترکیه و روسیه به آسیای مرکزی و مسایل مرتبط با آن پرداخته شده است. در فصل ششم به نقش و اهمیت عوامل اقتصادی، فرصتها و چالشهای اقتصادی و سیستم اقتصاد داخلی کشورهای آسیای مرکزی اختصاص یافته است. نویسنده در فصل هفتم با ترسیم مجموعه امنیتی آسیای مرکزی نتیجه‌گیری می‌کند که مدارک حاکی از آن است که موفقیت در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی ـ نظامی برای کسب برتری و نفوذ در منطقه ضروری است اما عوامل اجتماعی نیز موفقیت هر یک از این رقبا را استحکام بیشتری می‌بخشد.

* جاسجیت سینگ، «تهدیدات واقعی و تصوری در آسیای مرکزی»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۱۳، ص ۲۷، فصلنامه

نویسنده در سخنرانی خود با اشاره به تهدیدات واقعی و تصوری در آسیای مرکزی نبرد برای انرژی را یکی از صحنه‌های مهم رقابت در آسیای مرکزی قلمداد می‌نماید و طرح مسأله بنیادگرایی را تهدیدی تصوری برای پنهان ساختن تهدیدات واقعی در آسیای مرکزی به شمار می‌آورد. نویسنده عقیده دارد که کشورهای آسیای مرکزی بسیار آسیب‌پذیر و ضعیف می‌باشند زیرا اولاً عدم ثبات بطور بالقوه در آنها وجود دارد و ثانیاً کشورهایی در فرایند گذار و توسعه می‌باشند.

* شیرین آکیز، «تهدیدات و تصور تهدیدات در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، ش ۱۳، فصلنامه، ص۹۷

نویسنده در مقاله مزبور به موضوعات «آگاهی اولیه کشورهای آسیای مرکزی نسبت به تهدیدات»، «آگاهی اولیه غرب از تهدیدات» و «تهدیدات در حال ظهور» می‌پردازد. در قسمت «رویکرد غرب نسبت به امنیت کشورهای آسیای مرکزی» به دو مسأله یعنی (گسترش سریع بنیادگرایی اسلامی و تکثیر سلاحهای جمعی بویژه سلاحهای مربوط به زرادخانه هسته‌ای قزاقستان) اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که گرچه اسلام مذهب سنتی منطقه و مبنای فرهنگ بومی آن به شمار می‌رود ولی نیروی فعالی در منطقه نیست و در قسمت تهدیدات در حال ظهور به عواملی چون (رشد جرائم سازمان یافته، درگیری‌های منطقه‌ای و نژادی، بی‌عدالتی اقتصادی و مشکلات اکولوژیک) اشاره می‌کند و در پایان اظهار می‌دارد که انتقال ناگهانی و غیره منتظره کشورهای آسیای مرکزی از وضعیت استعمار به استقلال حس شدید ناامنی را در تمام سطوح جامعه (اعم از افراد و مقامات کشوری) و در روابط درون منطقه‌ای و نیز روابط بین‌المللی به وجود آورده است.

* امانوئل سرکیسیان، «تصورات جامعه بشری سنتی درباره امنیت ملی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، ص:۲۸

نویسنده عقیده دارد که تمام کشورهای منطقه آسیای مرکزی بزرگترین تهدید خود را کوششهای روسیه در راستای همگرایی در فضای سیاست اتحاد جماهیر شوروی

واقعیت باشد نمی‌توان انتظار داشت، بویژه اینکه ارزیابی از تهدیدات واقعی امنیت خود نیازمند به بازنگری است.

* اولی پکایالونن، «دور نمای در حال تحول امنیت در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره (۱۳) ص ۳۷، فصلنامه

نویسنده با استناد به گفته‌های «آدام واتسون» نظریه پرداز انگلیسی در زمینه روابط بین‌الملل که امپراتوری‌های امروزی را نه به لحاظ جغرافیایی بلکه از جنبه «روابط قدرت و مشروعیت» مورد شناسایی قرار می‌دهد در ارزیابی‌ای که از ترکیه و روسیه بعمل آورده است، آنها را، «امپراتوریهای جدید» می‌خواند، آنچه که در آسیای مرکزی روبه تحول گذارده، همین روابط مبتنی بر «قدرت و مشروعیتها» است که در این مقاله با نگرش به سیستمهای پیرامونی یعنی (روسیه، ترکیه و ایران) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همچنین مفهوم «امنیت» نه از دیدگاه عناصر «قدرت نظامی» بلکه از نظر «ابزار اقتصادی ـ اجتماعی» امپراتوریهای منطقه برای حفظ قدرت و نفوذ مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

* کاری بایف، «عوامل امنیتی در کشورهای آسیای مرکزی»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، ش ۱۳، ص ۲۶،فصلنامه،

نویسنده در این مقاله جنبه‌های ژئوپلتیکی و ژئواکونومیکی امنیت ملی برای کشورهای تازه استقلال یافته را مورد بحث و بررسی قرار داده و عوامل مختلف منطقه‌ای، جمعیت، و مسائل معنوی و اعتقادی (اسلامی) را در برقراری امنیت منطقه حائز اهمیت دانسته‌است. وی هدف اصلی سیاست خارجی کشورهای مزبور را تامین امنیت ملی می‌داند و اظهار می‌دارد جهت تداوم آن باید درباره مسائل سه گانه زیر بصورت جدی تصمیمی اتخاذ کرد: ۱) ایجاد کشورهای قدرتمند و مستقل ۲) برقراری اقتصاد قوی به منظور بالاتر بردن سطح فرهنگ ملی ۳) حفظ جامعه ملی ـ منطقه‌ای برای زندگی در صلح و هماهنگی با همسایگان.

* گیورکی میلوسلاوسکی، «قفقاز و آسیای مرکزی در اواسط دهه ۹۰»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۳، ص ۴۲، فصلنامه

از دیدگاه نویسنده مهمترین مؤلفه‌های امنیت ملی منطقه‌ای عبارتند از: ایجاد دولتهای مستقل جدید، ایجاد خلأ قدرت در منطقه و ایجاد رقابت بخاطر نفوذ در این مناطق، ایجاد مراکز جدید با ثبات، و بدون اختلافات و زمینه‌های بالقوه اختلافات در منطقه، ایجاد گروههای همگرای جدید، تحکیم نقش دولتهای مسلمان بعنوان بازیگران سیاستهای بین المللی و روابط اقتصادی، تحکیم نقش بالقوه تسلیحات در منطقه نقش ویژه ارتباطات (دریای سیاه، خزر، خطوط لوله نفت و گاز و خطوط حمل و نقل)

* جلیل روشندل، «گسترش ناتو به سمت شرق تعیین حوزه‌های نفوذ یا تأمین امنیت ملی؟» نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دورهٔ دوم، شماره ۱۳، ص۱۴۳، فصلنامه

بدون شک آسیای مرکزی بخشی از جهان مستقل شده از امپراتوری شوروی است که مشکلات امنیتی خاص خود را دارد. تجربه تلخ سلطه هفتاد ساله روسها بر این مجموعه در آنها احساساتی را برانگیخته است که تصور می‌کنند برای تأمین امنیت خود که فی‌الواقع تهدیدات چندان جدی نیز در کوتاه مدت ندارد، باید به یک متحد قوی اما غیر همسایه متوسل شوند. در این رهگذر تجربه منازعاتی مانند منازعه قره‌باغ که منجر به اشغال حدود یک چهارم خاک جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان شده است، به چنین احساساتی دامن زده است.

* لئونید اسکلیارف، «مسائل امنیت بین‌المللی و بازتاب آنها در آسیای مرکزی و قفقاز»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، سال پنجم، دورهٔ دوم، ش ۱۳، ص ۲۴۰، فصلنامه

نویسنده مسائل امنیتی را در دو سطح منطقه‌ای و جهانی مورد بحث و بررسی قرار

جماهیر شوروی، دارای یک نظریه خاص امنیتی نبوده بنابراین بسیاری از عوامل منفی که در حال حاضر بر امنیت این منطقه تأثیر می‌گذارند از همان دوران اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته است. فروپاشی نظام شوروی دو نتیجه عمده داشت: در سطح جهانی موجب اضمحلال مقابله ایدئولوژیکی یعنی سیستم جهانی سوسیالیسم گردید و احتمال وقوع جنگ جهانی سوم را به صفر رسانید و در سطح منطقه‌ای با اضمحلال نظام مذکور تقسیم کشورها به دو جبهه مخالف یعنی هواداران سوسیالیسم و پیروان سرمایه‌داری، دیگر اعتباری ندارد.

* اورازبیک مالدالی‌اف، «مسائل امنیتی منطقه‌ای، امکانات پیشگیری و حل مناقشات منطقه‌ای»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دورهٔ دوم، شماره ۱۳، فصلنامه

نویسنده به بررسی تغییرات بنیادی در ساختار بین‌المللی می‌پردازد و در وهله بعدی رابطهٔ میان سلاحهای کشتار جمعی، مشکلات مهاجرت و قاچاق مواد مخدر را بر امنیت منطقه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در پایان امکانات جلوگیری و تنظیم مناقشات منطقه‌ای را بررسی می‌کند و اظهار می‌دارد که فعالیت در زمینه جلوگیری و تنظیم مناقشات باید در رابطه با سه عامل باشد: الف) طرفهای درگیر ب) کشورهای منطقه ج) جامعه و اصول حقوق بین‌الملل

* محمد جان گلجانوف، «مسئله مرزها در روابط جمهوریهای آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، ش ۱۳، فصلنامه

در شرایط فعلی برای جلوگیری از افزایش جوانب منفی ملت گرایی و تداوم ثبات، مناسبات همه جانبه با فدراسیون روسیه بر اساس طلب زمان و رعایت قوانین بین‌المللی بجا است. این دوره شاید یک یا دو دهه را در بر گیرد تا شرایط برای همگرایی صلح‌آمیز مساعد گردد. در غیر اینصورت امکان تشدید اختلافات در زمینه مسائل مرزی بین جمهوریهای آسیای مرکزی وجود دارد و این اختلاف می‌تواند منجر به آن شود که کشورهای همسایه و هم‌قوم و هم فرهنگ با هم درگیر شوند و امنیت منطقه را به خطر بیندازد.

* علی مرتضویان، «مفهوم نوین امنیت در آسیای مرکزی»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دورهٔ دوم، ش ۱۳، ص ۳۸ و ۳۷، فصلنامه

نویسنده معتقد است که تحولات محیط بین‌المللی طی نیم سدهٔ گذشته مفهوم امنیت را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دگرگون ساخته است. در دوران جنگ سرد، امنیت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی عمدتاً بر حسب عوامل و متغیرهای ایدئولوژیک و نظامی تعریف می‌گردید و تمامی استراتژیها و ملاحظات امنیتی، مستقیم و غیرمستقیم متأثر از نظام دو قطبی و موازنه قوا بود. فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به «وضعیت فوق‌العاده» که به مدت نیم قرن بر سراسر جهان سایه افکنده بود پایان بخشید و نظام بین‌المللی به سرعت رو به انبساط نهاد. نیروها و الزامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی، اینجا و آنجا از قوه به فعل در می‌آیند و در پرتو این دگرگونی‌ها، ساختار و مناسبات تازه‌ای شکل می‌گیرد و نظم امنیتی نوین در حال شکل‌گیری است.

* سعیده لطفیان، «وضعیت اتمی قزاقستان و امنیت منطقه‌ای»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، دوره دوم، شماره ۱۴، ص ۲۱۵، فصلنامه

نویسنده در بخش اول مقاله توانایی اتمی و سیاست عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای قزاقستان را مورد بحث و بررسی قرار داده و در بخش دوم نظر خوش بینانه‌ای از روند بلند مدت همکاریهای منطقه‌ای ارایه کرده است. بخش پایانی مقاله نیز به بحثی پیرامون مناسب بودن اقدامات جلب اعتماد و اطمینان متقابل (همچون ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاحهای اتمی در آسیای مرکزی و جنوب غربی، و روشهای همکاری در مدیریت اختلاف) به منظور از بین برداشتن تهدیدهای امنیتی اختصاص داده شده است.

* گوگوان فو، «ویژگیها و دورنمای اوضاع آسیای مرکزی در دوران پس از جنگ سرد»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی قفقاز، دوره دوم، ش ۱۳، ص ۱۰۹، فصلنامه

نویسنده عقیده دارد که اوضاع منطقه در ثبات نسبی به سوی پیشرفت خواهد رفت این امر، هم خواسته خود کشورهای منطقه است و هم عدم تمایل کشورهای خارج از

ثبات و امنیت در منطقه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱) وخیم شدن وضعیت اقتصادی ۲) مسائل قومی و نژادی ۳) مسائل تاجیکستان. بطور کلی آینده آسیای مرکزی هنوز توأم با ابهام است.

فصل پنجم

خاورمیانه

* گزارش موسسه مطالعاتی استراتژیک لندن، «آب، امنیت و خاورمیانه»، مترجم: پیروز ایزدی، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک، ۱۳۷۲، ۱۶۵ص، ۳۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۵۵ ریال

کتاب مزبور در سه فصل به بررسی حوزه رودهای اردن ولیتانی، رودخانه‌های دجله و فرات و حوزه رود نیل پرداخته است و در فصل چهارم ابعاد حقوقی و مالی این رودها را مورد بحث قرار داده است. در قسمت نتیجه‌گیری برنامه کار برای دهه ۱۹۹۰ مطرح شده است. کتاب شامل یک ضمیمه با عنوان نقش آب در اقتصادهای نفتی نیز می‌باشد.

گفته می‌شود که کاهش فزاینده منابع آب در خاورمیانه، عامل اساسی پیدایش منازعات بعدی در این منطقه خواهد بود بویژه که مطالعات و بررسیهای اخیر این امر را تأیید می‌کند که کمبود آب در خاورمیانه افزایش یافته و در نتیجه رقابت بین دولتها را جدی‌تر خواهد ساخت اهداف این گزارش عبارتند از: الف) تجزیه و تحلیل زمینه‌هایی که موضوعات مربوط در آن ممکن است به منازعه دولتها یا ناآرامی داخلی منجر شود یا نشود. ب) موضوعات مربوط به آب تا چه اندازه‌ای میتواند باعث تخفیف یا تشدید سایر منازعات گردد. ج) این گزارش بویژه در مورد کشورهای واقع در خاورمیانه و شمال آفریقاست که با همسایگان خود در آبهای سطحی و زیرزمینی شریک هستند یعنی (کشورهای واقع در سه سیستم اصلی حوزه‌های رودخانه‌ای؛ اردن و لیتانی، نیل و دجله و فرات). د) بررسی و تحلیل جنجالهای گذشته مربوط به آب و چشم اندازهای منازعه یا

راه حل مسالمت‌آمیز این منازعات ه) این گزارش به بررسی اهداف برنامه ریزی آب در چارچوب اولویتهای اقتصادی ملی نیز می‌پردازد.

* ناچی ابی‌عاد و میشل‌گرنون، «بی ثباتی و منازعه در خاورمیانه»، به نقل از «کتابشناسی اطلاعاتی - امنیتی»، کتابخانه دانشکده اطلاعات، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰نسخه، چ اول، ۶۵۰۰ ریال، ص ۷۳

کتاب مزبور مشتمل بر دوازده فصل است: فصل اول رژیمهای خودکامه و جنگ قدرت نام دارد. در فصل دوم اختلافات عقیدتی میان کشورهای منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل سوم: دستیابی به صلح از طریق در اختیار داشتن نیروهای نظامی و سلاحهای بیشتر را مورد بحث قرار می‌دهد. فصل چهارم اختلاف دینی و مذهبی را مد نظر قرار می‌دهد. فصل پنجم منطقه‌ای با نژادهای گوناگون نامیده شده است. فصل ششم منطقه‌ای که براساس مرزبندیهای قانونی به کشورهای گوناگون تقسیم شده است یعنی خاورمیانه را توضیح می‌دهد. فصل هفتم نابرابریهای اقتصادی میان کشورهای منطقه را مطالعه می‌کند. فصل هشتم به اختلاف نظر بر سر سیاستهای نفتی اختصاص یافته است. در فصل نهم به این سوال که آیا آب با ارزش‌تر از نفت است؟ پاسخ می‌دهد. فصل دهم انفجار جمعیت و نابرابریهای رشد جمعیت را بررسی می‌کند. در فصل یازدهم بحث درباره مشکلاتی که زائیده مهاجرت مردم است می‌باشد و در فصل دوازدهم به پاسخ امنیت تولید صدور نفت به چه میزان است؟ می‌پردازد.

نویسنده عقیده دارد که بدلیل اولویت منازعه اعراب و اسرائیل به مسائلی چون بی ثباتی و جنگ ناشی از خودکامگی، جنگ قدرت، مسابقه تسلیحاتی، اقلیتهای قومی و اختلافات مذهبی، اختلافات نژادی و مرزی، نابرابریهای اقتصادی و.... به عنوان عوامل تهدیدکننده منطقه خاورمیانه کمتر توجه شده است. این عوامل، ایجاد کننده بی ثباتی و به وجود آورنده جنگ و بزرگترین تهدید برای امنیت تولید و صدور نفت از خاورمیانه محسوب می‌گردد.

* لوراگازانه، «خاورمیانه در راستای تحول جهانی»، به نقل از «کتابشناسی اطلاعاتی -

امنیتی»، کتابخانه دانشکده اطلاعات، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چ اول، ۶۵۰۰ریال، ص ۷۳

بخش اول کتاب با عنوان «مسائل کلیدی وابستگی متقابل بین کشورهای خاورمیانه» دارای هفت فصل می‌باشد. در فصل اول اصلاحات سیاسی در خاورمیانه بررسی می‌شود. در فصل دوم جریانات سیاسی کشورهای عربی، روابط کشورهای عربی و اروپائی وکشورهای مدیترانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند.فصل سوم به ترکیه و خاورمیانه می‌پردازد. فصل چهارم با عنوان «مناقشه بر سر خطوط مرزی در خاورمیانه و آفریقا» می‌گوید که ایران و عراق بر سر شط‌العرب اختلاف داشتند و همین موجب بروز جنگ میان آنها شد. هم اکنون ایران و امارات بر سر «ابوموسی» اختلاف دارند، تنب کوچک و بزرگ نیز از موارد دیگر اختلاف ایران با امارات متحده عربی است. فصل پنجم: ترکیب جمعیت، مهاجرت و امنیت در خلیج فارس را مورد بحث قرار می‌دهد. درفصل ششم تمایل به داشتن اقتصاد کلان و اهداف سیاسی کشورهای عرب خاورمیانه موضوع بحث است. فصل هفتم به خاورمیانه قدیم و جدید اشاره دارد. بخش دوم: باعنوان «خاورمیانه میان دوموقعیت جهانی‌شدن یامنطقه‌ای شدن بلاتکلیف‌مانده است» دارای پنج فصل است (فصول هشت تا داوزده). در فصل هشتم اثر جهانی شدن و منطقه‌ای شدن مسائل بر اقتصاد جهان و خاورمیانه مطالعه می‌شود. فصل نهم: اقتصاد سیاسی واحد خاورمیانه را بررسی می‌کند. فصل دهم خاورمیانه و پایان جنگ سرد نام دارد. فصل یازدهم تغییر و تداوم در سیاستهای غرب نسبت به خاورمیانه مورد بحث قرار می‌گیرد و در فصل دوازدهم یک نقشه و چند فرضیه برای آینده خاورمیانه ارایه می‌شود.

* جرج بوش، «ابعاد استراتژی امنیت ملی آمریکا(۲)» ترجمه: م.امیری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹، بیستم مرداد، ش‌م: ۱۹۱۱۰، ص ۱۲

«جرج بوش» در گزارش استراتژی امنیت ملّی آمریکا به کنگره این کشور ابعاد استراتژی امنیت ملّی آمریکا را مورد شناسایی قرار داده است. در این میان بر اهمیت کشورها و مناطق گوناگون، در تحصیل امنیت ملی اشاره کرده است. کشورهای اروپای شرقی، آسیای شرقی به ویژه ژاپن و چین، کشورهای آسیای جنوبی، پاکستان و هند،

خاور میانه و آسیای جنوبی. ولی در این میان براهمیت منطقه «خاور میانه» اشاره فراوان دارد به گونه‌ای که بیان می‌دارد که حتی اگر تشنجات شرق و غرب در آن فروکش کند نگرانیهای استراتژیکی آمریکا همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. «منافعی چون: امنیت اسرائیل، امنیت کشورهای میانه رو عرب و نهایتاً خروج آزادانه نفت از این منطقه برای ما قابل توجه است.»

* ابومحمد عسگرخانی، آزمایشهای هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱

نویسنده معتقد است که تحولات نظام بین المللی بیانگر این مطلب است که نظام بین‌المللی در بعد اقتصادی به سوی منطقه‌ای شدن پیش می‌رود. در بعد امنیتی نیز «منطقه‌ای شدن» در حال تحقق است.

* قدرت احمدیان، آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم، ۱۳۷۷

انگیزه رقابت تسلیحاتی هند و پاکستان، تاثیرات این آزمایشها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت پذیرش تعهدات بین المللی، ابزارهای تقویت امنیت ملی ایران و استفاده از سلاحهای متعارف با برد زیاد از قسمتهای مهم مورد بحث در این مقاله می‌باشند.

* محسن رضایی، آزمایشهای هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (سخنرانی)، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم ـ ۱۳۷۷

ارتباط تنگاتنگ ملی و منطقه‌ای، سابقه تاریخی مسابقات هسته‌ای هند و پاکستان، تاثیرات و انگیزه این آزمایشها و... از قسمتهای مهم این سخنرانی هستند.

* جهانگیر کرمی، «استراتژی نظامی در برنامه‌های تسلیحاتی اسرائیل»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۶، سال پنجم، ش ۲، شماره مسلسل ۱۸، ص ۷ تا ۳۰، فصلنامه،

این مقاله بر آنست تا با توجه به عوامل دخیل در شکل‌گیری استراتژی رژیم صهیونیستی، اصول استراتژی نظامی آن را بیان نموده و با تاکید بر تصویری که حکام تل‌آویوی از محیط عملیاتی نظامی خود داشته و دارند، اقدامات آنها را در زمینه فن‌آوری‌های جنگ‌افزاری و برنامه‌های تسلیحاتی مورد مطالعه قرار دهد. در پایان نیز تهدیدات این برنامه‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است. بخش‌های اصلی مقاله عبارتند از: عوامل مؤثر بر استراتژی نظامی اسرائیل، اصول استراتژی نظامی، محیط استراتژیک و عملیاتی، سیاست تسلیحاتی.

* «هودسون»، «بحران خاور میانه یا داستان کهنه تاریخ»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶، بیستم فروردین، ش م: ۱۸۱۴۲، ص ۱۲

گرچه نویسنده در این مقاله «رابطه اعراب و آمریکا» را مورد بحث و بررسی قرار داده است. اما در این میان به مواردی اشاره کرده است که قابل اهمیت می‌باشد. وی در این مقاله به «گستردگی مناقشات و بحران»، «ویژگیهای مشترک مناقشات خاور میانه» از قبیل «ریشه دار بودن، مخرب و ویرانگر بودن، مردمی بودن» و «دخالت بیگانگان در مناقشات مزبور» و «چشم اندازهای بسط مناقشات» که می‌تواند منجر به تشدید و گسترش بحرانهاگردد از قبیل: «خاتمه یافتن رونق و شکوفائی چشمگیر بازار نفت»، «ظهور جنبش‌های مخالف که بر مبنای اصول عقیدتی استوارند و وضع موجود را به چالش می‌کشند»، «رکود روند صلح» و رقابت آمریکا و شوروی... اشاره می‌کند.

* میزگرد، تحولات جدید ژئوپلتیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، ۱۳۷۷، شماره ۳و۲

در این میزگرد اگر چه محور اصلی بحث امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است اما به نقش عراق در امنیت منطقه و نقش انرژی در امنیت منطقه خاورمیانه پرداخته می‌شود.

محسن امین زاده، محمد باقر حشمت زاده، علی شمخانی، حسین عظیمی و پیروز مجتهد زاده شرکت کنندگان در این میزگرد هستند.

* علی‌اصغر سلطانیه، «تدابیر بین‌المللی در عاری نمودن خاورمیانه از سلاح هسته‌ای و تاثیر آن بر امنیت خلیج فارس» به نقل از مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس، عباس خادم حقیقت، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ـ تهران، چ اول ۱۳۷۳

امنیت خاورمیانه و به تبع آن صلح و امنیت و همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس در سیکل سرگردان سیاسی گرفتار شده است و عامل اصلی این چرخش و بلاتکلیفی رژیم صهیونیستی است لذا کشورهای منطقه بدون عنایت به این واقعیت و ملحوظ نمودن نقش محوری اسرائیل در چرخه ناآرامی منطقه و بدون تلاش در حذف این عامل و نیز دخالت دیگر نیروهای خارجی قادر به حل معادله پیچیدهٔ امنیت منطقه نخواهند بود.

* چن هفنگ، «توسعه پس از جنگ خلیج فارس در خاور میانه» مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷، ۱۰۰۰ چاپ اوّل، ۹۰۰۰ریال، ص ۲۰۱

نویسنده برآن است که جنگ خلیج فارس و فروپاشی شوروی تغییرات عظیمی را در توسعه خاورمیانه و جهان به وجود آورده است. نویسنده ویژگیهای اصلی تحولات در خاورمیانه را این موارد می‌داند: اول اینکه به رغم روند کلی تنش زدائی، بحرانهای محلی و منطقه‌ای در حال تزایدند. دوم اینکه به رغم کوشش آمریکا برای تسلط بر امور خاورمیانه، نیروهای محلی برای نفوذ در منطقه در حال رقابت هستند. سوم اینکه مسابقه تسلیحاتی، در حال رشد است. چهارم مشکلات امنیتی خلیج فارس است. پنجم احیاء جنبشهای اسلامی و گسترش شتاب آنها و ششم مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل و...

* جهانگیر کرمی، «جنگ افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای، پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای خاور میانه»، مجله راهبرد، ۱۳۷۵، شماره ۱۲، ص ۳۷ تا ۵۸، فصلنامه

این مقاله بر آن است تا با توجه به تجربیاتی که در مورد تأمین و به‌کارگیری موشکهای بالستیک در منطقه خاورمیانه وجود دارد، به مطالعه و بررسی تأثیر جنگ افزارهای مدرن بر منازعات منطقه‌ای بپردازد، از این دیدگاه، جنگ افزارهای مذکور به خاطر تأثیری که بر مساله عمق استراتژیک، تعاملات منطقه‌ای و نیز نفوذ دخالت خارجی دارند، برای تداوم یا خاتمه منازعات موضوع با اهمیتی تلقی می‌شوند، بخش‌های اصلی این مقاله عبارتند از: ویژگیهای موشک بالستیک، نگاهی به صحنه منازعات خاورمیانه، دستیابی به موشک بالستیک در خاور میانه، به کارگیری موشک‌های بالستیک، و بالاخره پیامدهای آن برای منطقه.

* چن هفنگ، «جنگ خلیج فارس و پیامدهای آن در خاورمیانه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳، دوازدهم دی، ش‌م: ۲۰۳۸۳، ص ۱۲

نویسنده در مقاله مزبور به تحولاتی که در پی جنگ خلیج فارس به وجود آمده و بر آینده امنیتی خلیج فارس تأثیر فراوان دارد اشاره می‌کند. وی به تلاش آمریکا جهت برقراری یک، «نظم نو در خاورمیانه» به رهبری آمریکا و اقدامات این کشور برای وصول به هدف مذکور چون (تلاش جهت حصول به صلح خاورمیانه، اعمال تحریم و ضربه زدن به کشورهای رادیکال، حمایت از کنترل تسلیحات و خلع سلاح)، و در نتیجه بعید بودن دستیابی به یک صلح پایدار بین اعراب و اسرائیل و در نتیجه تغییر احساس اسرائیل در مورد امنیت خاورمیانه، حل نشدن مشکلات امنیتی در منطقه و بحرانی شدن موقعیت منطقه بعد از جنگ و نهایتاً گسترش و شتاب جنبشها و حرکتهای اسلامی بعد از جنگ، اشاره دارد.

* هیثم کیلانی، «طرح نظم خاورمیانه‌ای و ابعاد امنیتی آن (۲)»، بخش دوّم، مترجم: ب ـ شریعتمداری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵، بیست و ششم آذر، ش‌م: ۲۰۹۴۱، ص ۱۲

نویسنده با بررسی نظم خاورمیانه‌ای، برنقش و دیدگاه آمریکا در مورد نظم خاورمیانه‌ای اشاره می‌کند. طرح نظم خاورمیانه‌ای آمریکا بر اصل مشارکت و تقسیم مسئولیتهای امنیتی بین کشورهای منطقه و در قلب آنها «اسرائیل» و در کنار آن «ترکیه»

است و در آینده «ایران» را در صورت فراهم آمدن شرایط لازم در بر می‌گیرد. حفظ برتری نظامی اسرائیل، پشتیبانی از این رژیم و انحصار سلاحهای هسته‌ای و اقدام برای ریشه دار کردن آن در منطقه و فراهم کردن زمینه بسط نفوذ و سلطه‌اش در منطقه بویژه در ابعاد امنیتی و اقتصادی، از راه گسستن پیوند ملّی عربی و نابود کردن پایه‌های هویت آن و تنظیم مجدد ساختار منطقه بر اساس ملّیت‌ها، زبانها و نژادها و نابودی هرنیروی عرب که به تمرد بر استراتژی آمریکائی ـ اسرائیلی گرایش پیدا کند و سلطه بر منافع نفت و گذرگاههای آن از جمله اهداف آمریکا است.

* ناصر ثقفی عامری، «روندهای تسلیحاتی در دوران پس از جنگ سرد» به نقل از کتاب مجموعه مقالات «استراتژی و تحولات ژئوپولتیک پس از دوران جنگ سرد»، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۲۵۰۰ ریال، دانشگاه امام حسین(ع)، پژوهشکده علوم استراتژیک و دفاعی، کتابخانه (۱۵الف ۷ ث /D ۸ ۴۹)

نویسنده در این مقاله پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی و مسأله خلع سلاح هسته‌ای و بیولوژیکی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در این میان با اشاره به اولویت یافتن مسائل خلع سلاح تسلیحات کشتار جمعی، خلع سلاح منطقه‌ای در خاورمیانه، تمهیدات کنترل تسلیحات در چارچوب سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و بر آن است که این تمهیدات و اقدامات هنوز ناکافی است.

* «ماهواره جاسوسی رژیم صهیونیستی، تهدیدی علیه امنیت کشورهای منطقه»، به نقل از: الشراع ش ۶۷۹، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴، ش م: ۵ـ۲۰۵۷۴، ص ۱۲

در این مقاله به تأسیسات فضائی و پرتاب آخرین موشک رژیم صهیونیستی و اهداف تجاوزکارانه این رژیم و تأثیر آن بر امنیت منطقه اشاره شده است. همچنین به مشارکت رژیم صهیونیستی در پروژه‌های جنگ ستارگان و علل و عوامل آن نیز پرداخته شده است و نیز به تأثیر ماهواره رژیم صهیونیستی ـ آخرین ماهواره جاسوسی اسرائیل که در اوایل سال (۱۳۷۴) موسوم به «افق ۳» به فضا پرتاب گردید ـ بر منطقه و ابعاد امنیتی آن پرداخته است.

* «مبارزه علیه صهیونیسم؛گذشته، حال و آینده» میزگردی تحت عنوان «مبارزه اسلامی، عربی ـ صهیونیستی، گذشته، حال و آینده» تهیه و تنظیم از: علی منتظری رامیانی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵، هجدهم و نوزدهم بهمن،ش‌م:۶ـ۲۰۹۸۵

این میز گرد که به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه تشکیل شده بود، به بحث دربارهٔ صهیونیسم، مبارزه با آن و مسائل امنیتی و... پرداخته است.

در این میزگرد ابتدا «سید مرتضی نعمت زاده» رایزن جمهوری اسلامی ایران در سوریه، به تبیین دیدگاههای فکری و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین و اهداف برگزاری میز گرد پرداخت. دکتر «هانی خلیل» نویسنده و پژوهشگر سوریه پیرامون «جایگاه مبارزه با صهیونیسم در اندیشه اسلامی و عربی» به تفصیل سخن گفت و «دکتر رمضان عبدالله» دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین به موضوع شرایط نوین مبارزه با صهیونیسم پرداخت.

* دکتر هیثم کیلانی «نظم خاورمیانه‌ای و ابعاد امنیتی آن (۳)» مترجم: ب ـ شریعتمداری، روزنامه اطلاعات، بیست ونهم آذرماه، ش م: ۲۰۹۴۴

نویسنده در این مقاله، به موازنه نیروها در بعد امنیتی نظم خاور میانه‌ای و نقش آنها در این فرایند می‌پردازد. نیروهای کارآمد در موازنه نیروها در بعد امنیتی نظم خاورمیانه‌ای چهار طرف را در برمی‌گیرد: اسراییل، ایران، ترکیه و اعراب. از آنجا که هدف نظم خاورمیانه‌ای، تجزیه نیروی امنیتی – عربی و نابودی ویرانه‌های ساختاری امنیتی، ملّی، عربی است لذا نیروهای اعراب در هنگام ارزیابی موازنه استراتژیک نیروها در محاسبه وارد نمی‌شوند. نویسنده در این میان بر نقش، اهداف و انگیزه‌های کشورهای اسرائیل، ترکیه و ایران تاکید فراوان دارد. وی دیدگاههای ایران بویژه در مورد عدم دخالت کشورهای بیگانه از جمله اسرائیل و ایالات متحده آمریکا در نظم خاورمیانه‌ای را یادآور می‌گردد و مدعی است که هر گونه نظم امنیتی در خاورمیانه که نقش ایران را نادیده بگیرد، مردود و محکوم به شکست است.

* حجت‌الله افغانی، «ابعاد سیاسی ـ امنیتی بحران آب در خاورمیانه و آینده صلح

اعراب و اسرائیل»، استادان راهنما و مشاور عبدالعلی قوام، بیژن اسدی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۵، ۲۰۰ص

پایان نامه مزبور، مشتمل بر نه فصل و دو ضمیمه است: فصل اول (طرح تحقیقاتی) پایان‌نامه است. فصل دوم اهمیت جهانی منابع آب را بررسی می‌کند. فصل سوم ویژگیهای خاورمیانه عربی و منابع آب آن، موقعیت ژئوپلتیکی و... را مطالعه می‌کند. فصل چهارم حوزه خلیج فارس (بحران آب در خلیج فارس) نام دارد. فصول پنجم، ششم و هفتم به ترتیب حوزه رود نیل، رودهای فرات و دجله و رود اردن را موضوع بحث قرار می‌دهد. نقش آب در منازعات اعراب و اسرائیل و مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل را بررسی می‌کند و در فصل نهم به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

بحران جهانی آب، در هیچ جای دیگر به اندازه خاورمیانه ابعاد «سیاسی ـ امنیتی» نیافته است و بر سیاستهای ملی و منطقه‌ای کشورها تأثیر ننهاده است. کمبود طبیعی توزیع نامتوازن، اشتراکی و بی‌جایگزین بودن منابع آب در کنار مسائلی چون، افزایش بی‌رویه جمعیت و مصارف آبی در خاورمیانه عربی، اقتصاد متکی بر کشاورزی و... از عوامل تشدید کننده این بحران هستند که آن را به یک منبع عمده تولید «خشونت» تبدیل کرده است اما این بحران در تمام مناطق دارای شدت و ضعفهای یکسانی نیست و به همین دلیل دورنمای بحران آب نیز متفاوت است: الف) بحران آب در خلیج فارس عمدتاً ناشی از کمبود طبیعی آب است و در حال حاضر به وسیله دلارهای ناشی از صدور نفت، همسایگان پر آب و دسترسی آسان به آب دریا جهت اجرای پروژه‌های شیرین سازی آب، بحران کنترل شده است. ب) در حوزه رود نیل، حوزه دیگری از بحران بالقوه است. که در حال حاضر به دلایل مختلفی، این بحران بروز ننموده است. ج) اوضاع در حوزه بالفعل بحرانی «فرات و رود اردن» کاملاً متفاوت است. ترکیه و اسرائیل کوچکترین نرمشی از خود نشان نداده‌اند، شعارهای صلح در برابر زمین اسرائیل نیز با پیروزی جناح لیکود به کنار گذاشته شد بنابراین سیاست اسرائیل در حال حاضر، توسعه مناطق آبی بوده و این امر می‌تواند یکی از منابع مهم خشونت در منطقه باشد و می‌تواند ضربه‌ای شدیدی به روند صلح اعراب و اسرائیل وارد نماید، رساله مزبور در نه فصل ابعاد بحران آب در خاورمیانه عربی و نقش آن در صلح اعراب و اسرائیل را مورد بررسی قرار داده است.

* عزت‌الله همتی، «بررسی و تحلیل استراتژی نوین آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس «مهار دوجانبه»، استادان راهنما و مشاور فردانش، قوام، استاد ناظر: میرعرب، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۷

پایان نامه مزبور در قالب یک مقدمه و چهار فصل، ارایه گردیده است:
فصل اول شناخت استراتژی آمریکا در خاورمیانه تا روی کارآمدن کلینتون را بررسی می‌کند. فصل دوم با عنوان زمینه‌های اتخاذ استراتژی مهار در دو گفتار به بحثی تئوریک درخصوص مفهوم مهار و زمینه‌های اتخاذ استراتژی مهار توسط امریکا می‌پردازد. فصل سوم به اهداف و ابزار سیاست مهار اختصاص یافته است. در فصل چهارم که بازخوران سیاست مهار نام دارد به بازتابهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی سیاست مهار در سه گفتار می‌پردازد.

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، امریکا سیاست صریح و تندی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد. تحریمهای ثانویه کشورهای ثالث طرف معامله با ایران و تحت فشار قرار دادن کشورهای جهان برای محدود کردن روابط خود با ایران همه از پیامدهای سیاست نوین امریکا در قبال ایران است. در این نوشتار به سوابق سیاست آمریکا در قبال ایران و به سیاست مهار آمریکا در قبال ایران بطور موشکافانه پرداخته شده است و مباحثی چون عوامل و زمینه‌های اتخاذ سیاست مهار، اهداف و ابزار و بازتاب این سیاست و واکنش محافل و اشخاص معروف در قبال این سیاست مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

* جلیل سید سرابی، «تأثیر فروپاشی شوروی بر روند صلح خاورمیانه» استادان راهنما و مشاور عبدالعلی قوام، محمود سریع القلم، شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۵، ۱۷۱

پایان نامه مزبور مشتمل بر یک پیشگفتار، یک مقدمه و پنج فصل است: فصل اول سیاست خارجی شوروی در خاورمیانه را مطالعه می‌کند. فصل دوم تأثیر فروپاشی شوروی برنظام بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم (موقعیت اسرائیل و

مذاکرات صلح خاورمیانه (ارزیابی و بررسی کنفرانسهای صلح اعراب و اسرائیل،ارزیابی و بررسی توافقهای به عمل آمده با طرفهای ذینفع) اختصاص یافته است، و فصل پنجم نتیجه‌گیری است.

در این پایان نامه سعی شده است که نقش قدرتهای منطقه‌ای و قدرتهای بین‌المللی در مسئله خاورمیانه بررسی شود و زمینه‌ها و عواملی که باعث شد طرح صلح به وجود بیاید فلسطینی‌ها و اسرائیل را پای میز مذاکره بکشاند و به توافق برساند، مطرح گردیده است. هدف اصلی آن است تا توضیح داده شود که فروپاشی و تغییر در نظام دو قطبی چه تأثیری بر روند صلح اعراب و اسرائیل داشته است ؟ فرضیه‌های اصلی عبارتند از:

۱) فروپاشی شوروی و پیدایش ساختار جدید نظام بین‌الملل باعث تسریع و تشدید این روند و تمایل بیشتر کشورهای عربی و اسرائیل برای مذاکره و دستیابی به تفاهم گردیده است.

۲) فروپاشی شوروی و به حداقل رسیدن نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه ساختار و ترکیب قدرت در منطقه را متحول کرد و در این شرایط نیروهای مخالف اسرائیل که سالها از حمایت شوروی برخوردار بودند، حمایت خارجی خود را از دست داده، این امر سبب کشانیدن آنها به میز مذاکره گردید.

۳) فروپاشی شوروی، اهمیت اسرائیل را بعنوان پایگاه استراتژیک غرب در خاورمیانه از دست داد و باعث شد که کمکهای غرب به این کشور کاهش یابد و این عامل نقش مهمی در گرایش اسرائیل برای دستیابی به صلح داشته است.

* اسماعیل جهان بین، «قرارداد غزه ـ اریحا و تأثیر آن بر روند اردن و رژیم صهیونیستی»، محمود سریع‌القلم، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۵، ۱۹۵ ص

پایان نامه فوق‌الذکر شامل عناوین زیر است: کلیات: (طرح موضوع، بررسی آثار، علل انتخاب و...) فصل اول با عنوان بررسی زمینه‌های تاریخی قرارداد غزه ـ اریحا در سه بخش به پیدایش دولت اسرائیل، اردن و مساله فلسطین و تاریخچه و روند مذاکرات صلح خاورمیانه ۹۳ ـ ۱۹۷۳ می‌پردازد. فصل دوم قرارداد غزه ـ اریحا نام دارد که در دو

بخش به بررسی زمینه‌های انعقاد غزه ـ اریحا و انعقاد قرارداد غزه ـ اریحا می‌پردازد. فصل سوم تحول در روابط خارجی اسرائیل پس از قرارداد غزه ـ اریحا را با غرب، کشورهای آفریقایی و شرق آسیا و کشورهای عربی خاورمیانه مورد مطالعه قرار می‌دهد و فصل چهارم به موقعیت سیاسی ـ اقتصادی اردن پس از قرارداد غزه ـ اریحا اختصاص دارد.

در این تحقیق نشان داده شده است که پس از امضاء قرارداد غزه ـ اریحا، از یکسو اعتبار بین‌المللی دولت اسرائیل افزایش یافت و کشورهای جهان روابط خود را با این رژیم به حالت عادی درآورند. این امر به اردن کمک کرد تا روابط خود را با اسرائیل بهبود بخشیده و با آن قرارداد صلح امضا کند. از سوی دیگر امضای قرارداد غزه ـ اریحا منافع سیاسی و اقتصادی اردن را مورد تهدید قرار داد، لذا کشور مزبور برای خنثی سازی عواقب این تهدید، دست به صلح زد. نویسنده تلاش دارد تا مجموعه‌ای از متغیرها و شرایط متفاوت که منجر به انعقاد قرارداد صلح گردیده است را مورد بررسی قرار دهد.

فصل ششم

دریای خزر

* الهه کولائی، «تقویت شورای کشورهای ساحلی دریای خزر، گامی در مسیر تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴ ص ۲۸۳ فصلنامه

نویسنده در این مقاله به بحث درباره تقویت شورای همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر پرداخته است. وی بابیان این تفکر که توسعه همکاریهای اقتصادی در سطح مناطق به تحکیم و توسعه «صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی» کمک خواهدکرد اظهار می‌دارد: فروپاشی شوروی سبب تقویت روند همکاریهای منطقه‌ای گردیده است و تشکیل شورای همکاری خزر به پیشنهاد ایران در فوریه (۱۹۹۲) نیز در این راستا باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بعلاوه تبدیل کشورهای ساحلی از دوکشور به پنج کشور و بهره برداری از منابع نفتی خزر در حالیکه رژیم حقوقی آن هنوز مورد توافق قرار نگرفته است و مشکلات زیست محیطی و... ضرورت توسعه همکاریهای منطقه‌ای را برجسته می‌نماید.

* رافی هوانسیان، «چشم اندزهای صلح و امنیت در حوزهٔ خزر»، ترجمه: بدرالزمان شهباز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، شماره ۱۴،ص ۱۹۹

امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی و حوزه خزر مبتنی بر صلح و امنیت در قفقاز است،

توانایی جامعه بین‌الملل برای ایجاد مکانیسمهایی برای درگیر ساختن هر سه عامل منطقه‌ای روسیه، ترکیه، ایران در مباحث مهم منطقه‌ای می‌گردد. لذا بایدتعهدات بیشتر غرب در مورد توسعه راههای جایگزین ارتباطی و یکپارچگی اقتصادی، و سعادتمندی کشورهای قفقاز نیز در نظر گرفته شود، جامعه بین‌الملل باید در تلاش برای نگرش تازه و آینده‌نگری در مورد مناقشه قره‌باغ باشد.

* بهناز اسدی کیا «خزر، قربانی نفت می‌شود»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸، ۲۱۵۹۲، ص ۱۲، روزنامه

نویسنده در این مقاله بر این امر تأکید دارد که آلودگی دریای خزر موجب نابودی جانداران آن دریا بویژه ماهی خاویار می‌گردد و اضافه می‌نماید که این مخزن بزرگ نفت چنانچه با توجه به همکاری کشورهای ساحلی خزر بهره‌برداری نشود، نابودی بالقوه اکوسیستم خاص خزر را به دنبال خواهد داشت. کلیه صاحبنظران براین نکته متفق‌القول‌اند که منبع اصلی و مهم آلودگی این دریا مربوط به بهره‌برداری نفتی و حفاریهای مربوط به آن است.

* تورکایاآقاف، «دریای خزر: مشکلات و مسائل زیست محیطی»، مترجم: قاسم ملکی، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۸، سال هفتم، دوره سوم، ش ۲۵، ص ۱۱۵، فصلنامه

نویسنده اظهار می‌دارد که دریای خزر به وسیله فضولات صنعتی وارده، از طریق رود ولگا و نیز استخراج ذخائر هیدروکربن آلوده شده است، در خصوص دریای خزر مشکلات افزایش سطح آب این دریا و تقدم «نفت یا ماهی» مطرح گشته است. تداوم آلودگی ماهیها را از بین می‌برد، یک منبع مهم تغذیه را نابودمی‌نماید و برای میلیونها نفر از مردمی که در سواحل دریا زندگی می‌کنند بیکاری به بار می‌آورد. تشدید مشکلات ممکن است در آینده سبب بروز عکس‌العمل تند در مقابل کشورهایی که شرکتهای نفتی به آنان وابسته‌اند شود. گرچه ایجاد تشکیلات بازرسی و نظارت و نیروهای دریایی ادامه فعالیتهای ممنوع شده را تا حدودی متوقف می‌نماید ولی وجود خود این ناوگانهای کوچک ممکن است خطر برخوردهای نظامی را افزایش دهد.

* الهه کولائی، «فعال کردن شورای کشورهای ساحلی دریای خزر، گامی در مسیر تحکیم صلح و امنیت منطقه‌ای»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، ش.۱۴ ص ۲۸۳، فصلنامه

نقش ایران در شکل‌گیری همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر، بیانگر امتداد و توسعه روند جهانی تقویت همکاریهای منطقه‌ای است. بسیاری از کشورهای جهان به این سیاست در مسیر رفع موانع عقب‌ماندگی و کندی نرخ رشد اقتصادی خود توجه نموده‌اند. ملاحظات سیاسی و اقتصادی هر دو در شکل‌گیری این شورا نقش دارند. ولی این شورا عملاً برای ایفای نقشی که برای آن در نظر گرفته شده بود فعالیت چشمگیری نداشته است. در این مقاله علل و عوامل این تأخیر و نیز صورت تقویت این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای حصول این هدف ابتدا عوامل و موانع همکاری اجمالاً بررسی می‌شود.

* لئونید اسکلیارف «کشورهای حوزهٔ دریای خزر در قرن بیست و یکم:منطقه رقابت یا همکاری»، مهرداد محسنین، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴ص ۷۷، فصلنامه

تقسیم دریای خزر به بخشهای کشوری، عملاً راه اعمال یک سیاست هماهنگ و یکپارچه میان دولتهای ساحلی را ناممکن می‌سازد. کشورهای ساحلی جدید دریای خزر به لحاظ مشکلات اقتصادی و بی تجربگی در روابط بین الملل قادر به مقاومت در برابر فشارهای غرب که خواستار دستیابی به منافع نفت دریای خزر است، نیستند. مضافاً بر اینکه غرب از رقابت و اختلافات میان این جمهوریها به نفع خود استفاده می‌کند. بنابراین بعید نیست با ادامه حضور نظامی ـ سیاسی آمریکا و قدرتهای غربی در منطقه، دریای خزر بزودی تبدیل به خلیج فارس دوم گردد.

* محمد اسماعیل نوریان، «نگرشهای متفاوت درباره رژیم حقوقی دریای خزر»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، ص ۶، فصلنامه

نویسنده در گام اول به توضیح و تبیین نگرشهای مختلف درباب بهره برداری حقوقی از منابع دریای خزر می‌نماید و اظهار می‌دارد به هر حال در چنین دریاچه بسته‌ای هرچند پهناور، هر پدیده یا هر اقدامی کل مجموعه را متأثر می‌سازد و بدین ترتیب هر اقدام یکجانبه‌ای منجر به آلودگی دریا گردد بر منافع حقه دیگر کشورهای ساحلی تأثیر سوء دارد و «تقسیم دریا» به معنای آن است که هر دولت ساحلی منافع ناشی از بهره برداری نفت را به خود اختصاص دهد ولی آثار سوء آنرا با دیگران تقسیم می‌کند. عارضه منفی دیگر «تقسیم دریا» حضور غیر قابل کنترل دولتها و اتباع کشورهای ثالث در قسمتی از دریا است که برای امنیت و استقلال سیاسی و همچنین منافع ملی دیگر دولتهای ساحلی تهدید بالقوه‌ای به شمار می‌رود.

* فریبرز رئیس دانا، «همگرائی برپایه نگین خزر» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۴، فصلنامه، ص ۲۶۵

نویسنده اظهار می‌دارد که خزر چونان نگین ارزشمندی بر پایه گستره سرزمینی منطقه‌ای پر تنوع جای گرفته است. نگینی ترکیب یافته از طلای سیاه، گاز طبیعی،منابع دریائی و غذائی و معادن ارزشمند ولی این نگین با تهدیدهایی روبرو است، حال ایجاد همگرائی و امنیت بر پایه این نگین ضرورت دارد. این نگین با تهدیدهایی روبرو است که امنیت جمعی، محیط زیست و امکانات رشد همه جانبه انسانی (با شاخصهای رشد و توسعه انسانی) را به خطر می‌اندازد. نیروهای تهدیدگر برپایه رقابت سرمایه‌داری بزرگ برای تسلط بر منافع نفتی خزر و کشورهای منطقه قرار دارد ولی بستر این تهدیدها همانا کند بودن روند تفاهمها و درک متقابل از منافع اقتصادی ـ انسانی در منطقه است.

* زهرا احمدی پور، «دریای خزر و ژئوپولتیک»، استادان راهنما و مشاور: دره میرحیدر، مهاجرانی، استاد داور: عزت‌الله عزتی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳، ۳۴۴ص

پایان نامه مزبو ر مشتمل این موضوعات است: در فصل اول بحث به سیاست واقع‌گرایانه قدرت که محور ژئوپولتیک سنتی را تشکیل می‌دهد اختصاص یافته و مطرح

شده که محور ژئوپولتیک جدید نیز سیاست قدرت با رویکردی اقتصادی می‌باشد. فصل دوم چگونگی شکل‌گیری نظام جدید منطقه‌ای در شرایط جدید ژئوپولتیکی در اطراف دریای خزر و نقش بازیگران این زیر سیستم را چه در چارچوب عملیاتی خود آنها و چه در تعامل با بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین المللی مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم ضمن بررسی ویژگیهای طبیعی ـ اقتصادی و حقوقی دریای خزر، قابلیتها و محدودیتهای این دریاچه بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم با عنایت به نظریه همگرایی و آزمون آن در منطقه، به موضوع اصلی رساله یعنی چگونگی حفظ این پدیده جغرافیای سیاسی از تهدیدات مرگبار محیطی پرداخته است. در نهایت نویسنده راهکارهای پیش‌بینی شده پیرامون تأمین امنیت و حفظ دریای خزر را ارایه کرده است.

بطور کلی رساله مزبور شامل: شناخت ماهیت ژئوپولتیک جدید منطقه خزری و تأثیرات آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و چشم اندازی از وضعیت زیست محیطی می‌باشد.

فصل هفتم

خلیج فارس

* علیرضا سنجابی، «استراتژی و قدرت نظامی (مسائل نظامی و استراتژیک معاصر)»،تهران، انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۵، ۲۲۴ص، ۲۲۰۰ نسخه، چ اول،

این کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار و پنج فصل و یک کتابنامه به شرح ذیل است:
در فصول اول و دوم ماهیت مطالعات استراتژیک، سیر تکوین استراتژی و تشریح مفاهیم نوین آن مورد بحث قرار گرفته است. در فصول سوم و چهارم به ترتیب با عناوین «ماهیت قدرت ملی» و «نقش قدرت نظامی» ماهیت و عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی، بویژه نقش قدرت نظامی و استراتژی نظامی به بحث گذارده شده است. در فصل پنجم با عنوان «استراتژی و ژئوپلتیک نویسنده به تعریف ژئوپلتیک، مدلهای گوناگون ژئواستراتژیک و عوامل موثر در ژئوپلتیک می‌پردازد. این مبحث با تمرکز و تأکید ویژه روی ژئوپلتیک خلیج فارس، تنگه هرمز و خاورمیانه، به پایان می‌رسد.
در پایان کتاب «فرهنگ اصلاحات استراتژیک و تعاریف آنها» نیز آورده شد.

* رُزماری هایس «امنیت خلیج فارس»، گزارش مؤسسه مطالعاتی دفاعی لندن، مترجم: حاکم قاسمی، ویراستار: رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی، تهران (ناشر: پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۳، ۱۰۶ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاول، ۹۵۰ ریال

کتاب مشتمل بر یک مقدمه از ترجمه و یک مقدمه اصلی و یک نتیجه است. عناوین

مهم کتاب عبارتند از: ۱ـ ایران: جستجوی جایگاه شایسته ۲ـ عراق: سنگ بنای منطقه ۳ـ شورای همکاری خلیج فارس و ۴ـ غرب: شعبده باز ماهر.

کتاب تلاشهایی که بعد از جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس برای برقراری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای صورت گرفته را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. نویسنده با معرفی سه مرکز قدرت در خلیج فارس یعنی ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس و درکنار آنها، قدرتهای غربی با نفوذ، بویژه آمریکا بعنوان بازیگران منطقه خلیج فارس، سعی کرده است با توجه به وضعیت فعلی هر یک از آنها دیدگاهها و جهت گیریهای متعارض در منطقه راکه می‌توانند مانعی برای دستیابی به توافق در مورد ترتیبات امنیتی منطقه گردد ترسیم نماید.

نویسنده در این میان به دیدگاههای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ایران، عراق و کشورهای غربی در باب امنیت خلیج فارس که متفاوت و گاه متعارض است اشاره دارد و عقیده دارد که هیچ چشم اندازی از توافق در مورد امنیت خلیج فارس بین تمامی طرفهای درگیر تا زمانیکه آنان برروی اهداف ناسازگار تأکید دارند وجود ندارد. قدرتهای غربی و در رأس آنها آمریکا خواستار حضور در منطقه هستند مضافاً که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به دلایل امنیتی به حضورآمریکا محتاج‌اند. ایران خواستار واگذاری حفظ و تأمین امنیت خلیج به کشورهای منطقه‌ای و خروج بیگانگان است و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در میان دو انتخاب، یکی شرکت دادن قدرتهای خارجی در ترتیبات امنیتی منطقه و دیگری تقویت همکاریهای منطقه‌ای بدور از حضور مستقیم قدرتهای بزرگ،سرگردان می‌باشند.

* محمد مسجد جامعی، «تحول و ثبات در خلیج فارس» تهران، ۱۳۶۹، ۳۲۸ص، چ دوم، ۱۵۰۰ ریال، دانشگاه امام حسین(ع)، دانشکاه علوم انسانی (علوم استراتژیک و دفاعی)

کتاب مزبور مشتمل بر چهار فصل می‌باشد. پس از مقدمه، در فصل اول نویسنده به موقعیت تاریخی وکنونی و ویژگیهای شیخ نشینها، نقاط ضعف و قوت و...می‌پردازد زیرا ثبات سیاسی با واقعیتهای اجتماعی و تاریخی و فرهنگی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. فصل

دوم: «مفهوم امنیت در نزد خلیجیان و غربیان چه بوده و چه هست و ویژگیهای ایران در این میان کدام است؟» در فصل سوم به چپگرایی و راستگرایی و در فصل چهارم به بررسی ثبات سیاسی با توجه به واقعیتهای سیاسی، تاریخی و فرهنگی می‌پردازد.

* بیژن اسدی، «علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس»، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۷۱، ۲۰۸ص، ۳۰۰۰ ریال،چ اول، دانشگاه امام حسین(ع)، پژوهشکدهٔ علوم دفاعی و استراتژیک (کتابخانه) ۵۴۸ الف ۲۱۳۴ DSR

کتاب مزبور مشتمل بر هشت فصل می‌باشد: فصل اول کلیات را در برمی‌گیرد. فصل دوم اهمیت اقتصادی و استراتژیکی خلیج فارس را مورد بررسی قرار می‌دهد.فصل سوم علائق آمریکا در خلیج فارس (نفت، بازار خلیج فارس:«تجارت اسلحه و سرمایه گذاریهای خارجی»، علائق سیاسی) را مطالعه می‌کند. فصل چهارم به علائق شوروی در خلیج فارس می‌پردازد. فصل پنجم تهدیدهای متوجه علائق آمریکا،(الف: تجاوز سفینه شوروی ب: منازعات و اختلافات فلسطین، تجاوز از سوی یک قدرت منطقه‌ای و....) را برمی‌شمارد. دو فصل ششم و هفتم به بررسی استراتژی امریکا و شوروی در خلیج فارس اختصاص یافته‌اند. و در فصل هشتم به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

نویسنده در کتاب حاضر، بطور کلی، سیاست خارجی و استراتژیهای آمریکا و شوروی سابق در منطقه خلیج فارس پس از رخداد انقلاب جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصول مختلف این کتاب اهمیت اقتصادی و استراتژیکی خلیج فارس از ابعاد مختلف، علائق گوناگون اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی، تهدیدهایی که متوجه این اهداف هستند و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* اصغر جعفری ولدانی، «کانونهای بحران در خلیج فارس»، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، ۳۹۳ص، ۳۰۰۰نسخه، چ اول، ۲۵۰۰ ریال

کتاب مشتمل بر دو بخش است و شامل دو پیوست می‌باشد: اسناد و قراردادها، اطلاعات در مورد کانونهای بحران. بخش اول با عنوان «ایران و عراق» مشتمل بر (روابط ایران و عراق از آتش بس تا پذیرفتن مجدد عهدنامه ۱۹۷۵، نگرشی به عهدنامهٔ

اهداف عراق از تجاوز به ایران، طرح تجزیه خوزستان، اهمیت استراتژیکی اروندرود، طرح تغییر مسیر اروندرود، بررسی تاریخی اختلافات ایران و عراق) می‌باشد. بخش دوم: سایر کشورهای خلیج فارس را به عنوان کانونهای بحران مورد مطالعه قرار می‌دهد که مشتمل بر مباحث (اختلافات عراق با کویت و سوریه، ادعای ارضی عراق نسبت به کویت، اختلافات ارضی و مرزی بین دولتهای خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت منطقه) است. نویسنده عقیده دارد که هر چند دولت عراق در حال حاضر اعتبار مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ را پذیرفته است و کویت نیز استقلال و کمیت خود را باز یافته است اما بغداد حاضر به حل و فصل اختلافات مرزی و ارضی خود با کشورهای همسایه‌اش نمی‌باشد. هنوز مسائل معوقهٔ بسیاری میان ایران و عراق از یکسو و میان عراق و کویت از سوی دیگر وجود دارد که حل نشده است و این خود می‌تواند کانونهای بحران در آینده باشد. از طرف دیگر در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس نیز مناطق بسیاری وجود دارد که کانونهای بالقوهٔ بحران محسوب می‌شود.

* بهمن نعیمی ارفع، «مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران: ضرورت و برقراری نظام نوین امنیتی در منطقه و ملاحظاتی در این زمینه»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ۱۴۵ ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۹۰۰ ریال

مندرجات این کتاب چهار فصل را در بر می‌گیرد. در فصل اول دکترین‌های امنیتی در مورد منطقه بعنوان مدخلی برای ورود به مباحث دیگر مطرح می‌شود. در فصل دوم ضمن بررسی تاریخچه تشکیل شورا، دیدگاههای آن در مورد امنیت داخلی و خارجی تشریح شده است. در فصل سوم، استراتژی شورا در قبال جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تجزیه و تحلیل می‌شود. در فصل چهارم، ضمن نگاهی به رویه‌های سیاسی در منطقه بعد از اجرای آتش‌بس در جنگ تحمیلی، ملاحظاتی درخصوص لزوم حرکت کشورهای خلیج فارس به سمت نهادینه کردن احترام به صلح و امنیت میان دولتهای منطقه، تحکیم مناسبات در زمینه‌های مختلف و نهایتاً برقراری نظام نوین امنیتی، به دور از مداخله قدرتهای بیگانه ارایه شده است. هدف کتاب تبیین مبانی رفتاری شورا در قبال

ایران در طول جنگ و بحث در این زمینه است که تأسیس شورا نیز مانند نظام امنیتی حاکم بر منطقه در قبل از پیروزی انقلاب نتوانست به همگرایی کشورهای منطقه و ایجاد ثبات و امنیت واقعی در خلیج فارس کمک کند.

* جرالد.د. گرین، «اختلافات، توافقات و امنیت خلیج فارس» مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۸۹

امنیت واقعی و درازمدت خلیج فارس تنها از طریق عملکرد جمعی که در آن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ایران و عراق بطور یکپارچه شرکت کرده و ملزم به تعهدات سیاسی ـ نظامی مناسب و اجمالاً قابل قبولی باشند، امکانپذیر است و یکی از مشکلات منطقه عدم اعتماد جمعی است که حتی قبل از ملاحظه هرگونه حرکت جمعی به سوی امنیت جمعی باید بر آن غلبه شود. تنها راه‌حل واقعی مشکل عدم امنیت خلیج فارس، اقدامات سیاسی جدی و توجه صادقانه و بردبارانه به اهمیت امنیت برای تمام کشورهای منطقه است. هر یک از کشورها باید آماده چشم‌پوشی از منافعی در جهت ثبات امنیت خلیج فارس باشد.

* سید فاروق حسنات، «اختلاف ارضی، عامل بی ثباتی ترتیبات امنیتی خلیج فارس» مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات‌امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۷۵

نویسنده بر آن است که اختلافات جزئی ارضی تبدیل به اساس بحران در خلیج‌فارس خواهند شد. در موقعیتهای دیگر که منازعات ارضی با مسائل پراکنده گوناگون در هم آمیزد، نتیجه‌اش تشنج در منطقه است. در مواقع دیگر، عوامل ارضی بهانه‌ای می‌شوند برای اختلاف بین کشورهای خلیج فارس.

* اصغر جعفری ولدانی و نیلوفر حق شناس کاشانی، «اختلاف مرزی و ارضی بین دولتهای خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات سومین

سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۸۹، ۱۳۹۰۰ ریال

عدم توافق کشورهای حوزه خلیج‌فارس در مورد محل دقیق مرزها و سیاستهای توسعه طلبانه ارضی برخی از این کشورها، موجب ناامنی در منطقه گردیده است، در این مقاله تأثیر عوامل مزبور بر صلح و امنیت خلیج فارس مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اختلافات مورد بررسی در مقاله مذکور عبارتند از:اختلافات مرزی و ارضی میان عراق وکشورهای خلیج فارس، اختلافات مرزی و ارضی عربستان سعودی با کشورهای خلیج فارس، اختلافات مربوط به تهدید مرزهای دریائی عراق، کویت و ایران، اختلافات مرزی و ارضی سایر کشورهای جنوبی خلیج فارس.

* جمشید زنگنه، «استراتژی و نقش ژاپن در خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات دومین سمینار خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۲، ۳۳۴ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۳۹۰۰ ریال، ص ۲۷

نویسنده در این مقاله به نقش ژاپن، استراتژی و دیدگاههای امنیتی آن می‌پردازد، ژاپن کشوری است که بیش از هر کشور دیگر امنیت خود را در زمینه «اقتصادی و بازرگانی» جستجو می‌کند زیرا کشوری است که از نظر موادخام وارداتی بویژه نفت بسیار آسیب‌پذیر است و از طرف دیگر به دنبال فروش کالاهای صنعتی خود است. بنابراین امنیت در خلیج فارس از دیدگاه ژاپن امنیت در عرضه نفت از طرف کشورهای حوزه خلیج فارس و تقاضای کالاهای صنعتی است وکمتر نظامی است و سعی دارد تا خود را وارد در منازعات منطقه‌ای ننماید.

* توماس ـ ار ـ مایتر، «افقهای همکاری در خلیج فارس و دریای عمان از دیدگاه واشنگتن» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس»، ۱۳۷۳، مؤسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۷۱۰۰ ریال، ص ۷۶

مقاله در باب احتمال به وجود آمدن یک چارچوب امنیتی با در نظر گرفتن سیاست

مذاکره در واشنگتن بعد از اجرای سیاست «تهدید دو جانبه» در منطقه خلیج فارس است که ایران را نیز شامل می‌گردد و بخشی از مقاله به یک سری کنفرانسها بر می‌گردد که در مجلس سنا برگزار شده یا مقالاتی است که در روزنامه به چاپ رسیده است. نویسنده به برداشتهای سیاسی سیاستمداران آمریکا در باب امنیت کشورهایی چون ایران می‌پردازد و در نهایت افقهای همکاری چون «مذاکره و روابط سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی بویژه در مورد استخراج و قیمت نفت، داد و ستدهای تجاری منطقه‌ای و توافقهای نظامی و مرزی در مورد اختلافات» می‌پردازد و بیان می‌دارد که تجربه ۱۵ سال گذشته، نشان می‌دهد که تهدید واقعی علیه ثبات و امنیت خلیج فارس از جانب خود کشورهای منطقه بوده است. اگر کشورهای مزبور بتوانند «استقلال و تمامیت ارضی یکدیگر را محترم بشمارند، به سیاست عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر وفادار بمانند و روابط اقتصادی مشترکی را که باعث توسعه اقتصادی آنها می‌گردد بنیان نهند، کاهش مخارج و روابط امنیتی جهان شمولتری را بدست خواهند آورد.

* لورنس جی پاتر، «اقدامات اعتمادسازی در خلیج فارس» به نقل ازکتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس»، بـه کوشش: سیدعباس خادم حقیقت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵

نویسنده در این مقاله به اقداماتی که می‌تواند موجب اعتمادسازی و رفع عدم اعتماد در بین کشورهای خلیج فارس گردد اشاره می‌کند، عواملی چون: اهداف کشورها، آرام نمودن مشاجرات لفظی توسط رهبران و رسانه‌ها، تبادل اطلاعات درباره نیروها و توانائیهای نظامی، اطلاع قبلی از مانورها و مهمتر از همه موارد مزبور «حسن نیت».

* پیتر جونز، «اقدامات ایجاد اعتماد و امنیت در منطقه خلیج فارس» به نقل ازکتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس» عباس خادم حقیقت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۲۲۰

در این مقاله وضعیت امنیت دریایی در خلیج فارس بر اساس منابع خارجی است بدون اینکه موضعی در قبال سیاستهای دریایی کشورهای منطقه و یا بازیگران خارجی در مورد منطقه اتخاذ نمایند. نویسنده سپس بطور اختصار مفهوم ایجاد اعتماد در دریا و اقدامات مشابه در سایر مناطق جهان را بررسی می‌نماید.

وی نهایتاً نتیجه می‌گیرد که اقدامات ایجاد اعتماد به زمان نیاز دارد و مهمتر اینکه همه طرفهایی که دست به این اقدامات می‌زنند باید واقعاً بخواهند که تحول و تغییری را در روابط خود ایجاد نمایند و اقدامات صرفاً نظامی ناکافی است.

* بیژن اسدی؛ «امریکا، نظم نوین جهانی و امنیت خلیج فارس»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، موسسه چاپ وانتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ ج، چ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۵۲۷

نویسنده با گذری کوتاه بر مطالبی چون: اهمیت نفت و امنیت منطقه، بحران خلیج‌فارس زمینه ساز نظم نوین جهانی، نظم نوین خلیج فارس و امنیت خلیج فارس، عملکردها، واقعیتها و دورنماها، بر آن است که منطقه خلیج فارس منطقه‌ای متعلق به تمام کشورهای ساحلی آن است و طبعاً فقط آنها حق خواهند داشت که نسبت به کمّ و کیف ترتیبات امنیتی آن تصمیم بگیرند. این منطقه باید تبدیل به یک «منطقه صلح» بشود. آینده خلیج فارس باید بر ایجاد یک نظم امنیتی جدید که شالوده‌های آن همکاری و تفاهم کشورهای ساحلی است استوار باشد. هرنظام امنیت که حداقل حق مسلم ۵۰٪ ایران را نادیده انگارد محکوم به شکست است.

* دانیل یوگن، «امنیت انرژی در دهه ۱۹۹۰»، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۶۸، سال سوم، شماره هشتم، شماره مسلسل ۳۰، ص ۵۶ تا ۶۳، ماهنامه

تلفیقی از نیاز به تداوم جریان نفت خلیج [فارس]، دردست گرفتن کنترل قیمت نفت، و تامین امنیت دسترسی به منابع منطقه در درازمدت، استراتژی بلوک غرب را در دهه‌های گذشته در خلیج فارس شکل می‌دهد. مقاله حاضر جنبه‌های یکی‌از این سه عامل یعنی امنیت عرضه انرژی نفتی به کشورهای بلوک غرب را مورد بررسی قرار

می‌دهد. این مقاله در واقع، بیان صریح موضع کشورهای غربی در رابطه با منازعات خاورمیانه وجنگ خلیج فارس می‌باشد.

* ناصر ثقفی عامری، «امنیت خلیج فارس»، ترجمه: مرتضی ابوطالبی، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۰، سال پنجم، ش ۱، ص ۱۰۹ تا ۱۳۲، فصلنامه

در بخش اول مقاله، نویسنده عواملی را که نقش و اهمیت استراتژیک خلیج فارس را افزایش می‌دهند بررسی می‌کند و پس از آن عوامل موثر بر ثبات و امنیت در خلیج فارس را بر می‌شمارد. که دو دسته‌اند: عوامل درون منطقه‌ای و عوامل فرامنطقه‌ای. در قسمت بعد نویسنده چشم‌اندازهای صلح در خلیج فارس ـ اقیانوس هند را تبیین می‌کند و در پایان به نقش ایران درخصوص امنیت خلیج فارس اشاره می‌کند.

* مهرداد حاجی میرعرب، «امنیت خلیج فارس (تأثیرات متقابل امنیت ملی و منطقه‌ای)»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» حسین مصلحتی کوچصفهانی، تهران، وزارت کشور (معاونت امنیتی و انتظامی)، ۱۳۷۶، ۵۰۹ص، ۲ ج، ج ۲، چ اول، ص ۳۶۷

نویسنده اظهار می‌دارد، امنیت منطقه‌ای خلیج‌فارس، جلوه‌ای از ثبات و امنیت نسبی در همه واحدهای سیاسی یا کشورهای منطقه به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، امنیت ملی رابطه مستقیمی با امنیت منطقه‌ای دارد و شرایطی را نمی‌توان یافت که عدم امنیت منطقه موجب تقویت پایه‌های امنیت ملی شده و یا تزلزل در امنیت ملی هر یک از واحدهای سیاسی موجود در منطقه، موجب بروز امنیت منطقه‌ای گردد. لذا زمانی که سخن از امنیت منطقه خلیج فارس به میان می‌آید سه پیش فرض همواره باید مدنظر قرار گیرد: اول اینکه امنیت منطقه‌ای دارای مفهوم کاملاً نسبی است. دیگر اینکه امنیت ملی و ثبات در واحدهای کوچکتر پیش‌شرط‌گذار به حداکثر امنیت منطقه‌ای محسوب می‌گردد و آخر اینکه براساس «مدل امنیت برای همه کشورهای منطقه» فرض وجود تناقض بین امنیت ملی و منطقه‌ای موجب ابطال فرض همگانی بودن امنیت منطقه‌ای می‌گردد.

* محمد سید سلیم، «امنیت خلیج فارس در دوران پس از جنگ سرد در جستجوی نظمی نوین»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ وانتشارات امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۷۳، ۷۱۰۰ ریال، ص ۴۹

نویسنده عقیده دارد که منطقه خلیج فارس همچون نظامهای منطقه‌ای دیگر تحت تأثیر تحولات جهان قرار گرفته است و دارای مشخصه‌های زیر است: در مقایسه با وضعیت استراتژیک منطقه خلیج فارس که در طول دوران جنگ سرد به وجود آمد، تحولات جهانی چون، فروپاشی شوروی و... تحلیل قابل ملاحظه‌ای را بر سیستم وارد نموده است. ۲) تغییر الگوی نفوذ و حرکت در جهت برقراری یک سیستم جدید تک قطبی. ۳) توازن قوا بر هم خورده و این توازن با توجه به موقعیت ایران به نفع ایران در حرکت است. ۴) مشاجرات درونی تا حدودی جانشین مشاجرات بیرونی گردیده است. ۵) یکی از نتایج جنگ خلیج فارس، تقاضای عموم مردم برای اصلاحات دموکراتیک بود. نویسنده در قسمت دیگر، تضادها و تهدیدات امنیتی در نظام منطقه‌ای خلیج فارس را در سه طبقه عمده تقسیم بندی می‌نماید: درگیریهای دولتها، درگیریهای گروههای فروملی با یک کشورو درگیریهای گروههای فروملی با سایر گروههای فروملی، در بخش دیگر به عقاید متفاوت و مخالف کشورها در باب امنیت خلیج فارس می‌پردازد، دیدگاههای (عربستان، ایران، عراق، مصر و امریکا).

* رجائی خراسانی، «امنیت خلیج فارس در یک تفاهم صلح‌آمیز»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس» دفتر مطلعات سیاسی و بین‌المللی تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۲۵، ۳۹۰۰ ریال

نویسنده تضاد و ناامنی در خلیج فارس را ناشی از تضاد در تعریف کشورهای منطقه از مفهوم «امنیت» می‌داند، کشورهای مزبور بویژه عراق، کویت و عربستان و سایر کشورهای کوچک عربی، امنیت خود را مساوی با ناامنی در سایر کشورها می‌دانند، این امر سبب تشدید اختلافات و عدم تفاهم و همکاری آنها گردیده است. نویسنده عقیده

دارد که فرمول یا الگوی امنیت که قدرتهای غربی برای منطقه خاورمیانه طراحی کرده بودند، چه قبل و چه بعد از انقلاب بر موازنه نظامی عراق و ایران استوار بود، وی تنهاراه حفظ و تأمین امنیت منطقه را در گرو تفاهم و همکاری کشورهای منطقه می‌داند و بر آن است هر طرحی که ارایه می‌گردد باید دارای ویژگیهای زیر باشد: اول اینکه تأکید بر دوستی مشترک و همکاری و معاضدت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. از پیوند زدن مسائل امنیتی خلیج فارس با مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه اجتناب کند. استقلال عراق و کویت را اعاده کند و کانونهای بحران را بشناسد و ویژگیهایی دیگر که مقاله به آنها اشاره می‌کند.

* ناصر ثقفی عامری، «امنیت خلیج فارس و ابعاد جهانی آن»، به نقل از کتاب «استراتژی و تحولات ژئوپلتیک پس از دوران جنگ سرد»، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۲۵۰۰نسخه، چ اول، دانشگاه امام حسین(ع) پژوهشکده علوم استراتژیک و دفاعی

نویسنده بر آن است که خلیج فارس زیرمجموعه‌ای از اقیانوس هند است و ارتباط امنیتی و استراتژیک با آن دارد. مهمترین هدف آمریکا در اقیانوس هند، دسترسی به نفت خلیج فارس است. بطور کلی نفوذ و منافع قدرتهای خارجی در منطقه خلیج فارس ـ اقیانوس هند به وسیله چندین عامل تأمین می‌گردد که مهمترین آن شامل توان نظامی برای منافعی است که آنها در خلیج فارس بویژه درخصوص منافع نفتی خود دنبال می‌کنند. نویسنده با توجه به تغییر و تحولات بین‌المللی بویژه پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، مسائل امنیت منطقه و این تغییر و تحولات را توضیح و تبیین می‌نماید. علاوه بر آن نویسنده عوامل موثر منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را بر امنیت خلیج فارس و همچنین چشم‌انداز صلح در خاورمیانه، نقش سازمان ملل، ایران و... را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

* رضا سیمبر، «امنیت خلیج فارس و بازیگران منطقه‌ای»، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۵، دوازدهم و سیزدهم اسفند، ش ۲۱۰۰۴ و ۲۱۰۰۳

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای خلیج فارس به دو دسته تقسیم گردیدند، یکی ایران اسلامی و دیگر کشورهای عرب خلیج فارس با حمایت آمریکا. در این نوشتار سعی شده است، ریشه‌های این قطب‌بندی مورد بررسی قرارگیرد و توضیح داده شود که چرا بازیگران منطقه‌ای با ترس به انقلاب اسلامی نگریسته‌اند؟ مشکل اصلی از انقلاب اسلامی و یا صدور آن بوده است یا نه، دلیل اصلی برخاسته از ذات و ماهیت و درون این رژیمهای سیاسی است و آمریکائیها با حمایت از رژیمها و عدم توجه به ماهیت آنان به قطب‌بندیهای مذکور دامن زده‌اند و سپس نگاهی به طراحی فرمولهای امنیتی منطقه دارد. در این میان نسبت به دیدگاههای ایران در باب امنیت خلیج فارس، حضور کشورهای بیگانه، مسئله صهیونیسم و... نیز اشاره شده است. در نتیجه‌گیری کلی نویسنده بر این عقیده است که امنیت خلیج فارس بدون حضور جمهوری اسلامی ایران اصولاً عملی نخواهد شد زیرا ایران در منطقه دارای منافع حیاتی است و این امر باید مورد پذیرش همه کشورهای عرب منطقه قرار گیرد.

* مرتضی انصاری دزفولی، «امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه»، نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ۱۳۷۵، سال دهم، ش نهم و دهم، شماره مسلسل ۱۰۶ - ۱۰۵، ص ۳۰

مقاله شامل دو قسمت است: اول، بحران سازی بر ضد ایران. دوم، ناتوانی عراق و تقسیم مجدد کارتها. در قسمت اول نویسنده سه دلیل عمده را برای موجه جلوه دادن سیاست‌های خصمانه واشنگتن نسبت به ایران، مطرح می‌کند: الف) اتمام دخالت ایران در امور داخلی کشورهای منطقه، ب) تلاش در راه دستیابی به سلاح اتمی، ج) مخالفت با روند صلح نتیجه‌ای که نویسنده می‌گیرد در این است که بحران سازی در مورد ایران برای جهان گران تمام خواهد شد، چون ثبات سراسر منطقه بستگی تام به ثبات ایران دارد.

* عباس رضوی، «امنیت خلیج فارس و ملاحظات سیاسی غرب (۱)»، روزنامه اطلاعات، سال: ۱۳۷۵ سیزده بهمن، ش م، ۲۰۹۸۰، ص ۱۲

نویسنده با مروری بر تاریخ خلیج فارس به نقش ایران و همچنین تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی در توازن قوای این منطقه می‌پردازد. وی همچنین به انگیزه‌های انگلیس در خروج از خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰ م و دلایل حضور آمریکا در منطقه می‌پردازد و زمینه‌های تأسیس شورای همکاری خلیج فارس را بررسی می‌نماید.

* عباس رضوی، امنیت خلیج فارس و ملاحظات سیاسی غرب (۲)، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۵، چهاردهم بهمن ش م: ۲۰۹۸۱،ص ۱۲

در این مقاله، نویسنده به بررسی دلایل و انگیزه‌های آمریکا جهت حضور گسترده‌تر در خلیج فارس، تشکیل طرح «۲+۶» می‌پردازد و نهایتاً تلاش می‌نماید تا اثبات کند که «امنیت خلیج فارس یک مسأله بومی است» و باید صرفاً توسط کشورهای دارای ساحل با خلیج فارس تأمین گردد. این امنیت جز با اتکاء به همکاری و مشترکات میان کشورهای منطقه عملی نیست. برای ایجاد این همکاری می‌توان از مکانیزمهای متفاوتی استفاده نمود که نویسنده به برخی از آنها اشاره می‌کند: ـ هر طرحی می‌بایست شامل تمام کشورهای خلیج فارس باشد ـ هرگونه مکانیزم می‌بایست توسط خود کشورهای منطقه و بدون دخالت سایر کشورها ایجاد گردد. ـ همکاری سازمان ملل متحد در استقرار یک مکانیزم منطقه‌ای مفید بنظر می‌رسد.

* ادوارد لاوال، «امنیت دسته جمعی و ابرقدرتها»، جهات اهمیت امر برای دولتهای خلیج فارس، ترجمه بهرام مستقیمی، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، شماره ۴، ص ۶۴۹ تا ۶۷۰، فصلنامه

مقاله ابتدا به بررسی زمینه‌ها و پیامدهای مناسبات جدید شوروی ـ آمریکا به شکلی که در مشارکت آنها در شورای امنیت تجلی پیدا کرده است که عبارت است از نقش بیشتر قائل شدن برای کشورهای خلیج فارس، می‌پردازد. در قسمت دیگر، نویسنده به مناسبات ایران با کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه توجه می‌کند. تلاش مقاله آن است که برای حل چالشهای استراتژیک، رهیافت جدید (قائل شدن نقش بیشتر برای

که هدف اصلی از رهیافت جدید ایجاد منطقه نفوذ و عملیات است، که این کار از طریق محدود کردن نهضتهای انقلابی اسلامی و هواداران صورت خواهد گرفت.

* ابراهیم رزاقی، «امنیت ملی آمریکا، تهدیدی بزرگ برای منافع جهان سوم»، بخش دوم، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۶۹، هجدهم شهریور، ش م: ۱۹۱۳۵

نویسنده در این بخش از مقاله خویش، به بررسی، بخش سوم و چهارم گزارش بوش به کنگره یعنی: «ابزار دسترسی به اهداف ـ (برنامه ریزی اقتصادی) و چگونگی دسترسی به اهداف برنامه ریزی دفاعی» می‌پردازد و نشان می‌دهد که استراتژی و برنامه چگونه امنیت کشورهای جهان سوم را به خطر می‌اندازد و نتیجه می‌گیرد که «راهبرد استراتژی ملی» آمریکا در شرایط کنونی ایجاد بی‌امنیتی بیشتر برای کشورهای جهان سوم است بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس و آنهم کشورهای نفتی این ناحیه در معرض دخالتهای گوناگون آمریکا قرار دارند.

* احمد هاشم، «امنیت ملی مصر و ایران در خلیج فارس» مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیخ فارس» موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۲۷۱

نویسنده به بررسی منافع مصر در خلیج فارس، شکل‌گیری مصر در دهه ۱۹۷۰، مصر، انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق، مصر و تحولات خلیج فارس در سالهای ۹۰ـ۱۹۸۸، مصر، ایران و کشورهای شبه جزیره عربستان پس از عملیات طوفان صحرا می‌پردازد و بر آن است که از نظر منافع ملی ـ میهنی، ایران منبع تهدیدات روزافزون برای افزایش نقش منطقه‌ای مصر، تلاشهای صلح اعراب و اسرائیل، ثبات داخلی مصر از طریق حمایتی که از گروههای اسلامی به عمل می‌آورد و نیز برای کشور همسایه مصر یعنی سودان که اهمیتی استراتژیک برای مصر دارد به شمار می‌آید. بدنبال عملیات «طوفان صحرا» مصر احساس می‌کرد که در عراق بیش از اندازه تضعیف گردیده است و این امر می‌تواند منجر به افزایش نقش کشورهای غیر عربی یعنی (اسرائیل، ایران و ترکیه) در منطقه گردد. از نظر مصر ایران خیال تقسیم عراق و الحاق آن به سرزمین خود و

همچنین تسلط بر خلیج فارس و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را دارد تا بتواند بنیادگرایی اسلامی را در منطقه رواج دهد.

* علی اصغر کاظمی، «امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس در چارچوب قطعنامه ۵۹۸»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۳۲۵ ص، ۲۵۰۰ نسخه، چ اول، ۱۳۷۲، ۳۹۰۰۰ ریال

بررسی علل و عواملی که باعث گنجانیده شدن بند ۸ در قطعنامه ۵۹۸ که در باب امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس است، همراه با وزن حقوقی ـ سیاسی آن از حیث ضمانتهای اجرایی، ارزیابی مفهوم امنیت موردنظر قطعنامه با توجه به طرحهای اجرایی دبیرکل سازمان ملل متحد و بالاخره تحلیل مواضع ایران و دیگر کشورهای منطقه و دورنمای آینده، هدف این مقاله است و نویسنده نتیجه می‌گیرد که هر طرح امنیتی باید با توجه به قطعنامه ۵۹۸ بند ۸ آن جهت افزایش همکاری گسترده کشورها و نهایتاً نیل به یک نظام امنیت و همکاری در خلیج فارس، تنظیم و اجرا گردد.

* جیمز.ا.بیل، «امنیت منطقه‌ای و ثبات داخلی در خلیج فارس»، روزنامه اطلاعات، به نقل از «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، سال ۱۳۷۳، اول دیماه، ش م: ۳۰۲۷۳، ص ۱۲

نویسنده عقیده دارد که مسأله امنیت خلیج فارس ارتباط بسیار نزدیک با موضوع «امنیت و ثبات داخلی کشورهای ساحلی» این منطقه دارد، تا وقتی که برخی از کشورهای خلیج فارس با مشکلات متزلزل کننده ثبات داخلی روبرو هستند، تمام منطقه اساساً بدون ثبات و غیرقابل پیش‌بینی باقی خواهد ماند. موضوع اصلی مقاله تحلیل مشکلات عمده‌ای است که ناشی از جنبشهای داخلی کشورهای خلیج فارس است و در این رابطه به حکومتهای سنتی منطقه، دلایل بقاء و تداوم چنین حکومتهایی، مشکلات اساسی که گریبانگیر سیاستهای سنتی می‌گردد، عوامل درون منطقه‌ای و بین المللی تأثیرگذار بر امنیت خلیج فارس و بحران محوری هویت ملی و مشروعیت قانونی

* جیمز.ا.بیل «امنیت منطقه‌ای و ثبات در خلیج فارس» مترجم: باقر نصیری، به نقل از «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۵۳

مسأله امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع امنیت و ثبات داخلی کشورهای ساحلی این خلیج [فارس] دارد. تا وقتی که برخی از کشورهای خلیج فارس با مشکلات متزلزل کننده ثبات داخلی روبرو هستند، تمام منطقه اساساً بدون ثبات و غیرقابل پیش‌بینی باقی خواهد ماند. اما موضوع اصلی در مقاله مزبور تحلیل مشکلات عمده است که ناشی از جنبشهای داخلی کشورهای خلیج فارس است: حکومتهای سنتی، انقلاب اسلامی و... بر این روند شتاب بیشتری بخشیده‌اند.

* سروش عرفانی، مقاله: «امنیت و همکاری منطقه‌ای در خلیج فارس»، مترجم: جمشید زنگنه، به نقل از: «مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ وانتشارات امور خارجه، ۳۲۵ ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۱۷۵، ۳۹۰۰ ریال

نویسنده عقیده دارد که «امنیت و همکاری» در منطقه خلیج فارس وابسته به چند متغیر عمده است که آنها را اینگونه نام می‌برد: دگرگونپذیریهای تسلیحاتی روابط عمومی؛ درک متقابل؛ اتحاد امنیتی باکشورهای دیگر.

* جرج نادر، «ایران، امریکا و خلیج فارس»: نهادهایی برای بسط امینت خلیج فارس»، مترجم: باقر نصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ وانتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰، چ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۵۲۱

نویسنده با توجه به نقش ایران و ایالات متحده در برقراری نظم و امنیت در خلیج فارس با توجه به منابع حیاتی دو کشور بر آن است که یک گفتگوی سازنده بین ایران و ایالات متحده احتمالاً به کمک دیگر گروههای منطقه به جلوگیری از سوء تفاهماتی کمک می‌کند که عامل افزایش بحران هستند، ایجاد تفاهم واقدامات برای ایجاد امنیت در خلیج فارس می‌تواند در کاهش تشنج در میان تمام گروهها بخصوص ایالات متحده و

ایران اثر مهم داشته باشد و نهایتاً اظهار می‌دارد که تشکیل یک مجمع که در آن بتوان مشکلات گوناگون نظیر تشنجات فزاینده درمناطق همجوار مانند آسیای مرکزی، و جنوبی و مدیترانه شرقی را مورد بحث قرار داد می‌تواند به سود تمام کشورهای خلیج فارس باشد.

* دره میرحیدر، «ایران در وضعیت ژئوپلتیک خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس،» موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۸۵، ۷۱۰۰ ریال

نویسنده به تعریفی کوتاه از «وضعیت جدید ژئوپلتیکی» می‌پردازد و تلاش می‌نماید تا به چند سؤال مهم جواب دهد. سوال اول در مورد چگونگی آغاز وضعیت جدید است. در این قسمت به (پدیده انقلاب اسلامی، پایان جنگ سرد، حمله عراق به کویت و ایران) می‌پردازد. سوال دیگر اینکه روند تحولات در این وضعیت چگونه بوده است؟ در این قسمت به اهداف آمریکا در خلیج فارس می‌پردازد و در مورد ویژگیهای آن به عواملی چون: اهمیت یافتن نقش عوامل منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل؛ و تأثیرپذیری فرایند منطقه از شرایط پایان جنگ سرد و نقش امریکا؛ وجود نیروهایی که هدف آنها تغییر در ابعاد سیاسی و اجتماعی است اشاره می‌نماید. سوال سوم اینکه جمهوری اسلامی ایران با چه چالشها و فرصتهایی روبرو بوده است؟ چالشهایی چون: حفظ تمامیت ارضی و بهترین فرصت برای بهره‌برداری بهینه از موقعیت جغرافیایی ایران که درکنار آبراه خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان، همجواری با دریای خزر و دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. با توجه به موقعیت استراتژیکی ایران، نویسنده اعلام می‌دارد که هر عاملی که تمامیت ارضی ایران را در خلیج فارس مورد تهدید قرار دهد، باید به منزله تهدید علیه امنیت کل منطقه خلیج فارس و راههای صدور نفت و گاز به خارج تلقی گردد. بنابراین وجود اشتراک منافع چه برای کشورهای منطقه و چه برون از منطقه می‌تواند پایه همکاریها و تفاهمات در زمینه امنیت خلیج فارس گردد.

* محمد الرمیحی، «ایران و پیچیدگی‌های امنیت خلیج فارس»، ترجمه: ع. باقری،

نویسنده پس از ذکر قسمتهایی از کتاب «جنگ بعدی» نوشته کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع پیشین امریکا و بررسی آن، به نقش ایران در حفظ امنیت خلیج فارس اشاره می‌کند نویسنده معتقد است مشارکت مثبت ایران در ترکیبات امنیتی خلیج فارس همواره با دو مشکل مواجه بوده است: اول، موضع سر سختانه عراق در برابر ایران، دوم نظرگاه قومی ایران. نگارنده پس از توضیح این دو مشکل، اظهار می‌دارد که پس از دو جنگ، در منطقه تحولاتی پدید آمد که مشکل دوم را حل کرد اما موضع عراق چندان تغییری نکرده است. علل عدم تغییر در موضوع عراق، روابط ایران و عربستان ـ که با شتاب چشمگیری رو به گسترش است ـ و تأثیر مسائل داخلی ایران بر روابط ایران با کشورهای منطقه مباحث دیگری هستند که درمقاله مطرح شده است.

* هوشنگ امیراحمدی، «ایران و خلیج فارس دیدگاهها و مسائل استراتژیک»، مترجم: جمشید زنگنه، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۶۵۹

نویسنده بر آن است که در دوره پس از جنگ سرد چند موضوع استراتژیک در صحنه بین‌المللی نمایان شده‌اند که به احتمال زیاد پویائی پیچیده آنها موقعیت ایران را بعنوان بازیگر برتر در خاورمیانه تحت تأثیر قرار خواهد داد. در منطقه خلیج فارس این پویایی عبارتند از: نقش مداخله‌گرایانه قدرتهای بزرگ؛ روابط ایران با جهان عرب؛ مسابقه تسلیحاتی؛ جنبشهای اسلامی؛ سیاست نفت؛ امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای؛ عوامل ملی چون (رشد جمعیت و اقتصاد). نهایتاً نویسنده اظهار می‌دارد که بدون ارزیابی موضوعهای مزبور و پذیرش آنها از سوی همه دست‌اندرکاران منطقه، آینده‌ای ستیزه‌گرانه و نسبتاً تاریک در انتظار خلیج فارس خواهد بود.

* محمدرضا دهشیری، «بررسی ترتیبات امنیتی در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره دوم، ص ۷ تا ۲۶،

نویسنده سیستمهای امنیتی را به دو دسته کلان «برون سیستمی و درون سیستمی» تقسیم می‌کند. برخی الگوهای برون سیستمی شامل: هژمونی یک قدرت خارجی،

موازنه قوا، نظام قومی واحدها و سیستم امنیت دسته‌جمعی بین‌المللی می‌باشد. برخی الگــوهای درون سیستمی عبارتند از: هژمونی یک قطبی منطقه‌ای، موازنه قوای منطقه‌ای، نظام قومی واحدهای منطقه‌ای و امنیت دسته جمعی منطقه‌ای. بررسی نظری این الگوها قسمت اعظم مقاله را به خود اختصاص داده است.

در بخش دوم، نویسنده تلاش می‌کند الگویی امنیتی برای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس ارایه دهد. برای این منظور ابتدا شرایط بین‌المللی منطقه‌ای و داخلی که بر بینش تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی و تلقی آنها از امنیت خلیج فارس تأثیر می‌گذارد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

* محمد سریرو...، «تحولات سیاسی در خلیج فارس و آثار آن بر بازارهای بین‌المللی نفت»، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۳۵۱

توافق کشورهای تولید کننده و مصرف کننده می‌تواند بر امنیت «عرضه و تقاضای» نفت موثر باشد. کشورهای تولیدکننده با آگاهی از تقاضای نفت، امنیت تقاضا در آینده و اطمینان از ثبات نسبی قیمتها و در نتیجه استمرار بخشیدن به درآمدهای ارزی خود، می‌توانند برای بهبود زندگی نسلهای آینده کشورشان برنامه ریزی نمایند.

وجود توافقهای کلی در زمینه عرضه و تقاضا برای نفت و سرمایه گذاریهای بزرگ در این منطقه می‌تواند خود عامل موثری بر دوام امنیت در خلیج فارس باشد زیرا علاوه بر کشورهای منطقه، مصرف کنندگان نفت، شرکتهای نفتی و موسسات مالی جهان نیز به تقلیل تشنج در منطقه علاقه‌مند خواهند شد.

چنانچه توافق و همکاری لازم بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان عمده نفت حاصل نگردد، سرمایه گذاری کمتر در این منطقه برای تأمین نفت و گاز آینده و تسریع در افزایش سرمایه گذاری در مناطق دیگر از جمله کشورهای آسیای مرکزی و روی آوردن به انواع دیگر انرژی منجر به عدم توازن در عرضه و تقاضای نفت و نوسانات بی‌رویه قیمتها خواهد شد. از طرف دیگر، سرمایه گذاریهای نامناسب که

خود می‌تواند منشأ تشنج و عدم ثبات گردیده و در نهایت امنیت خلیج فارس را به خطر اندازد.

* علی‌اصغر سلطانیه، «تدابیر بین‌المللی در عاری نمودن خاورمیانه از سلاح هسته‌ای و تأثیر آن بر امنیت خلیج فارس»، به نقل از «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه ۷۵، ۴۳۸ص، ۲۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۷۳، ۲۰۰۰، ص ۲۷۵

در این مقاله نویسنده، به بررسی تحولات اخیر در تقویت نظارت و کنترل کشورهای منطقه، اغماض کامل تحدید توانمندی هسته‌ای اسرائیل و تحولات این رژیم از مصوبات بین‌المللی، و تأثیر اینگونه تحولات بر امنیت خلیج فارس پرداخته است. امنیت منطقه خاورمیانه و به تبع آن صلح و امنیت و همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس در سیکل سرگردان سیاسی و عاملی اصلی این چرخش و بلاتکلیفی رژیم صهیونیستی است. لذا کشورهای منطقه بدون عنایت به این واقعیت و ملحوظ نمودن نقش محوری اسرائیل در چرخه نا آرامی منطقه و بدون تلاش در حذف این عامل و نیز دخالت دیگر نیروهای خارجی قادر به حل معادله پیچیده امنیت منطقه نخواهند بود.

* محمدرضا حافظ‌نیا، «تنگه هرمز و امنیت دسته جمعی در خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات دومین سمینار خلیج فارس»، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۲، ۳۳۴ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ص ۷۵

نقش تنگه هرمز در امنیت دسته جمعی خلیج فارس در دو زمینه «ژئوپلتیک و ژئواستراتژی» آن است. تنگه هرمز با توجه به اهمیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژی و عامل جغرافیایی، در کارکردهای خود می‌تواند به شکل‌گیری یک پیمان و اتحاد منطقه‌ای، برای دفاع و امنیت جمعی بکار گرفته شود. لازمه باروری پتانسیلهای دفاعی و امنیتی تنگه هرمز، همگرائی و وحدت رویه خانواده خلیج فارس و شبه جزیره جنوب غرب آسیا و تحکیم روابط متقابل بین دولتهای مزبور است.

* چن هفنگ، «توسعه پس از جنگ خلیج فارس در خاورمیانه»، ترجمه: باقر ناصری، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۳، چ اول، ص ۲۰۱

مشکلات امنیتی خلیج فارس به عنوان یکی از ویژگیهای اصلی تحولات در خاورمیانه یکی از قسمتهای مورد بحث در این مقاله است.

* پیروز مجتهدزاده، «جایگاه ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس و آینده آسیای مرکزی»، ایران فردا، ۱۳۷۳، سال سوم، شماره پانزدهم، ص ۳۳ تا ۳۹، ماهنامه

در قسمت اول، دکترین نیکسون در مورد امنیت خلیج فارس و نقش ایران در آن و همچنین مسأله جزایر سه‌گانه مطرح می‌شود (چگونگی بازپس‌گیری جزایر و علل آن). در قسمت بعد به نقش آمریکا در امنیت خلیج فارس و جایگاه ایران از دیدگاه آمریکائیها پرداخته می‌شود. آمریکا به این نتیجه رسیده که بدون حضور ایران، امنیت واقعی در این منطقه شکل نخواهد گرفت. سپس مسأله احتمال نزدیکی عراق به اسرائیل و خطرات امنیتی این مسأله برای ایران مطرح می‌شود. در مورد آسیای میانه محورهای اصلی بحث عبارتند از: کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و اهمیت استراتژیک ایران، و نقش روسیه شوروی. لازم به تذکر است که در قسمت دوم بحث (آسیای مرکزی) موضوع امنیت مطرح نشده است و فقط در قسمت اول (خلیج فارس) مسأله امنیت مطرح شده است. همچنین این نوشتار به صورت گفتگو می‌باشد، که ماهنامهٔ ایران فردا با پیروز مجتهدزاده انجام داده است.

* محمدعلی امامی، «جمهوری اسلامی ایران و مسأله تأمین امنیت در خلیج فارس» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۶۵

نویسنده با گذری کوتاه بر اهمیت منطقه و تحولات منطقه‌ای و جهانی بویژه حمله عراق به کویت به بررسی تأثیر این پدیده یعنی (جنگ خلیج فارس) می‌پردازد. این جنگ دارای این پیامدها بود: اول اینکه دلالت بر اهمیت اقتصادی و استراتژیکی منطقه داشت،

دوم اینکه حضور بیگانگان در منطقه بویژه آمریکا را در پی داشت و سوم اینکه موجب ایجاد مشکلات امنیتی برای کشورهای شورای همکاری بویژه استقرار نیروهای نظامی کشورهای بیگانه در این کشورها و قراردادهای امنیتی ـ سیاسی با کشورهای مزبور شد. بررسی مشکلات امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و عراق تضاد نقشها و بی‌ثباتی منطقه و دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در مورد امنیت خلیج فارس از قسمتهای این مقاله است.

نویسنده اظهار می‌دارد که اشتراک منافع ایران و اعراب خلیج فارس در نظام جدید جهانی مستلزم آن است که این کشورها با فکر به منافع ملی خود، همکاریهای لازم را به عمل آورده و از دنباله‌روی سیاستهای بیگانه اجتناب نمایند. جهت تشکیل یک نظام امنیتی در منطقه، شرکت ایران و عراق و کشورهای عزبی جنوب خلیج فارس ضروری است. این نظام امنیتی بهتر قادر خواهد بود تا صلح و ثبات را در منطقه ایجاد نماید تا راه حلهای «نظام تک قطبی یا موازنه‌ای منطقه‌ای» که در این صورت کار به رقابتهای نظامی کشانده خواهد شد.

* طاهره ابراهیمی فر، «چارچوب امنیتی خلیج فارس»، به نقل از «مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس»، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۲۱

نویسنده بر آن است که کشورهای حوزه خلیج فارس با تعریف تک‌بعدی که از امنیت دارند (یعنی امنیت نظامی) خود سبب ناامنی منطقه خلیج فارس و حضور بیگانگان گردیده‌اند، نویسنده امنیت را دارای پنج بعد اساسی (نظامی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی) می‌داند و بر آن است که بعد نظامی امنیت بخصوص در کشورهای منطقه خلیج فارس به هیچوجه نقش اساسی ایفا نمی‌کند چرا که کشورهای مزبور خود تولیدکننده نیستند بلکه واردکننده تسلیحات نظامی می‌باشند. از سوی دیگر نویسنده به اختلافات عمده در خلیج فارس (یعنی: اختلافات فردی، شکافهای مذهبی، نفاقهای نژادی و جدالهای ایدئولوژیکی) اشاره می‌کند و بر آن است که برای رسیدن به یک امنیت دسته جمعی در منطقه باید این موارد را از نظر دور نداشت: اول توجه به تمام

ابعاد امنیت؛ دوم به حداقل رساندن اختلافات و سوم تمسک به دین مبین اسلام جهت اتحاد و برابری و برادری.

* کیت مک لاخلان، «چشم انداز صلح و ثبات در خلیج فارس»، مسئله «مرز ایران ـ عراق» مترجم: حمیدرضا ملک محمدی نوری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه‌چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۳۷۷

مرزهای ایران و عراق همواره باعث بروز مشکلاتی بوده‌اند که آثار زیانبار مداومی بر روابط بین‌المللی و امنیت منطقه خلیج فارس داشته است. مشکلات ناشی از منازعه بر سر شط‌العرب (اروندرود) بیشترین توجه بین‌المللی را به خود معطوف کرده است، در حالیکه در مرزهای زمینی نیز مناطقی وجود دارند که همواره در معرض اختلاف بوده‌اند. این مقاله به بررسی منشأ و تحول سرحدات زمینی ایران و عراق خواهد پرداخت. ماهیت و تاریخ به اصطلاح «سرزمینهای واگذاری» در ارتباط با صنعت نفت در ایران و عراق، محور بحثهای مقاله را در بر می‌گیرد. همچنین این مقاله به ارزیابی وضعیت فعلی مرزهای زمینی ایران ـ عراق نیز می‌پردازد.

* رافی هوانسیان، «چشم اندازهای صلح و امنیت در حوزهٔ خلیج فارس»، ت: بدرالزمان شهبازی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، دروه دوم، شماره (۱۴) ص ۱۹۹، فصلنامه

امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی و حوزه خزر مبتنی بر صلح و امنیت در قفقاز است اما چشم‌اندازهای رایج برای صلح و سیستم امنیتی موثر کنونی در منطقه قفقاز موجب توانائی جامعه بین‌الملل برای ایجاد مکانیسم نهائی برای درگیر ساختن هر سه عامل منطقه یعنی (روسیه، ایران و ترکیه) در مباحث مهم منطقه‌ای می‌گردد. لذا باید تعهدات بیشتر غرب در مورد توسعه راههای جایگزین ارتباطی و یکپارچگی اقتصادی و سعادتمندی کشورهای قفقاز نیز در نظر گرفته شود. جامعه بین‌الملل باید در تلاش برای نگرشی تازه و آینده‌نگری در مورد مناقشه قرهباغ باشد.

* محمدعلی امامی، «خلیج فارس و دیدگاههای امنیتی»، به نقل از «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۱۰۵

در این مقاله به طرح دیدگاهها و برنامه‌های امنیتی کشورهای زیر در مورد امنیت خلیج فارس پرداخته شده است: ۱) کشورهای مجاور منطقه (امریکا ـ اروپا ـ روسیه ـ چین ـ ژاپن) ۲) کشورهای مجاور منطقه (هند ـ پاکستان ـ ترکیه ـ مصر و روسیه) ۳) کشورهای حوزه خلیج فارس (ایران ـ کشورهای عرب خلیج فارس).

* ابراهیم متقی، «دوران پس از جنگ سرد و معمای امنیت در خلیج فارس»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۴، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، ص ۷ تا ۳۶، فصلنامه،

بررسی انجام شده در این مقاله بیان کننده آن است که معضل و چالش عمده منطقه خلیج فارس که به کشمکشهای نوبه‌ای و رفتار منازعه‌آمیز دوره‌ای انجامیده است، برخاسته از تفاوت نگرشی و الگوهای متعارض در سیستم امنیت منطقه‌ای است. برای رسیدن به این مطلب، الگوهای امنیتی متفاوتی که از سوی بازیگران تأثیرگذار در رفتار منطقه‌ای اعمال می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا الگوهای امنیتی ایالات متحده، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران و عراق با توجه به اهداف کلی، نقش منطقه‌ای و رفتارهایی که به انجام می‌رسانند تبیین شده است.

* منصور رحمانی، «دورنمای یک امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۹، سال چهارم، ش۲، ص ۹۵، فصلنامه

این مقاله مروری است بر تلاشهای گذشته دولتهای منطقه در زمینه امنیت و سپس به بررسی اهداف، عملکرد و آینده شورای همکاری خلیج فارس بعنوان یک نظام امنیت جمعی می‌پردازد و در پایان امکانات موجود برای دستیابی به یک امنیت جمعی گسترده و فراگیر را در منطقه خلیج فارس مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هدف مقاله بررسی عواملی است که می‌تواند در راستای تشکیل یک نظام امنیتی در خلیج فارس موثر واقع شوند.

* رکس برانین، «دیدگاه کشورهای غربی درباره نقش سیاسی نظم خاورمیانه‌ای(۳)»، تهیه و ترجمه: ب. شریعتمداری، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۵، بیست و سوم دی، ش م: ۲۰۹۶۳، ص ۱۲

نویسنده به نقش آمریکا در خلیج فارس و اهداف و سیاستهای این کشور جهت تامین اهداف خویش می‌پردازد و در این میان به عوامل و عناصری که منافع و اهداف ملی آمریکا را در این منطقه به چالش فرامی‌خواند می‌پردازد، از جمله: «انقلاب اسلامی ایران» و «عراق»، آمریکا جهت رسیدن به منافع و اهداف حیاتی خود به ویژه منافع و منابع نفتی و جریان متداوم آن سه استراتژی مهم را در پیش گرفته است: الف: مهار دو جانبه. ب: حمایت از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ج: افزایش توان نظامی و دخالت در کشورهای منطقه در صورت لزوم.

* اریک هوگلاند، «دیدگاههای ایالات متحده در مورد امنیت خلیج فارس»، مترجم: باقرنصیری، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ ص، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۱۶۰

نویسنده با توجه به تحولاتی چون فروپاشی شوروی، پایان جنگ سرد و حمله آمریکا به عراق و...، به بررسی دیدگاههای کارشناسان سیاست خارجی امریکا می‌پردازد. تحولات مزبور موجب طرح این سؤال گردید که آیا ایالات متحده آمریکا باید از تعهدات نظامی خود در سطح جهان دست بکشد و یااینکه به میزان فعلی از لحاظ نظامی درگیر باقی بماند؟ در پاسخ این سؤال دو نوع نگرش وجود دارد: الف) جهان گرایان با توجه به اهمیت اقتصادی ـ سیاسی منطقه خلیج فارس بطور اخص، خواستار حضور نظامی امریکا و مداخله‌گرایی آن هستند. ب) منطقه گرایان، خواستار کاهش حضور نظامی آمریکا در مناطق جهان بویژه در خلیج فارس می‌باشند. نویسنده در این میان گروههای مختلف منشعب از دو گروه عمده فوق‌الذکر را ذکر و به بررسی دیدگاههای آنان و تأثیر آن بر تصمیم‌گیران سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد.

* کیوچیروتاناکا، «ژاپن نگران امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۲۱

نویسنده براین است که عدم ثبات یا بروز جنگ در منطقه گرچه ممکن است در کوتاه مدت به نفع کشورهای نفت خیز وتولیدکننده نفت باشد ولی در درازمدت باعث می‌گردد که سرمایه‌های مورد نیاز منطقه منحرف شود، بنابراین تحقق امنیت و ایجاد سیستم حفظ امنیت وصلح منطقه تنها با مشارکت کشورهای منطقه میسر خواهد بود و اضافه می‌نماید که برای ایجاد ثبات وامنیت در هر منطقه اول نیاز به بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای منطقه است واین نکته‌ای است که ژاپن درتجربه خود در اعطای همکاریهای اقتصادی وفنی در ناحیه آسیا و اقیانوسیه بدست آورده است.

* داریوش اخوان زنجانی، «ساختار نوین جامعه بین‌الملل وکشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس»، کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۲۴۱

نویسنده پیرامون روابط بین ساختار نوین جامعه بین‌الملل و مسأله ثبات درکشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس سه متغیر را مورد بررسی قرار می‌دهد. الف) متغیرهای داخلی و چگونگی روابط بین آنها. ب)متغیرهای بین‌المللی و رابطه بین آنها. ج) رابطه بین متغیرهای داخلی و بین‌المللی. فرض مقاله مزبور آن است که روابط بین متغیرهای فوق تعارض‌آمیز بوده و این تعارضات در حال گسترش هستند. تعارضات نامبرده ساختاری‌اند و بدون تحولات بنیادی در متغیرهای بین‌المللی تعارضات فوق قابل حل نمی‌باشند و می‌توان گفت که تعارض اصلی (تعارضی که عملکرد تعارضات دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده عبارتست از تعارض منافع قدرتهای غیرمنطقه‌ای و منافع مردم) در صورت حل نشدن، می‌تواند موجب بی‌ثباتی در سطح منطقه شود.

نویسنده در پایان فهرستی از تعارضات مزبور را نام می‌برد:ـ وابستگیهای اقتصادی ـ امنیتی به آمریکا اما جستجوی استقلال و آزادی عمل سیاسی. ـ ادغام در سیستم

ارتباطی جهان اما وجود ملی‌گرایی و جستجوی هویت فرهنگی ملی. - داشتن یک سیستم اقتصادی باز و ادغام شدن در یک سیستم اقتصادی جهانی و همچنین داشتن یک سیستم اقتصادی به سبک سیستم اقتصادی سرمایه‌داری با تمایلاتی به سوی ایدئولوژی لیبرالیزم اما همزمان داشتن یک نظام سیاسی بسته و سنتی. بطور خلاصه ساختارهای نامبرده توان زیستن در کنار یکدیگر را ندارند.

* علی اکبر ولایتی، «سخنرانی در پنجمین سمینار خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس»، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰نسخه، چاپ اول، ص ۷، ۷۱۰۰ ریال

سخنران در این سمینار ضمن بررسی کوتاه فروپاشی شوروی و تاثیر آن بر ثبات خلیج فارس به بررسی عواملی که می‌تواند در آینده صلح و ثبات موردنظر در منطقه را به وجود آورند می‌پردازد. الف) ضرورت گسترش تماسها و گفتگوها؛ ب) گسترش روابط تجاری؛ ج) همکاریهای علمی ـ فرهنگی؛ د) جلوگیری از رقابتهای تسلیحاتی؛ ه) همکاریها در زمینه محیط زیست

* ابراهیم متقی، «شاخص‌ها و چالشهای الگوی امنیت یک قطبی در خلیج فارس»، مجله راهبرد، ۱۳۷۵، شماره ۱۰، ص ۱۱۱ تا ۱۴۸، فصلنامه

جنگ دوم خلیج فارس به عنوان نقطه عطف جدیدی در تعامل رفتاری و الگوهای امنیتی واحدهای منطقه محسوب می‌شود. تحول ساختاری در نظام بین الملل، شکست عراق از نیروهای متحدین، استقرار واحدهای عملیاتی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و دگرگونی در استراتژی آن کشور شرایطی را فراهم آورد که الگوی رفتار منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد. با توجه به شاخص‌های امنیت منطقه و اهمیت آن برای منافع حیاتی ایالات متحده، مقامات آن کشور درصدد برآمده‌اند تا الگوی امنیتی یک قطبی را به عنوان استراتژی و مبنای رفتاری جدید در حوزه خلیج فارس مورد پیگیری قرار دهند. این مقاله به بررسی استراتژی ایالات متحده

* محمود سریع‌القلم، «شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری»، «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس» مرکز مطالعات خلیج فارس، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۴، ۲۹۳ص، ۱۵۰۰ نسخه، چ اول، ۷۱۰۰ریال، ص ۲۸۲

هدف مقاله مذکور بررسی تحولات خلیج فارس بطور کلان و اصل همکاری میان این کشورها بطور خرد در چارچوب وسیع سیاست بین‌المللی خاورمیانه است. مقاله دارای دو فرضیه است: الف) داده‌های سیاسی و شکل‌دهنده رفتار در خاورمیانه، به رغم کاهش آن در دیگر مناطق جهان سومی، همچنان بین‌المللی باقی مانده و حتی تا اندازه‌ای حضور نظامی ـ اقتصادی بین‌المللی افزایش یافته است. ب) کارآمدترین شیوه افزایش سطح همکاری متقابل بین کشورهای حوزه خلیج فارس، ارتقای توان ملی و حل تدریجی بحران مشروعیت در داخل می‌باشد. بنابراین با توجه به روند منطقه‌ای شدن و روند کمیابی منابع، تسریع در استحکام بخشیدن به نظامهای سیاسی در خاورمیانه در بین‌الملل زدایی این منطقه از اولویت زمانی و سرمایه‌ای قابل‌توجهی برخوردار است.

* ریچارد اسکافیلد، «شورای همکاری خلیج فارس و ایران» سرزمین مورد منازعه، مترجم: رضا ملک محمدی نوری، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۲۳۲

نویسنده در وهله نخست برخی از منازعات ارضی میان دولتهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همسایگان آنها و نیز منازعات موجود در میان خود دولتهای عضو را پیش از مارس (۱۹۹۱) مورد بررسی قرار داده است و پس از آن به بازنگری اقدامات مربوط به منازعات مرزی و ارضی میان دولتهای عضو شورای همکاری و همسایگان آنها و منازعات موجود میان خود دولتهای عضو پرداخته است. (اختلاف ایران ـ عراق و شط‌العرب)، (تعیین حدود در مرز عراق و کویت)، (احیای منازعه ایرانی، عربی بر سر جزایر تنب و ابوموسی)، (بن بست بر سر جزایر حوار) و...

* شملان العیسی، «شورای همکاری خلیج فارس و تحولات آینده (۱) و (۲)»، تهیه

و ترجمه: ب. شریعتمداری، روزنامه اطلاعات، پانزدهم آذر، سال ۱۳۷۵، ش م: ۹-۲۰۹۲۸، ص ۱۲

نویسنده در این بخش از مقاله به بررسی نظرات موافقان عادی سازی روابط با اسرائیل و موافق با روند سازش، در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازد و در این میان بر نقش کویت تأکید بیشتری دارد و در قسمت بعدی به آراء مخالفان روند سازش می‌پردازد. این نویسنده، بر نقش آمریکا در تامین صلح خاورمیانه بویژه موفقیت روند سازش خاورمیانه تأکید فراوان دارد.

* سیدمحسن توکلی، «صلح اعراب و اسرائیل» توطئه جدید در خلیج فارس، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس»، تهران، ۱۳۷۳، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰نسخه، چاپ اول، ۷۱۰۰ ریال

نویسنده به پایان یافتن جنگ سرد، فروپاشی شوروی، تضعیف نیروی سیاسی - نظامی جهان عرب در مقابل اسرائیل از یک سو و دخالتهای نظامی آمریکا و متحدانش در منطقه خلیج فارس از سوی دیگر به عنوان زمینه‌های سازش اعراب - اسرائیل نام می‌برد. وی در این راستا به موافقت‌نامه غزه - اریحا در سال ۱۳۷۲، موافقت نامه صلح بین سازمان آزادیبخش فلسطین و تنشهای دوجانبه یا چندجانبه بین اعراب و اسرائیل اشاره می‌نماید. نویسنده عقیده دارد که مذاکرات دوجانبه یا چند جانبه در چارچوب طرحهای ذیل به بحث و مذاکره گذاشته شده است: الف) همکاریهای امنیتی منطقه‌ای، ب) همکاریهای اقتصادی، ج) بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه بویژه آبرسانی، د) بررسی محورهایی که موجبات کاهش کشمکش بین اسرائیل و اعراب را فراهم می‌آورد.

در پایان نویسنده به ابعاد حضور توطئه‌گرانه اسرائیل در آینده در منطقه خلیج فارس می‌پردازد: دستیابی به مشروعیت خود در جهان اسلام و غرب؛ تقویت همکاریهای اقتصادی دوجانبه و چندجانبه در سطح منطقه جهت دستیابی به یک صلح پایدار در منطقه؛ دستیابی به مناطق دیگر؛مقابله با اسلام‌گرایی؛ خلع سلاح تدریجی اعراب.

* [illegible] خلیج فارس»، ترجمه: جمشید زنگنه، به نقل از کتاب

«مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۸۱، ۳۹۰۰ ریال

نویسنده بر آن است که سیاست کلی طی جنگ در خلیج فارس بر پایه «استراتژی ضدشوروی» قرار داشت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال (۱۹۷۹) دکترین کارتر پدید آمد که طی آن آمریکا آمادگی می‌یافت که با نیروی فرماندهی مرکزی خود به مداخله در منطقه بپردازد، این دکترین بر این فرض استوار بود که چنانچه نیروهای شوروی از مرزهای ایران گذشته و به سوی جنوب سرازیر شوند در ایران جلوی آنها را بگیرند. به دنبال پایان جنگ سرد، آمریکاییها به ارزیابی سیاستهای امنیتی خود در خلیج فارس پرداختند و در آغاز دهه (۱۹۹۰) پیشنهاد کردند که خط دفاعی خود را ازداخل ایران به شبه جزیره عربستان عقب بکشند. براساس چنین دیدگاهی بود که نیروهای آمریکا، شش ماه پس از آن به عربستان سعودی و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس سرازیر گردیدند. اما این سیاست نوین با دو مشکل عمده مواجه است: الف) تعهد دفاعی آمریکا به عربستان، آمریکا را با دشواری پاسخ مثبت به دگرگونی در حکومت و ساختار حکومتی عربستان، مواجه کرده است. ب) توجیه حضور آمریکا در منطقه برای دفاع از دموکراسی و آرمانهای لیبرالی با پایان جنگ سرد، بی‌اعتبار شده است.

* جلیل روشندل، «طرحی نوین برای همکاری در خلیج فارس»، به نقل از: کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۲۹۴ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۷۳، ۷۱۰۰ ریال، ص ۳۴

نویسنده در بخش اول مقاله با استفاده از نظریه سیستمها به بررسی منطقه خلیج فارس و عوامل ناکارکردی در دو سطح می‌پردازد: سطح اول عوامل ناکارکردی در محیط داخلی منطقه؛ عوامل سنتی، ساختاری و عوامل تلفیقی (ساختاری + سنتی) و سطح دوم به عوامل ناکارکردی در محیط داخلی کشورهای منطقه خلیج فارس؛ (تعارض

هویتهای رسوخ‌ناپذیر و توزیع) می‌پردازد. در بخش دوم، طرح خود را برای همکاری در منطقه خلیج فارس براساس رهیافت نوکارکردی از تئوری همگرایی منطقه‌ای و با استفاده از نظریات «ارنست هاس» پیشتاز این تئوری، مطرح می‌کند. همچنین به مکانیسم نظارت در سیستم همکاری منطقه‌ای نیز می‌پردازد و عقیده دارد که کشورهای منطقه باید همکاری خود را برای نائل آمدن بر عوامل ناکارائی فوق‌الذکر، از سطوح جزئی شروع کرده و به سیاست در سطح خرد بسنده نمایند. این روند نهایتاً منجر به همکاری فرهنگی ودر صورت ضرورت نظامی خواهد شد.

* نصرت‌الله تاجیک، «عوامل مخرب در همگرایی منطقه‌ای (خلیج فارس)»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس»، به کوشش عباس خادم حقیقت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۱۶۴

امنیت خلیج فارس ارتباط تنگاتنگی با امنیت و ثبات داخلی کشورهای ساحلی این آبراه دارد و هرگونه بی ثباتی در درجه اول به سایر کشورها سرایت نموده و آنگاه کل منطقه را در بر خواهد گرفت. بنابراین تا زمانیکه واحدهای سیاسی موجود در منطقه پدیده‌هایی متزلزل باشند، تأمین امنیت و صلح پایدار در منطقه امری است غیرممکن. نویسنده بر این عقیده است که این بی ثباتی و عدم امنیت در منطقه ناشی از مشکلات ساختاری چنین کشورهایی از جمله: موقعیت جغرافیایی ایران، کمبود نیروی انسانی و تأثیر آن بر فرآیندهای سیاسی و اقتصادی، و... می‌باشد.

* جوان هارت، «مسائل جاری امنیت خلیج فارس»، مترجم: باقر نصیری، به نقل از «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۲۱۹

خلاصه مطالب مندرج در این مقاله را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد: اول اینکه

فارس)، این بر عهده قولهایی ایران و عراق بازسازی شده است اما ملاحظاتی آنرا به مخاطره انداخته است. دیگر اینکه روابط امنیتی منطقه خلیج فارس احتمالاً حول محور ارتش آمریکا می‌گردد و این مستلزم کوششهای استتاری برای تطبیق حساسیت‌های سیاسی ملی در خلیج فارس و در روابط آمریکا با اسرائیل است. سوم اینکه افزایش فروش تسلیحات نظامی به کشورهای حوزه خلیج فارس (یعنی شورای همکاری خلیج فارس) همراه با طرح استقرار دائم نیروهای آمریکائی در منطقه از اهداف اقتصادی و نظامی آمریکا است. چهارم اینکه گسترش روابط آمریکا با متحدین عرب خود می‌تواند به معنای در صحنه قدرت نگاه داشتن این متحدین باشد. پنجم اینکه راههای متفاوتی وجود دارد که از طریق آنها عملیات دفاعی به رهبری آمریکا و گسترش تسلیحات می‌توانند به بی‌ثباتی منطقه منجر گردند و آخر اینکه مکانیزم جلب اعتماد می‌تواند و باید در روابط امنیتی خلیج فارس اعمال گردد.

* زامل سعیدی، «مصر و نظام عربی در امنیت خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات سومین سمینار مسائل خلیج فارس»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول: ۱۳۷۲، ص۱۴۹، ۳۹۰۰ ریال

نویسنده در وهله نخست به تعریف «نظام عربی» می‌پردازد و علل و عواملی که سبب به وجود آوردن و تزلزل نظام عربی گردیده است، را برمی‌شمارد. نویسنده بر آن است که جنگ خلیج فارس (یعنی اشغال کویت توسط عراق) سبب گردیده تا «مصر» نتواند جایگاه گذشته خود را در نظام عربی و خلیج فارس، بازیابد مضافاً که این کشور با مشکلات (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) روبرو گردیده، است. بنابراین، این جنگ دارای نتایج زیر بود: اول اینکه جنگ خلیج فارس نظام عربی به مفهوم متداول آن را از بین برده است و دیگر اینکه مجموعه کشورهای عرب و همچنین کشورهای ساحلی عرب، درمورد امنیت خلیج‌فارس جایگاهی ندارند زیرا کشورهای ساحلی عرب بطور کامل سرنوشت خود را بدست آمریکا سپرده‌اند و دارای نقش ثانوی گشته‌اند.

* جهانگیر کرمی، «مطالعه سیستم امنیت دسته جمعی در منطقه خلیج فارس»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۲، سال دوم، شماره ۱، ص ۱۴۷ تا ۱۷۴، فصلنامه

عمده‌ترین نگرانی کشورها و قدرتهای بزرگ غربی و غیرغربی در منطقه خلیج فارس مسئله امنیت بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که چرا سیستم امنیت جمعی واقعی که از بروز تنش و جنگ جلوگیری نماید نتوانسته است در این منطقه شکل بگیرد. ادعای نویسنده این است که سیستم‌های امنیتی ایجاد شده تاکنون به دلایلی مانند عدم حضور تمامی بازیگران اصلی منطقه‌ای، نفوذ عامل خارجی و ضعف و وابستگی ملتها نتوانسته است موجب امنیت شود. برای این منظور ابتدا مفاهیم مختلف امنیت، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و جهانی بررسی می‌شود، سپس زمینه‌های اختلاف و سابقه امنیت جمعی در منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام نتیجه‌گیری کلی ارایه می‌شود.

* امین صیقل، «مفهوم امنیت در خلیج فارس از نظر ایالات متحده»، مترجم: امیر سعیداللهی، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۱۳۷

نویسنده بر آن است که هدف همه رؤسای جمهور آمریکا پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، برقراری و حفظ سلطه آمریکا بر این منطقه بوده است و در این میان بوش از همه موفق‌تر بود و به سیستم امنیتی تک قطبی در خلیج فارس، سرعت لازم را بخشید. هدف وی ایجاد یک ساخت امنیتی دائم نه فقط برای حفاظت از دوستان ایالات متحده آمریکا در منطقه بلکه بطور کلی به منظور کنترل بیشتر خاورمیانه توسط ایالات متحده آمریکا بوده است. نویسنده در این میان به توضیح سیستم امنیتی تک قطبی، اهداف آمریکا، اشکالات سیستم مزبور و نهایتاً سیستم امنیت دسته جمعی پرداخته است.

* ناصر تکمیل همایون، «مفهوم امنیت دریایی در تاریخ ایران»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات سومین سمینار خلیج فارس»، مؤسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، تهران، ۱۳۷۲، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۳۹۵۰ ریال، ص ۵۵

نویسنده مفهوم امنیت دریایی بویژه خلیج فارس را در تاریخ ایران بررسی نموده است و حوادث و تحولاتی که سبب این تغییر و تحول تاریخی در مفهوم امنیت گردیده است را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این میان به کشف نفت در خاورمیانه بویژه خلیج فارس، جنگ جهانی اول و دوم، آغاز جنگ سرد و حاکمیت نظام دوقطبی و... اشاره می‌کند که منجر به تسلط و ورود کشورهای برون مجموعه‌ای، در امنیت خلیج فارس گردیده‌اند، به عبارت دیگر این تحولات سبب پیدایش پارامتر دیگری در معادلات امنیتی خلیج فارس گردیدند یعنی «کشورهای ذینفع در خلیج فارس». دردناک‌تر آنکه این امر هنوز نیز بر منطقهٔ خلیج فارس حاکم است. با عنایت به این مطلب که کشورهای استقلال یافته منطقه پس از جنگ جهانی دوم به نحوی تحت الحمایه انگلستان و سایر کشورها گردیده‌اند.

* س.و.کریپچنکو، «مفهوم سیستم امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس»، سیدعباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۵، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۲۸۳

نویسنده در وهله نخست مدل حفظ صلح در منطقه بر پایه تشکیل نیروهای انتظامی کشورهای منطقه و خارجی را به نقد می‌کشد و با توجه به نیاز مبرم کشورهای مزبور «به امنیت» جهت توسعه اقتصادی، عواملی که مانع از تحقق چنین هدفی می‌گردند را ذکر می‌کند و طرح خود را مبنی بر مذاکرات و روابط دو جانبه ارایه می‌دهد. البته این طرح دارای چند مرحله است که یکی از مراحل مقدماتی آن «حسن نیت و اقدامات اعتمادسازی» است: کشورها می‌توانند قوانین بین‌المللی بین خود از قبیل: منع استفاده از زور، موافقت در تعهد به مقررات بین المللی و... منعقد کنند. اما عمده اهمیت متوجه تأیید کشورهای ذینفع در قبال تعهدشان برای منع و تکثیر سلاحهای هسته‌ای است.

* عبدالجلیل مرهون؛ «مناسبات ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، پژوهشی در

متغیر امنیتی»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۱۸۸

نویسنده اظهار می‌دارد که اگر «بی‌ثباتی» شاخص مناسبات طی ربع اخیر بوده است، دلیل این امر عمدتاً به نوسانات عوامل امنیتی و تأثیر منفی آن بازمی‌گردد: اول، مضمون منفی در بعد روش؛ طرفهای ذینفع به مفهوم نظامی محض یا شبه محض در امنیت خلیج فارس در سطوح محلی و منطقه‌ای توجه دارند. حاکمیت این مفهوم نقش بسزایی در فرسایش منابع مالی منطقه و سرازیر شدن آن بسوی صادر کنندگان سلاح در جهان داشته است. دوم، در بعد روش؛ در این مورد، اصولاً کشمکشها ماهیت جدلی محض داشته در این میان روش امنیتی و ضعف ارتباطات فیمابین بر کشمکشهای مذکور افزوده است و سرانجام، متغیر خارجی، بطور مشخص آمریکا در میان ابعاد سه‌گانه دینامیسم بیشتری داشته و به همان اندازه بر فضای امنیت منطقه‌ای داده‌های منفی بیشتری بر جای گذاشته است.

نویسنده با توجه به ابعاد سه‌گانه فوق‌الذکر روابط ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

* محمد مصالحه، «منطقه خلیج فارس و تحولات نظام نوین جهانی»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ وانتشارات امورخارجه، ۱۳۷۵، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۲۸۶

به نظر نویسنده، تحولات نظام بین‌الملل سبب این تحولات در منطقه گردیده است: ۱) تسلط آمریکا وکشورهای اروپایی بر منابع، بازارها، آبراهها و... و هدایت سیاستهای خارجی، امنیتی و منطقه‌ای بدست این کشورها افتاده است. ۲) تأثیر عوامل مخالف این استراتژی مهارآمیز با هر نوع ماهیت اعتقادی، رو به کاهش نهاده است. ۳) به تضعیف کشورهای مخالف سیاست آمریکا و تضعیف ارایه پدیده اسلامگرایی به صورت الگوی ایرانی که ثبات منطقه را تهدید می نماید انجامیده است.

* اصغر جعفر ولدانی، «ناپایداری مرزها در خلیج فارس»، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال

نویسنده بر آن است که دومین جنگ خلیج فارس نه تنها کمکی به مسکوت ماندن اختلافات مرزی و ارضی در منطقه نکرده بلکه اختلافات فردی و کهنه را نیز پدیدار کرده است. دو نمونه از این موارد به این شرح است: عربستان خواستار واگذاری $\frac{۲}{۳}$ سرزمین یمن به خاک خود شده است. امارات متحده عربی خواستار استرداد سه جزیره (ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ) از ایران گردیده است. بطور خلاصه اختلافات مرزی و ارضی در منطقه خلیج فارس همچنان آرامش و ثبات منطقه را تهدید می‌نماید، در این مقاله ابتدا تصویری کلان از سیمای اختلافات مرزی و ارضی ارایه گردیده و در قسمتهای بعدی آخرین تحولات مربوط به اختلافات مرزی ایران ـ عراق و کویت بعد از ۱۹۹۰، اختلافات عربستان با قطر و... مورد بررسی قرار گرفته است.

* جوادالحمد، «نظم نوین جهانی و منطقه خلیج فارس: به سوی نقش موثر کشورهای ساحلی خلیج فارس» به نقل از «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ریال، ص ۲۵۰

نظم نوین جهانی از نظر ساختاری، مولفه‌ها، مفاهیم و مبانی بر منطقه خلیج فارس تاثیر بسزایی داشته است. به منطقه خلیج فارس بعنوان منطقه استراتژیکی این نظم نگریسته می‌شود. ایالات متحده نه تنها به برقراری برنامه‌های امنیتی (نظامی)، افزایش حضور مستقیم خود در منطقه و وابسته کردن تدریجی استراتژی اقتصادی منطقه بسنده نمی‌کند بلکه می‌کوشد یک برنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بریزد تا به هدف ایجاد زیربنای مستحکم برای سمت‌گیریها و منافع حیاتی خود دست یابد. نویسنده سپس با توجه به اهداف و منافع آمریکا در منطقه به استراتژی امنیت آمریکا در منطقه اشاره می‌کند و مبانی آنرا بر می‌شمارد: ۱) همسان سازی سیاستهای اقتصادی، برنامه‌های امنیتی و منافع آمریکا با کشورهای ساحل غربی خلیج فارس. ۲) حضور نظامی گسترده.

۳) انزوای ایران و عراق بعنوان اخلالگران ثبات در منطقه. ۴) حفظ تشنج میان کشورهای ساحل غربی و دیگر کشورهای ساحلی به نفع پشتیبانی از تسلیحات نظامی. ۵) بازداشتن کشورهای ساحلی از ایفای هرگونه نقش رهبری در خاورمیانه.

نویسنده اظهار می‌دارد که کشورهای خلیج فارس چاره‌ای جز همکاری فیمابین و برقراری گفتگو و روابط چند محوری در فضای علمی، دانشگاهی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ندارند. با توجه به سیاستهای نظم نوین جهانی به نظر می‌رسد که این نظم برای جلوگیری از این امر حداکثر تلاش را خواهد کرد و همچنین روند جاری مبنی بر ایجاد تحول در زیربنای منطقه و خاورمیانه به وسیله صلح آمریکائی، تحمیل یک وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی است که ضمن حفظ منافع غرب منطقه را زیر سلطه نگه داشته است و در آینده نیز مانع از آن می‌شود که کشورهای ساحلی نقش مهمی را ایفا کنند.

* غلامرضا آقازاده، «نفت و امنیت در خلیج فارس»، به نقل از: «مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس»، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، موسسه چاپ وانتشارات وزارت امورخارجه، ۳۲۵ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۵

نویسنده با بررسی نقش نفت و اهمیت آن در اقتصاد جهان و ویژگیهای منحصر به فرد آن، و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در خلیج فارس به بررسی رابطه آن با «امنیت» پرداخته است. عدم تقارن بین مراکز تولید و مصرف کننده به عقیده نویسنده، مهمترین عامل برخوردها و سوء تفاهمات بوده است و اصولاً مسئله «امنیت» اعم از امنیت عرضه برای کشورهای عمده مصرف کننده و یا امنیت تقاضا برای کشورهای صادر کننده نفت، از بطن این واقعیت تولد یافته است. امنیت از دو دیدگاه مورد طرح و بررسی قرار گرفته است: اول امنیت کشورهای مصرف کننده که خود دو قسم دارد: امنیت در عرضه و امنیت در ثبات قیمتها. دیدگاه دوم مربوط به کشورهای تولیدکننده نفت است (امنیت در تقاضا و عادلانه بودن قیمتها و...)

صرفاً زمانی قابل تأمین و تضمین است که کاملاً موازنه صورت گرفته باشد. بنابراین عرضه و تقاضای نفت، پس از پایان یافتن بحران خلیج فارس، درگرو درک منافع متقابل و باگذشت از منافع آنی و زودگذر مصرف‌کننده و تولیدکننده قابل دسترسی است.

* پل راجرز، «نفت و امنیت در خلیج فارس»، مترجم: جمشید زنگنه، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۳۳۱

نویسنده در این نوشتار، رابطه میان نفت خلیج فارس و سیاست امنیتی آمریکا را مورد بحث و بررسی قرار داده است و دیدگاهی را ارایه نموده است که بر پایه آن ذخایر نفتی منطقه از اهمیت روزافزونی در برداشتهای امنیتی، نه تنها توسط آمریکا بلکه از سوی همه کشورهای غربی، برخوردار است و تشکیل نیروهای نظامی، این امکان را برای کشورهای غربی پدید می‌آورد که هرگاه احساس کنند منافع امنیتی آنها از راه تهدید فرضی برای عرضه نفت به مخاطره افتاده است، در منطقه خلیج فارس مداخله کنند (این توان نظامی غرب در منطقه اثر مهمی بر کشورهای خلیج فارس و نحوه توسعه منافع امنیتی آنها دارد).

* داود هرمیداس باوند، «نگرشهایی بر ترتیبات امنیتی خلیج فارس»، به نقل از «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ریال، ص ۶۹

در این مقاله نویسنده به بررسی نگرشهای متفاوت در مورد امنیت خلیج فارس می‌پردازد: اول نگرش ایران: همکاری کشورهای ساحلی و تحقق چنین امنیتی را بدون ایران غیر عقلانی، ناپایدار و خلاف همبستگی منطقه‌ای می‌داند. دوم دیدگاه امنیتی منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس: به استمرار و استحکام به روابط امنیتی با قدرتهای ذینفع در منطقه می‌پردازد. سوم عراق که خواستار احراز نقش بیشتری در منطقه است بویژه که از نظر ساحلی، دارای سواحل کمی در خلیج فارس است و چهارم قدرتهای بزرگ و ذینفع در منطقه.

* حسین صادقی، «همگرایی در منطقه خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۱۷۴

نویسنده در مرحله نخست عوامل همگرایی در منطقه را بر می‌شمارد که عبارتند از: موقعیت ژئواستراتژیکی؛ منابع طبیعی؛ امنیت مشترک و تعارض آن با امنیت کشورهای خارج از منطقه؛ اکولوژی؛ سیاستهای استعماری دریا؛ دین و ارزشهای مشترک و در وهله بعد به مواردی که می‌تواند به بهره‌برداری بهینه از این همگرائی کمک کند. مذاکره؛ پرهیزاز تبلیغات نادرست و شعاری خصمانه؛ نزدیک نمودن منافع بین‌المللی و منطقه‌ای کشورها

* غسان علی‌الغری، «همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس پس از جنگ سرد، امیدها و افت و خیزها»، به نقل از «مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس»، عباس خادم حقیقت، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ریال، ص ۱۸۲

نویسنده با گذری کوتاه بر پیمانها و اتحادیه‌های اقتصادی، بر آن است که (اتحادیه‌های اقتصادی ـ سیاسی) می‌توانند مهمترین عامل در حفظ و ثبات، امنیت و صلح در جهان باشند، خلیج فارس نیز بعنوان یکی از مناطق مهم می‌تواند شاهد چنین اتحادیه‌ها و پیمانها و همکاری باشد. عواملی چون پیشینه‌های تاریخی مشترک، دین و مذهب مشترک و... می‌توانند به این همگرایی کمک کنند. بنابراین با توجه به روند جهانی شدن و خطاهای ناشی از آن در روابط جدید بین‌الملل، روی آوردن به مفهوم امنیتی برای توسعه اقتصادی به جای توسعه نظامی می‌تواند راهگشا باشد. نویسنده در پایان عوامل و عللی که مانع همگرایی در منطقه هستند را نام می‌برد: نفت، دخالت بیگانگان، ضعف ساختاری و مسابقه تسلیحاتی از این عوامل هستند.

«مجموعه مقالات دومین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ وانتشارات امورخارجه، ۱۳۷۲، ۳۳۴ ص، ۲۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۲۹۰۰ ریال، ص ۵۷

نویسنده بر آن است که مجموعه خلیج فارس (سیستم خلیج فارس) دارای دو خاصیت عمده است: همگونی وناهمگونی. باورداشت مطلق و جزمی ناهمگونی بدون عنایت به همگونیها و وجوه مشترک و بالعکس و تداوم این روند بدون آنکه به تقارب آنها توجه گردد امنیت منطقه در تمام ابعادش را مورد تهدید قرار خواهد داد. از اینرو تنها راه رهائی از بن بست امنیتی که استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی این کشورها در گرو آن است، اجرای یک سیاست، طرح و استراتژی فعال، همگرایی و تلاش در زدایش ناهمگونیها است. از اینرو ضروری است که تمامی عوامل دخیل در «استراتژی همگرا» که متضمن تقارب آرمانها و منافع همه کشورهای منطقه است به کار گرفته شود.

* نوشین عظیمی، «استراتژی حضور مستقیم آمریکا در خلیج فارس و عوامل بازدارنده آن»، استاد راهنما همایون الهی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۳، ۱۵۲ص

این پایان نامه از سه بخش تشکیل می‌شود و هر بخش خود به دو تا سه فصل تقسیم می‌شود. پس از مقدمه، نویسنده در بخش اول: کلیاتی در مورد خلیج فارس و مسائل آن بیان می‌دارد. در فصل اول از این بخش موقعیت و اهمیت خلیج فارس و در فصل دوم: علل، انگیزه‌ها و اهداف و استراتژی آمریکا در خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم به عوامل تقویت کننده حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس اشاره می‌شود و خود سه فصل دارد: فصل اول: تمایل و قصد آمریکا جهت رهبری جهان. فصل دوم: بحران در اقتصاد آمریکا و ارتباط آن با حضور مستقیم در خلیج فارس و فصل سوم: رقابت اقتصادی ـ تجاری آمریکا با سایر قطبهای اقتصادی. در بخش سوم عوامل بازدارنده حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این بخش از دو فصل تشکیل می‌شود در فصل اول: زمینه‌ها و عوامل همگرایی در منطقه خلیج فارس، و در فصل دوم میل و الزام به ایجاد و رشد همزیستی در بین کشورهای منطقه خلیج فارس بحث و بررسی می‌شود و در آخر نویسنده به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

می‌پردازد. نویسنده در پی پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً تمایل و خواست آمریکا جهت رهبری جهان تا چه حد بعنوان یک عامل تقویت کننده حضور آمریکا در منطقه عمل می‌نماید؟ ثانیاً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی آمریکا تا چه حدبعنوان عامل تقویت کننده در منطقه عمل می‌نماید؟ ثالثاً مشکلات بین‌المللی اقتصادی تا چه حد بعنوان یک عامل تقویت کننده حضور آمریکا در منطقه عمل می‌کند؟ رابعاً آیا در زمان حاضر ایجاد رشدو همگرایی (بعنوان عامل بازدارندهٔ حضور آمریکا در منطقه) امکان وجود دارد؟ خامساً چرا در حال حاضر کشورهای منطقه خواهان ایجادثبات، آرامش و همگرایی در منطقه می‌باشند؟ و آخر اینکه شرایط اقتصادی رقبای بین‌المللی و اقتصادی آمریکا تا چه حد می‌توانند بعنوان یک عامل بازدارنده عمل کند؟

* نقی رستم‌وندی آغمیویی، «بررسی علل بحران‌زایی منطقه خلیج فارس طی دهه هشتاد بر اساس تئوری سیستمها»، استادان راهنما و مشاور، همایون الهی، کاظمی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۷، ۱۷۳ ص

پایان نامه مزبور شامل چهار فصل به ترتیب زیر است: در فصل اول: تئوری سیستمها توضیح داده می‌شود. فصل دوم: مفاهیم پژوهش (امنیت، بحران و جنگ) را تعریف می‌کند. فصل سوم به بررسی ساختارهای پنجگانه سیستم منطقه‌ای خلیج فارس یعنی ساختارهای جغرافیایی، ساختارهای سیاسی، ساختارهای اقتصادی، ساختارهای نظامی و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد و فصل چهارم به بررسی علل بحران‌زایی منطقه خلیج فارس اختصاص یافته است.

پایان نامه با نتیجه گیری و فهرست عناوین خاتمه می‌یابد. نویسنده با طرح مدل سیستمیک در منطقه خلیج فارس در صدد تبیین و توضیح علل و عوامل مؤثر (افقی و عمودی) در تحولات منطقه است. بر اساس این مدل نویسنده بیان می‌دارد که با وقوع انقلاب اسلامی ایران اگر چه تنها در یکی از نظامهای ملی منطقه تغییر رخ داده است ولی با توجه به نقش این کشور در حفظ ساختار گوناگون منطقه‌ای، دگرگونیهای رخداده به

جنگ ایران و عراق نیز در چارچوب همین مدل تبیین و توضیح می‌شود. لازم به ذکر است مدل سیستمی پانزده سال زمینه را در کشف علل بحران زایی منطقه مورد توجه قرار می‌دهد، زمینه‌ای که از تقسیم سطوح تحلیل به سه سطح (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) و نیز در نظر گرفتن پنج خرده سیستم (جغرافیایی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی) برای هر سطح تحلیل پدید می‌آید.

* مجتبی علی‌بابایی، «تئوری موازنه قوا در ارتباط بین‌الملل»، (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پیوسته)، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، استادان مشاور: داوود باوند و سید حسین سیف‌زاده، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۶۸، ۱۶۹ ص

پایان نامه شامل یک مقدمه و سه بخش می‌باشد، بخش اول تحت عنوان کلیات شامل سه فصل می‌باشد: تئوری موازنه قوا در روابط بین‌الملل؛ مفهوم قدرت در تئوری موازنه قوا؛ موازنه قوا، مفهوم، شرایط، هدفها و وسایل دستیابی به آنها. بخش دوم تحت عنوان «تئوری موازنه قوا از دیدگاه برخی نظریه پردازان مشهور و معروف» در چهار فصل به بررسی این تئوری از دیدگاه مورگنتا، ارگانسکی و هدلی بال و کلودر می‌پردازد. بخش سوم نیز تحت عنوان «کاربرد تئوری موازنه قوا در جنگ خلیج فارس» مطرح شده است که در این بخش به بررسی جنگ خلیج فارس بر اساس تئوری توازن قوا پرداخته شده است. در بخش سوم ضمن بررسی علل بین المللی شدن جنگ تحمیلی و منافع هریک از دو ابرقدرت در منطقه خلیج فارس و ذکر بازیگران عمده و نقش آمریکا بعنوان نیروی توازن دهنده به کوشش قدرتهای بزرگ در کنترل و مهار نمودن رشد انقلاب اسلامی و خاتمهٔ جنگ و حفظ موجودیت و حاکمیت دولت عراق و سایر دول منطقه بعنوان مهمترین و اصلی‌ترین وظیفه سیستم موازنه قوا اشاره شده است. در حقیقت در بخش سوم کاربرد تئوری موازنه قوا در خلیج فارس بررسی شده است. لازم به تذکر است منظور از جنگ خلیج فارس، جنگ عراق و کویت نیست بلکه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و کشیده شدن آن به خلیج فارس می‌باشد. به تاریخ تعریف پایان‌نامه (۱۳۶۸) توجه شود.

* سید جواد صالحی، «جایگاه خلیج فارس در سیاست خارجی ژاپن پس از جنگ سرد»، استاد راهنما: دکتر سریع القلم، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۴، ۱۷۹ص

پایان نامه مذکور مشتمل بر عناوین و فصول به قرار زیر است: پس از مقدمه چارچوب تحقیق و فرضیه‌ها بیان می‌شود. فصل اول جایگاه ژاپن پس از جنگ سرد را بررسی می‌کند فصل دوم در دو قسمت به اهمیت جهانی خلیج فارس و جایگاه و نقش خلیج فارس در سیاست خارجی ژاپن می‌پردازد و فصل سوم به جهت‌گیریهای سیاست خارجی ژاپن پس از جنگ سرد و روابط این کشور با عراق و ایران اختصاص یافته است.

نویسنده در این تحقیق جایگاه ژاپن را با توجه به عوامل قدرت ملی مورد بررسی قرار داده و اظهار می‌دارد که این کشور بخاطر فقدان کنترل بر منابع و بازیگران از ایفای نقش عمده در نظام بین الملل پس از جنگ سرد ناتوان است. در فصل دوم اهمیت و جایگاه منطقه خلیج فارس در سیاست خارجی ژاپن و اصول حاکم بر سیاست خارجی ژاپن در مورد منطقه و سیر تحول آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و فصل سوم به میزان مبادلات تجاری ژاپن با منطقه خلیج فارس و گرایشهای نوین اقتصادی در منطقه و تحول در حضور کشورهای مداخله‌گر اختصاص یافته است و دلایل کاهش حضور ژاپن در خلیج فارس با توجه به شاخص‌های اقتصادی بررسی گردیده است.

* حسن کامران، «جغرافیای استراتژیک خلیج فارس»، استادان راهنما و مشاور: عزت‌الله عزتی، حسین شکویی، استاد داور: علی اکبر، دانشکدهٔ علوم انسانی، ۴- ۱۳۷۳، ۶۹۹ص، دانشگاه تربیت مدرس

پایان نامه مزبور مشتمل بر عناوین و فصول زیر است: پس از مقدمه و طرح تحقیق در فصل اول تعاریف و مفاهیم استراتژیک و جغرافیای استراتژیک، سطوح مختلف استراتژیک و... بیان می‌شود. فصل دوم نگاهی به تحولات استراتژیک و تأثیر آن بر حوزه خلیج فارس از قرن ۱۶ تا امروز دارد. فصل سوم به بررسی استراتژیک کشورهای حوزه خلیج فارس، شورای همکاری خلیج فارس، اختلافات مرزی و ارضی در خلیج

انرژی و تأثیر آن بر ژئوپلتیک منطقه را بررسی می‌کند. در فصل پنجم ساختار نظام ژئوپلتیک جهان قبل و بعد از فروپاشی شوروی تشریح می‌شود. فصل ششم ترکیب نیروهای فرامنطقه‌ای در جهت اهداف استراتژیک را تجزیه و تحلیل می‌کند. فصل هفتم به نقش ثبات در تأمین امنیت منطقه می‌پردازد. فصل هشتم استراتژی آمریکا در خلیج فارس را مطالعه می‌کند و بالاخره فصل نهم به استراتژی جامعهٔ اروپا در رابطه با خلیج فارس اختصاص یافته است.

نویسنده با توضیح سه دوره مهم از دهه ۵۰ به بعد در تاریخ خلیج فارس یعنی نخست: دهه ۶۰ که انگلستان خواستار خروج از منطقه گردید، دوم: از خروج انگلستان تا استراتژی سیاست دو پایه‌ای نیکسون و وقوع انقلاب اسلامی ایران و سوم فروپاشی شوروی را توضیح می‌دهد که پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ابرقدرتها سیاست و استراتژی موازنه ضعف را در منطقه تعقیب می‌نمایند و همه کشورها در این زمینه متفق‌القولند که تدوین یک استراتژی در خلیج فارس جهت تأمین امنیت مبتنی بر «جغرافیای استراتژیک منطقه» ضروری است و این تحقیق می‌تواند در ایجاد همگرایی منطقه‌ای، تأمین حیات، امنیت و قدرت ملی کشورهای منطقه مؤثر افتد.

* یدالله محمدی، «زمینه‌های همگرایی در منطقه خلیج فارس از۱۹۷۱ تاکنون»، استاد راهنما: عبدالعلی قوام، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۰، ۴۶۲ ص

پایان نامه مزبور مشتمل بر پنج فصل زیر است: فصل اول: تئوریها و مفاهیم کلی را توضیح می‌دهد. در فصل دوم به کلیات می‌پردازد و دارای دو قسمت است. در قسمت اول خلیج فارس و مسائل آن بررسی می‌شود و در قسمت دوم موقعیت و ساختار کشورهای منطقه خلیج فارس مورد مطالعه قرار می‌گیرند. فصل سوم به بررسی وجوه تشابه و افتراق کشورهای منطقه خلیج فارس اختصاص دارد. فصل چهارم سطوح همگرایی در منطقه خلیج فارس را بر می‌شمارد و در فصل پنجم به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی می‌پردازد.

* محمدحسین مصلی‌نژاد، «ساختار امنیتی خلیج فارس در پرتو نظم نوین جهانی باتکیه بر ایران» (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پیوسته)، استاد راهنما: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، استادان مشاور: عبدالعلی بیگدلی و اسعد اردلان دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۷۷، ۲۷۳ ص

پایان نامه شامل یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد، عناوین فصول به ترتیب عبارتند از: تعیین نظم نوین جهانی، جهان در نظام نوین، خلیج فارس ونظم نوین جهانی و نتیجه‌گیری. در فصل چهارم که با عنوان «نتیجه‌گیری» مطرح شده است، نویسنده در مورد تقابل انقلاب اسلامی ایران و موضعگیریهای ایالات متحدهٔ آمریکا، چگونگی شکل‌گیری نظامهای امنیتی در خلیج فارس و دیدگاههای آمریکا در این خصوص و چگونگی ایجاد موانع در راه تحقق استراتژی آمریکا در این منطقه، مطالبی را عنوان کرده است.

این پایان نامه اهمیت و جایگاه استراتژیک و ژئوپلتیک خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان در برههٔ حساسی از زمان یعنی شکل‌گیری قدرتهای جهانی در ابعاد گسترده را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق تاریخی ـ تحلیلی است.

فصل اول ضمن اشاره به سیستم بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم، حاوی مباحث مفهومی و ترمینولوژی در خصوص موضوع رساله است. فصل دوم اهداف و عملکرد نظم نوین جهانی در عرصه روابط بین‌الملل را بیان می‌کند و فصل سوم تأثیرات اهداف و عملکرد نظم نوین جهانی و تبلور عینی این نظم را در خصوص آبراه خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌دهد.

* جواد رکابی شعرباف، «نظامیگری در خلیج فارس (۱۹۹۰ ـ ۱۹۷۰)»، استاد راهنما همایون الهی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۴، ۱۵۶ص، کتابخانه مرکزی (قسمت پایان نامه ۱۱۲۸ الف).

پایان‌نامه فوق‌الذکر که از پنج فصل تشکیل شده است. در فصل اول با عنوان کلیات به تعریف مفاهیم «نظامی‌گری» و «خلیج فارس» می‌پردازد و در فصل دوم نظامی‌گری در

پیامدهای نظامی‌گری بررسی می‌شوند و فصل پنجم شامل نتیجه‌گیری می‌شود.
در این رساله ویژگی‌ها، زمینه‌ها، عوامل و پیامدهای نظامی‌گری در کشورهای حوزه خلیج فارس بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای شناخت وضعیتهای سیاسی ـ نظامی و فهم ترتیبات امنیتی منطقه مورد بحث قرارگرفته است و هدف، بررسی میزان تأثیر این گرایش در شکل دهی نظام امنیتی منطقه و اثرات آن بر ساز و کار سیاسی کشورهای این حوزه در طول دهه هفتاد و هشتاد بوده است. این تحقیق مشتمل بر نتایج زیر است: ۱) امنیت مهمترین اولویت در تخصیص بودجه برای کشورهای منطقه بشمار می‌رود. ۲) مخارج نظامی با توجه به میزان «جمعیت، مساحت، حجم تهدیدات و امکانات»، هنگفت می‌باشد. ۳) این روند به نظامی گرایی منجر شده است. ۴) نوع خاصی از نظامی‌گرایی در منطقه حاکم شده است. ۵) این روند در دهه‌های ۸۰و ۷۰ رو به افزایش بوده است. ۶) رشد تولید ناخالص ملی با افزایش هزینه‌های نظامی در رابطه مستقیم بوده است. ۷) افزایش هزینه‌های نظامی لزوماً به معنای کاهش هزینه حوزه‌های دیگر نظیر آموزش بهداشت نیست.

* ترانه نوریان، «نقش آمریکا در امنیت منطقه خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰»، استادان راهنما، مشاور و داور مهدی اشرفی، علیرضا اَزغندی، عبدالعلی قوام، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۶۲، ۱۸۷ ص
رساله مشتمل بر یک مقدمه و پیش گفتار، چهار فصل، بخش ضمیمه، (نقشه) و فهرست منابع وماخذ است. فصل اول: شاخصهای عمده اهمیت خلیج فارس (اهمیت ژئوپلتیک، نفت و جلوگیری ازنفوذکمونیست) را برمی‌شمارد. فصل دوم: ابزار تامین امنیت خلیج فارس؛ (روابط سیاسی باکشورهای منطقه، روابط کلی با سایر کشورهای منطقه و ایجاد جو فکری ـ روانی در منطقه، تقویت میانه روی و روابط اقتصادی و فرهنگی و معرفی و تأثیر آن بر سیاست داخلی) را معرفی می‌کند. فصل سوم: ابزارهای نظامی جهت تأمین امنیت خلیج فارس (نیروهای واکنش سریع، مانورهای نظامی، ستاره درخشان و پلنگ سبز، تقویت پایگاههای نظامی، همکاری با متحدان اروپایی و بررسی طرحها و استراتژیهای مختلف نظامی) را مورد بررسی قرار می‌دهد و در فصل چهارم

ابزارهای بازدارنده برای تأمین امنیت خلیج فارس مطالعه می‌شوند.

نویسنده برآن است که در سالهای آتی و دهه‌های بعد منطقه خلیج فارس همچنان ازمناطق بسیار مهم و مورد توجه سیاست خارجی آمریکا خواهد بود و این ابرقدرت برای ادامه و حفظ نفوذ خود در این منطقه از تمامی طرق و تدابیر ممکن سود خواهد برد. نگارنده براین عقیده است که منطقه خلیج فارس و کشورهای موجود در آن بدلیل وجود عوامل زیادی در معرض بسیاری از دگرگونیها و تحولات هستند. بهترین علت تحولات و تغییرات، عوامل اجتماعی و سیاسی در ابعاد وسیع منطقه‌ای است. تضادهای ناشی از برخورد فرهنگ غرب با زندگی سنتی و ابتدایی جوامع خلیج فارس و تأثیراتی که تحولات یک کشور بر کشورهای دیگر منطقه وارد می‌آورد، از این نمونه‌اند.

فصل هشتم

ایران

* بهمن نعیمی ارفع، «مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران: ضرورت و برقراری نظام نوین امنیتی در منطقه و ملاحظاتی در این زمینه»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ۱۴۵ ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول ۹۰۰ ریال

کتاب مشتمل بر یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد. هدف کتاب تبیین مبانی رفتاری شورا در قبال ایران در طول جنگ و بحث در این زمینه است که تاسیس شورا نیز مانند نظام امنیتی حاکم بر منطقه در قبل از پیروزی انقلاب نتوانست به همگرایی کشورهای منطقه و ایجاد ثبات و امنیت واقعی در خلیج فارس کمک کند. مندرجات این کتاب چهار فصل را در بر می‌گیرد. در فصل اول دکترین‌های امنیتی در مورد منطقه بعنوان مدخلی برای ورود به مباحث دیگر مطرح می‌شود. در فصل دوم ضمن بررسی تاریخچه تشکیل شورا، دیدگاههای آن در مورد امنیت داخلی و خارجی تشریح شده است. در فصل سوم، استراتژی شورا در قبال جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تجزیه و تحلیل می‌شود. در فصل چهارم، ضمن نگاهی به رویه‌های سیاسی در منطقه بعد از اجرای آتش بس در جنگ تحمیلی، ملاحظاتی در خصوص لزوم حرکت کشورهای خلیج فارس به سمت نهادینه کردن احترام به صلح و امنیت میان دولتهای منطقه، تحکیم مناسبات در زمینه‌های مختلف و نهایتاً برقراری نظام نوین امنیتی، به دور از مداخله قدرتهای بیگانه

* هومن پیمانی، «امنیت منطقه‌ای و آینده آسیای مرکزی، رقابت ایران، ترکیه و روسیه» نقد و بررسی از «وجیهه صادقیان خوری» به نقل از فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۸، سال هفتم، دوره سوم، ش ۲۵، ص ۱۷۸، فصلنامه

فرضیه اصلی کتاب مزبور آن است که فروپاشی شوروی موقعیتی را برای ایجاد مجموعه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌کند که به دور شدن از حوزه نفوذ روسیه و نزدیکی به ایران و ترکیه تمایل دارند.

تمرکز اصلی کتاب پیرامون روابط بین کشورهای آسیای مرکزی و قدرتهای اصلی منطقه (ایران، روسیه و ترکیه) است. در فصل دوم: نویسنده به بحث در خصوص استدلالهای نظری پرداخته و تعدادی از ساختارهای ثابت مسئله امنیت منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده است. از میان این عناصر به نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی و نظامی تاکید بیشتری شده است. فصل سوم: به بررسی روند تشکیل کشورهای آسیای مرکزی و حرکت آنها به سوی ایجاد واحدهای سیاسی مستقل اختصاص یافته است و در فصل چهارم: به نقش عوامل قومی، زبانی و مذهبی و اهمیت خاص آنها در پیوند ایران، ترکیه و روسیه با آسیای مرکزی پرداخته شده است. در فصل پنجم: ضمن بررسی عوامل نظامی از نظر ایران، ترکیه و روسیه نگرانی‌های عمده نظامی ـ امنیتی در کشورهای مذکور مورد توجه قرار گرفته است. در فصل ششم به نقش و اهمیت عوامل اقتصادی، فرصتها و چالشهای اقتصادی و سیستم اقتصاد داخلی کشورهای آسیای مرکزی اختصاص یافته است. نویسنده در فصل هفتم با ترسیم مجموعه امنیتی آسیای مرکزی نتیجه‌گیری می‌کند که مدارک حاکی از آن است که موفقیت در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی ـ نظامی برای کسب برتری و نفوذ در منطقه ضروری است اما عوامل اجتماعی نیز موفقیت هر یک از این رقبا را استحکام بیشتری می‌بخشد.

* جرج نادر، «ایران، امریکا و خلیج فارس، نهادهایی برای بسط امنیت خلیج فارس»، ترجمه: باقر نصیری، نقل از کتاب «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۳، چ اول، ۵۲۱ص

نویسنده با توجه به نقش ایران و ایالات متحده در برقراری نظم و امنیت در خلیج فارس با توجه به منافع حیاتی دو کشور بر آن است که یک گفتگوی سازنده بین ایران و ایالات متحده احتمالاً به کمک دیگر گروههای منطقه به جلوگیری از سوء تفاهماتی که عامل افزایش بحران هستند کمک می‌کند.

* دُرّه میرحیدر، «ایران در وضعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، سال ۱۳۷۳

با توجه به موقعیت استراتژیکی ایران، نویسنده اعلام می‌دارد که هر عاملی که تمامیت ارضی ایران را در خلیج فارس مورد تهدید قرار می‌دهد باید به منزله تهدید علیه امنیت کل منطقه خلیج فارس و راههای صدور نفت و گاز به خارج تلقی گردد.

* محمد الرمیحی، «ایران و پیچیدگی‌های امنیت خلیج فارس»، ترجمه: ع. باقری، هفته نامه ترجمان سیاسی، سال سوم، شماره ۱۴۶، ۱۳۷۷

نویسنده با اشاره به نقش ایران در حفظ امنیت خلیج فارس معتقد است که مشارکت مثبت ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس همواره با دو مشکل مواجه بوده است: ۱)موضع سرسختانه عراق در برابر ایران، ۲) نظرگاه قومی ایران.

* هوشنگ امیراحمدی، «ایران و خلیج فارس دیدگاهها و مسائل استراتژیک»، مترجم: جمشید زنگنه، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۶۵۹

نویسنده بر آن است که در دوره پس از جنگ سرد چند موضوع استراتژیک در صحنه بین‌المللی نمایان شده‌اند که به احتمال زیاد پویایی پیچیده آنها موقعیت ایران را بعنوان بازیگر برتر در خاورمیانه تحت تأثیر قرار خواهد داد. در منطقه خلیج فارس این پرسش‌ها عبارتند از: نقش مداخله‌گرایانه قدرتهای بزرگ؛ روابط ایران با جهان عرب؛

مسابقه تسلیحاتی؛ جنبشهای اسلامی؛ سیاست نفت؛ امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای؛ عوامل ملی چون (رشد جمعیت و اقتصاد)؛ و نهایتاً نویسنده اظهار می‌دارد که بدون ارزیابی موضوعهای مزبور و پذیرش آنها از سوی همه دست‌اندرکاران منطقه آینده‌ای ستیزه‌گرانه و نسبتاً تاریک در انتظار خلیج فارس خواهد بود.

* کمال خرازی، «ایران و نظام جهانی پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵، سال اول، شماره ۴ و ۳، ص ۲۴ تا ۳۱.

نویسنده در این مقاله از منظر یک سیاستمدار به ارزیابی کلان از وضعیت سیاسی جهان پس از جنگ سرد می‌پردازد و جایگاه ایران را در آن تشریح می‌نماید. نگارنده معتقد است هر چه از زمان پایان جنگ سرد دورتر می‌شویم این واقعیت نمایان‌تر می‌شود که این پایان استقرار نظم نوینی را به دنبال نداشت؛ نظم نوینی که در آن صلح و امنیت و آسایش فراگیر خواهد بود. نظم جهانی پس از جنگ سرد قطعاً بسوی یک قطبی شدن پیش نمی‌رود. ایران تا کنون در جهت بهبود امنیت منطقه، پیشنهادهایی را مطرح کرده است: ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاحهای کشتار جمعی در خلیج فارس، تعیین سقف هزینه‌های تسلیحاتی در منطقه و ایجاد ترتیبات و نهادهای منطقه‌ای از جمله این پیشنهادها بوده‌اند.

* کیهان برزگر، «ایران، همسایگان شرقی و امنیت مرزهای مشترک» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۷، شماره ۴، سال پنجم، ۱۹۹ ص.

این نوشتار تمرکز اصلی را بر روی مساله تاثیر فروپاشی شوروی بر تقویت گرایشهای استقلال خواهانه در مرزهای شرقی ایران و خطرات آن بر امنیت ملی ایران و کشورهای همسایه شرقی، گذاشته است. بدین ترتیب تقویت گرایشهای استقلال‌خواهی قومیت‌ها در کشورهای همجوار ایران، امنیت کشور را با آسیب پذیری جدی مواجه ساخته است.

* بحران افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (میزگرد علمی) فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، پیش شماره ۲، ص ۳۰۴ تا ۳۱۰.

این میزگرد با حضور آقایان خیرخواه سفیر افغانستان در ایران، زهره وند سرکنسول سابق جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف و اکبری مشاور تحقیقاتی وزارت دفاع برگزار گردید: ماهیت بحران فعلی افغانستان، پیش بینی تحولات آینده افغانستان.تهدیدات رشد طالبان در افغانستان برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، توقع جبهه متحد اسلامی افغانستان در شرایط فعلی از دول منطقه و سازمانهای جهانی و بالاخره روابط تهران واسلام آباد پس از بحران اخیر، عناوین اصلی و محورهای مورد بحث در این میزگرد می‌باشند.

* سید اصغر کیوان حسینی، «پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۶، سال پنجم شماره ۴ و سال ششم ش ۱، شماره مسلسل ۲۰ ـ ۲۱، ص ۳۲ تا ۵۴، فصلنامه

تاریخ روابط ایران و افغانستان، همواره از فراز و فرودهای فراوانی برخوردار بوده است. در این زمینه بحران کنونی در افغانستان که بدلیل اشغال نظامی این کشور توسط شوروی (سابق) آغاز شد و در طول حیات خود در دو دهه گذشته مقاطع گوناگونی را پشت سر گذاشته، پیامدهای مختلفی را متوجه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران ساخته است. چون بحران مذکور به صحنه تقابل سیاستهای منطقه‌ای و جهانی کشورهای ذینفع تبدیل شده است، تبعات امنیتی آن بیش ازگذشته شایسته توجه است. در این مقاله ضمن تاملی کوتاه بر ابعاد نظری شاخص‌های امنیت ملی در جهان سوم و با عنایت نظری کلی بر مقاطع بحران مزبور، تبعات این بحران بر ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرارگرفته است.

* ابراهیم متقی، «تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۶، سال پنجم، شماره ۲، شماره مسلسل ۱۸، ص ۶۹ تا ۹۶، فصلنامه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و اسرائیل کاملاً دگرگون شد.این مقاله

توان و قابلیت نظامی آن کشور، تاثیرات موارد فوق بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران و نوع تهدیدات اسرائیل را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این باره تهدیدات فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش‌های مهم مقاله عبارتند از: ماهیت دولت و نظام سیاسی اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، توان و قابلیت نظامی اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملّی جمهوری اسلامی ایران؛ نوع تهدیدات و چگونگی بکارگیری آن علیه منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران.

* ابومحمد عسگرخانی، «تحلیلی بر بحران هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیرات آن بر امنیت اسلامی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۷، سال ششم ش ۲، ش م ۲۲، فصلنامه، ص ۱۴۵ تا ۱۵۵

در این نوشتار سعی بر آن است که موضوع بحران هسته‌ای شبه قاره هند، در چارچوب رژیم بین المللی امنیتی بررسی شود و آنگاه نظریه‌های موجود در این زمینه بررسی و تجزیه و تحلیل گردد. بر این اساس نگارنده ابتدا تعریفی از رژیم‌های بین المللی امنیت ارایه می‌دهد و آنگاه مکاتب مختلفی که از دیدگاه نظری در زمینه امنیت مطرح است را توضیح می‌دهد و بر این اساس به تجزیه و تحلیل بحران ایجاد شده و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

* میزگرد تحولات جدید ژئوپلتیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوی اسلامی ایران: فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۷، سال پنجم، شمار ۳ و ۲، شماره مسلسل ۱۴ و ۱۵، ص ۵ تا ۵۵.

شرکت کنندگان در این میزگرد عبارتند از: محسن امین‌زاده، محمدباقر حشمت‌زاده، علی شمخانی، حسین عظیمی و پیروز مجتهدزاده.

محور اصلی بحث امنیت ملی جمهوی اسلامی ایران و کانونهای بحران برای آن است. همچنین به نقش عراق در امنیت منطقه نقش انرژی در امنیت آینده منطقه خاورمیانه و وضعیت داخلی کشورها و تاثیر آن در امنیت ملی می‌توان اشاره کرد. مباحث از دو جنبه کاربردی و عملی برخوردارند.

* میزگرد تحولات جدید منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۷۴، سال دوم شماره ۴، ش م ۷، ص ۹۱۷ تا ۹۵۸.

در این میزگرد تاثیر پذیریها و اثرگذاریهای متقابل تحولات منطقه خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است. شرکت کنندگان عبارتند از: داریوش اخوان زنجانی، دریادار شمخانی، حمید شهرستانی، سعیده لطفیان، علی معنوی، محمود واعظی و فریدون وردی نژاد. ارزیابی روندهای سیاسی ـ استراتژیک خاورمیانه و نقش قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا و روسیه در این زمینه، تعیین کننده اصلی سیاست خلیج فارس و اقداماتی که ایران در این زمینه می‌تواند انجام دهد، با عطف نظر به امنیت ملی جمهوی اسلامی ایران از محورهای اصلی مورد بحث در این میزگرد می‌باشد.

* مرتضی شمس، «تهدیدهای نظامی، امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷ ص ۱۷۱ تا ۱۹۳.

مقاله حاضر به ماهیت، ابعاد و پیامدهای تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. اسرائیل به دلیل داشتن منابع مالی فراوان وحمایتهای سیاسی ابرقدرتها و همچنین برخورداری از سلاح هسته‌ای و تکنولوژی پیشرفته، به منزله یک تهدیدبرای کشورهای منطقه و به خصوص ایران مطرح می‌باشد. نویسنده مقاله در پایان به این نکته اشاره می‌کند که: برای جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت توسعه طلبانه و ضد اسلامی رژیم صهیونیستی چاره‌ای جز دستیابی به ابزار مقابله به مثل که موجبات ایجاد تعادل در موازنه منطقه‌ای قدرت را فراهم می‌آورد، وجود ندارد.

* پیروز مجتهدزاده، «جایگاه ایران در ترتیبات امنیتی خلیج فارس و آینده سیاسی مرکزی»، (گفتگو) ماهنامه ایران فردا، سال سوم، ۱۳۷۳، شماره ۱۵

در قسمت اول این گفتگو، دکترین نیکسون در مورد امنیت خلیج فارس و نقش ایران در آن و همچنین مساله جزایر سه گانه مطرح می‌شود. در قسمت بعد به نقش آمریکا در امنیت خلیج فارس و جایگاه ایران از دیدگاه امریکاییها پرداخته می‌شود. امریکا به این توجه می‌رسد که بدون حضور ایران امنیت واقعی در این منطقه شکل نخواهد گرفت

* محمدعلی امامی، «جمهوری اسلامی ایران و مسأله تأمین امنیت در خلیج فارس» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات پنجمین سمینار مسائل خلیج فارس»، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۲۹۴ ص، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۶۵

نویسنده با گذری کوتاه بر اهمیت منطقه و تحولات منطقه‌ای و جهانی بویژه حمله عراق به کویت به بررسی تأثیر این پدیده یعنی (جنگ خلیج فارس) می‌پردازد. این جنگ دارای این پیامدهابود: اول اینکه دلالت بر اهمیت اقتصادی و استراتژیکی منطقه داشت. دوم اینکه حضور بیگانگان در منطقه بویژه آمریکا را در پی داشت و سوم اینکه موجب ایجاد مشکلات امنیتی برای کشورهای شورای همکاری (بویژه استقرار نیروهای نظامی کشورهای بیگانه در این کشورها و قراردادهای امنیتی ـ سیاسی باکشورهای مزبور) شد. نویسنده در ادامه به بررسی مشکلات امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و عراق؛ تضاد نقشها و بی‌ثباتی منطقه و دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در مورد امنیت خلیج فارس می‌پردازد و اظهار می‌دارد که اشتراک منافع ایران و اعراب خلیج فارس در نظام جدید جهانی مستلزم آن است که این کشورها با فکر دربارهٔ منافع ملی خود، همکاریهای لازم را به عمل آورده و از دنباله‌روی سیاستهای بیگانه اجتناب نمایند. جهت تشکیل یک نظام امنیتی در منطقه، شرکت ایران و عراق وکشورهای عربی جنوب خلیج فارس ضروری است. این نظام امنیتی بهتر قادر خواهد بود تا صلح و ثبات را در منطقه ایجاد نماید تا راه حلهای «نظام تک قطبی یا موازنه‌ای منطقه‌ای» که کار را به رقابتهای نظامی می‌کشاند.

* شاپور میلان، «حاکمیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ»، «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات امورخارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ص، ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۵۱۱

نویسنده به بررسی تاریخی حاکمیت ایران بر سه جزیرهٔ مزبور و قرارداد ابوموسی پرداخته است و نهایتاً اظهار می‌دارد که با گذشت ۲۳ سال از قرارداد ابوموسی، طرح اختلافات مرزی نه فقط کاری نابخردانه است بلکه امنیت منطقه را نیز در زیر چتر حمایتی امریکا قرار می‌دهد. حاکمیت مطلق جمهوری اسلامی ایران بر سه جزیره

مذکور خدشه‌ناپذیر بوده و با طرح چنین دعاوی نه فقط بحران بعد از جنگ کویت لاینحل می‌ماند بلکه بحران دیگری نیز در منطقه به وجود می‌آید که احتمال آنکه امنیت منطقه را در خطر جدی قرار دهد، وجود دارد.

* نادر انتصار، دکترین نظامی آمریکا پس از جنگ سرد «کاربرد در مورد ایران» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس،» موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۵، ۴۳۸ ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول ص ۳۰۷

این مقاله به بررسی انتقادی برخی از موضوعات نظامی و امنیتی پرداخته است که بر روابط آمریکا با جهان سوم به طور اعم و با ایران به طور اخص تاثیر گذاشته و خواهد گذاشت. تحولات در نظام بین‌الملل بویژه پایان جنگ سرد و فروپاشی تاثیر شوروی و آغاز جهان تک قطبی موجب تغییر در روابط شمال ـ جنوب گردید و مسایل «امنیتی» مهمتر از «توسعه» مورد توجه قرار گرفته است و کشورهای جهان سوم در حال حاضر از مناطق خطر محسوب می‌شوند. تحول مذکور در سناریوهای متعدد جنگی آمریکا که در آن دشمنان جهان سومی شرکت داشته‌اند منعکس گردیده است. در این سناریوها استفاده از سلاحهای «متعارف» و در شرایط اضطراری و بحرانی سلاحهای «هسته‌ای» به عنوان عامل باز دارنده مطرح می‌باشند.

* ریچارد اسکافیلد، «شورای همکاری خلیج فارس و ایران» سرزمین مورد منازعه، مترجم: رضا ملک محمدی نوری، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات چهارمین سمینار مسائل خلیج فارس» موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ۵۴۷ ص، ۱۰۰۰ نسخه، چ اول، ۹۰۰۰ ریال، ص ۲۳۲

نویسنده در وهله نخست برخی از منازعات ارضی میان دولتهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همسایگان آنها و نیز منازعات موجود در میان خود دولتهای عضو را پیش از مارس (۱۹۹۱) مورد بررسی قرار داده است و پس از آن به بازنگری اقدامات مربوط به منازعات مرزی و ارضی میان دولتهای عضو شورای همکاری و [خلیج فارس] و همسایگان آنها و منازعات موجود میان خود دولتهای عضو پرداخته

است. (اختلاف ایران ـ عراق و شط‌العرب [اروند رود])، (تعیین حدود در مرز عراق و کویت)، (احیای منازعه ایرانی، عربی بر سر جزایر تنب و ابوموسی)، (بن بست بر سر جزایر حوار) و... از جمله این منازعات می‌باشد.

* سهراب شهابی، فریده فرهی، «ملاحظات امنیتی و سیاست خارجی ایران»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، سال نهم، ش اول، ص ۳۹ تا ۵۶، فصلنامه

نوشتار حاضر مقدمه‌ای است در باب آنچه که باید به عنوان ملاحظات مشروع امنیتی دولت ایران مطرح شود. در این باره سه حوزه مشخص و در عین حال مرتبط ارایه داده می‌شود: ۱ـ بی‌ثباتی منطقه‌ای که با فروپاشی نظام دوقطبی و تاثیرات جنگ دوم خلیج فارس به وجود آمده است: ۲ـ نظامی گرایی شدید منطقه: ۳ـ آسیب‌پذیری اقتصادی.

در زمینه توضیح ملاحظات امنیتی دولت ایران، بر نظریه‌هایی که درک صرفاً ژئوپلتیک این مفهوم و جدایی سیاستهای داخلی و جهانی وارد می‌کند تکیه شده است و در عین حال تهدیدات داخلی نسبت به ساختار دولت، علاوه بر طرقی که نظام بین المللی بر امنیت ایران اثر می‌گذارد مورد تاکید قرار گرفته است.

* عبدالجلیل مرهون، «مناسبات ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، پژوهشی در متغیر امنیتی» به نقل از کتاب «مجموعه مقالات ششمین سمینار مسائل خلیج فارس» عباس خادم حقیقت تهران، موسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۴۳۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۷۵، ۱۲۰۰۰ ریال، ص ۱۸۸

نویسنده اظهار می‌دارد که اگر «بی ثباتی» شاخص مناسبات طی ربع قرن اخیر بوده است، دلیل این امر عمدتاً به نوسانات عوامل امنیتی و تأثیر منفی آن بازمی گردد: اول مضمون منفی در بعد روش؛ طرفهای ذینفع به مفهوم نظامی محض یا شبه محض در امنیت خلیج فارس در سطوح محلی و منطقه‌ای توجه دارند. حاکمیت این مفهوم نقش بسزایی در فرسایش منابع مالی منطقه و سرازیر شدن آن بسوی صادرکنندگان سلاح در جهان داشته است. دوم: بعد دوم در بعد روش، در این مورد، اصولاً کشمکشها ماهیت

جدلی محض داشته در این میان روش امنیتی و ضعف ارتباطات فیمابین بر کشمکشهای مذکور افزوده است و سوم: متغیر خارجی؛ بطور مشخص آمریکا در میان ابعاد سه گانه دینامیسم بیشتری داشته و به همان اندازه بر فضای امنیت منطقه‌ای داده‌های منفی بیشتری بر جای گذاشته است.

نویسنده با توجه به ابعاد سه گانه فوق‌الذکر روابط ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

* علی‌اکبر ولایتی، «نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه‌ای»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۷۵، سال پنجم، شماره ۱۳، ص ۱۱، فصلنامه

در قسمت اول نویسنده، به نتایج پایان جنگ سرد در ساختار روابط بین‌الملل می‌پردازد، در همین زمینه از بین رفتن کمونیسم کشورهای جدیدی را وارد صحنه روابط بین‌الملل کرد. وی اشاره می‌کند که تصور می‌شد با پایان جنگ سرد، جنگها و منازعات منطقه‌ای پایان پذیرد اما چنین نشده است. در قسمت بعد نویسنده تلاش می‌کند تا جواب این مسأله را بیابد، در قسمت آخر نوشتار، نویسنده نقش جمهوری اسلامی ایران در ایجاد و حفظ امنیت منطقه‌ای (امنیت خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

* زهرا احمدی‌پور، «همکاری منطقه‌ای پیش شرط توسعه و امنیت ملی ج.ا.ا.»، به نقل از کتاب «توسعه و امنیت عمومی» ویراستار: حسین مصلحتی کوچصفهانی، انتشارات معاونت امنیتی ـ انتظامی، وزارت کشور، سال ۱۳۷۶، ج ۲، چ اول

نویسنده تاکید می‌کند که امنیت ملی جزء جداناپذیر صلح و ثبات و امنیت منطقه را تشکیل می‌دهد. بعلاوه در یک منطقه نا امن هیچ کشوری نخواهد توانست از ثبات و امنیت کافی برخوردار گردد و احتمال رشد و توسعه اقتصادی یک دولت در یک منطقه بحرانی بسیار بعید می‌نماید.

ایران» استادان راهنما و مشاور هوشنگ مقتدر، چنگیز پهلوان، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۳، ۱۷۶ ص

پایان نامه مذکور مشتمل بر شش فصل است:
فصل اول به بررسی مفهوم بحران می‌پردازد؛ (شناخت تعاریف، ریشه‌یابی بحران، تدبیر و ادارهٔ بحران، آثار و نتایج بحرانها). فصل دوم به بررسی امنیت و امنیت ملی اختصاص دارد؛ (بررسی تعاریف و ویژگیهای امنیت، شناخت مفهوم امنیت ملی، ویژگیهای امنیت ملی، عوامل تهدید کننده امنیت ملی). فصل سوم جغرافیای سیاسی و پیشینه تاریخی قفقاز را مطالعه می‌کند. فصل چهارم بحران قفقاز را تجزیه و تحلیل می‌کند و در فصل پنجم بازتاب بحران قفقاز بر امنیت ملی ایران را توضیح می‌دهد؛ ۱) تأثیر بحران بر نیروهای درونی ایران. ۲) نقش و رسالت ایران در قبال تحولات قفقاز. ۳) اهمیت قفقاز برای ایران و فصل ششم نیز به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نویسنده بر آن است که فروپاشی شوروی و بحران قفقاز بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های نظامی، سیاسی ـ اقتصادی و اجتماعی تأثیر خواهد داشت و می‌تواند منبع ناامنی در آینده باشد. اگر ایران با درایت و تدبیر به مسأله نیندیشد، عمده‌ترین تهدیدی که متوجه امنیت ملی ایران است بی‌ثباتی مرزها و عدم کنترل جریانات متشکل جدید در منطقه و نفوذ و سرایت به درون ایران و افزایش نابسامانی اجتماعی و سیاسی را موجب می‌گردد.

* محمدحسین مصلی نژاد، «ساختار امنیتی خلیج فارس در پرتو نظم نوین جهانی باتکیه بر ایران» (پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته)، استاد راهنما: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، استادان مشاور: عبدالعلی بیگدلی و اسعد اردلان، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۷۷، ۲۷۳ ص

پایان نامه شامل یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد، عناوین فصول به ترتیب عبارتند از: تعیین نظم نوین جهانی، جهان در نظم نوین خلیج فارس ونظم نوین جهانی و نتیجه‌گیری. در فصل چهارم که با عنوان «نتیجه‌گیری» مطرح شده است، نویسنده در مورد تقابل انقلاب اسلامی ایران و موضعگیریهای ایالات متحدهٔ آمریکا، چگونگی

شکل‌گیری نظامهای امنیتی در خلیج فارس و دیدگاههای آمریکا در این خصوص و چگونگی ایجاد موانع در راه تحقق استراتژی آمریکا در این منطقه، مطالبی را عنوان کرده است.

این پایان نامه اهمیت و جایگاه استراتژیک و ژئوپلتیک خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان در برههٔ حساسی از زمان یعنی شکل‌گیری قدرتهای جهانی در ابعاد گسترده را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق تاریخی ـ تحلیلی است.

در فصل اول ضمن اشاره به سیستم بین الملل بعد از جنگ جهانی دوم، حاوی مباحث مفهومی و ترمینولوژی در خصوص موضوع رساله است. فصل دوم اهداف و عملکرد نظم نوین جهانی در عرصه روابط بین الملل را بیان می‌کند و فصل سوم تأثیرات اهداف و عملکرد نظم نوین جهانی و تبلور عینی این نظم را در خصوص آبراه خلیج فارس مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم

امنیت بین المللی

فصل اول

مفاهیم نظری

* گاستن بوتول، «تتبعی در ستیزه‌شناسی» ترجمه: حسن پویان، تهران، ۱۳۶۴، ۲۵۴ص، یک جلد، چ اول، ۴۵۰ ریال،

کتاب مشتمل بر یک مقدمه از مترجم و چهارده فصل می‌باشد: فصل اول: ستیزه‌شناسی چگونه علمی است؛ فصل دوم: چرا ستیزه‌شناسی؛ فصل سوم: مسائل خلع سلاح بعد از ۱۹۴۵؛ فصل چهارم: لمس ریشه‌های رفتار تهاجمی؛ فصل پنجم: از تهاجم گرایی تا دشمنی؛ فصل ششم: جنگ و جوامع؛ فصل هفتم: ادراکات تازه درباره خطرها؛ فصل هشتم: ادواری بودن جنگها؛ فصل نهم: خلع سلاح و جمعیت‌شناسی؛ فصل دهم: آمریت قدرتمندانه بین المللی و سلاحهای هسته‌ای؛ فصل یازدهم: توهمات صلح‌خواهی؛ فصل دوازدهم: صلح خواهی فونکسیونل و خلع سلاح جمعیتی؛ فصل سیزدهم: کمک ستیزه‌شناسی بر حل و فصل مناقشات؛ فصل چهاردهم: تحولات اخیر ستیزه‌شناسی و مجموعه جدیدی که مورد اعتنای آن است.

نویسنده با بررسی عوامل ژئوپلتیکی (چون خطوط جداکننده و خطوط موجهه‌ای)، عوامل تناوب تاریخی (چارچوبهای زمانی و مکانی)، ساختار جمعیتی چون، (تراکم جمعیت، انبوهی توده، ترکیب جمعیتی)، ساختارهای اقتصادی و نوسان در ارزشهای صلح و خشونت دسته جمعی، سعی در توضیح پدیده ستیزه‌شناسی (یعنی جنگ، خشونت و تهاجم گرائی) دارد. بعلاوه نویسنده در فصل سوم اظهار می‌دارد که بزرگترین مشکلی که مسئله خلع سلاح با آن برخورد می‌کند این است که بحث کردن راجع به خلع

سلاح کماکان در همان چارچوب ذهنیتی و جامعه‌شناسانه‌ای صورت می‌گیرد که در دورترین ادوار تاریخ بشر صورت می‌گرفته است.

* علی باقری کبورق، «جنگ و استراتژی»، تهران، مرکز نشر بین‌الملل، ۱۳۷۰، ۴۹۰ ص، ۴۵۰۰ نسخه، چ اول، ۲۷۵۰ ریال

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر یک مقدمه و نه بخش می‌باشد.

بخش اول مشتمل بر ۳ فصل می‌باشد: در فصل اول مفهوم و چارچوب جنگ، در فصل دوم جنگ از چند دیدگاه مختلف و در فصل سوم محدوده تاریخی و اجتماعی جنگ بررسی می‌گردد.

بخش دوم مشتمل بر ۸ فصل می‌باشد، در فصل نخست انواع جنگ، در فصل دوم تحول در جنگ زمینی در فصل سوم استراتژی جنگهای روانی، در فصل چهارم جنگهای چریکی، در فصل پنجم استراتژی جنگهای انقلابی، در فصل ششم جنگ چریکی از دید مائو، در فصل هفتم جنگ شمیایی و در فصل هشتم استراتژی جنگهای دریایی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش سوم مشتمل بر چهار فصل می‌باشد که مباحثی چون، اصول و ارکان جنگ در فصل اول، ارکان جنگ در فصل دوم، حقوق و تاریخ جنگ در فصل سوم، و تاریخ جنگ در فصل چهارم، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش چهارم که شامل چهار فصل می‌باشد. در فصل اول استراتژی و تاکتیک، در فصل دوم نظر استالین در مورد استراتژی و تاکتیک در فصل سوم انواع استراتژیهای سیاسی و در فصل چهارم «اجتناب» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش پنجم مشتمل بر پنج فصل می‌باشد و آراء و نظریات صاحبنظران نظامی چون ناپلئون، کلاوزیتس، فردریک کبیرو... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش ششم با عنوان «جغرافیا و جنگ» در سر فصل به رابطه استراتژی و جغرافیا، نظریات جدید در جغرافیای سیاسی و... اشاره شده است.

بخش هفتم با عنوان «استراتژی و جنگ در شوروی» در پنج فصل ارایه گردیده است که به استراتژیهای «دومینو» از جنگ اول تا دوره گورباچف اشاره می‌شود. در

بخش هشتم با عنوان «استراتژی آمریکایی» در دوران معاصر در چها فصل ارایه گردیده است و در این میان به جنگ هسته‌ای از دید آمریکا، نیز اشاره شده است و همچنین سیاست بازدارندگی و تأثیرات آن بر استراتژی اتمی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش نهم که به برخی اصطلاحات نظامی ـ سیاسی اشاره شده است و توضیحاتی دربارهٔ آنها ارایه گردیده است.

* الوین تافلر و هایدی تافلر، «جنگ و ضدجنگ»، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۷۲، ۳۹۲ص، ۳۳۰۰ نسخه، چ اول، ۴۶۰۰ ریال

کتاب فوق‌الذکر شامل یک مقدمه از مترجم، یک پیشگفتار، شش بخش و بیست و پنج فصل می‌باشد. بخش اول: «برخورد»، بخش دوم: «مسیر پرتاب»، بخش سوم: «اکتشاف» که دربارهٔ پیشرفتهای نظامی و تغییر نوع جنگها سخن می‌گوید. بخش چهارم: «دانایی»، بخش پنجم: «خطر» بخش ششم: «صلح» که به بررسی انواع صلح و نوع بعدی صلح و... می‌پردازد.

بطور کلی کتاب مذکور «تحولات جنگ» را مورد بررسی قرار داده که این تحولات را در چند محور می‌توان بصورت زیر خلاصه کرد: ۱) آگاهی روزافزون فعالیتهای نظامی به تکنولوژی ارتباطی ـ اطلاعاتی ۲) حذف عامل انسانی از عملیاتهای جنگی ۳) حذف خونریزی و کاهش تلفات انسانی ۴) اهمیت روزافزون فرماندهی عملیات ویژه و عملیات فضائی در ارتش ۵) اهمیت فراوان رسانه‌ها ۶) این که در آینده به جای جنگهای بزرگ، جهان با جنگهای پراکندهٔ کوچک بیشتر از نوع «قومی ـ مذهبی» مواجه خواهد شد، از طرف دیگر کتاب بر دو نکتهٔ دیگر تأکید دارد، اول اینکه دو حوزهٔ اقتصاد و نظامی یا به عبارتی جنگ و تولید ثروت بیش از پیش به یکدیگر نزدیک می‌باشند. دوم اینکه قدرت نظامی در آینده در دست کشوری است که دارای بالاترین ظرفیت صادراتی باشد. نویسنده در بخش پایانی کتاب اظهار می‌دارد بحرانی که امروزه جهان با آن مواجه است، نبود صلحی است که با شرایط نوین نظام جهانی و واقعیتهای جنگ موج سومی تطبیق داشته باشد.

* جیمز گودبای، «درگیریهای منطقه‌ای و تلاش برای همکاری آمریکا و روسیه، به نقل از کتاب «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی» کتابخانه دانشکده اطلاعات تهران ـ دانشکده اطلاعات ـ ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰نسخه، چ اول، ۳۵۰۰ ریال، ص ۱۴۳

کتاب مشتمل بر چهار بخش و ده فصل است:

بخش اول که دارای مقدمه، دو قسمت «موضوع» و «تقسیم‌بندی کتاب» است، نویسنده در این بخش به این مطلب اشاره دارد که درگیریهای منطقه‌ای، همکاریهای محدود آمریکا و شوروی را هم بطور مثبت و هم منفی تحت‌الشعاع قرار داده‌اند. بطور مثبت این درگیریها موجب همکاریهای آمریکا و روسیه به منظور جلوگیری از گسترش منازعات منطقه‌ای گردیده است و بطور منفی می‌تواند زمینه‌های رقابت و جدایی دو کشور را فراهم آورد. نویسنده با تقسیم‌بندی جنگهای منطقه‌ای به سه قسمت عمده یعنی الف) جنگهایی که در آنها از سلاحهای کشتار جمعی استفاده می‌شود. ب) جنگهایی که طرفین منافع استراتژیک، تاریخی یا اقتصادی مهم در دوران جنگ و پس از آن دارند. ج) جنگهایی که هیچ ضرری بر «آمریکا و شوروی» ندارد توصیه‌هایی را به کشور مزبور می‌نمایند. درجنگهای نوع اول: آمریکا و شوروی می‌توانند کنترل سلاحهای هسته‌ای را بدست گیرندو مانع از به کارگیری آن شوند. در جنگهای نوع دوم: جنگها را باید در جهت نظم نوین جهانی که مورد قبول طرفین باشد، سوق داد. در جنگهای نوع سوم: بایدتوان سازمانهای بین‌المللی جهت جلوگیری یا توقف جنگ را افزایش داد. بخش دوم: با عنوان «دیپلماسی جلوگیری ازوقوع جنگ در عصر فن‌آوریهای پیشرفته» دارای چهار فصل با موضوعات «زمینه‌های همکاری امنیتی آمریکا و شوروی در کشورهای در حال توسعه، عوامل مهم در نظام امنیتی شمال ـ جنوب، کنترل فن آوریهای نظامی بر هم زنندهٔ ثبات از راه ایجاد اعتماد،کنترل روند نظامیگری کشورهای رو به توسعه» می‌باشد. بخش سوم: باعنوان «محل انفکاک منافع آمریکا و شوروی و معضلات همکاریهای امنیتی این دو کشور» دارای چهار فصل با موضوعات «همکاریهای جهانی، منطقه‌ای و مشکل هماهنگ نمودن اهداف امنیتی امریکا و روسیه، مداخله در نظم نوین جهانی، و توسل به زور در آمریکای لاتین، خلیج فارس و اروپا» است. بخش چهارم با عنوان «سازمانهای امنیتی بین‌المللی» به مثابه ابزارهایی برای

همکاریهای دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، دارای یک فصل با موضوع «استفاده از سازمانهای جهانی» برای بعمل آوردن اقدام مشترک آمریکا و روسیه در جنگهای منطقه‌ای است. بخش چهارم به این سوال که سازمانهای جهانی تا چه میزان امکان برخورد مؤثر با جنگهای منطقه‌ای و جنگهای داخلی کشورهارا دارند؟ پاسخ می‌دهد و بر این نکته اشاره شده که آمریکاو شوروی باید توان سازمان ملل در برخورد با این گونه جنگها را افزایش دهند.

* ای.ف.ک.ارگانسکی، «سیاست جهان»، ترجمه: حسین فرهودی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۸، ۶۱۱ ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ دوم، ۳۴۰۰ ریال

کتاب شامل یک مقدمه و سه بخش است. بخش اول با عنوان «واحد عمل ملت» شامل: ملت، ملت پرستی، هدفهای ملی، عواملی که هدفهای ملی را بوجود می‌آورند، ماهیت قدرت ملی، سرچشمه‌های طبیعی که قدرت را به وجود می‌آورد، مبانی اجتماعی قدرت و راه وصول به قدرت می‌باشد. بخش دوم با عنوان «روابط بین‌المللی» شامل مباحث استعمار، چهرهٔ تازهٔ استعمار، تبعیت اقتصادی و استعمار، موازنه قدرت، انتقال قدرت و فن اداره کردن روابط بین‌المللی می‌باشد. بخش سوم با عنوان سازمانهای بین‌المللی شامل: امنیت دستهٔ جمعی، زمینه‌ها و سازمانهای بین‌المللی می‌باشد. هدف کتاب ارایه چارچوب و اصولی برای سنجش و درک روابط میان ملل است. نویسنده در فصل یازدهم با عنوان «موازنه قدرت» یکی از ابزارها و راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی راکه نظریه موازنه قوا می‌باشد توضیح می‌دهد. همچنین در فصل چهاردهم به «امنیت دسته‌جمعی» به عنوان یکی دیگر از راهکارهای علمی حفظ امنیت بین‌المللی می‌پردازد. در این فصل نویسنده مفهوم امنیت دسته جمعی و فرضیه‌های آن همچنین رابطه آن با نظام بین‌المللی و سازمانهای بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین در فصل شانزدهم نویسنده جامعه ملل و سازمان ملل متحد را بعنوان ابزارهای دیگری برای حفظ امنیت مطرح کرده مورد بررسی قرار

* هانس جوکیم مورگنتا، «سیاست میان ملتها (تلاش در راه صلح و قدرت)»، ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده، تجدیدنظر: کنت دبلیو تامیسون، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ۱۰۴۹ ص، ۲۵۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۵۵۰۰ ریال

کتاب از: مقدمه پروفسور تامیسون بر ترجمه فارسی، مقدمه مترجم، پیشگفتار و ده بخش به همراه ضمائم که شامل: منشور سازمان ملل متحد، واژه نامه، کتابشناسی، فهرست راهنمای تاریخی دربارهٔ نویسندگان می‌باشد، تشکیل شده است.

این کتاب یکی از مهمترین آثار کلاسیک در روابط بین‌الملل است و به گفته خود مورگنتا یک «تئوری واقع‌گرا» از روابط بین‌الملل است. هدف کتاب ارایه نظریه‌ای در سیاست بین‌الملل است. عناوین فصول کتاب به ترتیب عبارتند از: نظریه و عملکرد در عرصهٔ سیاست بین‌الملل، سیاست بین‌الملل به عنوان مبارزه‌ای در راه کسب و حفظ قدرت، قدرت ملی، محدودیتهای قدرت ملی، موازنه قدرت، محدودیتهای قدرت ملی، اخلاق بین‌المللی و افکار عمومی جهانی، محدودیتهای قدرت ملی، حقوق بین‌الملل، سیاست بین‌الملل در جهان معاصر، مسأله صلح: صلح از طریق ایجاد محدودیت، مسأله صلح از طریق تحول، مسأله صلح: صلح از طریق مدارا. نویسنده فصل بیست و چهارم کتاب خود را که قسمتی از بخش هشتم را شامل می‌شود مشخصاً به مفهوم امنیت اختصاص می‌دهد. همچنین در بخش هفتم به تئوری موازنه قوا که به عنوان یکی از راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، پرداخته می‌شود. همچنین مباحثی چون خلع سلاح، سازمان ملل متحد، دیپلماسی، دولت جهانی و تغییر مسالمت‌آمیز مطرح می‌شود که به عنوان راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند.

* و.ب.گالی، «فیلسوفان جنگ و صلح»، مترجم: محسن حکیمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ۲۰۸ ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ اول، ۲۷۰۰ ریال

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، شش فصل و یک یادداشت دربارهٔ کتابشناسی و پی‌نوشته‌ها است. نویسنده در فصل دوم به بررسی اندیشه‌های کانت در باب صلح پایدار، در فصل سوم و چهارم و پنجم به ترتیب به بررسی آراء اندیشمندانی چون کلاوزیتس، مارکس، انگلس و تولستوی می‌پردازد و در فصل پایانی نکاتی را یادآور

می‌گردد. بطور خلاصه کتاب مذکور به بررسی آراء فلاسفه مشارالیه در باب جنگ و صلح می‌پردازد.

* تی . دیومسیون، «قومیت و سیاست»، به نقل از کتاب گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، پژوهشهای اجتماعی - تهران، انتشارات بینش، ۱۳۷۵، ۲۸۸ص، ۵۰۰۰ نسخه، ۲ ج، ج دوم، ۲۰۸ ص

نویسنده در پی آن است تا توضیح دهد که سیاست قومی، علیرغم اینکه انتظار می‌رفت با جهانی شدن ارتباط و صنعتی شدن و نوسازی در کشورها از بین برود ولی امروز تجدید حیات نموده است و نویسنده تلاش دارد تا به سوالاتی چون «چرا قومیت همچون مرکزی قدرتمند همچنان در مباحث هویت سیاسی در جامعه جهانی معاصر، باقی مانده است ؟ چرا گسترش فرهنگ سیاسی جهانی به نهادهای اقتصادی در فرایند نوسازی کاهشی پیش‌بینی شده در زمینه اهمیت قومیت (در حوزه سیاست) را به دنبال نداشته است و حتی بالعکس احتمالاً نقش سیاسی آنرا تشدید هم کرده است؟ اشکال مختلف بسیج سیاست قومی کدامند؟ و چه عوامل ساختاری، فرهنگی و فردی باعث تفاوت در احتمال بروز، شکل و میزان مرکزیت یافتن کنش جمعی قومی می‌شود» پاسخ دهد.

* گزیدهٔ مقالات سیاسی - امنیتی، پژوهشهای اجتماعی - تهران، انتشارات بینش، سال ۱۳۷۵، ۲ جلد، چ اول

کتاب شامل مقالاتی با موضوع «سیاست - امنیت» می‌باشد.

* آندره بوفر، «مقدمه‌ای بر استراتژی»، مترجم: مسعود کشاورز، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، ۳۰۱ ص، ۳۰۰۰ نسخه، چ دوم، ۹۵۰ ریال

کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار، یک مقدمه از نویسنده، پنج فصل و یک فصل الحاقی است: فصل اول با عنوان «بررسی کلی هنر استراتژی» به بررسی مفهوم، هدف و منظور استراتژی، اصول و مبانی و انواع الگوی استراتژی، می‌پردازد. نویسنده در پایان اظهار

برخورد نظامی در آینده جلوگیری کرد و اما این نکته را هم نباید از نظر دور کنیم که استراتژی تنها یک وسیله برای بدست آوردن هدف است و چیزی بیش از آن نیست. در فصل دوم با عنوان «استراتژی نظامی سنتی» نویسنده به بررسی ابعاد گوناگون استراتژی سنتی می‌پردازد فصل سوم با عنوان «استراتژی هسته‌ای» به توضیح استراتژی هسته‌ای، تکوین و تکامل آن و... می‌پردازد، و نتایج متعددی را از این استراتژی بدست می‌دهد: ۱) استراتژی هسته‌ای بایستی در سطح استراتژی همه جانبه هدایت شود ۲) استراتژی هسته‌ای، اندیشه‌های استراتژیکی قرن نوزدهمی را به کلی از میان برداشته است. ۳) امنیت بیشتر جنبه تجدیدی پیدا کرده است ۵) این استراتژی آزادی عمل در اعمال زور را محدودتر می‌نماید ۶) استراتژی بازدارندگی خودبخود، تکنیک و روشی برای حفظ صلح بوده است و در فصل چهارم، با عنوان «استراتژی غیرمستقیم» نویسنده به توضیح این استراتژی می‌پردازد. در استراتژی غیرمستقیم عوامل روانی و افزایش زمان از نقش بسیار مهمی برخوردار می‌باشند. در فصل پنجم با عنوان «نتایج کلی موضوع استراتژی» به نتایج موضوع استراتژی می‌پردازد و بالاخره در فصل الحاقی یا ششم با عنوان «بازدارندگی» به توضیح، تبیین و مسیر تکوین و تکامل بازدارندگی پرداخته می‌شود.

* والتر جونز، «منطق روابط بین‌الملل»، ترجمه: داود حیدری، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ۲۹۹ص، ۲۵۰۰ نسخه، چ اول، ۳۱۰۰ ریال

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر عناوین و فصول زیر است:

پس از مقدمه مترجم در فصل اول با عنوان «قدرت» نویسنده در این فصل به مباحثی چون، ماهیت قدرت، اجزاء تشکیل دهندهٔ آن، منابع طبیعی قدرت و... می‌پردازد. در فصل دوم با عنوان «توازن قدرت» نویسنده به معانی توازن قدرت، الگوی ساختاری توازن قدرت، توازن قدرت در نظام دوقطبی و چند قطبی، توازن قدرت منطقه‌ای و... می‌پردازد. فصل سوم توازن نظامی منطقه‌ای نام دارد. نویسنده در این فصل به توازن استراتژیک، موازنه متعارف (غیرهسته‌ای) و مباحث دیگری می‌پردازد. فصل چهارم به نام «توازن وحشت» نویسنده به دکترین بازدارندگی استراتژیک، خطر جنگ هسته‌ای، تکثیر سلاحهای هسته‌ای، جنگ هسته‌ای اتفاقی، وحشت ناشی از سلاحهای هسته‌ای

و... می‌پردازد. فصل پنجم با عنوان «علل اصلی جنگ» که به مباحثی چون عدم توازن، تحول قدرت، ملی‌گرایی، داروینیسم اجتماعی، مختل شدن ارتباطات بر اثر برداشت نادرست، مسابقهٔ تسلیحاتی و مسأله امنیت، محرومیت نسبی، تجاوزطلبی فطری و جامعه‌شناسی و... اشاره می‌کند. نویسنده در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که بسیاری از تئوریهایی که مورد بررسی قرار گرفت، بیانگر این واقعیت است که علل جنگ را می‌توان در دسیسه‌های بی منطقی و انگیزه‌های پنهانی و نفوذ قشر خاصی از نخبگان ریشه یابی کرد و این واقعیت تاریخی است که مردم هر یک از دو کشور متخاصم بطور آگاهانه و بدور از بی‌منطقی حاکم بر رفتار جمعیت از سیاست کادر رهبری کشور که دقیقاً محاسبه شده و تدوین یافته است حمایت می‌کنند. پژوهشگران علوم سیاسی در تلاش خود برای ریشه کن ساختن جنگ نباید روزهای کاملاً منطقی و عاری از دسیسه‌چینی را در زندگی اجتماعی که مردم صلح طلب را به انسانهای جنگجو تبدیل می‌کند، نادیده بگیرند. رفتار این گونه مردم است که هسته اصلی تئوری جنگ بعنوان وسیله‌ای منطقی برای فیصله مناقشه را تشکیل می‌دهد.

* علی‌اصغر کاظمی، «نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل: تجربه جهان سوم»، تهران، نشرقومس، ۱۳۷۰، ۲۳۷ص، ۳۳۰۰ نسخه، چ اول، ۱۶۰۰ ریال،

کتاب مزبور مشتمل بر شش فصل و فهرست منابع و مآخذ به این شرح است:
در فصل اول با عنوان «همگرایی سیاسی؛ مفاهیم و دیدگاهها» نویسنده به بررسی دیدگاههای متفکرین کلاسیک و معاصر و همگرایی در اندیشه اسلامی، می‌پردازد. فصل دوم باعنوان «همگرایی سیاسی؛ مبانی و ملاکها» به مباحثی چون ملاکهای وحدت در نظام بین‌المللی، سیستم همگرایی و واگرایی در روابط بین‌الملل، نیروهای همگرا و واگرا و... می‌پردازد. در فصل سوم با عنوان «همگرایی سیاسی، انگیزه‌ها و قالبها» نویسنده به اشکال گوناگون همگرایی و انگیزه‌های همگرایی اشاره می‌کند. فصل چهارم با عنوان «همگرایی سیاسی؛ علایق ملی و تنگناها»، به موانع و تنگناهای همگرایی سیاسی چون «وحدت ملی، حاکمیت ملی، ناسیونالیسم و حاکمیت ملی و مسئله همگرایی در جهان سوم»، می‌پردازد. در فصل پنجم با عنوان «همگرایی سیاسی؛ جهان

سوم و تجربه‌ها»، به تجربه کشورهای جهان سوم در طول قرن بیستم برای رسیدن به وحدت، اشاره می‌گردد. جنبش عدم تعهد، وحدت کشورهای اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه کشورهای آسیایی و... از چنین تجربه‌هایی می‌باشند که به آنها اشاره می‌شود. در فصل ششم با عنوان «همگرایی سیاسی در جهان سوم؛ آینده و امیدها»، نویسنده بر این عقیده است که از آنجایی که جهان سوم ساختار نامتجانسی دارد، فدرالیسم منطقه‌ای ممکن است بهترین راه برای همگرایی کشورهای جهان سوم باشد، زیرا در فدرالیسم کشورها به نحوی استقلال و حاکمیت و هویت ملی خود را حفظ می‌کنند و از سوی دیگر خود فدرالیسم نوعی تن دادن به دموکراسی و نفی استبداد است که خود می‌تواند به عنوان یک عامل «بازدارنده و تنظیم کننده» عمل کند.

* دانشکده اطلاعات، «نظم نوین ـ آرزوی تجدید ساختار سیاسی جهان»، تهران، ناشر: شرکت نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۷۱، ۲۱۷ ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۸۰۰ ریال

کتاب مشتمل بر یک مقدمه، سه فصل، نتیجه و یک ضمیمه (اظهارات بوش در جلسه معارفه رئیس جدید سیا) می‌باشد. این کتاب در صدد آزمون این فرضیه است که «آیا ملل جهان می‌توانند برای حفظ صلح و امنیت متکی بر نظم نوین جهانی باشند؟» این نوشتار در سه فصل کلی بیان شده است. فصل اول تحت عنوان «مفهوم نظم نوین جهانی» ضمن اشاره به سیستم بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم، حاوی مباحث مفهومی و ترمینولوژی در خصوص موضوع کتاب است و در آن زمینهٔ تاریخی نظم نوین و تعریف نظم نوین از سه دیدگاه ارزشی، ساختاری و اقتصادی بیان شده است. فصل دوم اهداف و عملکرد نوین جهانی در عرصه روابط بین‌الملل را با عنوان «جهان در نظم نوین» بیان می‌کند. تغییرات عمده در منافع استراتژیک و مسایل نظامی، تحولات و اتحاد در اروپا، استراتژی جدید ناتو، ساختار جدید سازمان ملل، آینده جنبش عدم تعهد و دیدگاه کشورهای جهان سوم در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل سوم که مهمترین بخش کتاب است، نقش سیستم‌های اطلاعاتی و اهداف و اولویت‌های آنها در نظم نوین مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان نیز نتیجه کلی مباحث بصورتی

منسجم ارایه خواهد شد. در قسمت نتیجه فرضیه مطرح شده در مقدمه کتاب مورد آزمون قرار می‌گیرد. در نتیجه کتاب، فرضیه مطرح شده نفی شده و نمرهٔ منفی می‌گیرد.

* ویپین گوپتا، «امنیت ملی و فروش تصاویر جدید ماهواره‌ای»، ترجمه: حمیدرضا بهزاد، مجله سیاست دفاعی سال پنجم، ۱۳۷۵، شمارهٔ اول، ص ۱۲۷، فصلنامه

در این مقاله برخی نکات مربوط به تقویت امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اثر ماهواره‌ها در برنامه‌ریزی دفاعی و لزوم قوانین مربوط به فروش تصاویر ماهواره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* مفهوم «امنیت و دفاع» در جهان نوین، مجله پیام انقلاب، ۱۳۷۴، سال شانزدهم، شماره ۳۴، ص ۲۰، دو هفته نامه.

نویسنده در این مقاله کوتاه به بررسی نوین دفاع و امنیت پس از جنگ سرد می‌پردازد. با فروپاشی کمونیسم در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق و پایان جنگ سرد در سطح روابط بین‌الملل، دیگر واژه تهدید نمی‌تواند جلوه‌ای خطرناک برای تهیه سلاح و ابزار جنگ بین کشورهای جهان محسوب شود ولی کشورهای جهان سالانه مبالغ هنگفتی صرف خریدهای تسلیحاتی می‌کنند. در قسمت دوم مقاله، نویسنده موضوع خرید تسلیحات نظامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده این مساله را زیانی بشری در سطح جهان معرفی می‌کند. نگارنده به دو کشور سوئیس و کاستاریکا به عنوان مصادیق و نمونه‌های عملی اشاره می‌کند.

* تد رابرت‌گر، «برخوردهای فرقه‌ای و امنیت جهان»، ترجمهٔ علیرضا محمدخانی، نشریه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، ۱۳۷۶، سال یازدهم، شمارهٔ ۸ و ۷، شمارهٔ مسلسل ۱۱۶-۱۱۵، ص ۵۴ تا ۵۹، ماهنامه

نویسنده معتقد است پس از پایان جنگ سرد، منازعه گروههای قومی با دولتها بزرگترین تهدید برای امنیت داخلی و بین‌المللی بوده است. نگارنده در این مقاله تلاش

زمینه فعالیت سیاسی پاسخ بگوید. اهم این پرسش‌ها عبارتند از: برای برقراری توازن میان علائق گروههای معارض در داخل دولتها چه رهیافتهایی به کار می‌آید؟ جایگاه کارکردی گروههای قومی در سیستم جهانی دولتها چیست؟ در دههٔ ۱۹۹۰ احتمال شدت یافتن منازعات قومی ـ سیاسی در کجا بیشتر است؟ آیا گرایش فعّالان قومی ـ سیاسی به سوی اعتراض است یا شورش؟ و...

* رضا سیمبر، «صلح و امنیت جهانی در آستانهٔ قرن بیست و یکم»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۶، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۳۴۹ تا ۳۶۶، فصلنامه

اگر امنیت را در این طیف گسترده معنا کنیم، مسائل امنیت بین‌المللی می‌تواند چیزی باشد که جامعهٔ بین‌المللی توان تصور آن را داشته باشد و سؤال اصلی این مقاله این است که جامعهٔ بین‌المللی چه واکنشهایی را می‌تواند نسبت به مسائل امنیتی اواخر قرن بیستم از خود نشان دهد؟ می‌توان این مسائل را به چهار گروه عمده تقسیم نمود: ۱. تهدیدهای در شرف تکوین ۲. اختلافات موجود ۳. منازعات مسلحانه ۴. سایر بحرانهای امنیتی پس از تعریف این تقسیم‌بندیها، انواع واکنش‌های جهانی مثل استراتژیهای صلح‌سازی، نگهداری، باز سازی و تحمیل صلح و اینگونه مسائل توضیح داده می‌شود. واکنشها در قبال این مسائل متفاوت است اما نظریه امنیت از طریق همکاری نظری است برای نیل به همه واکنش‌های ممکن در مقابل حل مسأله‌ای که جامعه جهانی با آن روبروست.

* لئونید اسکلیارف، «مسائل امنیت بین‌المللی و بازتاب آنها در آسیای مرکزی و قفقاز»، به نقل از «گزارش امنیت و سیاست خارجی در آسیای مرکزی» (سید رسول موسوی)، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (فصلنامه)، سال پنجم، دوره دوم، ش ۱۳

نویسنده در این مقاله به بحث و بررسی مسائل امنیتی در دو سطح منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد.

* هلگاهافندورن، معمای امنیت: نظریه‌پردازی و ایجاد قواعد در زمینهٔ امنیت

بین‌المللی، ترجمهٔ علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۱، سال ششم، ش ۴، ص ۱ تا ۳۰، فصلنامه

از مفهوم امنیت یک برداشت واحد وجود ندارد. امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی به مجموعه موضوعات متفاوتی اشاره دارند. نویسنده استدلال می‌کند که مفهوم امنیت بین‌المللی مناسب‌تر از هر مفهوم دیگر امور امنیتی امروز را توصیف می‌کند. وی با مفهوم امنیت ملی که بر روی امنیت یک کشور تأکید دارد و امنیت سایر دولتها را در نظر نمی‌گیرد به معارضه بر می‌خیزد. همچنین از مفهوم امنیت جهانی که فرض وجود تعریفی مشترک و جهانشمول از امنیت و مجموعهٔ مشترکی از ارزشها، قواعد و اصولی را در خود دارد که هنوز به منصهٔ ظهور نرسیده‌اند، انتقاد می‌کند. مقاله حاضر برخی مفروضات و پرسشهایی را که باید در پژوهشهای آینده در این باب روشن شوند، مشخص می‌سازد. در پایان نیز حوزه بررسی‌های امنیت بین‌المللی و رابطه آن با روابط بین‌الملل را بررسی می‌کند.

* لورنس فریدمن، «مفهوم امنیت»، نقل از کتاب گزیده مقالات سیاسی ـ امنیتی، پژوهشهای اجتماعی، انتشارات بینش تهران ـ ۱۳۷۵، چ اول، ج اول، ۳۵۴ ص، ص ۳۱۸

نویسنده در این مقاله به بررسی مفهوم امنیت، آسیب‌پذیری، امنیت ملی و بین‌المللی، سیاستهای امنیتی در دنیای جدید می‌پردازد و در بخش امنیت ملی و بین‌المللی میزانی از عدم امنیت را محصول اجتناب‌ناپذیر ماهیت سیستم بین‌الملل می‌داند و مسأله توازن قوا و امنیت دسته جمعی را در تأمین امنیت ملی و بین‌المللی ناتوان می‌داند.

* حسن روحانی، «نظم نوین جهانی و جایگاه اسلام در ژئوپلتیک فردا»، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۲، سال اول شماره ۵، ص ۱۴ تا ۲۳

این نوشتار شامل گفتگوی مجله مجلس و پژوهش با حسن روحانی، نائب رئیس [وقت] مجلس است که در قسمتی از آن

در سیستم بین‌المللی بحث شده است. آقای روحانی با اشاره به رشد چشمگیر تفکر دینی در پایان قرن جاری و تأکید بر اینکه آمریکا در اقتصاد و فرهنگ که دو رکن تحولات آینده جهان است حرفی برای گفتن ندارد، می‌گوید: «اسلام در آینده، به عنوان یک قدرت بسیار مهم و عظیم فرهنگی در جهان مطرح خواهد بود. روسیه و فرانسه و چین از نظر نظامی، ژاپن و آلمان از نظر اقتصادی رو به روی آمریکا خواهند بود و در عرصهٔ فرهنگ نیز اسلام به عنوان یک ابرقدرت فرهنگی در برابر آمریکا می‌ایستد.» در این مصاحبه، همچنین نظام توازن قوا در قرن آینده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

* ناصر ثقفی عامری، «نفت از دیدگاه استراتژیک»، به نقل از کتاب **مجموعه مقالات استراتژی و تحولات ژئوپلیتیک پس از دوران جنگ سرد**، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۳، چ اول، دانشگاه امام حسین(ع)، پژوهشکده علوم استراتژیک و علوم دفاعی

نویسنده در این مقاله به جایگاه نفت در صحنه استراتژیک، امنیت بین المللی آن، نهادهای نفتی بین‌المللی، اقدامات قدرتهای بزرگ درخصوص نفت، جهان سوم و... اشاره می‌نماید و برآن است که کشورهای «تولیدکننده و مصرف کننده نفت» هر دو بدنبال ثبات و امنیت در تجارت کالای نفت می‌باشند. کشورهای صنعتی مصرف‌کننده نفت به مکانیسمی احتیاج دارند تا توازنی در عرصه نفت به وجود آید و ثبات ایجاد شود و برنامه‌ریزی کلان و عمده اقتصادی آنها امکانپذیر گردد. از طرف دیگر کشورهای تولیدکننده نفت نیز برای طرحهای اقتصادی و عمرانی خود نیازمند ثبات درآمدهای حاصل از نفت هستند.

بدین ترتیب در اینجا بحث نوعی «گفتگو» یا مذاکره میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده ضروری به نظر می‌رسد.

* محمد لطفی، «امنیت بین‌المللی در پرتو تحولات پس از جنگ جهانی دوم»، استاد راهنما: سید اکبر احمدی، استادان مشاور: داود باوند و عبدالرضا هوشنگ مهدوی، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکدهٔ معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۷۲، ۴۲۹ ص.

پایان‌نامه شامل یک مقدمه و سه بخش است. بخش اول با عنوان «حوزه مفاهیم

امنیت بین‌المللی و سازماندهی آن» شامل دو فصل با عناوین: «کلیات و مباحث تئوریک»، «سازمان ملل متحد و ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم»، می‌باشد. بخش دوم: «کارویژه‌های امنیتی توسعه و تحدید تسلیحات». این بخش نیز شامل دو فصل با عنوان‌های ذیل است: ظهور نظام بازدارنده و تأثیرات امنیتی آن، خلع سلاح و کنترل تسلیحات. بخش سوم: «نظام بین‌الملل و رهیافتهای امنیتی آن»، این بخش نیز دو فصل دارد: «نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد» و «نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد.»

نگارنده بدنبال پاسخ به این سؤال اصلی و اساسی است که «سیستم امنیت بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم تاکنون بر پایه کدام عوامل و اساس استوارگشته و مکانیسم‌های موجود تا چه میزان، امنیت اعضای جامعهٔ بین‌الملل را مورد تأثیر قرار داده است. فرضیه‌ای که نویسنده به دنبال اثبات آن است عبارتست از اینکه «با تمام تنفری که جامعه بشری در ممانعت از بروز درگیریها و منازعات بعمل آورده است، هنوز مکانیسم فراگیر و مطمئنی برای حل معضلات امنیتی جامعه جهانی به چشم نمی‌خورد.»

* محسن کوچکی، «امنیت دسته جمعی»، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، استادان مشاور: رضا قلی نظام مافی، احمد نقیب‌زاده، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۶۸، ۱۸۶ ص.

رساله شامل یک مقدمه، دو بخش و یک کتاب‌شناسی در مورد امنیت دسته جمعی است. بخش اول شامل سه فصل و بخش دوم شامل دو فصل می‌باشد. بخش اول: امنیت دسته جمعی در تئوری را بررسی می‌کند: (تئوری امنیت دسته جمعی، پیش فرضها و شرایط امنیت دسته جمعی، جایگاه امنیت دسته جمعی در روابط بین‌الملل). بخش دوم به امنیت دسته جمعی در عمل می‌پردازد: (امنیت دسته جمعی و جامعه ملل، امنیت دسته جمعی و سازمان ملل متحد). هدف از نگارش این رساله آزمون این فرضیه است که «آیا یک سیستم امنیت دسته جمعی که طرحهای مشخصی را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی مطرح می‌کند، اساساً عملی است یا خیر؟» در این رساله هم مباحث تئوریک و هم مباحث عملی در مورد امنیت دسته جمعی به عنوان یکی از راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطرح شده است.

* مجتبی علی بابایی، «تئوری موازنه قوا در ارتباط بین‌الملل»، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، استادان مشاور: داوود باوند و سید حسین سیف زاده، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۶۸، ۱۶۹ ص.

پایان نامه شامل یک مقدمه و سه بخش می‌باشد، بخش اول تحت عنوان کلیات شامل سه فصل می‌باشد: ۱ـ تئوری موازنه قوا در روابط بین‌الملل؛ ۲ـ مفهوم قدرت در تئوری موازنه قوا؛ ۳ـ موازنه قوا، مفهوم، شرایط، هدفها، و وسایل دستیابی به آنها. بخش دوم تحت عنوان «تئوری موازنه قوا از دیدگاه برخی نظریه پردازان مشهور و معروف» در چهار فصل به بررسی این تئوری از دیدگاه مورگنتا، ارگانسکی و هدلی بال و کلودر می‌پردازد. بخش سوم نیز تحت عنوان «کاربرد تئوری موازنه قوا ـ جنگ خلیج فارس» مطرح شده است که در این بخش به بررسی جنگ خلیج فارس بر اساس تئوری توازن قوا پرداخته شده است. در بخش سوم ضمن بررسی علل بین المللی شدن جنگ تحمیلی و منافع هریک از دو ابرقدرت در منطقه خلیج فارس و ذکر بازیگران عمده و نقش آمریکا بعنوان نیروی توازن دهنده به کوشش قدرتهای بزرگ در کنترل و مهار نمودن رشد انقلاب اسلامی و خاتمهٔ جنگ و حفظ موجودیت و حاکمیت دولت عراق و سایر دول منطقه بعنوان مهمترین و اصلی‌ترین وظیفه سیستم موازنه قوا اشاره شده است. در حقیقت در بخش سوم کاربرد تئوری موازنه قوا در خلیج فارس بررسی شده است. لازم به تذکر است منظور از جنگ خلیج فارس، جنگ عراق و کویت نیست بلکه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و کشیده شدن آن به خلیج فارس می‌باشد. به تاریخ تألیف پایان نامه (۱۳۶۸)توجه شود.

* حجت نقدی، «حقوق بین المللی و مبارزه علیه تروریسم»، استادان راهنما و مشاور علی هنجنی، ابراهیم بیگ زاده، دانشگاه شهید بهشتی، حقوق، ۱۳۷۵، ۱۶۷ص

پایان نامه فوق الذکر شامل سه فصل است و هر فصل خود از چند بخش تشکیل شده است. در فصل اول نویسنده به بیان تعاریف، انواع و مصادیق عینی تروریسم پرداخته و در ضمن ذکر مطالب کلی بررسی قضایای حقوقی موجود مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوم به بررسی برخورد دولتها، فعالیتهای سازمانهای منطقه‌ای از جمله شورای

اروپا و سازمان کشورهای امریکا راجع به تروریسم در قالب کنوانسیونها و موافقت نامه‌های دو یا چند جانبه پرداخته است. فصل سوم، به عملکرد سازمانهای بین‌المللی از جمله انجمن بین‌المللی یکسان سازی حقوق جزایر، جامعه ملل و ایکائو و اقدامات سازمان ملل متحد خصوصاً تشکیل کمیته ویژه تروریسم بین‌الملل و فعالیت کمیته‌های فرعی کمیته ویژه را مورد نظر قرار داده و ممنوعیتهای بین‌المللی در زمینه تروریسم در شکل کنوانسیونها و قطعنامه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

* محمد جواد مقدسیان، «نظام امنیت جمعی و مقابله با تجاوز»، استادان راهنما و مشاور: امیر ارجمند، هنجنی؛ دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۴، ۱۷۷ص عناوین پایان نامه مزبور به قرار زیر است:

پیشگفتار ۱) تجاوز و نظام بین الملل ۲) نظام بین المللی و مقابله با تجاوز ۳) مکانیسمهای مقابله با تجاوز (حکومت جهانی، نظام دو قطبی و توازن قوا) ۴) سیر تاریخی پیدایش مفهوم نظام امنیت جمعی ۵) مبانی ذهنی نظام امنیت جمعی ۶) مبانی عینی نظام امنیت جمعی ۷) مفهوم و تعریف نظام امنیت جمعی ۸) شرایط و عناصر مقدماتی امنیت جمعی در منشور ملل متحد ۹) شرایط اجرای نظام امنیت جمعی بر اساس فصل هفتم منشور ۱۰) ارزیابی و نتیجه‌گیری نگارنده با توضیح مطلب که بعد از جنگ سرد، نظام امنیت جمعی، دوباره مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. در صدد است تا اثر این نظام و چگونگی آنرا در مقابل تجاوز و نهایتاً اینکه در وضعیت کنونی این سیستم می‌تواند مطلوب باشد یا خیر را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

فصل دوم

سلاحهای کشتار جمعی

* جان رابینسون، مری پی تامیسون، یوهان گالتونگ، جاناتان دیمبلبی، مایکل پنیز؛ «بحثی در باب خلع سلاح»، ترجمه هرمز همایون پور، ویراستاران: مایکل کلارک، مارجوری موولام؛ تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۸، ۲۴۷ ص، ۳۳۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۸۵۰ ریال،

فهرست مطالب کتاب بدین صورت است که پس از مقدمه مترجم به معرفی کوتاه نویسندگان می‌پردازد. عناوین مقالات کتاب به ترتیب عبارتند از: آیا شوروی یک خطر نظامی است؟ (مری کالدور)؛ ناتو و دولتهای اروپای غربی: در جستجوی یک استراتژی جانشین (یوهان گالتونگ)؛ خطر جنگ هسته‌ای و مسئولیتهای دانشمندان (مایکل پنیز)؛ پاسخ یک مسیحی به مسابقه تسلیحاتی (اسقف جان ای تی رابینسون،)؛ رسانه‌ها و مقوله دفاع: مشکلات حال، گذشته و آینده (جاناتان دیمبلبی)؛ فردی معتدل در آتلانتیک میانه (مری پی تامپسون). در پایان مترجم مطلبی را به رشته تحریر در می‌آورد و در آن تحولات و دگرگونیهای چند سال گذشته (به تاریخ انتشار کتاب توجه شود) را در عرصه خلع سلاح و کاهش تسلیحات، به کوتاهی مرور می‌کند (از یالتا تا مالتا؛ از ویتنام تا افغانستان؛ تغییر عرصه رقابت از امور نظامی و ایدئولوژیکی به امور صنعتی و فنی)

مقاله‌هایی که در این کتاب جمع شده‌اند، بیانگر نظریات کسانی هستند که طرفدار خلع سلاح یک جانبه می‌باشند. (Unilateralists) طرفداران این نظریه معتقدند که به دلیل خطر سهمگین و گریزناپذیری که از تولید تسلیحات هسته‌ای سرچشمه می‌گیرد،

دولتهای غرب باید به طور یک جانبه به خلع سلاح اتمی روی آورند، به این گمان که اینکار خود به خود موجب خواهد شد اردوگاه شرق نیز به چنین عملی دست بزنند.

* مهندس محمدتقی امینی، «تاکتیک جنگ نوین»، تهران، دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۷۴، ۲۷۲ ص، ۲۰۰۰ نسخه، ۸۰۰۰ ریال.

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر یک مقدمه، سه بخش و فهرست منابع و مآخذ است. بطور کلی نویسنده در این کتاب بررسی ابعاد تاکتیکی، بکارگیری جداگانه مهمات شیمیایی در بخش اول و میکروبی در بخش دوم و هسته‌ای در بخش سوم را با زاویه دید نظامی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

* گاستن بوتول، «تتبعی در ستیزه‌شناسی»، ترجمه: حسن پویان، یک جلد، چ اول ـ تهران

مسئله خلع سلاح بعد از سال ۱۹۴۵، خلع سلاح و جمعیت‌شناسی، آمریت قدرتمندانه بین‌المللی و سلاحهای هسته‌ای از جمله فصول این کتاب هستند که به موضوع «سلاحهای کشتار جمعی» در امنیت بین‌المللی مربوط می‌شوند.

* دیوید چارترز، استوارت فارسون و گلن هاستت، عنوان کتاب: «تحلیل و ارزیابی اطلاعاتی» به نقل از «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی» کتابخانه دانشکده اطلاعات، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰نسخه، چ اول، ج اول، ۶۵۰۰ریال،

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر پنج بخش و سیزده مقاله است:

بخش اول: بعنوان مقدمه دارای یک مقاله با موضوع «چرا برنامه‌ای برای جامعه اطلاعاتی پس از دوران جنگ سرد در نظر گرفته نشده است؟» می‌باشد. بخش دوم: با عنوان «نظامهای ارزیابی اطلاعاتی کشور» دارای چهار مقاله با عناوین «تجربیات دولت امریکا در زمینه بررسی اطلاعاتی» (مقاله اول)؛ «ادارات بررسی در دستگاههای اطلاعاتی انگلیس و امریکا» (مقاله دوم)؛ «نظام بررسی و ارزیابی آلمان». (مقاله سوم)؛ ارزیابی اطلاعاتی در استرالیا (مقاله چهارم)؛ می‌باشد. بخش سوم: با عنوان «ارتباط میان

تهیه کنندگان و مصرف کنندگان اطلاعات» دارای سه مقاله می‌باشد. بخش چهارم: با عنوان «اولویتهای جدید بررسی» دارای سه مقاله با موضوعات «تولید و کنترل سلاحهای کشتار جمعی» (مقاله اول)؛ «اطلاعات، امنیت، منافع ملی و محیط زیست در جهان» (مقاله دوم)؛ «بررسی و ارزیابی عملیات حفظ صلح» (مقاله سوم) است. بخش پنجم: با عنوان «ظهور تحولات چشمگیر در منابع آشکار»، دارای دو مقاله با موضوعات «بررسی اطلاعاتی در عصر توزیع الکترونیک اطلاعات» (مقاله اول)؛ «نظام اطلاعاتی بخش خصوصی و امکان کمک آن به امنیت ملی» (مقاله دوم)؛ می‌باشد.

* آرون کارپ، «تکثیر سلاحهای هسته‌ای»، به نقل از «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی» کتابخانه دانشکده اطلاعات، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، جلد اول، ۶۵۰۰ ریال، ص ۳۹

نویسنده با توجه به پایان جنگ سرد و تحولات ناشی از آن، مسأله کنترل و تکثیر سلاحهای هسته‌ای را مورد ارزیابی قرار داده است، کتاب مزبور مشتمل بر هشت فصل می‌باشد: فصل اول: مقدمه وکلیات را در برمی‌گیرد. در فصل دوم: با عنوان «آیا می‌توان تکثیر سلاحهای هسته‌ای را متوقف نمود،» چند موضوع توضیح داده شده است که عبارتند از: نیروهای مخالف تکثیر سلاحهای هسته‌ای، چگونه می‌توان جلوی تکثیر سلاحهای هسته‌ای را گرفت؟ مسابقه تسلیحاتی با عزم سیاسی و فن آوری هسته‌ای فصل سوم: با عنوان، آیا تکثیر سلاحهای هسته‌ای اهمیتی دارد؟ به موضوعات «تجزیه و تحلیل استراتژیک، ابهامات موشکی، ارزیابی تاریخی، تجربه جدید و چرا باید ساخت سلاحهای هسته‌ای مهم باشد؟» پرداخته است. فصل چهارم: با عنوان «اجرای برنامه‌های نرم‌افزار موشکی»، می‌گوید اگر چه برنامه‌های نرم‌افزار در برابر برنامه‌های سخت‌افزار موشکی کوچک به نظر می‌رسد اما تردیدی وجود ندارد که برنامه‌های نرم‌افزاری چون اتخاذ سیاستهای صحیح، سازماندهی خوب، کارکنان ماهر، بودجه کافی و مدیریت قومی مهمتر می‌باشند. فصل پنجم: با عنوان «فن آوری سخت‌افزار ساخت موشکهای بالستیک» توضیح می‌دهد که ساخت هر نوع ماشین بزرگ و پیچیده با

«فن‌آوری مرگبار شیمیائی» هشدار می‌دهد که تهدید سلاحهای شیمیائی و میکروبی باید جدی گرفته شود. اگر آنها را از بعد نظامی خیلی جدی نگیریم، از جنبه روانی و سیاسی حتماً مسئله ساز خواهد بود. فصل هفتم: با عنوان «فن آوری مرگبار هسته‌ای» چنین می‌گوید که مردم فکر می‌کنند موشکهای بالستیک همان سلاحهای هسته‌ای هستند وجه‌تشابه میان سلاحهای هسته‌ای و موشکهای بالستیک، بخشی فنی و بخشی سیاسی است و بالاخره در فصل هشتم: با عنوان «استراتژی تکثیر و کنترل سلاحهای هسته‌ای» بیان می‌داردکه با پیشرفت فن آوری تولید موشکهای دوربرد حساسیت در مورد منع صدور این موشکها از بین رفته است. بنابراین به جای «سیاست منع صدور» بهتر است، «سیاست منع ورود» و «خرید سلاحهای هسته‌ای» را رواج دهیم بعلاوه موشکهای بالستیک، تنها معضل تهدیدکننده امنیت نیست که نیاز به حل آن باشد، بلکه هم اکنون عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند و امنیت جهان را تهدید می‌کنند.

* مالکولم، «جنگ شیمیائی در قرن بیست و یکم»، به نقل از کتاب «کتابشناسی اطلاعاتی ـ امنیتی»، کتابخانه دانشکده اطلاعات، (تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، وزیری، ۱۸۸ص، ۲۰۰۰ نسخه، ج اول، ۶۵۰۰ ریال، ص ۷۳)

کتاب مزبور مشتمل بر «ده فصل» است و عناوین فصول و موضوعات به این ترتیب می‌باشد: فصل اول: نگرانی جنگ شیمیایی مجدداً باز می‌گردد؛ فصل دوم: میکروبهای احتمالی به کار رفته در سلاحهای میکروبی؛ فصل سوم: پروژه ساخت سلاحهای میکروبی جنگی قبل از سال (۱۹۶۹)؛ فصل چهارم: تلاشهای کنترل شده تا سال ۱۹۹۱؛ فصل پنجم: علم و فن آوری و جنگ؛ فصل ششم: زیست شناسی جدید؛ فصل هفتم: سلاحهای جدید؛ فصل هشتم: رسیدگی به پروتکل؛ فصل نهم: سیاست کشورهای غربی؛ فصل دهم: آیا در آینده باید کشورها به تکثیر سلاحهای میکروبی ادامه دهند و یا به کنترل آن بپردازند؟

در حال حاضر در باب سلاحهای شیمیائی دو مشکل عمده وجود دارد: یکی کنترل تکثیر سلاحهای شیمیائی و دیگری ضعف اجرا شدن قوانین در این ارتباط است که البته تحولاتی که در صنعت شیمی پدید آمده است نیز به این مشکلات اضافه می‌گردد. نویسنده در وهله نخست نگاهی به پروژه‌های ساخت سلاحهای شیمیائی در گذشته و

عواقب ناگوار رشد صنعت ساخت این گونه سلاحها و از طرف دیگر به بررسی سوابق کنوانسیونهای شیمیائی و از جمله تلاشهای اخیری که برای تغییر برخی قوانین در این زمینه به عمل آمده، می‌پردازد. در پایان مشکل کنترل سلاحهای شیمیائی در چارچوب کنترل تکثیر سلاحهای هسته‌ای یا پیشرفته پس از دوران جنگ سرد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

* جمشید ممتاز، «حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی»، مترجم: حسین رنجبریان، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۷، ۱۴۳ص، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، ۶۰۰ریال،

کتاب شامل، یک یادداشت، یک بخش مقدماتی و سه بخش، نتیجه‌گیری و چند ضمیمه می‌باشد. اینها عبارتند از؛ بخش مقدماتی که خود شامل (سلاحهای کشتار جمعی و توجه فزاینده جامعه بین‌المللی) است. بخش اول شامل مباحث (نقصهای پروتکل ژنو ۱۹۲۵، کنوانسیون منع گسترش سلاحهای بیولوژیک ۱۹۷۲ و کنوانسیون منع گسترش سلاحهای شیمیائی ۱۹۹۳) می‌باشد. بخش دوم؛ (معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸، مناطق عاری از سلاح هسته‌ای و رأی مشورتی دیوان بین المللی دادگستری درباره مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای). بخش سوم (ضعفهای نظام نظارتی معاهده منع گسترش و نظام نظارتی کنوانسیون منع سلاحهای شیمیایی؛ بازرسی اعتراضی و مذاکره برای تکمیل ترکیبات نظارتی کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک)

ضمائم نیز به ترتیب عبارتند از: پروتکل ۱۹۲۵؛ کنوانسیون سلاحهای بیولوژیک ۱۹۷۲؛ معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۱۹۶۸؛ کنوانسیون منع سلاحهای شیمیائی ۱۹۹۳؛ موافقت نامه ایران و روسیه در مورد استفاده صلح جویانه از انرژی اتمی و ایران و چین.

نویسنده به چگونگی و روند تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و سلاحهای کشتار جمعی می‌پردازد و خطوط اصلی آنرا بازگو می نماید. این روند به قول نویسنده، ما را به دو حقیقت رهنمون می دارد: الف) گرایش آشکار به ممنوعیت کامل به‌کارگیری این

سلاحها و ب) تمایل به واگذاری مسئولیت بیشتر به شورای امنیت برای الزام دولتها به رعایت تعهدات مقرر درکنوانسیونها ولی باید از سیاسی شدن نقض تعهدات عهدنامه‌ای جلوگیری کرد و باید حیطه عمل شورا محدود به مواردی شود که نقض تعهدات به شدتی باشدکه بتواند به صلح و امنیت بین المللی آسیب برساند.

* حسین علائی و بابک خواجه کاوسی با اهتمام ناصر ثقفی عامری، «صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیائی»، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۱، ۱۴۳ص، ۲۰۰۰ نسخه، چ اول، ۱۴۰۰ ریال

کتاب فوق الذکر شامل سه فصل است. در فصل اول با عنوان «صنایع شیمیایی»، «سیر تکامل صنایع شیمیایی»، اهمیت صنایع مزبور در اقتصاد کشورهایی که در زمینه صنایع شیمیایی فعالیت دارند، مواد شیمیایی باکاربرد دوگانه و... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در فصل دوم با عنوان «تسلیحات شیمیایی» مباحثی چون، تاریخچه کاربرد جنگ افزارهای شیمیائی، جنگ افزارهای شیمیائی و شیمیائی دو ترکیبی، اهمیت نظامی و استراتژیک آنها وکاربرد تاکتیکی جنگ افزارهای شیمیائی مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفته است. در فصل سوم با عنوان «خلع سلاح شیمیایی» به روند مذاکرات خلع سلاح شیمیائی، مذاکرات دو جانبه، مواضع کشورها در خصوص جنگ افزارهای مزبور، تحولات جدید و دوره جدید مذاکرات درباره کاهش تسلیحات شیمیایی بین آمریکا و شوروی، انهدام جنگ افزارهای مذکور، چارچوب کنوانسیون ممنوعیت جنگ‌افزارهای شیمیایی و سازمان ملل و تسلیحات شیمیایی اشاره شده است. با توجه به ارتباط نزدیک میان (صنایع و تکنولوژی شیمیایی به تسلیحات و مذاکرات خلع سلاح) با یکدیگر، شناخت این واقعیت و اقدام در مورد آنها مستلزم اتخاذ سیاستی هماهنگ در هر سه زمینه است.

* پاول ویکینسون، «فن آوری و تروریسم»، به نقل از کتاب «کتابشناسی اطلاعاتی - امنیتی»، کتابخانه دانشکده اطلاعات، تهران، دانشکده اطلاعات، ۱۳۷۷، ۱۸۸ ص، ۲۰۰۰ نسخه، ج اول، ۶۵۰۰ ریال، ص ۲۶.

کتاب مشتمل بر ده فصل است: در فصل اول: با عنوان «فن‌آوری تروریسم» آمده که نقش فن آوری برای ارزیابی صحیح توان تروریستها و مقابله موثر و کارآمد با آنها حیاتی است. نویسنده با مطرح نمودن سؤالهایی چون «فن‌آوری جدید در زمینه مقابله با اقدامات تروریستی تا چه اندازه آزادیهای اجتماعی را تهدید می‌کند؟ فن‌آوری تا چه میزان تروریستها را در انتخابها، تاکتیکها، سلاحها و اهدافشان در آینده کمک خواهد کرد؟» در صدد پاسخگویی به آنها است. ضمناً نویسنده خاطرنشان می‌نماید که تروریسم صرفاً سلاح و تاکتیک نیست بلکه جنبه‌های روانی آن قوی تر و موثرتر است. فصل دوم: اهداف تروریستها و تاکتیکها نام دارد و در مورد تروریسم بین‌المللی و نوآوریهای تاکتیکی و فن‌آوری است، اکنون تروریستها غالباً در روشهای انفجاری پیشرفت نموده‌اند نه در تاکتیک یا بکارگیری سلاحهای کشتار جمعی و استفاده از تعصبات قومی و مذهبی بهتر می‌تواند جلوی تروریستها را بگیرد تا اقدامات سیاسی. در فصل سوم: با عنوان «مواد منفجره غیرمعمول» آمده است که تروریستها اغلب از سلاحهای غیرمتداول استفاده می‌نمایند زیرا اقدامات ضدتروریستی عرصه را برتروریستها تنگ نموده است. در فصل چهارم: با عنوان «سلاحهای هسته‌ای»، آمده است که از آنجایی که ساخت سلاحهای هسته‌ای کاری بس دشوار و تهیه و نگهداری مواد اولیه آن دارای مشکلات فراوانی است، در حال حاضر امکان استفاده تروریستها از این سلاحها بسیار ضعیف است اما در آینده نزدیک این احتمال قوی‌تر خواهد شد. در فصل پنجم: با عنوان «استفاده از فن‌آوری برای تضمین امنیت هوایی» آمده که صنعت حمل و نقل هوایی به خوبی از امکانات فن‌آوری در جهت خنثی کردن اقدامات تروریستی استفاده نکرده است، استفاده از اشعه ایکس و کامپیوتر می‌تواند در کشف بمب در فرودگاهها و هواپیما موثر باشد، اما موثرترین دستگاه خود انسان است. در این‌باره بر ضرورت شناخت و کشف مواد منفجره پلاستیکی تأکید فراوان شده است. در فصل هفتم: با عنوان «طرح‌ریزی یک تشکیلات امنیت هوایی بین‌المللی موثر»، آمده که تشکیل چنین سازمانی ضروری است. بدین ترتیب می‌توان به‌کشورهای فقیر نیز کمک نمود تا ضریب امنیتی خود را افزایش دهند. در فصل هشتم: در این رابطه مبحثی درخور توجه و ذکر یافت نشد. فصل نهم: با عنوان «تروریستها، سلاحها و ...

بدست می‌آورند» می‌گوید که سازمانهای امنیتی جهان بایستی برای مقابله با تروریسم بسیج شوند و در فصل دهم: با عنوان «تروریستها چه سلاحهایی را ترجیح می‌دهند» آمده که نارنجک و بمب‌های کنترل از راه دور، هنوز از پرمصرف‌ترین سلاحها محسوب می‌شوند.

* آندره بوفر، «مقدمه‌ای بر استراتژی»، ترجمه: مسعود کشاورز، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ـ ۱۳۶۹، چ دوم

فصل سوم کتاب تحت عنوان استراتژی هسته‌ای مربوط به موضوع سلاحهای کشتار جمعی است که به توضیح استراتژی هسته‌ای، تکوین و تکامل آن و... می‌پردازد.

* قدرت احمدیان، «آزمایشهای هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم ـ ۱۳۷۷

انگیزه‌های رقابت تسلیحاتی هند و پاکستان، ضرورت پذیرش تعهدات بین‌المللی و استفاده از سلاحهای متعارف با برد زیاد از قسمتهای مهم این مقاله است.

* محسن رضایی، «آزمایشهای هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا» (سخنرانی) فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره دوم ـ ۱۳۷۷

جایگزین مناسب برای سلاحهای هسته‌ای و انگیزه و تأثیرات امنیتی آزمایشهای هسته‌ای، از قسمتهای مربوط به امنیت بین المللی در این سخنرانی هستند.

* ابومحمد عسگرخانی، «آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره دوم ـ ۱۳۷۷، ص ۲۹۱

در قسمتی از این مقاله نویسنده به چگونگی شکل‌گیری و اهداف سازمان انرژی اتمی و معاهده منع ایجاد سلاحهای هسته‌ای و نقش آمریکا در این دو مورد می‌پردازد.

* محمدعلی بصیری، «ایران و سلاحهای کشتار جمعی (اتهام ـ واقعیتها)، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۷۷، سال دوازدهم، شماره ۴، ۸۸۵ص.

نویسنده در این مقاله به «جنبه‌های تاریخی حرکت ایران در زمینه سلاحهای کشتار جمعی در قبل و بعد از انقلاب، جنبهٔ سیاسی گرایش ایران جهت دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، حرکتهای جهانی علیه تکثیر سلاحهای کشتار جمعی در خاورمیانه چون: ایجاد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای، کلوپ لندن و...، و مبحث اثبات یا رد اتهام به ایران جهت دستیابی به سلاحهای هسته‌ای و دلایل رد و اثبات» آنرا ذکر می‌کند و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که خطر تکثیر سلاحهای کشتار جمعی در دولت‌های جنوب به خصوص در خاورمیانه در دهه‌های اخیر با توجه به حوادث گذشته بسیار جدی و حساس است زیرا اکثر این دولت‌ها به دلایل گوناگون امنیتی،بی ثباتی منطقه‌ای، تهدیدات خارجی و داخلی منطقه، عدم‌کارآیی ضمانت‌های بین المللی، اعتبار و کسب استقلال به سوی این سلاحها کشیده شده‌اند. تنها راه حل این مشکل، خلع سلاح جهانی و در منطقه ایجاد منطقه عاری از سلاحهای کشتار جمعی بویژه اتمی می‌باشد.

* ابومحمد عسگرخانی، «تحلیلی بر بحران هسته‌ای هند و پاکستان و تاثیرات آن بر امنیت ملی ج.ا.ا» فصلنامه سیاست دفاعی، سال ششم ۱۳۷۷، ش ۲.

در این نوشتار سعی بر آن است که موضوع بحران هسته‌ای شبه قاره هند در چارچوب رژیم بین المللی امنیتی بررسی شود.

* گرهارد ویتنگ، «تفکر جدید» درباره امنیت و روابط شرق و غرب، ترجمه: الهه کولایی، مجله سیاست خارجی،سال سوم، ش۲، ص ۲۴۷ تا ۲۷۰، فصلنامه.

در این مقاله، با موضوع قرار دادن «تفکر جدید» که در سال ۱۹۸۶ توسط گورباچف مطرح گردید، سعی شده است مسأله رهایی از خطرات بزرگی که بشریت را تهدید می‌کند (مثل جنگ هسته‌ای و مساله صلح جهانی) از دیدگاه دولتمردان شوروی /سابق/ مورد بحث قرار گیرد. اساس «تفکر جدید» انهدام سلاحهای هسته‌ای است. مبلغان «تفکر جدید» می‌گویند امنیت باید بیشتر توسط ابزار سیاسی تامین شود نه نظامی.

* [illegible]

عنوان «خلع سلاح»، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۶، دوازدهم خرداد ش م: ۱۸۴۷۹ ص ۱۲

وی با گذری کوتاه بر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، جهت استقرار امنیت و صلح بین‌المللی برآن است که محدود ساختن و کاهش تسلیحات بویژه سلاحهای میکروبی و شیمیایی، تشدید همکاریهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نهایتاً ایجاد اعتماد و حسن روابط در بین کشورها، می‌تواند منجر به این امر گردد. در زمینه انعقاد کنوانسیون سلاحهای شیمیایی و کنفرانس خلع سلاح ضمن آنکه می‌باید به اقدامات خود از طریق تشکیل جلسات فوق‌العاده سرعت بخشید باید به نکات زیر نیز توجه داشت: اول؛ اینکه جهانشمول بودن کنوانسیون مورد مذاکره می‌باید به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شود. دوم؛ اینکه وجود یک سیستم کنترل و نظارت در جهت قطعیت بخشیدن به اجرای مقررات کنوانسیون با توجه به تجاربی که از پروتکل ۱۹۲۵ وجود دارد ضروری است و سوم قید دائمی بودن تعهدات اعضا.

* ناصر ثقفی عامری، «روندهای تسلیحاتی در دوران پس از جنگ سرد»، به نقل از کتاب «مجموعه مقالات استراتژی و تحولات ژئوپولیتیک پس از دوران جنگ سرد» انتشارات وزارت امور خارجه ـ تهران، سال ۱۳۷۳.

نویسنده در این مقاله، پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی، مسأله خلع سلاح هسته‌ای و بیولوژیکی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در این میان اولویت یافتن مسائل خلع سلاح تسلیحات کشتار جمعی، خلع سلاح منطقه‌ای در خاورمیانه، تمهیدات کنترل تسلیحات در چارچوب سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و بر آن است که این تمهیدات و اقدامات هنوز ناکافی است.

* ناصر ثقفی عامری، «شرق و غرب: مسأله دفاع در برابر موشکهای بالستیک (۱)»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۷، سال دوم، شماره دوم، ص ۲۲۷، فصلنامه

نویسنده در این مقاله، ضمن مروری بر روند مذاکرات خلع سلاح بین شوروی و آمریکا و بررسی وضعیت فعلی (۱۳۶۷) و پیش بینی تحولات نیروهای استراتژیک در

کشور در آینده، اهمیت سیستمهای ضد موشکهای بالستیک را در مذاکرات خلع سلاح و تأثیر آن بر اهمیت کشورهای جهان سوم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

* ناصر ثقفی عامری، «شرق و غرب؛ مسأله دفاع در برابر موشکهای بالستیک (۲)،» مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۶، سال دوم، شماره سوم، ص ۳۵۵ تا ۳۶۸، فصلنامه

بیش از دو دهه از استقرار «سیستمهای دفاعی در برابر موشکهای بالستیک» می‌گذرد، در این بخش از مقاله (در ادامه مباحث بخش نخست)، نویسنده ضمن تشریح عوامل موثر در تصمیم‌گیری رهبران اروپا برای ایجاد یک «سیستم ضدبالستیک»، مستقل از آمریکا به اهمیت موشکهای ضدبالستیک در توازن نیروهای استراتژیک آمریکا و شوروی می‌پردازد و در پایان، آثار توافق‌های کنترل تکنولوژی موشکی را بر امنیت کشورهای جهان سوم مورد بررسی قرار می‌دهد.

* سیداصغر کیوان حسینی، «قاچاق مواد هسته‌ای تهدیدی بر امنیت جهانی»، مجله مصباح، ۱۳۷۳، شماره ۱۲، ص ۸۵ تا ۹۸، فصلنامه،

یکی از مسائل مهم که بخصوص بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به شدت مورد توجه دست اندرکاران کنترل اشاعه توانمندیهای هسته‌ای قرار گرفت، قاچاق مواد پرتوزا یا هسته‌ای است. این امر میان این افراد آنقدر گسترش یافت که یکی از محورهای دستور کار اجلاس آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای قرار گرفته بود. در این مقاله به صورتی مختصر جنبه‌های حقوقی و سیاسی این معضل مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش‌های اصلی این مقاله عبارتند از: نبودن مکانیسم حقوقی قابل اعتماد؛ علل اقتصادی، سیاسی، توسعه قاچاق موادهسته‌ای؛ جلوگیری از گسترش بی رویه توانمندیهای هسته‌ای، محملی برای برخورد با جهان سوم.

* میشل شیهان، «کنترل تسلیحات و خلع سلاح»، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، پژوهشهای اجتماعی - تهران، انتشارات بینش، ۱۳۷۵، ۳۵۴ص، ۵۰۰۰ نسخه، ۲ج، ج اول، چاپ اول، ص ۲۶۱

نویسنده اظهار می‌دارد که کنترل تسلیحات و خلع سلاح هم ابزار و هم اهداف سیاست، و وضعیت مطلوب و مکانیسم پیشنهادی برای دستیابی به اهداف را توضیح می‌دهند. گرچه این دو اصطلاح مترادف می‌نمایند ولی نشان دهنده دو رهیافت متفاوت در دو دوره تاریخی متفاوت می‌باشند. خلع سلاح مفروض بر این اصل است که جنگ‌افزارهای تسلیحاتی که خود منبع منازعات بین‌المللی‌اند باید از بین بروند در حالیکه رهیافت کنترل تسلیحات تلاشی برای کنترل آنها است نه حذف تسلیحات نظامی. نویسنده در قسمتهای دیگر مقاله به تاریخچه و سابقه کنترل تسلیحات و روشها و مسائل آن و ظهور مجدد خلع سلاح که با ظهور گورباچف مطرح گردیده است، می‌پردازد.

نویسنده عقیده دارد که کنترل تسلیحات نمی‌تواند جانشینی برای دفاع مناسب باشد ولی می‌تواند در تاثیر گذاری بر درک هر کدام از طرفها در چیستی اجزاء تشکیل دهندهٔ دفاع مناسب و حفظ حمایت عمومی از تلاشهای دفاع مشروع، نقش مهمی ایفا کند و می‌تواند از احتمال درک نادرستی که منجر به جنگ می‌شود کاسته و حمایت عمومی در جهت اهداف امنیت ملی را بسیج کند. بطور خلاصه هدف خلع سلاح و کنترل تسلیحات «جلوگیری از جنگ هسته‌ای» است.

* جمشید ممتاز، «نظام حقوقی عاری از سلاح هسته‌ای»، مجله مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵، سال اوّل، شماره ۳ و ۴،ص ۳۲تا ۴۷، فصلنامه

شناسایی رسمی یک منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته‌ای توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پذیرش بازرسی تأسیسات هسته‌ای موجود در منطقه از سوی دولتهای عضو معاهده در هر منطقه و متحد شدن دولتهای دارای سلاح هسته‌ای بر رعایت ترتیبات خاص هر منطقه، سه اصل مهم حاکم بر نظام حقوقی مناطق عاری از سلاح هسته‌ای است. مقاله حاضر با تشریح این سه اصل معاهدات مهم مربوطه، ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام، آفریقا و آسیای جنوب شرقی را مورد بررسی قرار داده و سپس به توضیح روند عاری ساختن مناطق دیگر از سلاح هسته‌ای از جمله خاورمیانه می‌پردازد.

* هانس بلیکس، «همکاری اساس امنیت هسته‌ای جهان»، ترجمه: صالح رضائی، روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۷۵ بیست و ششم و بیست و هفتم اردیبهشت، ش‌م: ۷ـ۲۰۷۶۶ ص ۱۲

در این مقاله، نویسنده به بررسی تحولات پس از جنگ سرد در صحنه بین‌الملل پرداخته و فعالیتهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رابطه نزدیک آن با سازمان ملل متحد بویژه شورای امنیت، را مورد بررسی قرار داده است. کشف برنامه‌های هسته‌ای عراق، قضیه هسته‌ای کره شمالی، تمدید نامحدود معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، انعقاد توافق نامه‌های کاهش سلاحهای هسته‌ای و تخریب سلاحهای هسته‌ای و انعقاد معاهده منع کامل آزمایشهای هسته‌ای در آینده نزدیک تحولات و وقایعی هستند که به نظر نویسنده باعث افزایش مسئولیتها و اختیارات آژانس بین المللی انرژی اتمی شده و خواهد شد زیرا چنین توافق نامه‌ها و معاهداتی متضمن مقرراتی است که بازرسیهای هسته‌ای آژانس را لازم و ضروری می‌سازد. در این مورد به مسأله محیط زیست نیز اشاره شده است.

* ابوالقاسم قدمگاهی، «تئوری بازدارندگی»، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، استادان مشاور: داود باوند و عبدالعلی بیگدلی، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۶۹، ۱۷۵ص

رساله شامل مقدمه، پیش درآمدی بر تئوری بازدارندگی و شش فصل می‌باشد.

در قسمت پیش درآمد جایگاه تئوری بازدارندگی و مطالعات روابط بین‌الملل مشخص می‌شود. در فصل اول ابتدا مفهوم بازدارندگی از زبان متفکران بیان خواهد شد و سپس پیش فرضها و شرایط چهارگانه بازدارندگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فصل دوم ابعاد تئوری بازدارندگی را بررسی می‌کند. تقسیم بندیهای مختلف از بازدارندگی، سطوح و استراتژیهای آن در این فصل به بحث گذاشته می‌شود. مسابقهٔ تاریخی بازدارندگی تا ۱۹۴۵ و مکانیزم بازدارندگی که از ۱۹۴۵ شروع شده و تا زمان حاضر ادامه می‌یابد در فصل سوم مطرح شده است. این مکانیزم عمدتاً از خلال روابط

با کنترل تسلیحات بحث خواهد شد و در کنار این موضوع به خلع سلاح نیز پرداخته می‌شود. کشورهای جهان سوم اگر چه نیروی اتمی ندارند اما در مورد اینکه تحت چه شرایطی از توان بازدارندگی برخوردار خواهند شد؟ و آیا تنها راه کسب توانایی بازدارندگی داشتن سلاح اتمی است؟ و اینکه اگر این کشورها به سلاح اتمی دست پیدا کنند صلح جهانی تأمین شده یا خیر؟ در فصل پنجم بحث می‌شود. در آخرین فصل، ابتدا نقش و کارآیی این تئوری مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً بیان خواهد شد که تحت چه شرایطی، بازدارندگی می‌تواند تثبیت شده و مانع از بروز جنگ شود. توضیح آنکه بازدارندگی به عنوان یکی از ابزارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطرح می‌باشد. در این رساله عمدتاً مسائل تئوریک طرح شده است.

* محمدعلی زفره، «فرایند خلع سلاح شیمیایی و نقش آن در پیشرفت تکنولوژی نظامی خاورمیانه در دوره زمانی ۹۵ - ۱۹۸۵»، استاد راهنما: جلیل روشندل، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده علوم انسانی، ۷۵ - ۱۳۷۴، ۲۱۲ص

پایان نامه مزبور مشتمل بر عناوین و فصول زیر است: پس از مقدمه در فصل اول تسلیحات کشتار جمعی شیمیایی و مذاکرات خلع سلاح شیمیایی در بعد جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تاریخچه مذاکرات خلع سلاح، تاریخچه تسلیحات و صنایع شیمیایی و خلع سلاح شیمیایی در منطقه خاورمیانه و موضع‌گیری کشورهای جهان سوم و خاورمیانه در این خصوص می‌پردازد. در فصل دوم آثار کنوانسیون خلع سلاح شیمیایی در برخی از کشورها و بررسی موضع آنان از جمله ایالات متحده آمریکا، روسیه فدراتیو و اتحادیه اروپا، می‌پردازد. فصل سوم با عنوان «خاورمیانه و تأثیرپذیری از معاهده» توانمندی خاورمیانه در بعد سلاحهای متعارف و غیرمتعارف را مطالعه می‌کند و در انتهای همین فصل به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نویسنده با بررسی تاریخی کنوانسیونها و معاهدات خلع سلاحهای شیمیایی در نظام بین‌المللی و منطقه خاورمیانه بر آن است که: اولاً: معاهدات در کاهش رقابت تسلیحاتی هیچ نقشی نداشته‌اند زیرا معاهده باید بتواند تضمین‌های امنیتی لازم را در صورت مورد حمله قرار گرفتن به کشورها بدهد، اگر چه ممکن است معاهده موجب کاهش رقابت

کشورها در مسابقه تسلیحاتی غیرمتعارف گردد اما تسلیحات متعارف همچنان در رقابت خواهند بود، زیرا امنیت دارای تعریف واحد و برداشت واحدی نیست و ثانیاً: برخوردهای دوگانه و توأم با تبعیض سبب کاهش یا مقاومت کشورها در محدودسازی توانمندی شیمیایی می‌شود.

فصل سوم

نقش سازمانهای بین‌المللی

* اینیس کلادجونیور، «ارزیابی سازمانهای بین‌المللی در قرن بیستم»، ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران، مؤسسه وزارت امور خارجه، ۱۳۶۶، ۷۱ص، ۲۰۰۰ نسخه، چ اول، ۲۰۰ ریال

کتاب فوق‌الذکر مشتمل بر یک مقدمه از مترجم و یک مقدمه از مؤلف و پنج گفتار می‌باشد. نویسنده در گفتار نخست به انگیزهٔ تشکیل سازمانهای بین‌المللی، در گفتار دوم به شکستها و نارسائیهای سازمانهای بین‌المللی مثل شکست در زمینه اجراء قیمومیت و شکست در میانجیگری و در گفتار سوم به موفقیتهای سازمانهای بین‌المللی چون؛ رشد، ترقی و تنوع، استعمار زدائی، عملیات حفظ صلح و... اشاره می‌کند.

در گفتار چهارم به این امر که سازمانهای بین‌المللی به مشابه آیینه تمام نمای سیاست خارجی و خواسته‌های دولتها است اشاره می‌کند و در گفتار پایانی به آیندهٔ سازمانهای بین‌المللی و چگونگی آنها می‌پردازد و اظهار می‌دارد که «سازمانهای بین‌المللی تا به حال بیشتر چندجانبه بوده‌اند تا بین‌المللی اما می‌توان امیدوار بود که افزایش تجربه انجام امور به صورت چندجانبه، به رشد تفکر و احساس بین‌المللی، یعنی افزایش دل‌نگرانی برای آسایش جهان و آگاهی به اینکه نظم جهانی بنیادی است اساسی برای امنیت و رفاه ملی کمک کند.»

* محمد شریف، «بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت»، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ۲۴۰ص، ۳۱۵۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

کتاب شامل پیشگفتار، مقدمه، پنج فصل و دو ضمیمه می‌باشد.

هدف نویسنده از این تحقیق این بوده که با رویکردی حقوقی، در فصل اول با تحلیل و بررسی، ایجاد و استمرار حیات سازمان اجتماعی بشر و فلسفهٔ حاکم بر تکامل آن، انحراف سیر منطقی حرکت سازمان اجتماعی بشر از مسیر اصلی که طرح این دکترین حاصل آن بوده است را به نمایش بگذارد. در فصل دوم به نقد شیوه‌های بکارگرفته شده برای تفسیر منشور ملل متحد بر اساس رویه قضایی بین‌المللی و نشان دادن این مطلب که ظهور دکترین نامحدود بودن صلاحیت‌های شورای امنیت نتیجهٔ منطقی این انحراف است می‌پردازد. فصل سوم به تبیین جایگاه قانونی و صحیح شورای امنیت و توضیح آثار تفاسیر ناصحیح که در ضمن فصل اول تشریح شده است اختصاص دارد. در فصل چهارم ارزیابی آثار نامحدود صلاحیت شورای امنیت در ارکان مختلف سازمان ملل و تحلیل تلاش دولتهای کشورهای توسعه یافته جهت همگون ساختن این ارکان با دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت مورد مطالعه است و در فصل پنجم به نتیجه‌گیری می‌پردازد. نمای تشکیلاتی سازمان ملل متحد و دیگر، عناوین آراء و نظریات مشورتی و قرارهای صادره توسط دیوان بین‌المللی دادگستری، ضمائم این کتاب هستند که در انتها آورده شده‌اند.

* راماملکوته و ناراسیمهارائو، «روابط بین‌المللی»، ترجمهٔ: علی صلح جو، زیر نظر: ب. شارما و ک. مادهوسودان روی، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸، ۳۷۶ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۳۵۰ ریال

کتاب از یک پیشگفتار و چهارده فصل تشکیل شده است. عناوین مطالب فهرست وار عبارتنداز: مقدمه، جنگ جهانی اول و پیمان ورسای، جامعه ملل، رکود عظیم اقتصادی، فاشیسم و نازیسم، ظهور استعمار، جنگ جهانی دوم، اتحادهای نظامی، پیدایش ابرقدرتها و جنگ سرد، جهان سوم و استعمار نو، سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی آن، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، نهضت عدم تعهد و سیاست خارجی هستند.

جامعه ملل، سازمان ملل متحد، اتحادهای نظامی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات از

جمله راهکارهایی هستند که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در مقاطع مختلف تاریخی از سوی کشورها اتخاذ شده‌اند. در این کتاب این راهکارها در فصول مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بویژه در فصل یازدهم که سازمان ملل و سازمانهای تخصصی آن مورد بررسی قرار گرفته است. مجموعاً چهل صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است. مجمع عمومی، شورای امنیت، دیوان دادگستری بین‌المللی از جمله نمادهای سازمان ملل هستند که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همانطور که نویسندگان در پیشگفتار اشاره می‌کنند هدف کتاب دادن این توانایی به خواننده است که خود را با وقایع گذشته، که نه تنها تا حد زیادی بر روابط بین‌الملل در زمان حاضر بلکه بر تاریخ آینده روابط بین‌المللی نیز مؤثرند، آشنا سازد. بنابراین کتاب در صدد ارایه تئوری یا فرضیه خاصی نیست و تنها فصول سه، هشت، یازده و دوازده، ارتباط نزدیک و قابل ملاحظه‌ای با مسأله امنیت بین‌المللی برقرار می‌کنند.

* ناصر ثقفی عامری، «سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، ۲۵۹ص، ۵۰۰۰ نسخه، چ اول، ۱۲۰۰ ریال

نویسنده در فصل اول به کلیات می‌پردازد: سازمان ملل متحد و تلاش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت، حق وتو، مجمع عمومی، نیروهای حافظ صلح و فعالیتهای حفظ صلح. فصل دوم با عنوان خلع سلاح، صلح و امنیت بین‌المللی؛ شامل این مطالب است: سازمان ملل و مسأله خلع سلاح، خلع سلاح هسته‌ای: مسابقه تسلیحات هسته‌ای، مسابقه تسلیحات هسته‌ای و کشورهای جهان سوم و مواضع کشورهای جهان در مورد خلع سلاح هسته‌ای، خلع سلاح شیمیایی، آیندهٔ مذاکرات خلع سلاح شیمیایی و خلع سلاحهای معمولی. فصل سوم اقدام برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بررسی می‌کند. فصل چهارم به سازمان ملل متحد و تحولات جهان اختصاص یافته، در آخر به بیان خلاصه و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نویسنده در این کتاب سعی نموده است تا پایگاه و نقش سازمان ملل متحد در روابط بین‌الملل را با توجه به شرایط کنونی (دوران جنگ سرد) و آینده [illegible]

صلح و امنیت بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد و بر آن است که سازمان ملل متحد تاکنون در تحقق اهداف خود مبنی بر حفظ صلح و تأمین امنیت ملی با مشکلات زیادی رو به رو بوده است؛ از جمله: ۱) هر یک از قطبهای سیاسی (شرق، غرب و جهان سوم) نگرش و برداشتی خاص از این سازمان داشته و به دنبال منافع ویژه خود بوده‌اند ۲) آمریکا به عنوان اینکه سازمان مذکور به ابزار تبلیغاتی کشورهای جهان سوم بر علیه آن کشور تبدیل شده است، نسبت به آن عناد ورزیده ۳) تنگناهای مالی و عدم توانایی در برآورده ساختن نیازمندیهای مالی آن سازمان. نویسنده سپس به ذکر عواملی می‌پردازد که می‌تواند به کارآمدی سازمان ملل در جهت نیل به اهداف صلح و امنیت بین‌المللی بینجامد: تعهد قدرتهای دارای حق وتو، در شورای امنیت به پیروی از منشور ملل متحد، فراهم ساختن زمینهٔ مشارکت همه کشورهای جهان در امور مربوط به حفظ امنیت بین‌المللی و بالاخره اقدامات پیشگیرانه در مناقشات به جای حل و فصل اختلافات پس از درگیری و مخاصمات.

* احمد متین دفتری، «سازمان ملل متحد و نقش آن در حفظ صلح جهان»، تهران، سازمان کتابهای جیبی، ۱۳۴۵، ۲۹۲ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۳۰۰ ریال

کتاب شامل پنج بخش می‌باشد. برخی علل جنگ، چگونگی فراگیری راه همکاری توسط ملتها، جامعه ملل، چگونگی بوجود آمدن سازمان ملل و ارکانهای اصلی این سازمان از جمله مواردی است که در بخش اول یعنی دروس مقدماتی، توضیح داده شده‌اند. بخش دوم به اعلامیه جهانی حقوق بشر و بیان برخی توضیحات در مورد آن اختصاص دارد. در بخش سوم از تشکیلات سازمان ملل، شورای قیمومت، شورای اقتصادی و اجتماعی، دیوان دادگستری بین‌المللی، تدابیر سازمان ملل در نگهبانی صلح، مسأله خلع سلاح، همکاری در فضای ماوراء جو و... سخن به میان می‌آید. در بخش چهارم مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد، ترجمه متن منشور ملل متحد و اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری آورده شده است. بخش پنجم شامل ضمائم کتاب است که شش ضمیمه را در بر می‌گیرد: ۱) نظریات یونسکو تحت عنوان «بسوی تفاهم بین‌المللی»، ۲) یک بحث علمی و تاریخی از اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و سوابق آن،

۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۴) منشور آتلانتیک، ۵) اعلامیه ملل متحد و ۶) متن آخرین اعلامیه مشترک کنفرانس آسیایی و آفریقایی باندونگ

* ای.ف.ک. ارگانسکی، «سیاست جهان»، ترجمهٔ حسین فرهودی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ۶۱۱ ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ دوم، ۳۴۰ ریال

کتاب شامل یک مقدمه و سه بخش است. بخش اول با عنوان «واحد عمل: ملت» شامل: ملت‌ها و ملت پرستی، هدفهای ملی، عواملی که هدفهای ملی را بوجود می‌آورند، ماهیت قدرت ملی، سرچشمه‌های طبیعی که قدرت را به وجود آورد، مبانی اجتماعی قدرت و راه وصول به قدرت می‌باشد. بخش دوم با عنوان «روابط بین‌المللی» شامل مباحث استعمار، چهرهٔ تازه استعمار: تبعیت اقتصادی و اقمار، موازنه قدرت، انتقال قدرت و فن اداره کردن روابط بین‌المللی می‌باشد. بخش سوم با عنوان «سازمانهای بین‌المللی» شامل: امنیت دسته جمعی، زمینه‌های معما و سازمانهای بین‌المللی می‌باشد.

هدف کتاب ارایه چارچوب و اصولی برای سنجش و درک روابط میان ملل است. نویسنده در فصل یازدهم با عنوان «موازنه قدرت» یکی از ابزارها و راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که همان موازنه قوا می‌باشد را توضیح می‌دهد. همچنین در فصل چهاردهم به «امنیت دسته جمعی» به عنوان یکی دیگر از راهکارهای عملی حفظ امنیت بین‌المللی می‌پردازد. در این فصل مفهوم امنیت دسته جمعی و فرضیه‌های آن همچنین رابطه آن با نظام بین‌المللی و سازمانهای بین‌المللی توسط نویسنده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل شانزدهم نیز نویسنده جامعه ملل و سازمان ملل متحد را بعنوان ابزارهای دیگری برای حفظ امنیت مطرح کرده، مورد بررسی قرار می‌دهد.

* هانس جی مورگنتا: سیاست میان ملتها (تلاش در راه صلح و قدرت)، ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده: تجدیدنظر: کنت دبلیو تامیسون، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ۱۰۴۹ ص، ۲۵۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۵۵۰ ریال

کتاب از مقدمه پروفسور تامیسون بر ترجمهٔ فارسی، مقدمه مترجم، ده بخش به

همراه ضمائم که شامل ۱۱ منشور سازمان ملل متحد، واژه نامه، کتابشناسی، فهرست راهنمایی تاریخی، دربارهٔ نویسندگان می‌باشد، تشکیل شده است.

این کتاب یکی از مهمترین آثار کلاسیک در روابط بین‌الملل است و به گفتهٔ خود مورگنتایک «تئوری واقع‌گرا» از روابط بین‌الملل است. هدف کتاب ارایه نظریه‌ای در سیاست بین‌الملل است. عناوین فصول کتاب به ترتیب عبارتنداز: نظریه و عملکرد در عرصهٔ سیاست بین‌الملل، سیاست بین‌الملل به عنوان مبارزه‌ای در راه کسب و حفظ قدرت، قدرت ملی، محدودیتهای قدرت ملی: موازنهٔ قدرت، محدودیتهای قدرت ملی: اخلاق بین‌المللی و افکار عمومی جهانی، محدودیتهای قدرت ملی، حقوق بین‌الملل، سیاست بین‌الملل در جهان معاصر، مسأله صلح: صلح از طریق ایجاد محدودیت، مسأله صلح: صلح از طریق تحول، مسأله صلح: صلح از طریق مدارا.

نویسنده فصل بیست و چهارم کتاب خود راکه قسمتی از بخش هشتم را شامل می‌شود مشخصاً به مفهوم امنیت اختصاص می‌دهد. همچنین در بخش هفتم به تئوری موازنه قوا که به عنوان یکی از راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است پرداخته می‌شود. همچنین مباحثی چون خلع سلاح، سازمان ملل متحد، دیپلماسی، دولت جهانی و تغییر مسالمت‌آمیز مطرح می‌شود که به عنوان راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشند.

* محمدعلی مسعود انصاری، «شورای امنیت سازمان ملل متحد»، تهران، ناشر: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۷، ۲۶۰ ص، یک جلد، ۱۰۰ ریال، چاپ اول.

کتاب شامل یک دیباچه، ده فصل و یک ضمیمه است که منشور سازمان ملل متحد در آن آورده شده است . در این کتاب تاریخچه، وظایف، نتیجه تصمیمات شورای امنیت، برخی اختلافاتی که به این شورا ارجاع داده شده است و همچنین نقش و اهمیت شورای امنیت در حل اختلافات بین المللی مورد بحث قرار گفته است . در پایان نیز منشور سازمان ملل متحد گنجانده شده است. عناوین فصول کتاب عبارتند از: تاریخچه، انتخاب اعضای شورای امنیت، وظایف و صلاحیت شورای امنیت، مقررات داخلی شورای امنیت، نتیجه مذاکرات و اجرای تصمیمات شورای امنیت، سازمان‌های وابسته

به شورای امنیت، رابطه شورای امنیت با سایر ارگانهای سازمان ملل متحد، اختلافات بین المللی که به شورای امنیت مراجعه شده است، ایران و شورای امنیت و اهمیت شورای امنیت و نقش آن در حل و فصل اختلافات بین‌المللی.

لازم به تذکر است در فصل نهم شکایت ایران علیه شوروی در سال ۱۹۲۶ و شکایت انگلستان علیه ایران در موضوع نفت در سال ۱۹۵۱ مورد بررسی قرار گرفته است.

* جهانگیر کرمی، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ۱۷۶ص، ۲۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۴۸۰۰ ریال

کتاب شامل یک مقدمه، چهار فصل و ضمائم می‌باشد. در فصل اول صلاحیت شورای امنیت بررسی می‌شود. فصل دوم به مداخله بشردوستانه پیش از دهه ۱۹۹۰ می‌پردازد. فصل سوم به حمایت بین‌المللی از حقوق بشر اختصاص دارد و مطالعه عملکرد شورای امنیت در «مداخله بشردوستانه» در فصل چهارم انجام می‌شود.

آنچه که نویسنده بر آن تأکید می‌کند، شناخت مبانی حقوقی - بین‌المللی اقدامات شورای امنیت در رابطه با موارد نقض گسترده حقوق بشر است. تمرکز بر چهرهٔ حقوقی این مسأله است. منظور از «مداخله بشردوستانه» در این نوشتار، صرفاً دخالتهایی است که در آنها از نیروی نظامی استفاده شده است. لازم به تذکر است شورای امنیت سازمان ملل به عنوان یکی از ابزارها و راهکارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطرح است. بنابراین به این طریق ارتباط مسأله «شورای امنیت» با موضوع‌شناسی امنیت مشخص می‌شود.

* فریده شایگان، «عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ۲۵۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۲۸۰۰ ریال

کتاب شامل کلیات، تعاریف و مفاهیم و دو بخش می‌باشد.

در «کلیات» سوابق تاریخی و سیر کلی و مختصر عملیات تا ۱۹۸۸، تعاریف و مفاهیم مختلفی که از «حفظ صلح» ارایه شده و هدف و ماهیت عملیات مورد توجه قرار گرفته است. در بخش اول، مبانی حقوقی اقدام سازمان ملل در زمینه حفظ صلح و وظایف و

مأموریتهای محوله به نیروهای حافظ صلح، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین ابعاد حقوقی این پدیده، نحوهٔ سربازگیری برای تشکیل نیرو، اصول ناظر بر ترکیب آن و مسائل مالی عملیات مطرح می‌شود. مقطع زمانی مورد بحث در بخش اول سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۸ می‌باشد. در بخش دوم که مقطع ۸۹-۱۹۸۸ را بررسی می‌کند، وقایعی که منجر به تشکیل نیروهای صلح ملی دو سال مذکور گردیده، تحولاتی که در مفهوم حفظ صلح، محتوای وظایف نیروها و ابعاد حقوقی عملیات پدید آمده مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در نهایت ارزیابی بررسی‌های به عمل آمده ارایه می‌شود.

* حمید بهزادی، «قدرتهای بزرگ و صلح بین المللی، اتحاد مقدس، جامعه ملل، سازمان ملل متحد از دیدگاه مورگنتا» انتشارات دانشگاه ملی سابق، ۲۵۳۵، ۱۱۷ ص

فهرست مطالب کتاب به قرار زیر است: مقدمه، پیشگفتار، چهار فصل و ارزیابی و اظهار نظر کلی: فصل اول مبانی و تحول مکتب انترناسیونالیسم را بررسی می‌کند. فصل دوم به مطالعه اتحاد مقدس می‌پردازد، فصل سوم جامعه ملل را مورد بحث قرار می‌دهد و فصل چهارم با عنوان سازمان ملل متحد شامل مبانی تئوریک، تحولات سازمان ملل، آیین‌های نو و سازمان ملل و مسأله صلح می‌باشد.

در این کتاب سعی گردیده است تا برخی از اندیشه‌های مورگنتا در زمینه نقش دول بزرگ در صلح جهانی از طریق سازمانهای بین‌المللی از قرن نوزدهم به بعد تشریح گردد و ماهیت روابط بین‌المللی و مسائل کلی آن نیز تا حد امکان توضیح داده شود. وی بر آن است که سازمانهای بین‌المللی در ایجاد و حفظ صلح فی نفسه از خود نقشی نداشته و نمی‌توانند داشته باشند بلکه این سازمانها ابزاری در دست دول بزرگ جهت حکومت بر جهان به منظور تحصیل منافع ملی خود هستند و به طور کلی تنها ضامن صلح در صحنه بین‌المللی ایجاد و حفظ نوعی توازن قوا در جهان به شمار می‌روند، زیرا به نظر وی فقط قدرت است که می‌تواند با قدرت مقابله کند و هر گاه در جهان یا منطقه‌ای توازن قدرت برقرار گردد جنگ و ستیزی روی نخواهد داد.

* حشمت امیری، «کلیات روابط بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی بعد از جنگ دوم

جهانی»، تهران، مؤسسه انتشارات هادی، ۱۳۶۹، ۲۸۰ص، یک جلد، چاپ اول، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۷۰۰ ریال

کتاب شامل یک پیشگفتار، سه فصل و ضمائم می‌باشد. ضمائم شامل چارت تشکیلاتی سازمان ملل متحد و نام سایر سازمانهای بین‌المللی می‌باشد که به زعم نویسنده از دیگر عوامل مهم در برقراری روابط بین‌المللی هستند. هدف کتاب، شناخت عناصر و عوامل برقراری روابط بین‌المللی و ضوابط و مبانی بین‌المللی می‌باشد. فصل اول شامل: روابط بین‌المللی و اصول آن؛ امنیت دسته جمعی؛ خلع سلاح عمومی؛ اصول استراتژیکی دو ابرقدرت؛ و صلیب سرخ جهانی می‌باشد. فصل دوم شامل: روابط اختلاف‌آمیز بین‌المللی؛ خلاصه‌ای از روابط بین‌المللی در مراحل جنگ جهانی دوم؛ سازمان ملل متحد و ارکان آن؛ و سازمانها و مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد می‌باشد. فصل سوم شامل: بعضی از اقدامات صلح جویانه سازمان ملل متحد؛ عوامل برقرار کننده روابط بین‌المللی؛ قراردادهای بین‌المللی؛ اهداف قدرت ملی و عوامل آن در روابط بین‌الملل؛ و بعضی از معیارهای مهم دیگر بین‌الملل می‌باشد.

از میان مباحث فوق آنچه که ارتباط مشخصی با امنیت برقرار می‌کند بحث امنیت دسته جمعی و خلع سلاح عمومی از فصل اول و سازمان ملل متحد و ارکان آن به عنوان یکی از ابزارهای حفظ امنیت بین‌المللی از فصل دوم و مبحث برخی اقدامات صلح جویانه سازمان‌ملل از فصل سوم می‌باشد.

* علی صباغیان، «نقش میانجیگری در حل و فصل اختلافات بین‌المللی»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۶، ۱۳۹ ص، ۲۰۰۰ نسخه، یک جلد، چ اول، ۴۵۰۰ ریال

کتاب مزبور مشتمل بر پنج فصل است:

در فصل اول حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و تأکیدی که دولتها در چارچوب کنوانسیونها و عهدنامه‌های بین‌المللی یا قراردادهای دو یا چند جانبه داشته‌اند و یا در چارچوب سازمانهای بین‌المللی چون جامعه ملل و سازمان ملل بر این اصل داشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم روشهای حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی همچون داوری و رسیدگی قضائی و روشهای سیاسی چون

مذاکره، مساعی جملیه، کمیسیونهای تحقیق و کمیسیونهای سازش و... مورد بحث و بررسی قرارگرفته است. در فصل سوم میانجیگری بعنوان یکی از روشهای سیاسی حل و فصل اختلافات سیاسی مطرح گردیده و جنبه‌های تئوریک مسأله بطور کامل ذکر گردیده است. در فصل چهارم به میانجگری بین‌المللی و منطقه‌ای که توسط سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای خصوصاً سازمان ملل و دبیرکل این سازمان اشاره گردیده است. در فصل پنجم میانجیگری برخی از کشورها در حل و فصل اختلافات و در نهایت «میانجیگری دسته جمعی» مورد مطالعه قرارگرفته است.

* سید داود آقایی «نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی»، تهران، پیک فرهنگ، ۱۳۷۵، ۵۴۴ص، یک جلد، چ اول، ۱۵۰۰۰ریال، کتابخانه (jx ۱۹۵۴/ آ ۷ن۷)

کتاب از شش فصل تشکیل شده است:

در این پژوهش نویسنده ضمن تبیین ویژگیهای ساختاری نظام نوین جهانی، در فصل اول به این موضوع اشاره کرده که نظم نوین، نظمی است بر مبنای اتحاد و همکاری قدرتهای بزرگ، از طریق سازمان ملل متحد برای تحقق و تامین مصالح و منافع غرب به رهبری ایالات متحده امریکا. در فصل دوم نویسنده می‌گوید: افزایش نقش و تقویت کارآیی سازمان ملل را باید بی تردید در راستای تغییرات بنیادین در نظام بین‌المللی جستجو کرد. این نهاد بین‌المللی همسو و هماهنگ با تحولات بین‌المللی تغییر نیافته و این ضرورتی است که اگر سازمان ملل می‌خواهد پایدار بماند و در جهت رشد و ترقی گام بردارد باید بگونه‌ای متحول شود که معرف خواست و ارادهٔ و منافع تعداد معدودی از کشورها نباشد.

پس از جنگ سرد، شورای امنیت عملاً فعال گردیده است، افزایش جلسات کاری این شورا و درگیری آن در مخاصمات متنوع و متعدد بین‌المللی گواه این مدعاست. اقدامات و واکنش این شورا در قبال بحران «کویت، سومالی، بوسنی و هائیتی» از مصادیق مورد بحث در این پژوهش می‌باشد که چارچوب بحث در فصول سوم، چهارم، پنجم و ششم را تشکیل می‌دهد.

* انتشارات اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل کلاه آبی‌ها (عملیات حفظ صلح و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل از آغاز تاکنون)، مترجم، علی میرسعید قاضی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳، ۵۱۹ص، ۳۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۵۲۰۰ ریال

کتاب شامل هشت بخش می‌باشد: پس از مقدمه مترجم و فهرست عملیات حفظ صلح سازمان از ۱۹۹۳ـ۱۹۴۸ و پیشگفتار دبیرکل سازمان ملل (خاویار پرزدکوئیار) در بخش اول بررسی کوتاه کتاب، عمل بازدارنده، ویژگیهای عملیات حفظ صلح، حفظ صلح و ایجاد صلح انجام می‌شود. بخش دوم به مناقشه اعراب و اسرائیل می‌پردازد. بخش سوم به هند و پاکستان اختصاص دارد. بخش چهارم: عملیات نظارت سازمان ملل در سالهای ۶۶ـ ۱۹۵۸ را توضیح می‌دهد. بخش پنجم عملیات سازمان ملل در کنگو را مطالعه می‌کند. بخش ششم مقام اجرایی موقعیت سازمان ملل در گینه جدید غربی و نیروی امنیتی سازمان در گینه جدید غربی را تبیین می‌کند. بخش هفتم به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در قبرس اشاره دارد و بخش هشتم از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ سخن می‌گوید. عملیات حفظ صلح سازمان ملل از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۳، فصل ششم و هفتم منشور سازمان ملل دو ضمیمه کتاب هستند که در انتهای آن آورده شده‌اند.

هدف کتاب توضیح و تشریح عملیاتهایی است که نیروهای حافظ صلح سازمان ملل از آغاز تأسیس تاکنون انجام داده‌اند.

* رضا سیمبر، «از سانفرانسیسکو تا سارایوو، دیپلماسی بازدارنده در نظام بین‌الملل»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۷، سال دوازدهم، ش ۱، ص ۱۰۷ تا ۱۲۶، فصلنامه

دربارهٔ حل مخاصمات بین‌المللی در این مقاله تلاش می‌شود به عنوان یکی از راهکارهای موجود، به دیپلماسی بازدارنده اشاره شود، تصویری مجمل از اقسام و انواع آن ارایه گردد و با طرح مثال در جهت عبرت گرفتن از گذشته‌ها به سوابق سازمان ملل متحد در این باره اشاره شود. بازیگران اصلی در اجرای دیپلماسی بازدارنده معرفی

تأکید بر این نکته است که اجرای دیپلماسی بازدارنده مانند اجرای سایر راهبردها نیازمند تعاون و همکاری مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی است و بدون چنین مشارکتی تحقق آن غیر قابل تصور می‌باشد.

* هوشنگ مقتدر، «امنیت دسته جمعی در تئوری و عمل»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۱، سال ششم، ش ۱، ص ۶۷ تا ۸۰، فصلنامه

نظام امنیت دسته جمعی از جمله طرح‌هایی است که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارایه شده است. در این مقاله، مبانی نظری مزبور به صورت فرضها، شرایط ذهنی و عینی نظام امنیت دسته جمعی و مشکلات موجود بر سر راه تحقق این فرضها و شرایط بررسی شده‌اند. سپس نظام امنیت دسته جمعی بر اساس میثاق جامعه ملل و عملکرد دولتها در چارچوب این سازمان برای تحقق امنیت دسته جمعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دنبال آن، مقررات منشور سازمان ملل در مورد نظام امنیت دسته جمعی و اثر نظام بین المللی بر عملکرد آن بررسی می‌شود. سرانجام عملکرد سازمان ملل در مقابله با جنگ کره و اقدام عراق برای اشغال کویت به عنوان دو نمونه از این تأثیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* سالی مورفت، «اهمیت قطعنامه‌ها و وتوهای شورای امنیت و ارتباط آنها با شرایط موجود»، ترجمه: بهرام مستقیمی، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۰، سال پنجم، ش ۳، ص ۶۱۱ تا ۶۴۰، فصلنامه

در این مقاله ابتدا مقدمه‌ای در مورد موضوع مطرح می‌شود. سپس منشور سازمان ملل به عنوان مشخص کنندهٔ وظایف و ساختار شورای امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه مسأله توازن نیروها در این شورا طرح می‌شود. بعد از آن، مسائل ناشی از نادیده گرفتن شورای امنیت و بحثی درباره اهمیت برخی قطعنامه‌های این شورا بیان می‌شود. در نتیجه مقاله نویسنده چنین اظهار می‌دارد که شورای امنیت از لحاظ سیاسی و حقوقی نقش مهمی در تقویت و شکل دادن به باورهای مربوط به رفتار قابل قبول بین‌المللی ایفا کرده است.

* منیژه اسکندری زنجانی، «بحثی پیرامون مداخله بشر دوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۲، سال هفتم، ش ۱، ص ۱۰۹ تا ۱۲۸، فصلنامه

سؤالی که این مقاله در پی پاسخ به آن است عبارت است از اینکه آیا قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق بشر حق مداخله بشر دوستانه را به عنوان ابزاری برای حفظ صلح و امنیت و همچنین حفظ حقوق انسانها، حفظ می‌کند یا اینکه اصل منع کاربرد این نوع مداخله را ممنوع می‌کند؟ در قسمت اول این نوشتار ابتدا مفهوم مداخله بشردوستانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نویسنده به بررسی مداخلهٔ بشردوستانه در چارچوب نظام منشور سازمان ملل می‌پردازد. پس از آن برخی نمونه‌هایی را که مداخله بشردوستانه توسط سازمان ملل متحد صورت گرفته است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* مینا زندیه، «تحلیلی بر روند شورای امنیت»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۷، سال دوم، ش ۲، ص ۱۳۷ تا ۱۵۳، فصلنامه

در این مقاله ابعاد گوناگون شورای امنیت که شامل ساختار، نحوه عضویت و شیوه عملی است، بررسی شده و نقاط ضعف و قوت آن در کنار مواردی که شورا به آن رسیدگی کرده (مانند مسائل کره، کنگو، هند و پاکستان، نیکاراگوئه، افغانستان و خاورمیانه) مطرح می‌گردد. نویسنده در نتیجه مباحث خود به این واقعیت اشاره می‌کند که سازمان ملل در نیل به اهداف خود موفق بوده است. در عین حال نویسنده اظهار می‌دارد که شورای امنیت تنها ابزاری است که بمنظور تداوم مذاکرات و رسیدن به عدالت، باید حفظ، تقویت و اصلاح شود.

* نسرین مصفّا، «تحول مفهوم حفظ صلح»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۰، سال پنجم، ش ۲، ص ۳۶۳ تا ۳۸۶، فصلنامه

هدف این مقاله، نخست ارایه خصوصیات عملیات «حفظ صلح» سازمان ملل و سپس بررسی تحولی است که در دوران جدید در شکل، تشکیلات و هدف و محتوای وظیفهٔ خود پیدا کرده است. نویسنده قبل از آغاز بررسی مفهوم «حفظ صلح» و تحول

بین‌المللی و استفاده از نیروی نظامی - بین‌المللی در فرآیند تامین صلح و امنیت بین‌المللی ارایه می‌کند.

* فرهاد شهابی، «دیپلماسی پیشگیرانه در سازمان ملل متحد»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۶، سال یازدهم، ش ۴، ص ۱۱۵ تا ۱۴۰ فصلنامه

در این مقاله ابتدا به جایگاه حقوقی دیپلماسی پیشگیرانه در منشور ملل متحد اشاره گردیده است، نویسنده ضمن بیان مشکلات و محدودیتها در این باب، نگرشی تاریخی را به برخی از مسائل از قبیل درگیری در بلوک شرق و غرب، بحران کنگو، پایان جنگ سرد بطوری که این امر سبب شد که دیپلماسی پیشگیرانه در سازمان ملل طرح شود، ارایه می‌دهد. هدف از دیپلماسی پیشگیرانه جلوگیری از جنگ و خشونت‌های اجتماعی است که نادیده انگاشتن آنها عواقب فجیع بین‌المللی را بدنبال دارد. شورای امنیت پس از جنگ سرد نقش فعالتری در مخاصمات بین‌المللی یافته است، اما باز هم به شدت تحت تأثیر دول غربی خصوصاً آمریکاست. نویسنده سعی دارد با بررسی عدم کارآیی سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی این واقعیت را یادآور شود که پس از جنگ سرد امنیت جهان سوم بیش از پیش در معرض خطر قرار گرفته است.

* ناصر ثقفی عامری، «روندهای تسلیحاتی در دوران پس از جنگ سرد»، به نقل از کتاب مجموعه مقالات «استراتژی و تحولات ژئوپولیتیک پس از دوران جنگ سرد»، انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۳ ـ تهران

تمهیدات کنترل تسلیحات در چارچوب سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی در قسمتی از این مقاله مطرح شده است و نویسنده معتقد به ناکافی بودن این تمهیدات و اقدامات است.

* ناصر ثقفی عامری، «رهیافت استراتژی ملی در محیط جدید بین‌المللی» به نقل از کتاب «استراتژی و تحولات ژئوپولیتیک پس از دوران جنگ سرد» انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، سال ۱۳۷۳، چ اول

بطور کلی استراتژی ملی برای حفظ و تأمین امنیت ملی طرح ریزی و در نظر گرفته می‌شود. اما این استراتژی در حال تغییر و تحول است، یکی از عوامل جهانی تأثیر گذار بر استراتژی ملی کشورها در دوران جدید «اهمیت یافتن بیش از پیش سازمان ملل متحد در جهت حفظ صلح و امنیت جهانی» می‌باشد.

* کورش احمدی، «شکل‌گیری و تکوین عملیات حفظ صلح»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۷، سال دوازدهم، ش ا، ص ۷۷ تا ۱۰۶، فصلنامه

در این مقاله، نویسنده به بررسی و تجزیه و تحلیل حفظ صلح از زمان تاسیس سازمان ملل تا حال می‌پردازد. می‌توان مقاله را به پنج بخش تقسیم کرد در بخش نخست نویسنده به چگونگی تکوین عملیات حفظ صلح و سه ویژگی آن (عدم توسل به زور، مداخله با رضایت طرفین دعوا و بی‌طرفی) اشاره می‌کند. در بخش دوّم ضمن اشاره به تغییرات کیفی و کمی عملیات حفظ صلح پس از ۱۹۸۹ سه ویژگی اصلی این تغییرات ذکر می‌شود. از جمله نکات مهم مقاله اشاره به ابزارهای چهارگانه تامین صلح می‌باشد (دیپلماسی پیشگیرانه، حفظ صلح، برقراری صلح و تحکیم صلح). در سایر بخشهای مقاله به بررسی آینده عملیات حفظ صلح، دیدگاه جمهوری اسلامی ایران و عملیات حفظ صلح و در نهایت به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

* شاهرخ شاکریان، شورای امنیت: فرایند توزیع مجدد قدرت، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، سال نهم، ش۳، ص ۱۰۱۳ تا ۱۰۳۴، فصلنامه

در این مقاله ابتدا پیشینه تاریخی پی‌ریزی ساختار شورای امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنگاه عواملی چون افزایش توان تأثیرگذاری برخی از بازیگران بین‌المللی، تشکیل اتحادیه اروپا و افزایش نقش کشورهای جنوب را به عنوان انگیزه‌های توزیع دوباره قدرت جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد. و در پایان رهیافتهای موجود دربارهٔ نحوهٔ توزیع مجدد قدرت در شورای امنیت و چالشهای این مسأله را بیان می‌کند.

* خوزه.ای ـ آلوارز، «شورای امنیت، گذشته و حال...»، ترجمه: سید داود آقایی،

مقاله حاضر ضمن بررسی عملکرد و ساختار شورای امنیت، بازسازی و انجام اصلاحات جدی، فراتر از افزایش تعداد اعضای آن را ضروری می‌داند. بخشهای مختلف مقاله عبارتنداز: «آیا شوروی خارج از کنترل است؟، مجازاتهای اعمال شده علیه عراق بعد از جنگ خلیج فارس، لیبی، هائیتی، تأسیس دادگاه جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق، ضعف دموکراسی در سازمان ملل متحد و کمبودهای هنجاری شورای امنیت». در پایان نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که مجازاتهای تعیین شده از سوی شورا همیشه اعمال نشده است و تا زمانی که اقداماتی در جهت افزایش حس مشارکت عمومی به عمل نیاید امکان زوال تأثیر این اقدامات و دیگر تصمیمات وجود دارد.

* هدایت فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۶۹، ش ۸، ص ۳۳ تا ۱۰۴

مقاله از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول به بررسی نقش شورای امنیت به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی با توجه به منشور ملل متحد می‌پردازد. شورای امنیت قبل از هر اقدامی باید مطمئن شود که صلح به خطر افتاده است و این نمی‌شود مگر با بررسی دقیق بحران یا اختلاف مورد نظر. قسمت دوم عمدتاً به این مطلب پرداخته است. در قسمت سوم مقاله که بخش اعظم این نوشتار را به خود اختصاص داده است نویسنده به بررسی و توضیح: به مخاطره افتادن صلح، تهدید بر صلح و نقض صلح، سه مفهومی که در ماده ۳۹ منشور بکار رفته است می‌پردازد.

* پاول. اف. دیل، عملیات پاسداری صلح و تلاش برای صلح»، ترجمه جمشید زنگنه، مجله سیاست خارجی، ۱۳۶۸، سال سوم، ش ۲، ص ۲۷۱ تا ۳۰۳، فصلنامه

در این مقاله ابتدا تاریخچه اندیشه امنیت دسته جمعی بعد از جنگ اول جهانی، مطرح می‌شود. آنگاه به اندیشه امنیت دسته جمعی در منشور سازمان ملل در چارچوب تشکیل نیروهای لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اشاره می‌شود. در این مقاله در مورد عملیات پاسداری صلح توسط نیروهای بین‌المللی، عوامل مساعد برای موفقیت آنها و شش مورد از مأموریت‌های آنها بحث می‌شود.

* فردین قریشی، «منشور ملل متحد و عملکرد شورای امنیت»، روزنامهٔ اطلاعات، سال ۱۳۷۴، بیست و سوم و بیست و چهارم شهریور، ش م: ۷ـ۲۰۵۷۶، ص ۱۲

در مذاکراتی که پیرامون تصویب «منشور ملل متحد» در سال (۱۹۴۵) در کنفرانس سانفرانسیسکو، در جریان بود، حدود صلاحیت، ارکان سازمان ملل متحد، بدقت تعریف و معین نگردید و در عمل ارکان سازمان مذکور دست به تفسیر صلاحیتهای موسع خود نموده‌اند. به گونه‌ای که برخی از تصمیمات و اقدامات سازمان مذکور مطابق پیش بینی‌های منشور نبوده و حتی متناقض با آن بوده است. اقدامات مزبور با استناد به (بند ۱ مادهٔ ۲۴) منشور که سازمان مزبور را مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند، توجیه می‌گردد. در مقالهٔ مذکور نویسنده به عملکرد شورای امنیت در نظام دوقطبی و بعد از نظام دوقطبی نظام نوین جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد و به برخی از اقداماتی که در صلاحیت شورای امنیت نبوده و در منشور پیش‌بینی نشده، اشاره می‌شود.

* محمد مهدی یوسفی، «نقش سازمانهای منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۷، سال دوازدهم، ش ا، ص ۱۲۷ تا ۱۵۴، فصلنامه

از سال ۱۹۴۵ و ظهور جنگ سرد، تضاد شرق و غرب مانع شد که سازمان ملل بتواند به وظیفه خود در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اقدام نماید. امروزه با پایان جنگ سرد، این سازمان تلاش می‌کند تا جایگاه خود را در مرکزیت امنیت دسته‌جمعی باز یابد. هدف این مقاله شناخت جایگاه سازمانهای منطقه‌ای، تبیین ماهیت سازمانهای منطقه‌ای بر اساس مفاد فصل ۸ منشور و یافتن سازوکارهای همکاری سازمانهای منطقه‌ای با سازمان ملل متحد در راستای دیپلماسی پیشگیرانه برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

* فریده شایگان، «اقدامات سازمان ملل متحد در حفظ صلح با اشاره به اقدامات سالهای ۹ـ۱۹۸۸» استادان راهنما و مشاور: جمشید ممتاز، اردشیر امیر ارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ص ۲۷۲

پایان نامه مزبور شامل دو بخش و هر بخش دربرگیرندهٔ دو فصل است:
در بخش اول، بدواً در فصل اول، مبنای حقوقی اقدام سازمان ملل در زمینه حفظ صلح، وظایف و مأموریتهای مُحوّله به نیروهای حافظ صلح، توجیه حقوقی اعزام نیروهای صلح در رابطه با منازعات داخلی مورد بررسی قرار گرفته، سپس در فصل دوم ضمن پرداختن به ابعاد حقوقی این پدیده مسائل مختلفی از قبیل رکن صالح برای تشکیل نیرو و هدایت سیاسی عملیات، نقش رضایت دولت میزبان و... مور تجربه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش دوم، ابتدا در فصل نخست روند وقایعی که منجر به تشکیل نیروهای صلح طی دو سال مذکور گردیده ارایه شده و سپس در فصل دوم، تحولاتی که در مفهوم حفظ صلح، محتوای وظایف نیروها و ابعاد حقوقی عملیات انجام شده مورد مطالعه قرار گرفته است.

* شیرین رشته احمدی، «اقدامات شورای امنیت در مورد عراق پس از دفع تجاوز به کویت»: بررسی تحول مفهوم تهدید بر صلح و گسترش اختیارات شورای امنیت، استادان راهنما و مشاور، سیدجمال سیفی، اردشیر امیر ارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۴ - ۱۳۷۳، ۱۶۸ ص

پایان نامه مشتمل بر یک مقدمه، فهرست منابع و مآخذ و چهار فصل است:
در فصل اول حدود اختیارات شورای امنیت برای مداخله و وضع محدودیتهای خاص بر کشورها بررسی می‌شود و شامل سه بخش است (بخش اول: ماده ۳۹ منشور و تهدید بر صلح، بخش دوم: عملکرد سنتی امنیت در مورد تهدید بر صلح: (قضایای فلسطین و...) استناد به بند ۷ از ماده ۲ شورا) بخش سوم: گسترش اختیارات شورای امنیت از طریق توسعه مفهوم تهدید) فصل دوم به تعیین حدود مرزی می‌پردازد. فصل سوم اقدامات شورای امنیت در رابطه با خلع سلاح عراق را مورد بحث قرار می‌دهد و فصل چهارم کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل را توضیح می‌دهد.
نویسنده بر آن است که شورای امنیت عبارت «تهدید بر صلح»، مندرج در ماده ۳۹ منشور را گسترش داده است و تحقیق مزبور بطورکلی خواستار یافتن مبانی حقوقی عملکرد شورا در بحران کویت، با توجه به صلاحیتهای شورا به موجب منشور ملل

متحد و مقایسه با عملکرد سنتی آن است. آیا توسعه صلاحیت شورا از طریق تفسیر موسع مفاهیم مندرج در منشور بدون اصلاح آن امکانپذیر است؟ آیا سکوت کشورهای مستقل جهان سوم در مقابل ابتکارات شورا و دبیرکل و در نتیجه گسترش بی حد و حصر اختیارات شورای امنیت، موجب تحول حقوق بین‌الملل در این خصوص به نحوی که تأمین کننده منافع آنها نباشد نخواهد شد؟ در فصل اول حدود اختیارات شورای امنیت برای مداخله و وضع محدودیتهای خاص بر دولتها مورد بحث و بررسی قرار گرفته، و موضوعات تعیین حدود مرزی، خلع سلاح و جبران خسارات ناشی از جنگ عراق و تکالیف بی‌سابقه که شورا بر این کشور تحمیل نموده است، در سه فصل بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

* شهروز ابراهیمی، «تهدید حاکمیت ملی دولتها با مداخله گرایی سازمان ملل متحد: بعد از جنگ سرد»، استاد راهنما عبدالعلی قوام، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۶، ۱۷۸ ص

پایان نامه مزبور شامل: یک پیشگفتار و مقدمه و شش فصل و فهرست منابع است: فصل اول به بررسی تحلیلی نظام بین‌المللی بعد از جنگ سرد (دیدگاه رئالیسم - ایده‌آلیسم و تفکر همگرایی و واگرایی) می‌پردازد. فصل دوم بحث نظری پیرامون حاکمیت و مداخله است. فصل سوم عوامل تهدیدکننده حاکمیت دولتها را برمی‌شمارد (مداخلات یک جانبه، حقوق بین‌الملل، نابرابری دولتها و فروپاشی و جنگ داخلی) فصل چهارم عوامل تهدید کننده حاکمیت دولتها در دوره جنگ سرد را نام می‌برد (سازمان ملل متحد، تقابل دو ابرقدرت و تهدید حاکمیت درون بلوکی و مداخله بشر دوستانه و یکجانبه) و در فصل پنجم تهدید حاکمیت دولتها بعد از جنگ سرد را مطالعه می‌کند (هماهنگی در شورای امنیت، تفسیر موسع از منشور ملل متحد و ارتباط آن با صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه نقش نیروهای حافظ صلح، عملیات حفظ صلح، نیروهای پیشگیرانه، صلح سازی بعد از مخاصمات مسلحانه و تشکیل دادگاه بین‌المللی و...) و بالاخره در فصل ششم آثار تهدید حاکمیت توسط سازمان ملل در موقعیت دولتها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد

حکومتهای نامشروع از موقعیت خود و تقسیم جهان به دو گروه موافق و مخالف زیاده طلبی‌های سازمان ملل).

بحث اصلی در این تحقیق بررسی ارتباط تهدید حاکمیت دولتها و مداخله سازمان ملل است. با فروپاشی شوروی و کارآمدتر شدن سازمان ملل در برخورد با مسأله صلح و امنیت بین‌المللی، فعال شدن شورای امنیت و نیز مطرح شدن مسائل جدی و مهم در جهان از جمله حقوق بشر، جنگهای داخلی، خطرات گسترش سلاحهای هسته‌ای و... حاکمیت دولتها را بطور جدی و موثر به چالش طلبیده است، از یک طرف شورای امنیت با تفسیر موسعی که از منشور بعمل آورده خود را مکلف به دخالت در امور داخلی دولتها دانسته و از طرف دیگر دولتهای کوچک و به اصطلاح جهان سوم سخت نگران تهدید حاکمیت خود و به تبع آن امنیت خود بوده، لذا بلوکی را در مقابل زیاده‌طلبی‌های سازمان ملل تشکیل داده‌اند.

* بیژن سلیمانی فارسانی، «تحلیلی بر منطقه گرایی جدید و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، استادان راهنما و مشاور: ابراهیم بیگ‌زاده، اردشیر امیرارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۷، ۱۸۲ ص

عناوین پایان نامه مزبور به این قرار است که در کلیات سیستم بین‌المللی و سیستمهای تابع، تقسیمات تئوریک همگرایی و نظریات همگرایی توضیح داده می‌شود. بخش اول: تحلیلی بر منطقه گرایی جدید است و شامل دو فصل می‌باشد. در فصل اول دربارهٔ منطقه‌گرایی جدید و تقابل اندیشه منطقه‌گرایی و جهانگرایی بحث می‌شود و در فصل دوم به منطقه‌گرایی و سازمانهای جهانی با صلاحیت عام پرداخته می‌شود. بخش دوم به نقش منطقه گرایی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اختصاص دارد و دو فصل را دربر می‌گیرد. فصل اول به منطقه گرایی و حفظ صلح و امنیت از دید سازمان ملل‌متحد می‌پردازد و فصل دوم: حفظ صلح و امنیت از دید ترتیبات و سازمانها منطقه‌ای را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این رساله سعی گردیده است این مسائل مورد بررسی قرار گیرد: الف) دیدگاه سازمان ملل در رابطه با نقش سازمانهای منطقه‌ای در نسل جدید از عملیاتهای صلح.

ب) نقش و استراتژیهای در دسترس نهادهای منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. ج) ملاحظات و معیارهای ضروری در تعیین تقسیم وظیفه بین سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای. د) عوامل تعیین کنندهٔ کارایی نهادهای منطقه‌ای. ه) شیوه‌های امکانپذیر همکاری بین سازمان ملل با نهادهای منطقه‌ای.

* علی‌اصغر داودی، «نقش شورای امنیت در برخورد با بحرانهای بین‌المللی در نظم نوین جهانی»، استاد راهنما: سید اکبر احمدی، استادان مشاور: کاووس سید امامی و اسعد اردلان، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۳۷۲، ۲۶۹ ص

رساله شامل چهار بخش و هشت فصل می‌باشد بخش اول مقدمه است و فصل اول طرح تحقیقاتی را دربر می‌گیرد. بخش دوم: کلیات را شامل می‌شود و فصول دوم و سوم در آن قراردارد. (فصل دوم: مبانی حقوقی شورای امنیت از دیدگاه منشور ملل متحد، فصل سوم: نقش شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت و مهار بحرانهای بین‌المللی)، بخش سوم به ارزیابی توان شورای امنیت در حل بحرانهای بین‌المللی می‌پردازد و شامل دو فصل چهارم و پنجم است: (فصل چهارم: عملکرد شورا در نظام دو قطبی (۱۹۴۵-۱۹۸۷)، فصل پنجم: دوران تحرک پس از رکود)، بخش چهارم شورای امنیت و نظم نوین را مورد مطالعه قرار می‌دهد و سه فصل آخر پایان نامه را دربر می‌گیرد: (فصل ششم: نظم نوین جهانی، فصل هفتم: مقدمه دگردیسی در شورای امنیت، فصل هشتم: نتیجه‌گیری).

نویسنده در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شورای امنیت تنها زمانی می‌تواند کارایی لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را داشته باشد که ساختار آن به نفع دموکراسی اکثریت و ارزشهای دموکراتیک بین‌المللی متحول گردد. تجدید نظر در استفاده از حق وتو و حدود آن در شورای امنیت، افزایش اعضای شورا و حضور عدهٔ بیشتری از جهان سومیها به عنوان عضو دائم، افزایش نقش کنترلی شورا بر تولید و صدور تسلیحات و بالاخره تقویت سیاست بازدارنده از طریق تقویت عملیات حفظ صلح و تشکیل نیروی مسلح بین‌المللی تحت فرماندهی سازمان ملل متحد گامهایی در راستای کارا نمودن شورای امنیت می‌باشد.

* سید داود آقایی، «نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظام جهانی: پس از جنگ سرد»، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۵، ۴۶۰ص،کتابخانه مرکزی (قسمت پایان نامه‌ها ۱۲۷۱ الف)

پایان نامه مزبور مشتمل بر هفت فصل می‌باشد:
فصل اول به نظم نوین جهانی اختصاص دارد. فصل دوم: نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی را بررسی می‌کند. فصل سوم عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال بحران کویت را مطالعه می‌کند. فصل چهارم به قضیه لاکربی و اختیارات شورای امنیت می‌پردازد. فصل پنجم: هائیتی، بحران دموکراسی و مداخله شورای امنیت نام دارد. فصل ششم به بحران سومالی و اقدامات شورای امنیت اشاره می‌کند و فصل هفتم بررسی عملکرد شورای امنیت در حل بحران بوسنی و هرزه‌گوین را شامل می‌شود.

در این پژوهش فرضیه اصلی این است که تحولاتی که در نحوهٔ صدور مجوز توسل به زور، بهره‌گیری از نیروهای حافظ صلح و مداخلات بشردوستانه در سالهای پس از جنگ سرد از سوی شورای امنیت انجام گرفته موجب اشاعهٔ اندیشهٔ نامحدود تلقی کردن صلاحیت شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی گردیده است. نویسنده در تلاش است تا با مروری بر بحرانهای حاد بین‌المللی که پس از جنگ سرد به وقوع پیوسته است، فرضیه خود را ثابت نماید.

فصل چهارم

شورای امنیت ـ ایران

* عباس خمسه هدایتی خمینی، «شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران)»، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امورخارجه، ۱۳۷۰، ۳۲۹ ص، ۵۰۰۰ نسخه، یک جلد، چاپ اول، ۱۶۰۰ ریال

کتاب شامل یک پیشگفتار، یک مقدمه، سه بخش و پیوستها می‌باشد.

تبیین و تطبیق قطعنامه و تصمیمات شورای امنیت بعنوان مهمترین رکن جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی، نکات قابل توجهی در بردارد. مطالب این کتاب در سه بخش تنظیم شده که فصل اول حاوی مباحث تئوریک و زیربنایی در مورد سازمان ملل و شورای امنیت است، فصل دوم که قسمت اعظم کتاب را در بردارد شامل بررسی مواضع مختلف شورای امنیت در قبال جنگ ایران و عراق می‌باشد و فصل سوم حاوی ارزیابی شورای امنیت درخصوص جنگ تحمیلی است. در بخش نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و ارایه پیشنهادها و نظریات آورده شده است. اقدامات شورای امنیت عمدتاً مرتبط با وضعیت جبهه‌های جنگ بود یعنی هرگاه پیشرفتی به نفع ایران در جبهه‌ها حاصل می‌شد، شورا قطعنامه‌ای صادر می‌کرد و به تعبیر خود از گسترش جنگ یا ادامه آن یا حملات اخیر ایران ابراز نگرانی می‌کرد و در آن زمان که عراق به تحکیم مواضع خود در داخل خاک ایران می‌پرداخت، شورا با سکوتی سنگین و طولانی جانب متجاوز را می‌گرفت.

در قسمت پیوستها سه پیوست آمده است: اول: اعضای غیر دائم شورای امنیت از

سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸. دوم: روز شمار اقدامات و ملاحظات سازمان ملل در مسأله جنگ عراق با ایران و سوم: متن رسمی قطعنامه‌های سازمان ملل‌متحد در خصوص جنگ ایران و عراق.

* سید قاسم زمانی، «تأملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، مجله سیاست دفاعی»، ۱۳۷۶، شماره مسلسل ۲۰-۲۱، ص ۱۶۵ تا ۱۹۴، فصلنامه

مسئولیت اصلی حفظ و بازگرداندن صلح و امنیت جهانی در اختیار رکن اجرایی سازمان ملل متحد یعنی شورای امنیت قرار دارد. آنچه جای تأمل دارد سنجش و ریشه‌یابی مواضع بسیار متفاوتی است که شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) و کویت (۱۲ مرداد ۱۳۶۹) اتخاذ کرده است. مقاله حاضر مروری است بر این مطلب قسمتهای اصلی مقاله عبارتند از: ماهیت و مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، التزام عراق به توصیف تجاوز در حقوق بین‌الملل موضوعه، شورای امنیت و احراز تجاوز عراق به ایران و کویت، درخواست عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی عراق به لحاظ ارتکاب تجاوز، و جامعه جهانی و تاوان مسامحه شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران.

* عباس ملکی، «جنگ تحمیلی و شورای امنیت سازمان ملل متحد»، مجله سیاست خارجی، سال دوم، ش ۲، ص ۱۵۵ تا ۱۸۷، فصلنامه

این مقاله که از دو بخش عمده تشکیل شده است، در ابتدا به بررسی تمامی قطنامه‌هایی که از زمان جنگ در شورای امنیت به تصویب رسیده می‌پردازد. آنگاه نویسنده ضمن بررسی و تحلیل قطعنامه ۵۹۸، که با اهمیت‌ترین قطعنامه در این خصوص تلقی می‌شود، به محورهای کلیدی که می‌تواند مورد بهره برداری جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد اشاره می‌کند.

* بهرام مستقیمی، «شورای امنیت و ایران»، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۴، سال نهم، ش ۳، ص ۱۲۰۳ تا ۱۲۳۸، فصلنامه

شورای امنیت از ابتدای تاسیس تاکنون فعالیتها و عملکردهای بسیاری داشته است، هفت مورد از این عملکردها مربوط به ایران بوده است. در این نوشتار آثار این موضع‌گیریها و عملکردها بر روند کار شورای امنیت سازمان ملل و تحول اختیارات دبیر کل سازمان و نحوه برخورد شورای امنیت با آنها بررسی می‌شود.

* سعید رجایی خراسانی، «عملکرد سازمان ملل در قبال جنگ تحمیلی»، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و تحریم تسلیحاتی ایران، نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، ۱۳۶۶، سال دوم شماره ۳، شماره مسلسل ۱۴، ص ۲۸ تا ۳۱، ماهنامه

مقاله عبارت است از گفتگویی که با آقای رجایی خراسانی در سال ۱۳۶۶ در زمینه عملکرد سازمان ملل در قبال جنگ ایران و عراق و همچنین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل از طرف ماهنامه اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی صورت گرفته است. مباحث مطرح شده بیشتر علمی و کاربردی هستند تا نظری و تئوریک.

* مجتبی ستوده‌نیا، «مقایسه عملکرد شورای امنیت در دو تجاوز عراق»، استاد راهنما: هوشنگ مقتدر، استادان مشاور: عبدالعلی بیگدلی و سیدباقر میرعباسی، دانشگاه امام صادق(ع) دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، ۱۴۸ ص

رساله از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است: فصل اول به سازمان ملل متحد بعنوان پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی می‌نگرد، فصل دوم به شناخت ماهیت دو تجاوز عراق می‌پردازد، فصل سوم عملکرد شورای امنیت در دو تجاوز عراق را بررسی می‌کند و فصل چهارم علل تفاوت عملکرد شورای امنیت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در پایان نیز فهرست منابع ذکر می‌شود.

سؤال اصلی این تحقیق آن است که چرا عملکرد شورای امنیت در دو تجاوز عراق با یکدیگر متفاوت بود؟ تحقیق حاضر دارای دو فرض است: نخست آنکه، شورای امنیت سازمان ملل متحد به نیابت از طرف اعضا مسئول حفظ و اعاده صلح در جهان است. دیگر آنکه عملکرد این شورا در قبال دو تجاوز عراق با هم متفاوت بوده است.

فرضیه‌هایی که در این زمینه ...

عبارتند از: اول اینکه تصمیمات شورا غالباً براساس منافع اعضاء دائم آن اتخاذ می‌شود، نه منشور ملل متحد و دیگر اینکه در جریان هر دو تجاوز عراق نوعی همسویی میان منافع اعضای دائمی شورای امنیت وجود داشته است.

در این تحقیق عملکرد شورای امنیت از خلال دو تجاوز عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ و کویت در سال ۱۳۶۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد و نهایتاً دو فرضیه‌ای که نویسنده در ابتدای رساله مبنی بر اینکه تصمیمات شورا بر اساس منافع اعضای دائم است و در هر دو تجاوز میان منافع اعضا نوعی همسویی وجود داشته است، اثبات می‌شود.

بخش اوّل

امنیت ملی

فصل اول

مفاهیم نظری

Nationanl Security In The Third World: The Management Of Internal & External Threats, ed By: E.Azar & C.Moon, Cambridge, University Press 1988,

* امنیت ملی در جهان سوم: مدیریت تهدیدات داخلی و خارجی، ویراستار ای. آذر و سی. مون، کمبریج، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۸۸. نقل از: مجله سیاست دفاعی، شماره مسلسل ۲۰ - ۲۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۶

مباحث اصلی کتاب عبارتنداز: بازاندیشی امنیت ملی در جهان سوم؛ مردم، دولت‌ها وترس: مسئله امنیت ملی در جهان سوم؛ برچسب‌های ساده و واقعیت‌های پیچیده؛ مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاسی؛ ایدئولوژی و امنیت در چین و کره‌شمالی؛ توسعه اقتصادی و امنیت ملی؛ تأمین تسلیحاتی و امنیت ملی؛ رژیم‌های امنیت ملی و سوء استفاده از حقوق بشر در آرژانتین؛ اداره و مدیریت امنیت ملی: تجربه آمریکا و درس‌های آن برای جهان سوم؛ بسوی یک مفهوم سازی جایگزین.

فرضیه اساسی کتاب آن است که امنیت ملی یک معنا دارد و آن معنا، این است که هرگونه تعریفی از امنیت ملی به تهدیدات برای ارزش‌های حیاتی ملی بستگی دارد و از این رو ماهیت تهدیدات از یک کشور به کشور دیگر، بر حسب موضوعات در حول زمان متفاوت است. لذا این اشتباهی آشکار است که یک معنی علمی و مشخص را برای این تهدیدها در نظر گرفت

بر این اساس، در کتاب مذکور، ضمن نامناسب دانستن نگرش سنتی به امنیت ملی برای ممالک در حال توسعه، به چهار ضعف مهم آن اشاره می‌شود. نویسندگان کتاب معتقدند تحلیلگر امنیت ملی در محیط‌های جهان سومی باید بجای تأکید بیش از حد بر نظام متعارف و نیروهای نظامی، ملاحظات دیگری چون حقوق بشر، توسعه اقتصادی، آلودگی زیست محیطی، نوسازی اجتماعی و یکپارچگی وحدت ملی را مدنظر قرار دهد.

Lipschutz, Ronnie D., Derian, Iames Der, Waever, Ole, ex.al.,on Security. Columbia: Columbia University Press, 1995, 233pp.

* جمعی از نویسندگان، در باب امنیت، کلمبیا، انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۱۹۹۵، ۲۳۳ص، به نقل از مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره دوم، ۱۳۷۵

در این کتاب مفهوم امنیت با طرح سؤالاتی چند، مورد بحث و بررسی قرارمی‌گیرد: ۱ـ امنیت شامل چه مقولاتی می‌شود؟ ۲ـ شرایط تشکیل دهنده امنیت کدام است؟ ۳ـ چگونه نظریه‌های موجود در مورد امنیت توسعه یافته، وارد قلمرو بحثهای سیاستهای داخلی می‌گردد و نهایتاً در سخت‌افزارها، سازمانها، نقشها نهادینه می‌شود؟ همچنین در این کتاب تلاش می‌شود برخی معضلات به وجود آمده در پی جنگ سرد، ناشی از ناامنی مورد بررسی قرار گیرد. نویسندگان کتاب به سؤالات مقدماتی هستی‌شناسی پاسخ می‌دهند: کشور چیست و ماهیت روابط میان کشورها چگونه است؟ سؤال اساسی دیگری که نویسندگان تلاش می‌کنند پاسخ مناسبی برای آن بیابند این است که فرد باید در مقابل چه کسی و چه چیزی در امنیت قرا گیرد؟ کتاب در ۸ فصل تنظیم شده است: فصل اول: در خصوص امنیت، فصل دوم: ارزش امنیت: نظریات هابز، مارکس، نیچه و بردریلارد، فصل سوم: امنیت سازی و امنیت زدایی، فصل چهارم: انشعاب سیاسی: ساختار دولت، جامعه مدنی و سلاحهای هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا، فصل پنجم: اساس کشورداری و چالش شهروندان نسبت به سیاست امنیت ملی آمریکا، فصل ششم: بازها و کبوتران، نه جغدها، وابستگی متقابل اقتصادی بین‌الملل و ایجاد معضل جدید امنیتی، فصل هفتم: امنیت کشور، نظم نوین جهانی و ورای آن، فصل هشتم: مذاکره در مورد حدود اختلافات و امنیت در پایان هزاره.

John Norton Moore, Frederick S. Tipson and Robert F. Turner, National Security Law. North Carolina: Carolina Academic Press, lqqo, 1230 Pages.

* جان. ن. مور، فردریک. س. تیپسون و رابرت. ف. ترنر. قانون امنیت ملی، کارولنیای شمالی، انتشارات دانشکده کارولنیا، ۱۲۳۰ صفحه

فهرست مطالب کتاب به شرح زیر است:

امنیت ملی و نقش قانون، رویکردهای نظری به امنیت ملی، استفاده از زور در روابط بین‌الملل، فرایند امنیت ملی، امنیت ملی و اصلاحات چهارم و پنجم از مباحث مهم مطرح شده در این کتاب هستند.

رشته جدید قانون امنیت ملی حاصل اشتراک مساعی میان قانون بین‌المللی مدیریت تعارض و عرصه‌های قانون ملی مربوط به موضوعات امنیتی چون قانون جاسوسی و انتقال اسلحه است. این کتاب طیفی وسیع از مسائل مهم حقوقی امنیت ملی را موضوع بحث و بررسی قرار می‌دهد و آنها را در چارچوب تاریخی و استراتژیکی قرار می‌دهد و محققان را با طیف وسیعی از مسائل تکرار شوندهٔ امنیت ملی آشنا می‌کند.

Richard Shultz, "On Low _ Intensity Conflict and Ntional Security Policy: A Comparative Analysis", ***in Security and Arms Control, Vo l2: A Guide To International Policymaking,*** Edited by: Edward A. Kolodziej and Patrick. M. Morgan, New York: Greenwood Press, 1989. 413 Pages.

* ر. شولتز، در باب تعارض دارای شدت کم و سیاست امنیت ملی: یک تحلیل تطبیقی به نقل از کتاب امنیت و کنترل تسلیحاتی: راهنمای سیاستگذاری بین‌المللی، ادوارد.ا. کُلودزیج و پاتریک. م. مورگان، نیویورک، انتشارات گرین وود، ۱۹۸۹، ۴۱۳ صفحه.

این فصل از کتاب امنیت و کنترل تسلیحاتی روش‌هایی را بررسی می‌کند که کشورهای غربی در واکنش به تعارض دارای شدت پایین، تدارک دیده‌اند. این فصل در ابتدا به پارامترهای تعارض دارای شدت پایین می‌پردازد و در ادامه، تجربه ایالات متحده را از سال ۱۹۴۵

کشورهای غربی در قبال این تعارض‌ها برگرفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت به درسهایی که می‌تواند گرفته شود و پیشنهادهایی درباره مشی آینده این رشته (امنیت بین‌المللی) می‌پردازد.

فصل دوم

بُعد اجتماعی

Richard Clutterbuck, Public Safety and Civil Liberties, London: Macmillan Press, 1997, 250 Pages.

* ر. کلاترباک، «سلامت عمومی و آزادیهای مدنی»، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۹۷، ۲۵۰ صفحه

جرم و علل آن، عدالت کیفری، تکنولوژی و آزادیهای مدنی از مطالب مهم کتاب مذکور می‌باشد.

سؤال بنیادین این کتاب این است که چگونه می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد و چگونه باید تروریستها و مجرمان را بازداشت و محکوم کرد بدون آن که آزادیهای مدنی ایشان لطمه بخورد. آزادیهای مدنی افراد ممکن است به طریق مختلف نقض شود، مثلاً زندانیانی به جرم متهم شوند اما هنوز در دادگاه محکوم و مجرم شناخته نشده باشند، مظنونانی وجود داشته باشند که هنوز از ایشان رفع اتهام نشده باشد، تماشاچیان بی‌گناهی توقیف و بازرسی و بازداشت شوند و... از طرف دیگر، اگر نظام اجرای قانون، مجرمان را آزاد گذارد، مردم بی‌گناه را مورد تهاجم ایشان قرار داده است. پس چگونه و کجا باید خطوطی، میان رعایت آزادی‌های مدنی افراد و جلوگیری از جرم، رسم شود؟

Richard V. Ericson, Kevin D. Haggerty, Policing the Risk Society

محافظت پلیسی از جامعه پر مخاطره، محافظت و مراقبت پلیسی، جامعه پرمخاطره، مخاطراتی در برابر سازمان پلیس از مباحث عمده کتاب فوق هستند.

مخاطراتی در برابر امنیت، مشاغل و هویتها، مراقبت پلیسی و جامعه‌ای که این مراقبت در آن وجود دارد، برحسب یک مدل ارتباطی مخاطره (ریسک) فهمیده می‌شود. مراقبت پلیسی در این کتاب فقط به کار پلیس عمومی مربوط نمی‌شود بلکه به کارنهادهای دیگری نیز مربوط می‌شود که هر کدام به شناسایی و مدیریت مخاطرات می‌پردازند. منظور کتاب این است که مراقبت پلیسی متشکل از کار پلیس عمومی است که فعالیتهای خود را با عوامل پلیسی یا حفاظتی در سایر نهادها هماهنگ می‌کند تا مبنای جامعه شمولی برای مدیریت مخاطره و امنیت فراهم آورد. مخاطره یا ریسک در این کتاب به معنای خط خارجی است مانند فاجعهٔ طبیعی، فاجعهٔ تکنولوژیکی و رفتارهای تهدیدآمیز انسانی. تحقیق کتاب بر سیستم‌های ارتباطی تمرکز دارد که نهادها برای شناسایی و مدیریت مخاطرات توسعه می‌دهند.

Michael C. Desch, Culture Clash: "Assessing The Importance of Ideas in Security Studies", *in International Security*, Cambridge: Mit Press, Summer 1998. Vol. 23, No. 1

* م. ک. دچ، «برخورد فرهنگ: ارزیابی اهمیت عقاید در مطالعات امنیت»، مجله: امنیت بین‌المللی، کمبریج، انتشارات میت، تابستان ۱۹۹۸ - شماره پیاپی: ۲۳ و شماره یک

مقاله از مطالب زیر تشکیل شده است:

فرهنگ و مطالعات امنیت ملی، ارزیابی موج فرهنگ گرایی پس از جنگ در مطالعات امنیت، چرا فرهنگ نمی‌تواند جای نظریات رئالیستی را در امنیت ملی بگیرد؟ و چگونه فرهنگ ممکن است نظریات موجود در امنیت ملی را تکمیل کند؟ از مباحث و سؤالاتی هستند که این مقاله به آنها می‌پردازد. این مقاله با تمرکز بر بعضی مثالهای برجسته، آخرین موج نظریات فرهنگی را در مطالعات امنیت ارزیابی می‌کند. بحثی نیست که همه نظریات فرهنگی چیزی درباره رفتار دولتها می‌گویند بلکه بحث مهم در اینجاست که آیا

این نظریات جدید صرفاً نظریات رئالیستی را تکمیل می‌کنند یا در حقیقت جای آنها را می‌گیرند. بحث نویسنده این است که وقتی نظریات فرهنگی را با استفاده از شواهد دنیای واقعی ارزیابی می‌کنیم، دلیلی ندارد که فکر کنیم این نظریات، نظریات رئالیستی را به زباله‌دان تاریخ علوم اجتماعی می‌اندازند. بهترین موردی که می‌توان برای این نظریات جدید فرهنگی عرضه کرد این است که این نظریات بعضی اوقات چون مکمل نظریات رئالیستی به کار می‌آیند.

Richard A. Matthew and George E. Shambaugh, "Sex Drugs, and Heavy Metal: Transnational Threats and National Vulnerabilities", ***in Security Dialogue***, Sage Publication, June 1998, Vol. 29, No. 2, 168 Pages.

* ر. آ. متیو و ج. اِ. شامباخ، مسائل جنسی، مواد مخدّر و هِوی متال: تهدیدهای فراملی و آسیب پذیری‌های ملی، مجله گفتگوی امنیت، انتشارات سِیج، ژوئن ۱۹۹۸، شماره پیاپی: ۲۹ شماره دوم، ۱۶۸ صفحه

این مقاله آسیب پذیری فزاینده دولتها را دربرابر تهدیدهای فراملی مورد بررسی قرار می‌دهد و به نوع استراتژی‌های واکنش دولتها که می‌تواند مؤثر باشد، می‌پردازد. چنان که مورّخان تبیین کرده‌اند، این دولتها چگونه از عهده چنین کاری برمی‌آیند به توانایی آنها در تطبیق خود با مسائل مربوط به شیوع و گسترش تکنولوژی، شیوع بیماری و تغییر محیطی مربوط است. ناتوانی که در شناخت و واکنش به جنبه‌های منفی این تغییرات در گذشته وجود داشته ممکن است این مطلب را توضیح دهد که چرا امروزه بشریت در یک مقیاس وسیع، در ناامیدی روزگار می‌گذراند. ما معتقدیم، اگر میزان و اندازهٔ نیروهای فراملی افزایش یافته است، فهم ما از آنها نیز پیش رفته است پس آسیب پذیری بسیار بستگی دارد به این که امروزه به این‌گونه تهدیدات چگونه واکنش نشان دهیم.

فصل سوم

بُعد اقتصادی

Leitzel. Jim (and Others), "***Economics and National Security***", Westview Press, 1993, 134 pp.

* جیم لیتزل (و دیگران)، «علم اقتصاد و امنیت ملی»، انتشارات وست‌ویو، ۱۹۹۳، ۱۳۴ص، به نقل از مجله سیاست دفاعی، ۱۳۷۴، سال سوم، شماره ۱۲.

کتاب شامل هشت مبحث مستقل است که هر مبحث توسط متخصص ذیربط نوشته شده است. در فصل اول با عنوان «الههٔ تاریخ به عنوان مشاور امنیت ملی»، به آنچه تاریخ اقتصادی می‌تواند به مطالعات دفاع ملی تقدیم کند اذعان می‌شود. تصور اینکه اقتصاددانان فقط باید بر مطالعه پول و بازارهای قیمت‌ساز متمرکز شوند تصویر ناقصی از علم اقتصاد است. در دوره‌های دفاع ملی، بیشتر موضوعات در زیر مجموعهٔ رشته اقتصاد ارایه می‌شود. تاریخ اقتصادی نشان‌دهندهٔ پیوند بین علم اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی و فرهنگهاست. در فصل دوم «امنیت ملی و مالیهٔ عمومی: چشم‌اندازهای ارتباطات متقابل آتی» این نظریه توضیح داده می‌شود که اقتصاد می‌تواند در تحلیل موضوعات امنیتی بسیار مفید باشد. «سازماندهی صنعتی و صنعت دفاع با تاکید بر صنعت آمریکا» در فصل سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده در فصل چهارم با عنوان «اقتصاد شوروی و اقتصاد دفاع: شباهتها و تفاوتها»، اتکای بلندمدت سیاست دفاعی آمریکا بر ارزیابی ارتش و توان اقتصادی شوروی را مؤید ارتباط نزدیک بین

سیستم را بررسی می‌کند. عنوان‌های فصول پنجم، ششم و هفتم به ترتیب عبارتند از: «تدارک دفاعی و تئوری عامل»، «استنتاجات آینده تئوری بازیها و امنیت ملی» و «نقش تحلیل اقتصادی در تبیین روابط تجارت بین‌الملل، سیاست تجاری و امنیت ملی».

در آخرین فصل نیز سعی شده است پیوستگیهای اقتصاد توسعه و اقتصاد امنیت ملی با این فرض که هر دو به تمام معنا زمینه‌هایی از علم اقتصاد هستند، مورد بررسی قرار گیرد و بویژه به معرفی اجمالی مدلهای تحلیل و معیارهای اندازه‌گیری ارتباط بین هزینه دفاعی و رشد اقتصادی پرداخته شده است.

فصل چهارم

بُعد سیاسی

Paul Gilbert, "***Terrorism, Security and Nationality: An Intrsductory Study*** in applied Political Philosophy", بدون ناشر و بدون تاریخ.

* پ. گیلبرت، «تروریسم، امنیت و ملیت: مطالعه مقدماتی در فلسفه سیاسی کاربردی»

تروریسم و خشونت ناعادلانه و دلایل خشونت دو مبحث عمده و مهم کتاب مذکور می‌باشند.

فعالیتهای تروریستی و خشونت سیاسی در سراسر دنیا در حال افزایش است. ناسیونالیسم در شکل زشتش صلح و امنیت را در بسیاری از مناطق به خطر انداخته است. مبانی دولت مدرن در خطر است. کتاب حاضر نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم و تکنیکهای فلسفهٔ سیاسی نسبت به مسائل تروریسم، خشونت دولتی و هویت ملی به کار بسته می‌شود. این کتاب مسائلی از این قبیل را در حوزه فلسفه سیاسی کاربردی روشن می‌کند: اخلاق جنگ، نظریات دولت و ملت، ارتباط میان اجتماعات و ناسیونالیسم‌ها و تعادل سست میان حقوق بشر و امنیت ملی.

نویسنده دلایل خشونت سیاسی را بررسی می‌کند و توجیهات خشونت طلبان را ارزیابی می‌کند. در این راستا مسائلی از قبیل قومیت، ملیت و منافع دولت بررسی می‌شود. او عقاید متعارض خشونت طلبان دربارهٔ اجتماع سیاسی را بررسی می‌کند و یک نقد فلسفی از نظرات متفاوت دربارهٔ هویت ملی عرضه می‌دارد.

Paul Gilbert, "***Terrorism, Security and Nstionality***", London and New York: Routledge; 1994, 190 Pages.

* پ. گیلبرت، «تروریسم، امنیت و ملیت»، لندن و نیویورک، انتشارات راتلیچ، ۱۹۹۴، ۱۹۰ صفحه

تروریسم و جنگ ناعادلانه، تروریسم و جنگ داخلی، تروریسم و جرم سیاسی، تروریسم و ملیت، ترور و دولت، خشونت دولت و واکنش دولت به خشونت، از مباحث مطرح شده در این کتاب می‌باشند.

کتاب حاضر در زمینه فلسفه سیاسی است و مقولاتی چون تروریسم، امنیت و ملیت را بررسی می‌کند. کتاب حاضر در مورد امنیت به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهد: آیا فعالیت امنیتی دولت مناسبات اجتماعی و همگانی را حفظ می‌کند یا در تعقیب منافع گروهی و فرقه‌ای، این مناسبات را تضعیف و قربانی می‌کند؟ آیا این فعالیتها، اعمال مشروعی برای اجرای قانون است یا خود می‌تواند تروریسم دولتی را به وجود آورد؟ در حقیقت، آیا دولت با تأمین امنیت به عنوان اساس اجتماع قرار می‌گیرد یا با توسل به سرکوب، چنین نقشی را به دست می‌آورد؟

Peter Gill, ***Policing Politics: Security Intelligence and the Liberal Democratic State,*** London, Frank Cass, 1993.

* پ. گیل، ف. کاس، محافظت از سیاست: اطلاعات امنیتی و دولت لیبرال دموکرات، لندن، فرانک کاس، ۱۹۹۳

این کتاب به سازمان‌دهی آژانس‌های اطلاعات امنیتی داخلی انگلستان مربوط است. در فصل اول کارایی این آژانس‌ها را در وصول به هدف اطلاعات امنیتی و میزان آسیبی که فعالیت‌های این آژانس‌ها به حقوق سیاسی افراد و سازمان‌ها وارد می‌آورد، مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل دوم کارایی و قابلیت استفادهٔ مفاهیم اطلاعات، قدرت، قانون و دولت در تحلیل موضوعات اطلاعات امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و یک مدل چند سطحی از دولت ارایه و بسط می‌یابد. این مدل وسیله‌ای است برای تحلیل رابطه میان آژانس‌های اطلاعات امنیتی و سایر نهادهای دولتی از یک طرف و رابطه میان

آژانس‌های اطلاعات امنیتی و جامعه از طرف دیگر؛ در فصل سوم، اهمیت تعریف قیمومت اطلاعات امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل بعد به جنبه‌های سازمانی اطلاعات امنیتی داخل می‌پردازد و سؤالاتی از این قبیل که: آیا به یک آژانس تخصصی جدای از پلیس احتیاج هست؟ چه رابطه‌ای میان اجرای قانون و اطلاعات امنیتی وجود دارد؟ و این آژانس‌ها تا چه اندازه باید از کنترل و مدیریت وزیران خارج باشند؟، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Jasjit Singh, "The Challenge of Internal Security", in *Asian Strategic Review*, 1992 _ 93, New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses (idsa) August 1993, 334 Pages.

* ج. سینگ، «چالش امنیت داخلی»، به نقل از کتاب: مرور مسائل استراتژیک آسیا، ۹۳-۱۹۹۲، دهلی‌نو: مؤسسه مطالعات دفاعی و تحلیل‌ها (ایدسا)، اوت ۱۹۹۳، ۳۳۴ صفحه

به اعتقاد نویسنده، امنیت داخلی کشور احتمالاً باید طیفی از چالش‌ها و تهدیدها را مهار کند. این طیف شامل مسائل مربوط به قانون و نظم و جنگهای وکالتی و واکنش به پدیده‌های پیچیده‌ای از قبیل خشونت تروریستی، منازعه‌طلبی، شورش و جنگهای پارتیزانی می‌شود. در تمامی این موارد ریشه‌ها را باید در مسائل سیاسی و روان شناختی جستجو کرد. جنگها و تعارضها از طریق اهداف ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی، تکنولوژیکی شامل حال جوامع شده است. امنیت داخلی را نمی‌توان صرفاً با فعالیتهای نیروهای امنیتی از حیث توفیقشان در مقابله با تهدید ارزیابی کرد. مقیاس نهایی توفیق یا عدم توفیق مربوط به مسائل سیاسی و روان‌شناختی است.

فصل پنجم

بُعد نظامی

Richard W. Mansbach, ***Global Puzzle: Issues and Actors in World Politics***, Boston: Houghton Mifflin Company, 1997, 634 Pages.

* ر. و. مانس باخ، «معمای جهانی: مسائل و بازیگران در جهان سیاست»، بوستون، شرکت هوگتان میفلین، ۱۹۹۷، ۶۳۴ صفحه

فصل دهم از کتاب حاضر با عنوان «نیرو در سیاست جهانی: یک نقش متغیّر» به عناوینی چون طبیعت جنگ، علل جنگ، تکنولوژی متغیر و تکامل جنگ، جنگ فرامدرن و هزینه‌ها و نتایج امنیت نظامی می‌پردازد. عنوان اخیر در این فصل یعنی «هزینه‌ها و نتایج امنیت نظامی» بحث می‌کند که: تکیه بر نیروی نظامی، برای تأمین امنیت نتایج قابل توجهی برای بازیگران در پی دارد. سه نتیجه به هم وابسته عبارتند از: ۱) بار هزینه‌های نظامی و نیروهای نظامی، بر دوش کشورها، ۲) رشد نفوذ نیروی نظامی در کشورها و ۳) نظامی شدن جوامع.

Charles F. Herman, "On International Crisses and National Socurity", in ***Security and Arms Control, Volume 2: A Guide To International Policy making***, Edited by: Edward. A. Kolodziej and Patrick. M. Morgan, New york: Greenwood Press, 1989, 413 Pages.

تسلیحاتی سال دوم: راهنمای سیاستگذاری بین‌المللی، ویراستاری: ادوارد.ا. کلودزیج و پاتریک.م. مورگان، نیویورک، انتشارات گرین وود، ۱۹۸۹، ۴۱۳ صفحه

مقاله حاضر از کتاب امنیت و کنترل تسلیحاتی این نکته را مطرح می‌کند که سطح تحلیل و سؤالات بنیادین در مورد منافع، دادن تعاریف متفاوت از بحران را سبب شده و این خود، یافته‌ها و برداشتهای متعارضی را تولید کرده است. سه سطح تحلیل مهم در مطالعه بحران اساساً با سؤالات متفاوت زیر مربوطند. اول اینکه: بحران‌های سیستمی: چه هنگام بحران، سیستم را بی‌ثبات می‌کند؟ دوم اینکه: بحران‌های رویارویی بازیگران: چه استراتژی‌های چانه زنی موجود است که بدون جنگ پیامدهای موفقیت‌آمیز را تولید می‌کند؟ و آخر اینکه بحران‌های تصمیم‌گیری: بحرانها چه تاثیری بر کیفیت تصمیم‌ها دارند؟

هر سطح یا چشم انداز بحران بطور معمول تحقیقی راکه بروشنی به سیاستگذاری مربوط است، همراه دارد. تحقیق در هر سه سطح یاد شده ادامه دارد. چنان‌که در ابتدای این مقاله آمده است، بحرانهای بین‌المللی بعنوان خصوصیت عمدهٔ سیاست بین‌المللی باقی خواهند ماند و چالش‌هایی را در برابر امنیت ملی قرار می‌دهند.

فصل ششم

ایران

الف) مفاهیم نظری

Chubin. Shahram, "Iran,s National Security Policy, Intention and Impact", Washington, D. C, Carnegie Endowment for International Peace, 1994

شهرام چوبین، «سیاست امنیت ملی ایران»؛ قابلیتها، نیتها، تأثیرات، واشینگتن دی سی، انتشارات بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، ۱۹۹۴، به نقل از مجله سیاست خارجی، سال هشتم.

کتاب از پنج فصل تشکیل می‌شود: فصل اول به دیدگاههای امنیتی ایران اختصاص یافته است. فصل دوم درسهایی راکه ایران از نظر امنیتی در ۱۵ سال گذشته گرفته است، مرور می‌کند. فصل سوم به سیاستهای تسلیحاتی و برنامه خریدهای اسلحه ایران اختصاص یافته است. فصل چهارم تأثیر سیاستهای امنیتی ایران بر امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی می‌کند. فصل پنجم نیز به چگونگی تصمیم‌گیری ایران در امور امنیت ملی پرداخته است. مطالب کتاب را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: اولین موضوع ارزیابی‌ها و تجربه امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. دومین موضوع عبارتست از ارزیابی نویسنده از شرائط کنونی ارتش و نهادهای جمهوری اسلامی ایران. سومین موضوع عمدتاً حول و حوش دیدگاههای نویسنده، درباره آینده ایران دور می‌زند. این کتاب نسخه‌ای درباره نحوه برخورد غرب با ایران در چارچوب ارزیابی سیاستهای امنیت ملی این کشور است. حرف اول و آخر کتاب آن است که ایران در حال

حاضر یک خطر نظامی محسوب نمی‌شود، ولی می‌توان آن را یک مزاحم نظامی پنداشت که در آینده امکان تهدید کنندگی آن وجود دارد.

ب) بُعد سیاسی

Brian. crozier, Security and the Challenges Revolutionarg in Iran *As Annual of Power and conflict*. 1979 - 1975 London: Institute for The study of conflict, 1975, 167 P.

* «امنیت و چالشهای انقلابی در ایران در ۱۹۷۴»، به نقل از کتاب: سالنامه قدرت و تعارض ۷۵ ـ ۱۹۷۹. لندن، ۱۹۷۵، برایان کروزیر، ۱۶۷ ص

دو مقاله از این مجموعه راجع به جهان غرب و جنوب غربی آسیاست که در ذیل آن از ص۱۰۹ تا ۱۱۱ مقدمه و از ص ۱۱۲ تا ۱۱۵ امنیت و چالشهای انقلابی ایران را در ۱۹۷۴ بررسی می‌کند. این سالنامه شامل مقالاتی است که به ارزیابی تغییرات در موازنه سیاسی مناطق مختلف جهان طی یکسال می‌پردازد. همراه با بررسی رویدادهای مناطق مربوط، تلاش می‌شود تأثیر این رویدادها در توسعه منافع ناتو، ایالات متحده، شوروی، ورشو، چین و مانند آن نیز ارزیابی گردد.

Brian. Crozier, As Annual of power and conflict, 1976 - 1977 London: Institute for study of conflict, 1977, 356 Pages.

* برایان کروزیر «مسأله امنیت داخلی ایران»، به نقل از کتاب سالنامه قدرت و تعارض ۷۷ ـ ۱۹۷۶، ۳۵۶ ص، لندن: مؤسسه‌ای برای مطالعه درگیری (تعارض)، ۱۹۷۷، ۳۵۶ صفحه موجود در کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
دو مقاله راجع به جهان غرب و جنوب غربی آسیا و در ذیل آن مقاله‌ای راجع به ایران از ص۲۲۸ تا ۲۳۰، مساله امنیت داخلی ایران، را بررسی می‌کند. این سالنامه شامل فصول و مقالاتی راجع به چالشهای امنیت داخلی مناطق مختلف جهان اعم از آمریکا، اروپا، خاور دور و جنوب غربی آسیا، می‌باشد. ضمناً تعامل مسائل امنیتی داخلی و بین‌المللی در این فصلنامه و چالشهایی که نظام بین‌المللی از نظر امنیتی با آن مواجه است بررسی می‌گردد.

بخش دوم

امنیت منطقه‌ای

فصل اول

مفاهیم نظری

Ken Conca "Development, Security, And Military Industrialization In The Third World", ***Manufacturing Insecurety: The Rise And Fall Of Brazils Military - Industrial Complex***, Colorado, lynne Rienner Publishers, 1996, 283 Pages.

* کن کنکا، «توسعه، امنیت و صنعتی گرایی نظامی در جهان سوم»، به نقل از کتاب تولید ناامنی: ظهور و سقوط ترکیب (دوعامل) نظامی گرایی و صنعتی گرایی در برزیل، کلرادو ۲۸۳ صفحه، انتشارات ایان رینر، ۱۹۹۶

توسعه، امنیت و صنعتی گرایی نظامی در جهان سوم، عنوان فصل دوازدهم از این کتاب است. سؤالهای اصلی این فصل عبازتنداز: ظهور و سقوط بخش دفاعی برزیل چه چشم‌اندازهایی از صنعتی‌گرایی نظامی جهان سوم در برابر ما قرار می‌دهد؟ اِلزامات امنیت و توسعه روابط شمال ـ جنوب چه هستند؟ مورد برزیل، مدعیات عموماً پذیرفته شده دربارهٔ نتایج بین‌المللی و محلی صنعتی گرایی نظامی جهان سوم را به چالش می‌طلبد. اصلی‌ترین مدعا در این میان این است که توسعه صنعتی ـ نظامی جهان سوم، یک ریسک امنیتی گسترش یابنده را در برابر شمال قرار می‌دهد.

L. H. Miller, "The Prespects For Order Through Regional Security", R. Falk and S. Mendlovitz as editors, ***Regional Politics and World Order***, San Francisco: W. H. Freemary and company, 1973, 475 Pages.

* ل. ه. میلر، «چشم‌اندازهایی برای نظم از طریق امنیت منطقه‌ای»، به نقل از کتاب سیاست منطقه‌ای و نظم جهانی، ویراستاران: ر. آ. فاک و س. مندلوویتز، سانفرانسیسکو: دبلیو. ه. فریمری، ۱۹۷۳، ۴۷۵ صفحه

بلوکها، زیر نظامها و سازمانها، همگرایی در سطح منطقه‌ای، بازیگران منطقه‌ای، منطقه‌گرایی و جهانگرایی (سازمان ملل): بعضی گرایشها و روندهای متناقض، نظامهای بین‌المللی تابع و آینده منطقه گرایی، بخشهای مختلف کتاب مذکور و مقاله فوق‌الذکر در بخش اول یعنی در عنوان بلوکها، زیر نظامها و سازمانها آمده است.

در این کتاب، سعی نویسندگان بر این است که ارزیابی جامعی از تناسب پیشرفتهای منطقه‌ای با آینده نظم جهانی ارایه دهند. این موضوع چندان گسترده و متنوع است که بررسی عمیق جنبشهای خاص منطقه‌ای و بررسی کامل تلاشهای منطقه‌ای در حوزه‌های امنیت، توسعه اقتصادی و حقوق بشر از حوصله آن خارج است. تلاش نویسندگان بر این است که سؤالاتی عمومی دربارهٔ الزامات مثبت، منفی و خنثای جنبشهای منطقه‌ای برای روشن کردن کیفیت کنونی و آینده نظم جهانی ارایه دهند. جهت‌گیری این کتاب ارزشی است. نویسندگان، پنج مسأله را، در عصر ما، در حوزه پروژه مدلهای مربوط به نظم جهانی، حائز اهمیت یافته‌اند که عبارتند از: جنگ، فقر، ظلم نژادی و استعمار، زوال زیست محیطی، از خود بیگانگی. در بخش یکم یعنی بلوکها، زیر نظامهاو سازمانها، فصلی تحت عنوان چشم‌اندازهایی برای نظم از طریق امنیت منطقه‌ای وجود دارد.

Jasjit Singh, "Managing Regional Security", in ***Asian Strategic Review: 1992 _ 93***, New Delhi: Institute For Defence Studies and Analyses (idsa), August 1993, 334 Pages.

* جاسجیت سینگ، «مدیریت امنیت منطقه‌ای» به نقل از کتاب مرور مسائل استراتژیک آسیا، ۹۳-۱۹۹۲، دهلی‌نو: مطالعات دفاعی و تحلیل‌ها (ایدسا)، اوت ۱۹۹۳، ۳۳۴ صفحه

رقابت و تعارض میان قدرتهای عمده و ماهیتاً منطقه‌ای، به ناچار تعداد زیادی از کشورها را درگیر کرده است. تکنولوژی نظامی و عوامل ژئواستراتژیک ظرفیتهایی از

قدرت را تولید کرده است که جهانی شدن جنگ را تشدید می‌کند. ظهور سلاحهای هسته‌ای نماد این پدیده بوده است. اما واقعیت این است که تمام جنگها و تعارضها، منطقه‌ای باقی مانده است. بنابراین مدیریت امنیت منطقه‌ای نیز باید هدف اولیه جامعه بین‌المللی باقی بماند. این نکته از این جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که تغییر شکل نظم بین‌المللی دو قطبی به یک پارادایم چند مرکزی نامتقارن، بسیاری از وظایف امنیتی را در قبال بازیگران و قدرتهای محلی و منطقه‌ای تغییر داده است. لازم است خاطرنشان شود که تقریباً تمام مناقشات، خصوصیت منطقه‌ای یا کشوری دارند. این یکی از دلایلی است که چرا یک رویکرد کلی و عام بهترین جوابها را نمی‌دهد.

Benjamin Miller, "International Systems and Regional Security: From Competition to Cooperation, Prominance or Disengagement?" in ***The Journal of Strategic Studies,*** London: Frank Cass, June 1995, Volume 18, Number 2, 200 Pages.

* بنجامین میلر، «نظامهای بین‌المللی و امنیت منطقه‌ای: از رقابت تا همکاری، برجستگی یا قطع درگیری؟ مجله مطالعات استراتژیک، لندن، فرانک کاس، ژوئن ۱۹۹۵، سال هجدهم شماره دوم، ۲۰۰ صفحه

بحث این مقاله این است که نتایج مشترک حاصل از نوع مسلط تعامل قدرتهای بزرگ و ساختار بین‌المللی، تأثیری حاد بر الگوها و پیامدهای تعارضات منطقه‌ای دارد. بطور دقیقتر، تغییرات در میزان خود مختاری دولتهای کوچک و احتمال مدیریت موفقیت‌آمیز بحران یا حل و فصل تعارض در مناطق مختلف با تعداد قدرتهای بزرگ و نوع مداخله آنها در منطقه توضیح داده می‌شود. این مقاله، مفروضات نظری را با پیوند دادن میان علل سیستمی و پیامدهای منطقه‌ای ارایه می‌کند. نویسنده کارآ بودن این فرضیات را در مورد برخی از دوره‌های تاریخی و همچنین عصر پس از جنگ سرد نشان می‌دهد.

فصل دوم

اروپا

Frans Pennings (editor), "***Intorduction To European Social Security Law***", Deventer, The Netherlands: Kluwer Law and Taxation Publishers, 1994, 331 Pages. ISBN: 9065448403

فرانس پنینگز (ویراستار)، «مقدمه‌ای بر قانون امنیت اجتماعی اروپا»، دونتر، هلند، انتشارات تگزشن حقوق کُلوِرُ ۱۹۹۴، ۳۳۱ صفحه، شماره شابک بین‌المللی: ۹۰۶۵۴۴۸۴۰۳

این کتاب از هفده فصل تشکیل شده است. مهمترین فصول آن عبارتند از: یک چارچوب نظری برای قواعد امنیت اجتماعی بین‌المللی، اساس و تعاریف قوانین هماهنگ سازی، بیماری و مزایای مادری، مزایای خانواده و مزایای فرزندان وابسته، مزایای بیکاری، نحوه برخورد یکسان میان مردان و زنان، توصیه‌هایی در مورد سیاستگذاری اجتماعی، به سوی یک اروپای اجتماعی؟

امضای پیمان «ماستریخت» باعث شد که نقل مکان کارگران میان مرزها در جامعه اروپا افزایش یابد. این پیمان باعث شد که موقعیت کارگران از حیث امنیت اجتماعی ـ اگر نه در کوتاه مدت بلکه حداقل در بلندمدت ـ تغییر کند. تلاشهای یکنواخت سازی توسط اعضای جامعه اروپا در حوزه امنیت اجتماعی و هماهنگ سازی خط مشی های سیاسی شان در مورد کارگران مهاجر، برای مثال، در نهایت بر حقوق مربوط به امنیت اجتماعی نیروی کارگری اروپا تأثیر خواهد گذاشت.

فصل سوم

آسیا و اقیانوس آرام

Parduman Singh, "*Social Security in Asia and Pacific: A Comparative Study*", New Delhi: Friedrich Ebert Stiftung, 1992, 170 Pages.

* پاردومان سینگ، «امنیت اجتماعی در آسیا و حوزه اقیانوس آرام: یک مطالعه تطبیقی»، دهلی‌نو، فرید ریش. ای. استیفتونگ، ۱۹۹۲، ۱۷۰ ص

کتاب شامل مطالب زیر می‌باشد: فصل اول به سابقه تاریخی موضوع اشاره دارد. فصل دوم طرحهای مربوط به صدمات ناشی از استخدام را بررسی می‌کند. فصل سوم به مراقبت پزشکی، بیماری و مزایای مادری می‌پردازد. فصل چهارم کهولت سن، از کار افتادگی و مزایای بازماندگان را مورد بحث قرار می‌دهد. فصل پنجم به مزایای بیکاری اختصاص دارد. فصل ششم معاش برای خانواده عنوان گرفته است. فصل هفتم مضیقه‌های اقتصادی در توسعه امنیت اجتماعی در آسیا و حوزه اقیانوس آرام را مطالعه می‌کند. فصل هشتم شامل نتایج و توصیه‌ها می‌شود و فصل نهم امنیت اجتماعی در قرن بیست و یکم را بررسی می‌کند.

نویسنده در کتاب حاضر حاصل یک مطالعه جامع در باب سیاستهای امنیت اجتماعی را در حوزه آسیا و اقیانوس آرام به خوانندگان عرضه می‌دارد. طرحهای متعددی که به طور جامع و کامل مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همانها هستند که در عنوان فصول مشاهده می‌کنیم. تقریباً تمام قوانین امنیت اجتماعی شناخته شده، طرحها و مواد در کشورهای منطقه آسیا ـ اقیانوس آرام در این مطالعه آمده است.

Robert A. Scalapino and Masataka Kosaka (editors), "***Peace, Politics and Economics in Asia: The Challenge To Cooperate***", Washington: Pergamon _ Brassey's International Defence Publishers, 209 Pages. ISBN: 0 _ 08 _ 035961 _ 2

* ر.آ. اِسکالاپینووم. کوساکا (ویراستارن)، «صلح، سیاست و اقتصاد در آسیا: چالش برای همکاری»، انتشارات دفاع بین‌المللی، پرگمان - براسی، ۲۰۹ صفحه، شماره شابک بین‌المللی: ۲-۰۳۵۹۶۱-۰۸-۰

کتاب شامل چهار فصل می‌شود که در فصول اول تا سوم به ترتیب مسائل استراتژیک، اقتصادی و مسائل سیاسی را مورد بحث قرار می‌دهد و در فصل چهارم چشم‌اندازهایی برای همکاری بررسی می‌شود.

بخش نهم از فصل سوم کتاب حاضر، واکنشهای سازمان منطقه‌ای آ. س. آن (ASEAN) را به چالشهای امنیت خارجی مطالعه می‌کند. جامعهٔ ملتهای آسیای جنوب شرقی سعی کرده است مسائل ناشی از تهاجم ویتنام به کامبوج را حل کند. این بحث دستمایه این بخش از فصل سوم است. از این بحث یک استفاده مهم می‌شود: کاربرد سازمانهای منطقه‌ای به عنوان ابزار گسترش امنیت و نظم. برای تبیین چارچوب تحلیلی بحث، بخش حاضر ابتدا به تعریف و تبیین مفاهیمی نظیر امنیت، نظم و سازمانهای منطقه‌ای می‌پردازد.

V.V,Swaminthan, "***Problems of Peace and security in ASIA***", NewDelHi, Sterling Publishers prirate, 1986, 87 Pages.

* و. و. سوامینتان، «مسائل (مشکلات) صلح و امنیت در آسیا»، دهلی‌نو، انتشارات استرلینگ، ۱۹۸۶، ۸۷ ص

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل است که مهمترین آنها عبارتند از: سیاست بلوکهای نظامی، استراتژی ایالات متحده در آسیا، تلاشهای اولیه برای اتحاد آسیایی و یک نظام امنیت دسته جمعی برای آسیا.

نویسنده ضمن یادآوری تاریخ استعمار آسیا توسط دول اروپایی و فرآینداستعمار

زدایی و فروپاشی امپراتوریها، مشکلات و مسائل کشورهای مناطق مختلف آسیا را پس از کسب استقلال مورد بررسی قرار می‌دهد و تهدیدهایی که نسبت به صلح و امنیت در این منطقه وجود دارد را تعیین می‌کند و توجه ویژه خود را به تواناییهای بالقوه منطقه خلیج فارس ونیزتهدیدهای بالقوه در این منطقه معطوف می‌دارد و فرمول امنیت دسته جمعی و نیاز به یک اتحاد و دستیابی به همگرایی منطقه‌ای از طریق امحاء سلاحهای تخریب جمعی و خلع سلاح را مورد تأکید قرار می‌دهد.

فصل چهارم

خاور میانه

Jeffrey Boutwell and Everett Mendelsohn (as Editors), "*Israeli _ Palestinian, Security: Issues in the Permanent Status Negotiations*", Cambridge: American Academy of Arts and Sciences, 1995, 124 Pages.

* ج. بوتول و اِ. مندلسون (ویراستاران)، «امنیت اسرائیلی ـ فلسطینی: موضوعاتی در باب مذاکرات همیشگی وضعیت حقوقی»، کمبریج: دانشکده هنرها و علوم امریکا، ۱۹۹۵، ۱۲۴ ص

الزامات بنیادی امنیتی فلسطین ـ اسرائیل، موضوعاتی پایدار در باب امنیت وضعیت حقوقی و محیط امنیتی خاورمیانه از مهمترین مباحث مطروحه در این کتاب هستند.

موضوع کتاب گزارشی است که در تحقیقات گروه مطالعاتی «برنامه خاورمیانه‌ای دانشکده هنرها و علوم امریکا» ریشه دارد و به دقت به بررسی الزامات امنیتی، دفاعی و نظامی توافق صلح فلسطین ـ اسرائیل می‌پردازد. هدف گروه مطالعاتی از همان ابتدا در اکتبر ۱۹۹۲، شناسایی گزینه‌ها و بدیلهایی بود که اسرائیل و فلسطینیان می‌توانند در پیشرفت مذاکرات کشف کنند.

Samuel F.Wlls, Jr., And Mark Bruzonsky As Editors, "*Security In The Middle East:* Regional Shange And Great Power Strategies", Colordo:

* س. ف. ولز و م. بروزونسکی (ویراستاران)، «امنیت در خاورمیانه»: تحولات منطقه‌ای و: استراتژی قدرتهای بزرگ»، کلرادو، انتشارات ویست دیوو، ۱۹۸۷، ۳۶۶ ص

فهرست مطالب کتاب عبارتند از: ثبات و تغییر در منطقه، باتلاق فلسطین: در جستجوی راهی به بیرون و قدرتهای بزرگ، نفت و خاورمیانه.

این کتاب مسائل عمیق و دیرین خاورمیانه را به همراه تأثیر آنها بر ایالات متحده و متحدانش بررسی می‌کند. با بررسی و کشف تأثیرات شمشیر دو لبهٔ ناسیونالیست و مدرنیزاسیون (نوسازی)، نویسندگان به بحث دربارهٔ طیف کامل منافع امنیتی غرب در منطقه می‌پردازند. موارد مطالعاتی از کشورهای کلیدی، چشم انداز تغییر مسالمت‌آمیز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در پیش می‌نهد. مؤلفان عواقب تعارض اعراب ـ اسرائیل و تهدیدات نفوذ شوروی را تحلیل می‌کنند. مؤلفان با بحث از این نکته که سیاست ایالات متحده در خاورمیانه آشفته و تناقض‌آمیز بوده است، به این نتیجه می‌رسند که استراتژیهای ایالات متحده نباید بر حل معضلات داخلی منطقه متوجه باشد بلکه بدون فداکردن اهداف بلند مدت در پای منافع کوتاه مدت، به حل این معضلات توجه کنند.

Wells, Samuel F,Jr. & Bruzonsky, Mark (eds), "***Security In The Middle East:*** Regional Change And Great Power Strategies", London: Westview Press, 1987, 366 Pages.

* ساموئل. اف .جر. ولز، مارک بروزُنسکی و (دیگران): امنیت در خاورمیانه: تحولات منطقه‌ای واستراتژی قدرتهای بزرگ، لندن :انتشارات وست ویو، ۱۹۸۷، ۳۶۶ ص. نقل از فصلنامه خاورمیانه، ۱۳۷۳، سال اول، ش اول، ص ۱۴۶ تا ۱۵۰

کتاب از یک مقدمه طولانی و سه بخش مجزا تشکیل شده است. عناوین بخشها عبارتند از ثبات و تحول منطقه‌ای، مرداب فلسطینیها: در جستجوی راه نجات و قدرتهای بزرگ، نفت و خاورمیانه. در خلال فصول مختلف بخش اول، بررسیهای متعددی مربوط به ثبات و تحول در هر یک از کشورهای سوریه، لبنان، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عراق و ایران انجام شده است. در بخش دوم، ابعاد گوناگون مسئله اعراب و اسرائیل ازجمله ایجاد زمینه‌های مناسب برای مذاکرات اعراب و فلسطین، دیدگاههای

اسرائیل در دستیابی به صلح، و سیاست خارجی آمریکا در قبال مسئله فلسطین مورد بحث قرار گرفته است. در بخش سوم رابطهٔ نفت خاورمیانه و دموکراسیهای صنعتی غرب، روند سیاست‌گذاریهای شوروی برای خاورمیانه، سیاست خاورمیانه‌ای شوروی، روند صلح اعراب و اسرائیل و دیپلماسی آمریکا در قبال آن از سال ۱۹۶۷ به بعد و بالاخره استراتژی سیاسی ـ نظامی آمریکا در قبال خلیج فارس و آسیای جنوب غربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هر مقاله (فصل) از این کتاب به قلم یکی از نویسندگان نوشته شده است. کتاب حاضر مسائل عمیق و ریشه دار خاورمیانه و اثرات آن بر سیاستهای ایالات متحده و متحدانش را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان آثار مخرب ناسیونالیسم و نوع گرایی را آشکار ساخته و ابعاد مختلف علائق امنیتی غرب را در منطقه مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، منازعهٔ اعراب و اسرائیل و تحولات مربوط و سیاستهای آمریکا و شوروی سابق را در برابر آن تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

Asher Arian, "***Security Threatened: Surveying Israeli Opinion on Peace and War***", New York: Cambridge University Press, 1995, 308 Pages.

* آشر، آریان، «امنیت در معرض تهدید: بررسی افکار عمومی اسرائیلی‌ها در باب صلح و جنگ»، نیویورک، انتشارات کمبریج، ۱۹۹۵، ۳۰۸ ص

کتاب متشکل از ده فصل می‌باشد. فصل اول امنیت در معرض تهدید عنوان گرفته است. فصل دوم فائق آمدن بر تهدید نام دارد. فصل سوم به صلح و جنگ می‌پردازد. فصل چهارم تغییر در نگرش‌های امنیتی را بررسی می‌کند. عنوان فصل پنجم ریاست و عنوان فصل ششم مردم جدا افتاده است. فصل هفتم به تهدید و خط‌مشی سیاسی اختصاص دارد. در فصل هشتم ارزش‌ها و در فصل نهم دموکراسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در فصل دهم نتایج تحقیق بیان می‌شوند.

این کتاب تحلیل قابل قبولی از تعامل میان بیم و امید شهروندان اسرائیلی با رهبران سیاسی ایشان، در طی دورانی که اسرائیل می‌کوشد با دشمنان دیرین خود صلح کند، ارایه می‌دهد. در یک سطح کلی‌تر، این کتاب پیشنهادها، بحث‌ها و اطلاعاتی را که در

Elise Boulding, As Editor, "***Building Peace In The Middle East: Challenges ForStates and Civil Society***", Boulder: Lynne Rienner Publishers, 1994, 347 Pages.

* الیس بولدینگ (ویراستار)، ایجاد صلح در خاورمیانه : «چالشهایی برای دولتها و جامعه مدنی»، بولدر، انتشارات لینه رینر، ۱۹۹۴، ۳۴۷ ص

کتاب مذکور شامل شش بخش می‌شود: بخش اول به سند کمیسیون ایجاد صلح در خاورمیانه اختصاص دارد. بخش دوم دموکراسی و توسعه اجتماعی نامیده شده است. در بخش سوم شیوه‌های دیپلماتیک برای مدیریت تعارض بررسی می‌شود. بخش چهارم استراتژی‌های بدیل امنیتی را مطالعه می‌کند. در بخش پنجم استراتژیهایی برای توسعه اقتصادی بیان می‌شود و بخش ششم ایجاد فرهنگ صلح نام دارد.

در بخش دوم از کتاب حاضر فصلی با عنوان «مسائل جنسی در مورد دموکراسی: تفکر مجدّد دربارهٔ صلح خاورمیانه و امنیت آن از یک چشم‌انداز فمینیستی» وجود دارد که می‌کوشد تعاریفی جدید از مفاهیمی مرکزی چون «صلح» و «امنیت» ارایه دهد. این تعاریف از درون زندگی و تلاشهای زنان در خاورمیانه استخراج و استنباط می‌شود. در بخش چهارم نویسندگان فصول هریک بنا بر چشم‌انداز خویش راهی به سوی امنیت می‌گشایند؛ راههایی که برای ایجاد شرایط مطلوب برای امنیت انسانی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی، چیزی فراتر از اعتماد صرف بر تسلیحات را توصیه می‌کنند.

Peter Gones, "***Towards a Regional Security Regime For The Middle East: Issues and Options,*** Stockholm International Peace Research Institute (Sipri), December 1998, 55 Pages.

* پ. جونز، «به سوی یک رژیم امنیت منطقه‌ای برای خاور میانه: مسائل و انتخابها»، مؤسسه پژوهشی صلح بین‌المللی استکلهم (سیپری)، دسامبر ۱۹۹۰، ۵۵ ص

کتاب مذکور از پنج قسمت تشکیل شده است. پس از مقدمه مفاهیم عمده: امنیت جامع، امنیت مشارکتی یا تعاونی، یک رژیم امنیت منطقه‌ای توضیح داده می‌شوند و عناصر یک رژیم امنیت منطقه‌ای برای خاورمیانه پس از آن بررسی می‌شوند.

مؤسسه تحقیقاتی صلح بین‌المللی پروژه‌ای را در باب امنیت خاور میانه و کنترل تسلیحاتی در اکتبر ۱۹۹۵ افتتاح کرد. گروهی از متخصصان تشکیل شدند تا در این باب که چگونه ممکن است یک امنیت منطقه‌ای و جامع در خاورمیانه توسعه یابد، به بحث بنشینند. کتاب حاضر هم گزارشی است از نشست متخصصان در آن تاریخ و هم تلاش دکتر جونز مدیر پروژهٔ امنیت خاورمیانه و کنترل تسلیحاتی در Sipri. قسمت دوم این کتاب چنان‌که در فهرست مطالب آمده است، به معنای اصطلاحاتی چون: امنیت جامع، امنیت مشارکتی یا تعاونی و رژیم امنیت منطقه‌ای می‌پردازد. قسمت سوم به عناصر رژیم امنیت منطقه‌ای می‌پردازد و اینکه این عناصر چگونه باید با یکدیگر تناسب یابند. قسمت چهارم توصیه‌هایی را برای آینده عرضه می‌دارد. قسمت پنجم نیز به نتایج بحث می‌پردازد.

Ismail _ Sabri Abdallah, Ibrahim S.E Abdallah, Mahmoud Abdel _ Fadil, Ali Nassar, "***Images Of The Arab Future***", Oxford: Center For Research on The New International Economic Order, 1983, 242 Pages.

* اسماعیل ـ صبری عبدالله، ابراهیم. س. ا. عبدالله، محمود عبدالفاضل، علی. ناصر، تصوراتی از آینده اعراب، آکسفورد، مرکز پژوهش برای نظم اقتصاد بین‌المللی جدید، ۱۹۸۳، ۲۴۲ ص

کتاب شامل سه بخش است: در بخش اول مدلهای جهانی و آینده اعراب بررسی می‌شود. در بخش دوم تصورهایی از آینده اعراب که در اسناد استراتژی اعراب منعکس شده است ارایه می‌شود و بخش سوم به سوی مطالعات عربی در مورد آینده اعراب نام گرفته است.

در بخش دوم از این کتاب، فصلی با عنوان «استراتژی امنیت غذایی در کشورهای عربی» وجود دارد. اسناد استراتژی اعراب هشدار می‌دهد که مسأله امنیت غذایی اعراب به طور فزاینده در سطح روابط بین‌المللی یک حیثیت سیاسی پیدا کرده است. این امر به خصوص در مورد گندم مشهود است. چراکه بازار جهانی در کنترل انحصاری چند صادر کننده مهم قرار دارد: ایالات متحده، کانادا و استرالیا. اسناد فوق‌الذکر نتیجه

باید از طریق بالابردن واردات جبران شود و وارداتی که تنها از طرف چند کشور معدود کنترل کننده بازار جهانی حبوبات تأمین می‌شود، مشکل غذایی اعراب را از حیثیت اقتصادی خارج کرده و به آن حیثیت سیاسی دست اول داده است.

N.A.Pelcovits, "Security Guarantees In a Middle East Settlment", London: Cage Publication Beverly Hills , 1976 , 69 Pages .

* ن. ا. پلکویتز، «تضمینهای امنیتی در حل و فصل تعارض در خاورمیانه»، لندن، انتشارات کیج، بورلی هیلز، ۱۹۷۶، ۶۹ ص

کتاب مذکور شامل فصول زیر است: فصل اول نگاهی به مسأله تضمینهای امنیتی از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ دارد. فصل دوم به نگرش واشنگتن اشاره دارد. فصل سوم تردید و دوگانگی در سیاست اسرائیل نام دارد. فصل چهارم سه مؤلفه یک نظام امنیتی: کدام تضمین دو جانبه بهترین است؟ عنوان گرفته است. فصل پنجم ارتباط شوروی با مسئله خاورمیانه را بررسی می‌کند، فصل ششم فواید و محدودیتهای تضمینهای بین‌المللی را برمی‌شمارد. فصل هفتم با عنوان حفظ و نظارت بین‌المللی برای صحرای سینا: یک مدل ارایه می‌دهد و فصل هشتم به خلاصه می‌پردازد.

این کتاب به ارزیابی نقش تضمینهای بین‌المللی در صلح خاورمیانه می‌پردازد. هدف از ضمانت به حداقل رساندن خطراتی است که متوجه یک دولت یا کشور ضعیف است که مزیتهای امنیتی به همراه دارد. یکی از مسائل مهم مورد بحث، نقاط چالش امنیت داخلی کشورها با مسئله تضمینهای بین‌المللی است که آنرا با محدودیتهایی مواجه می‌کند، علیرغم اینکه به لحاظ امنیت بین‌المللی راهکار اطمینان بخشی است.

John Norto Moore, as editor, "***The Arab _ Israeli Conflict: Volume 4: The Difficult Search For Peace (1975 _ 1988)***", New Jersey: Princeton University Press, 1991, Part One, 1066 Pages.

* ج. ن. مور (ویراستار)، «تعارض اعراب ـ اسرائیل، جلد چهارم: جستجوی دشوار برای صلح (۱۹۷۵ ـ ۱۹۸۸)» نیوجرسی: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۹۱، قسمت نخست، ۱۰۶۶ ص

کتاب مذکور در سه بخش به تعارض اعراب و اسرائیل در سه مقطع زمانی می‌پردازد. بخش اول: از مصالحهٔ سینا تا کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۵ ـ سپتامبر ۱۹۷۸) بخش دوم: کمپ دیوید و قرارداد صلح مصر ـ اسرائیل (اوت ۱۹۷۸ ـ دسامبر ۱۹۸۲) و بخش سوم: از کمپ دیوید تا جنگ در لبنان (اکتبر ۱۹۷۸ ـ می ۱۹۸۲).

جلد چهارم کتاب تعارض اعراب ـ اسرائیل یعنی کتاب حاضر، جزء لاحق به مجموعه سه جلدی اسناد و مدارک و خواندنی‌های مربوط به تعارض اعراب ـ اسرائیل و حقوق بین‌الملل (۱۹۷۴) و ویرایش تک جلدی خلاصه و جدیدتر آن (۱۹۷۷) است. هدف این مجموعه این است که مدارک اصلی مربوط به جنبه‌های حقوقی بین‌المللی تعارض اعراب ـ اسرائیل را در دسترس قرار دهد. در قسمت G از بخش «از مصالحه سینا تا کمپ دیوید» و نیز در قسمت B از بخش «از کمپ دیوید تا جنگ در لبنان» موضوعی با عنوان: «امنیت اسرائیل و خود مختاری فلسطین» به چشم می‌خورد که مدارک مربوط به این موضوع را به طور گسترده فهرست کرده است.

Tareq Y.Ismael and Jacque Line Isamael, As Editors, "***The Gulf War And The New Word Order: International Relation Of The Middle East***", Florida: University Press Of Florida, 569 Pages.

* ت.ی. اسماعیل و ژ. ل. اسماعیل (ویراستاران)، «جنگ خلیج [فارس] و نظم نوین جهانی: روابط بین‌الملل در خاورمیانه» فلوریدا، انتشارات، دانشگاه فلوریدا، ۵۹۶ص.

کتاب مذکور شامل چهار بخش می‌باشد. بخش اول جنگ خلیج [فارس] و نظم بین‌الملل نام دارد. بخش دوم به ایالات متحده و نظم نوین جهانی می‌پردازد. بخش سوم جنگ خلیج [فارس] و نظم خاورمیانه نام دارد و بخش چهارم روندهای سیاسی والگوهای فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در بخش یکم درکتاب حاضر فصلی با عنوان: «همکاری منطقه‌ای و امنیت در خاورمیانه: نقش جامعه اروپا» وجود دارد. نویسنده در این فصل اعتقاد دارد که جامعه اروپا در طی جنگ خلیج [فارس] در قبال مسائل خاورمیانه سیاستهای متمایزی را نشان داده است [illegible] در صلح و امنیت خاورمیانه خواهدداشت. بعبارت دیگر

جامعه اروپا سیاستهایی را بدین منظور طراحی کرده و به اجراگذاشته است و می‌گذارد. جنگ خلیج [فارس] بهبود این سیاستها را تسریع کرده است.

John Bulloch And Adel Darwish, "***Water Wars: Coming Conflicts In The Middle East***", London : Victor Gollancz , 1993 , 224 Pages .

* ج. بولوخ و ع. درویش، «جنگهایی برسر آب: تعارضات آینده در خاورمیانه»، لندن، ویکتور گولانچز ۱۹۹۳، ۲۲۴ ص

در کتاب حاضر، یک فصل با عنوان «نیل: نگرانی امنیتی اصلی مصر» وجود دارد که اهمیت نیل را به لحاظ امنیتی نشان می‌دهد. در این فصل می‌خوانیم: در مصر، سطوح متفاوتی برای امنیت ملی وجود دارد که فقط یکی از آنها از حیث اهمیت، دارای درجهٔ الف است و آن تهدید نیل است. هرگونه تهدید متوجه به نیل، واکنش سریع نظامی مصر را باعث می‌شود بدون آنکه به تصویب پارلمان احتیاج باشد.

Aaron David Miller, "***Search For Security: Saubi Arabian Oil and American Foreign Policy, 1939 _ 1949***", The University Of North Caro Lina Press, 1980, 320 Pages.

* آ. د. میلر، «در جستجوی امنیت: نفت عربستان سعودی و سیاست خارجی آمریکا، ۱۹۳۹ ـ ۱۹۴۹»، انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی، ۱۹۸۰، ۳۲۰ ص

کتاب در هشت بخش به بررسی روابط عربستان و امریکا حذف می‌پردازد. ایالات متحده و نفت خاورمیانه، توسعه منافع امریکا در عربستان سعودی، مناسبات انگلستان و امریکا در عربستان سعودی، ایالات متحده و عربستان سعودی، نفت عربستان سعودی و جنگ سرد و جستجوی امنیت از مباحث مهم و عمده کتاب هستند.

این کتاب گزارشی است از این که چگونه نفت عربستان سعودی، سیاستها و گرایشهای ایالات متحده را در قبال خاورمیانه در طی جنگ جهانی دوم و سالهای پس از آن شکل داد. تمرکز توجه کتاب بر نگاه واشینگتن به خصوص وزارتخانه کشور، جنگ و نیروی دریایی به منافع حاصل از نفت عربستان سعودی است. دو سؤال مهم در این

زمینه جلب توجه می‌کند: اول اینکه چگونه نیاز به حفظ دوستی با آل سعود و دستیابی به نفت آن کشور، گرایشهای سنتی را نسبت به عربستان سعودی و خاورمیانه تغییر داد؟ دیگر این که تا چه اندازه این برداشتها و تلقی‌های متفاوت، بر سیاست امریکا در قبال عربستان سعودی و کمپانیهای نفتی و انگلستان تأثیر گذاشت؟ جستجوی امریکاییها برای تأمین امنیت نفت سعودی، مناسبات جدیدی را با این کشور شکل داد و پایه‌ای را برای مداخله فعالانه‌تر در خاورمیانه بنا نهاد.

Hafeez Malik as editor, "***Dilemmas of National Security and Cooperation in India and Pakistan***", Hampshir: The Macmilian Press Ltd, 1993, 320 pages

* ح. مالک (ویراستار)، «دشواریهای امنیت ملی و همکاری در هند و پاکستان»، همپشایر، انتشارات ملک میلان، ۱۹۹۳، ۳۲۰ ص

کتاب مذکور از بخشهای مختلفی تشکیل شده است که مهمترین آنها عبارتند از: دشواریهای امنیت ملی و همکاری، منافع استراتژیک ایالات متحده و جنوب آسیا، مناسبات شوروی و هند، سیاست امنیتی هند در دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی پاکستان نمایش قدرت هند در جنوب آسیا و واکنش کشورهای منطقه‌ای، مناقشه کشمیر، تأثیر تعارضهای قومی ـ مذهبی بر سیاست خارجی هند، منطقه‌گرایی، تعارض قومی و اسلامی در پاکستان: تأثیر بر سیاست خارجی و مناسبات هند و پاکستان: ارزیابی برای برقراری و اصلاح روابط

کتاب حاضر تلاش جمعی از متخصصان است که اساساً تحلیلی سه بعدی است از تعامل هند و پاکستان، مناسبات آنها با ابرقدرتها و رویکردهای آنها به دولتهای منطقه‌ای چون ایران، افغانستان، ترکیه و چین.

"***Change And Continuity In The Middle East: Conflict Resolution And Pyospects For Peace***", Edited By M.E.Ahrari, New York: St. Martinec Press, Inc, 1996, 243 Pages.

* م.اِ. احراری (ویراستار)، «دگرگونی و پیوستگی در خاور میانه: حل و فصل درگیریها و امیدهایی برای صلح»، نیویورک، انتشارات «INC»، ۱۹۹۶، ۲۴۳ ص. به نقل از مجله سیاست دفاعی، شماره مسلسل ۲۰-۲۱ پاییز و زمستان ۱۳۷۶

کتاب مجموعه‌ای از مقالات است که به‌کوشش م. احراری گرد آوری شده است. وی کوشیده تا منازعات عمده‌ای راکه بر ثبات و صلح و امنیت منطقه تأثیر دارد مورد بررسی قرار دهد. در این کتاب منازعات خاورمیانه در سه دستهٔ اصلی قرار داده شده و مطابق این تقسیم‌بندی ساختار مطالب کتاب نیز سه بخش است. بخش اول با عنوان «پویایی‌های کنونی و ستیزهای کهنه در خاورمیانه» دو منازعه اعراب و اسرائیل، وکردها را در برگرفته است. بخش دوم به «ابعاد نوین ستیزه‌های تاریخی» پرداخته که شامل سه مقاله با عناوین ذیل می‌شود: «ایران، خلیج فارس و نظام پس از جنگ سرد»؛ «اسلام به عنوان منبع تداوم و تحول در خاورمیانه»؛ و «ارزیابی چشم‌اندازهای دموکراسی در خاورمیانه». در بخش سوم با عنوان «ثبات یا بی‌ثباتی» به پویایی‌های آتی امنیت در خلیج فارس، مسابقه تسلیحاتی و پیامدهای آن برای ثبات در خاورمیانه اشاره دارد که از این منظر، تهاجم شوروی به افغانستان، انقلاب ایران، جنگ عراق علیه ایران، جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس و جنگ داخلی یمن در ۱۹۹۴ از مهمترین مسائل و بحرانهای منطقه محسوب می‌شوند. شورای همکاری خلیج فارس؛ تداوم و تغییر در دهه ۱۹۹۰، تغییر و تداوم در مسابقه تسلیحاتی خاورمیانه و تامین جنگ‌افزار و مسابقهٔ تسلیحاتی در خاورمیانه، از دیگر مطالب مطرح شده در این کتاب می‌باشند.

Dan Tschirgi, as editor, "*The Arab Word Today*", Boulder, Colorado: Lynne Rienner Publishers, Inc. 1994, 275 Pages.

* دان چیرگی (ویراستار)، «دنیای اعرابِ جهانِ امروز»، بولدر، کلرادو، انتشارات لینه رینر (Inc)، ۱۹۹۴، ۲۷۵ ص

کتاب چهار بخش دارد که در فهم دنیای اعراب پس از بحران خلیج [فارس] بخش اول آن است. بخش دوم مسائل اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کند. بخش سوم به مسائل سیاسی در دنیای اعراب اختصاص دارد و بخش چهارم روابط اعراب با غیر اعراب را مورد بحث قرار می‌دهد.

در بخش سوم کتاب حاضر فصلی به نام «امنیت ملی در دنیای اعراب: پایداری دوگانه انگاری» وجود دارد. در این فصل، نویسنده مفهوم امنیت ملی را برای دنیای اعراب پس از بحران خلیج [فارس] ۱۹۹۱ ـ ۱۹۹۰ مورد بحث قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، امنیت ملی چگونه تعریف می‌شود و مسائل مربوط به آن پس از جنگ خلیج [فارس] چگونه تغییر کرده یا نکرده است؟

تطبیق عمومیات نظری دربارهٔ مفهوم امنیت ملی با شرایط عینی دنیای اعراب و سؤالاتی از این دسته که آیا جنگ خلیج [فارس] در نهایت بدبینی دیرینه را به کاربرد نظریات دولت محور ارتدکس از امنیت ملی در زمینه عربی، فرو می‌نشاند یا خیر و نیز پایداری مسائل اجتماعی و فرادولتی که ریشهٔ نگرانیهای امنیتی اعراب است، مورد توجه نویسنده قرار می‌گیرد.

Efraim Inbar (As Editor), "***Regional Security Regimes: Israel And It's Neighbors***", Albany: State University Of New York Press, 1995, 313 Pages.

* افرایم این بار (ویراستار)، «رژیمهای امنیت منطقه‌ای: اسرائیل و همسایگانش»، انتشارات دانشگاه دولتی نیویورک، ۱۹۹۵، ۳۱۳ ص

فهرست مطالب به شرح زیر است: در قسمت اول سابقه معنوی و تاریخی را بررسی می‌کند و در قسمت دوم به بازیگران خارجی می‌پردازد، تعاملات منطقه‌ای عنوان قسمت سوم می‌باشد. در قسمت چهارم جنبه‌های غیر نظامی بررسی می‌شود و قسمت سوم از بازدارندگی تا رژیم امنیتی نام گرفته است.

این کتاب احتمالاتی را که در مورد برقراری یک رژیم امنیتی میان اسرائیل و اعراب وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، احتمالاتی را که در مورد تقویت قیود بیشتر و همکاری (ضمنی یا آشکار) میان بازیگران عمده وجود دارد، و راههایی را که برای دستیابی به یک شرایط منطقه‌ای منتهی به چنین همکاریهایی وجود دارد، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بیشتر نویسندگان فصول کتاب، یک خوش بینی نسبتاً محتاطانه‌ای را دربارهٔ سمت و سویی که تعارض طولانی مدت اعراب و اسرائیل به خود می‌گیرد، از

خود نشان داده‌اند. تحلیل کتاب حاضر تفوّق عوامل سیاسی را در تعادل سیاسی حاضر پیشنهاد می‌کند. نقش ایالات متحده در نظر بیشتر نویسندگان کتاب، بسیار مهم است، اگرچه قدرتهای منطقه‌ای حرف آخر را در مورد هر گونه اصلاح در روابط میان طرفهای متعارض می‌زنند.

Shelley A.Stahl And Geoffrey Kamp As Editors, "***Arms Contral And Weapons Proliferation In The Middle East And South of Asia***", New York: Carnegie Endowment For International Peace, 1992, 248 Pages,

* ش. آ. ستال و ج، کمپ (ویراستاران)، «کنترل تسلیحاتی و گسترش تسلیحات در خاور میانه و جنوب آسیا»، نیویورک، بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، ۱۹۹۲، ۲۴۸ ص

فصول این کتاب، موضوع انتقال تکنولوژی پیشرفته را به خاورمیانه و آسیای جنوبی از حیث مشکلاتی که ایجاد می‌کند، بررسی می‌کند. اینکه خود کشورهای منطقه چگونه به این موضوع نگاه می‌کنند و اینکه چگونه ترتیبات کنترل تسلیحاتی می‌تواند یا نمی‌تواند اهداف دور از دسترس امنیت، صلح و ثبات را تحقق بخشد. بخش اول به این موضوع می‌پردازد که چگونه نظامهای جدید بر ثبات منطقه اثر می‌گذارند و کدام نظام حائز اهمیت است؟

بخش دوم، مسئلهٔ تکنولوژی پیشرفته را از چشم انداز کشورهای کلیدی منطقه: مصر، اسرائیل، ایران، عراق، هند و پاکستان، بررسی می‌کند. بخش سوم اهداف کنترل تسلیحاتی را توضیح می‌دهد و بررسی می‌کند که چگونه اهداف کنترل تسلیحاتی و امنیت منطقه‌ای با مزایای آن دو تطبیق پیدا می‌کند. عنوان برخی دیگر از مطالب کتاب عبارت است از: آشفتگی یا بازدارندگی؟ امنیت منطقه‌ای و جهانی از عدم گسترش تا فراتر از گسترش و امنیت و کنترل تسلیحاتی در خاور میانه از چشم‌انداز اسرائیل.

Sverre Lodgard, "Confidence - Building And Arms Control In The Middle East, "In ***Towards a War - Free World***, Edited by: Joseph Rotblat, Singapore: world Scientific Publishing Co., 1995, 192 Pages.

* سور. لوگارد، «اعتمادسازی و کنترل تسلیحاتی در خاورمیانه»، به نقل از کتاب به سوی یک دنیای بدون جنگ، ویراستار: جوزف روت بلات، سنگاپور، انتشارات جهان علمی، ۱۹۹۵، ۱۹۲ صفحه

این مقاله حول اصول و معتقدات استراتژیک بحث امنیت مبتنی بر همکاری تنظیم شده است. این مقاله با بحثی دربارهٔ اعتماد سازی در خاورمیانه شروع می‌شود و به نکاتی ازاین قبیل می‌پردازد: اسباب نظامی، تسلیحات نابودی دسته جمعی، بررسی گزینه‌هایی برای کنترل تسلیحاتی با تاکید بر اهمیت بازسازی دفاعی نیروهای متعارف برای کاهش تصویر تهدید بطور عام و حذف منطق تسلیحات اتمی بطور خاص. در نهایت، مقاله به نقش فعالیتهای مربوط به امنیت دسته جمعی در خاورمیانه می‌پردازد و ایدهٔ نظام غیرتهاجمی امنیت دسته جمعی را به بحث می‌گذارد.

Meltem Muftuler - Bac, "Turkey And Israel: An Axis. Of Tension And Security," In ***Security Dialogue***, Sage Publication, March 1998, Vol. 29, No. 1, 121 Pages.

* م. موفتولر باخ، «ترکیه و اسرائیل: محور تنش و امنیت»، مجله گفتگوی امنیت، انتشارات سیج، مارس ۱۹۹۸، شماره پیاپی: ۲۹، شماره اول، ۱۲۱ ص

مقاله حاضر با دو سؤال آغاز می‌شود: آیا سیاست خارجی متمایل به اسرائیل به منافع امنیتی ترکیه کمک می‌کند؟ و چه نوع اتحاد استراتژیکی میان این دو کشور در حال ظهور است؟ پایان دهه ۱۹۹۰ شاهد قطبی شدن منطقهٔ خاور میانه میان دو کمپ است: کمپ ترکیه و اسرائیل از یک طرف و کمپ سوریه، ایران و عراق از طرف دیگر. تا به حال یک پیمان دسته جمعی دفاعی میان ترکیه و اسرائیل وجود نداشته است اما از طریق موافقت نامهٔ همکاری نظامی، این دو کشور بعنوان محور امنیتی پیشرو در منطقه ظاهر شده‌اند. در اوضاع ناآرام پس از جنگ سرد، ترکیه به دنبال شریکانی مطمئن در خاورمیانه می‌گردد و اسرائیل این نیاز را برآورده می‌کند.

Gabriel Ben - Dor, "Regional Culture And The NACD In the Middle East, "In *Contemporary Security* Policy, Essex: Fronk Cass And Co. Ltd. April 1998, Vol. 19 , No. 1.

* گابریل بن دور، «فرهنگ منطقه‌ای و NACD در خاورمیانه»، مجله ادواری سیاست امنیتی، معاصر، اِسِکز، فرانک کاس، آوریل ۱۹۹۸، شماره پیاپی: ۱۹، شماره اول

رشته تعارضات در خاورمیانه؛ فرهنگ، تعارض و امنیت در خاورمیانه، فرهنگ سیاسی و استراتژیک در خاورمیانه، نیاز به یک چشم انداز متعادل، از مباحث مطروحه در این مقاله هستند.

عوامل فرهنگی در مسائل مربوط به عدم گسترش و کنترل تصمیمات در خاورمیانه نقش بازی می‌کند. اگرچه در اکثر موارد، مدیریت تعارض و حل و فصل آن بیشتر با مسائل عینی سروکار دارد تا زمینه فرهنگی، اما این هردو، در عمل، همراه با مشکلات فرهنگی، وضع مشاجرات را وخیم می‌کند. تحلیلها نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی، در اکثر موارد، پیشرفت در حل و فصل تعارضات را مشکلتر می‌کند. تعارضات چندی در خاورمیانه وجود دارد که می‌توان آنها را بصورت دوایر متداخل نشان داد. داخلی‌ترین و کوچکترین دایره مربوط به تعارضات اسرائیل و فلسطینیان است. دایره بزرگتر بعدی مربوط به تعارضات اسرائیل باکشورهای عربی همسایه‌اش حول موضوعاتی چون قلمرو و استراتژی است. دایرهٔ بزرگتر بعدی تعارض ایدئولوژیکی میان صهیونیسم و ناسیونالیسم عربی است. دایرهٔ چهارم بزرگتر و یا خارجی‌ترین دایره، برخورد آرزوهای یهودی برای ملت بودن با جنبه‌هایی معین از دکترین‌های سیاسی اسلام است.

فصل پنجم

خلیج فارس

Shahram Chubin, Editor, "***Security In The Persian Gulf: Domestic Political Factors***", Hampshire: Gower Publishing Company Limited, 1981, 90 Pages.

* شهرام چوبین، «امنیت در خلیج فارس: عوامل سیاسی داخلی»، همپشایر، انتشارات گووِر، ۱۹۸۱، ۹۰ ص

این کتاب از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول نهادهای سیاسی در عربستان سعودی، کویت و بحرین را مطالعه می‌کند. بخش دوم تحول در میان سنت نام دارد. بخش سوم به بررسی مسائل اقتصادی کشورهای نفتی شبه جزیره عربی می‌پردازد و بخش چهارم جمعیت، مهاجرت و توسعه در کشورهای خلیج [فارس] را مورد بحث قرار می‌دهد.

ویرایشگر کتاب در مقدمه بحث می‌کند که ممکن است در پرتو هجوم شوروی به افغانستان و تحولات ایران بخواهیم تمرکز توجه ابرقدرتها را به این منطقه (خلیج فارس) توجیه کنیم اما این توجیه کاملی نیست. در خلیج فارس، تهدید امنیت ریشه‌های بسیاری دارد برای آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر ـ حداقل برای دهه بعد ـ وابستگی OECD به خلیج [فارس] بخاطر ذخایر نفتی ادامه خواهد یافت. همراه با منافع افزایش یابنده و متعارض ابرقدرتها در این منطقه، تغییری در تعادل نظامی قدرت در این جا بوقوع پیوسته است. برای غرب، وابستگی به خلیج فارس فراتر از جریان صرف نفت است. مسائل قیمت در نرخ تبادل نیز مهم است، چه بد یا چه خوب، بهبود سیاسی یا اقتصادی OECD یا

سرنوشت کشورهای خلیج فارس بطور فزایندهای گره خورده است. علیرغم مسائل برجسته نظامی و رقابت ابرقدرتها، فقط بخشی از تهدیدهای عمده متوجه منطقه خارجی است رقابت‌های میان ـ دولتی و تعارضهای ناشی از اختلافات ایدئولوژیکی، دودمانی، تاریخی و سرزمینی منشأ دیگر بی ثباتی است. سوال این است که بی‌ثباتیهای داخلی چه هستند و آیا به نحو مساوی تقسیم شده‌اند؟ مقالات این کتاب، به ریشه‌های داخلی بی‌ثباتی‌ها نظر می‌کند و تفاوتها را در میان بعضی از این کشورها مورد بررسی قرار می‌دهند. ایران و عراق از این تحلیل مستثنی هستند چرا که قبلاً بطور نسبتاً کامل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

هدف جمعی از این مقالات بررسی جنبه‌های متنوع روند نوسازی، توسعه اقتصادی، سیاسی شدن مردم، شهرگرایی و پیامدهای این امور بر کشورهای خلیج [فارس] است.

William F. Martin, Ryukichi Imai Steeg, "***Maintaining Energy Security in a Global, Context***", New York: The Trilateral Commission, September 1996, 117 Pages.

* و . ف . مارتین، ر. ایمایی. اِستیگ، «حفظ امنیت انرژی در یک زمینه جهانی»، نیویورک، کمیسیون سه جانبه‌گرایی، سپتامبر ۱۹۹۷، ۱۱۷ ص

در مقدمه این کتاب که از هشت فصل تشکیل شده است، سه چهره امنیت انرژی ارایه می‌شود و در فصل اول نیز به صادر کنندگان خلیج فارس و بازارهای بین المللی می‌پردازد. در فصل دوم واکنشهای هماهنگ به اوضاع اضطراری بررسی می‌شوند و فصل سوم به امنیت در خلیج فارس اختصاص دارد. فصل چهارم «کشورهای سه گانه ؛ حکومتها و بازارها» نام دارد. فصل پنجم سرمایه گذاری انرژی در روسیه ؛ آسیای مرکزی و کاکس را مطالعه می‌کند. فصل ششم دینامیک انرژی در کشورهای سریعاً در حال صنعتی شدن را مورد بحث قرار می‌دهد. فصل هفتم انرژی اتمی و امنیت انرژی در بلند مدت عنوان دارد و فصل هشتم به چالش زیست محیطی اشاره می‌کند.

نویسنده معتقد است که امنیت انرژی سه چهره دارد: چهره اول محدود کردن آسیب‌پذیری به اختلال و بی نظمی با فرض وابستگی روزافزون به نفت وارداتی از یک

خاورمیانه بی‌ثبات است. چهره دوم تدارک عرضه کافی برای تقاضاهای بالارونده به قیمتهای معقول و در نتیجه، کارکرد منطقاً آرام نظام انرژی بین‌المللی در طول زمان می‌باشد و چهره سوم چالش زیست محیطی مربوط به انرژی. فصل سوم از کتاب حاضر بر امنیت منطقه خلیج [فارس] متمرکز است. زمینه سیاسی ـ نظامی موجود در خاورمیانه امروز با دهه هفتاد متفاوت است (جنگ ۱۹۷۳ اعراب – اسرائیل، اولین شوک نفتی را به وجود می‌آورد)، اما منطقه هنوز دستخوش بی ثباتی است. وابستگی به صادر کنندگان خلیج [فارس]، اهمیت این منطقه را خاطرنشان می‌کند. فصل هفتم یعنی انرژی اتمی، چهره دوم و سوم امنیت انرژی را به هم مرتبط می‌کند.

Anthony. Cordesman, "***The Gulf and The Search For Strategic Stability: Saudi Arabia, The Military Balance in The Gulf and Trends in The Arab _ Israeli Military Balance***", Colorado: Westview Press, 1984, 1041 Pages.

* آنتونی کوردسمان، خلیج و جستجوی ثبات استراتژیک: عربستان سعودی، تعادل نظامی در خلیج [فارس] و روندهایی در تعادل نظامی اعراب ـ اسرائیل، کلرادو: انتشارات وِست ویوو، ۱۹۸۴، ۱۰۴۱ ص

کتاب مذکور از چهار بخش تشکیل می‌شود: ملاحظات امنیتی مورد مطالعه این کتاب، امنیت را در معنای آن مورد بحث قرار می‌دهد. امنیت مورد بحث مقولات ذیل را شامل می‌شود: عوامل فرهنگی و مسائل اقتصادی توسعه: انسجام سیاسی و توانایی تطبیق با تغییرات، مهاجرت و جمعیت‌شناسی، ثبات مذهبی و نژادی، سازمان حکومت، سیاست خارجی و مسائل منطقه‌ای؛ سیاست نفتی و مدیریت درآمدهای نفتی. ارزیابی ملاحظات امنیتی در چهار بخش انجام می‌شود: بخش اول به مسائل کلی درباره ثبات خلیج [فارس] می‌پردازد و اهمیت مناسبات استراتژیک بهبود یافته را با کشورهای محافظه کار خلیج [فارس] برای غرب گوشزد می‌کند. بخش دوم توسعه مناسبات نظامی ایالات متحده و عربستان سعودی و رشد نیروهای نظامی سعودی را بررسی می‌کند و

دارد، تحلیل می‌کند. بخش سوم الگوهای کلی را در امنیت خلیج [فارس] به بحث می‌گذارد و انتخابهایی را که برای گسترش تواناییهای نظامی ایالات متحده و غرب وجود دارد و نیز پیوندهایی در جهت امنیت دسته جمعی با سایر دولتهای خلیج [فارس] را مورد بحث قرار می‌دهد. بخش چهارم درباره روندهای تعادل اعراب ـ اسرائیل بحث می‌کند و نیز بحث از این که چگونه این امر بر خط‌مشی سیاسی ایالات متحده اثر می‌گذارد و انتخابهایی را که در جهت یک شراکت استراتژیک با دول عرب وجود دارد، متأثر می‌سازد، مورد توجه قرار می‌دهد.

Mazher A. Hameed, "***Arabia Imperilled: The Security Imperatives of The Arab Gulf States***", Washington: Middli East Assessments Group, 1986, 189 Pages.

* م. آ. حمید، عربستان در معرض خطر: ضرورتهای امنیتی دولتهای عربی خلیج [فارس]، واشنگتن، گروه بررسیهای خاورمیانه، ۱۹۸۶، ۱۸۹ ص

کتاب مذکور شامل شش قسمت است: قسمت اول ژئوپلیتیک امنیت خلیج فارس را بررسی می‌کند. قسمت دوم محیط امنیت نام دارد. قسمت سوم به تاریخچه تهدید در خلیج فارس می‌پردازد. قسمت چهارم منابع امنیتی کشورهای خلیج فارس را مطالعه می‌کند. قسمت پنجم به شکافها و مسائل در امنیت خلیج فارس اختصاص دارد و عنوان قسمت ششم تهدید و واکنش: محافظت از منافع ایالات متحده در خلیج فارس می‌باشد.

این کتاب ماهیت محیط ژئوپلیتیکی در خلیج فارس، پیشرفت نگرانی ایالات متحده در این باره، ماهیت و دامنهٔ تهدیدهای متوجه به منافع ایالات متحده در آنجا و منابع سیاسی، اقتصادی و سایر منافع خلیج [فارس] راکه می‌تواند برای محافظت از آن منافع بسیج شود، مورد بحث قرار می‌دهد. اما تمرکز بحث کتاب برخود خلیج [فارس] نیست؛ بلکه ارزیابی کتاب مبتنی بر آن دسته از منافع ایالات متحده است که از امنیت خلیج فارس تأثیر می‌پذیرد. روشن است که تعدادی از پیشرفتهای مهم، آسیب‌پذیری آنی منافع کلیدی ایالات متحده را در خلیج [فارس] کاهش داده است دیگر آشکار است که خلیج [فارس] کلید امنیت کشورهای غربی باقی می‌ماند. پس برای کاهش بیشتر

آسیب‌پذیری ایالات متحده و محافظت از منافع آن کشور در برابر تهدیدهای جدید و نوخاسته چه باید کرد؟ با امعان نظر به پیشرفتهای اخیر، آن منافع چه هستند و چه قدر امن هستند؟ اینها سؤالاتی است که این کتاب در صدد پاسخگویی به آنها می‌باشد.

Mordechai Abir, "***Saudi Arabia: Government, Society and The Gulf Crisses***", London: Routledge, 1993, 269 Pages.

* م. آبیر، «عربستان سعودی: حکومت، جامعه و بحرانهای خلیج [فارس]»، لندن، راتلیج، ۱۹۹۳، ۲۶۹ ص

کتاب فوق از سه بخش عمده تشکیل شده است: بخش اول طبقه حاکم و نخبگان در عربستان سعودی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم به نوسازی و نبرد برای اصلاح سیاسی می‌پردازد و بخش سوم بحرآنها در خلیج [فارس] را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در فصل نهم از بخش سوم کتاب حاضر با عنوان «مقدمه‌ای به بحران عراق ـ کویت»، زیر عنوانی مربوط به امنیت داخلی عربستان وجود دارد؛ «حکومت، نخبگان و امنیت داخلی (۹۰ ـ ۱۹۸۸)». فصل دوازدهم از کتاب حاضر که بحث «نفت و امنیت خلیج فارس» را بررسی می‌کند، به موضوعاتی چون «نفت و سیاست» و «امنیت خلیج فارس و ایران» می‌پردازد.

Hassan Hamdan Al-Alkim, "***The GCC States In An Unstable World: Foreign - Policy Dilemmas Of Small States***", London: Saqi Books, 1994, 234 Pages.

* حسن. ح. العلکم، « کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] در یک دنیای بی ثبات: دشواریهای سیاست خارجی کشورهای کوچک »، لندن، مجموعه کتابهای ساقی، ۱۹۹۴، ۲۳۴ ص

چارچوبی برای تحلیل، میراث گذشته، محرکه‌های سیاسی یا اجتماعی، قوتها و ضعفها، سازگاری و تعارض، منطقه‌ای متزلزل و پر آشوب، نظم جهانی جدید و چه کسی تصمیمات سیاست خارجی را می‌گیرد؟ مباحث عمده این کتاب هستند.

فصل هفتم کتاب حاضر، به مناسبات ایالات متحده و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازد چراکه ایالات متحده در حال حاضر، بازیگر اصلی در صحنه بین‌المللی است. این فصل همچنین بر مناسبات ایالات متحده و عربستان سعودی تمرکز می‌کند: چراکه عربستان سعودی تأثیرگذارترین عضو شورا است. این فصل چشم‌اندازهای نظم جهانی جدید شامل تعامل سیاسی، دفاع و همکاری امنیتی، مناسبات اقتصادی و تجاری و امنیت منطقه‌ای را به بحث می‌گذارد.

Fran. Trager, as editor, "*Oil Divestiture and National Security*", New York: CRANE, Russak compang, Inc. 1977, 135 pages.

* فرانک. ن. تراگر (ویراستار)، «نفت، محرومیت و امنیت ملی، نیویورک، کِرانه، ۱۹۹۷، ۱۳۵ صفحه

این کتاب هفت فصل دارد که در فصل اول ساختار متغیر نفت بین المللی را بررسی می‌کند، فصل دوم پیامدهای حقوقی و مالی محرومیت را بحث می‌کند.فصل سوم به مسئولیتهای انحصاری انرژی داخلی می‌پردازد. فصل چهارم محرومیت و بازار جهانی نفت نام دارد. فصل پنجم اتحاد شوروی به عنوان یک قدرت جهانی نفت را مورد بحث قرار می‌دهد. فصل ششم نفت خارجی و امنیت داخلی عنوان گرفته است و فصل هفتم به انرژی و امنیت ملی اختصاص یافته است.

در حالیکه آمارها نشان می‌دهد میزان ذخایر ثابت شده نفت برای ایالات متحده ۶٪ و برای خلیج فارس ۶۶٪ است، ژئولوژی و سیاست خاورمیانه به اضافه موازنه دریایی ابرقدرتها در نمایش اقیانوس هند - خلیج فارس موجب شده است که موقعیت آمریکا به لحاظ انرژی در آینده بیش از پیش به خاورمیانه وابسته باشد.

از آنجاکه بحران انرژی یک مشکل بین‌المللی است، علیرغم شیوه عملکرد کارتلهای نفتی و حدود ۴۰٪ سرمایه‌گذاری آنها در صنایع نفت کشورهای غیرعضو اوپک، اهمیت راهبردی ـ امنیتی نفت خلیج فارس برای آمریکا همچنان زیاد است. این کتاب با ارایه بحثهای آماری و نظری می‌کوشد تأثیر فرآیند تحولات در تولید، عرضه و قیمت‌گذاری نفت، را بر امنیت داخلی غرب و آمریکا تبیین کند.

Rolin G. Mainuddin, Joseph R. Aicher, Jr. and Jeffrey M. Elliot, "From Alliance To Collective Security: Rethinking The Gulf Cooperation Council" in *Middle East Policy* U.S.A.: Middle East Policy Council, Vol IV, No.3.

* ر.ج. معین‌الدین، ژ. ر. آیکر و ژ. م. الیوت، «از اتحاد تا امنیت دسته جمعی: تفکر مجدد در باب شورای همکاری خلیج [فارس]»، مجله سیاست خاورمیانه آمریکا، شورای سیاست خاورمیانه، سال پنجم، شماره سوم.

این مقاله در صدد پاسخ به این سوالات است که با در نظر گرفتن تواناییهای محدود اعضای شورای همکاری خلیج فارس، آیا شورا می‌تواند چون یک چتر امنیتی مؤثر برای اعضای خود عمل کند؟ آیا اعلامیه دمشق عملی است؟ با در نظر گرفتن تمایلات ضدغربی جهان اسلام، آیا اعلامیه ریاض به لحاظ سیاسی دوام می‌یابد؟ با پیشرفت روابط اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین، آیا منطقی است که شورا ایران، عراق و اسرائیل را در یک ترتیب امنیت دسته جمعی بپذیرد؟ علاوه بر این مسائل، مقاله حاضر تغییر شکل شورا را به یک سازمان منطقه‌ای با هدف تأمین امنیت دسته جمعی در دوره پس از جنگ سرد تحلیل می‌کند.

B.R.Pridham As Editor, Gulf Security And Stability In a Divided Arab World, ***The Arab Gulf And The Arab World***, New york: Croom Helm, 1988, 302 Pages.

* امنیت و ثبات خلیج [فارس] در دنیای تقسیم شده اعراب»، به نقل از کتاب خلیج عربی و جهان عرب، ب. ر. پریدهام (ویراستار)، نیویورک، کرومهلم، ۱۹۹۸، ۳۰۲ ص

کتاب از چهار بخش تشکیل یافته است که بخش چهارم از کتاب حاضر به امنیت و ثبات خلیج [فارس] می‌پردازد که حاوی سه فصل است: «تهدیدهای متّصور و وفاداریهای متّصور»، «نقش امنیتی شورای‌همکاری خلیج [فارس]»، «جنگ داخلی ۱۹۸۶ در جنوب یمن: یک تحلیل مقدماتی»، «عناوین فرعی مربوط به فصل» تهدیدهای متّصور و وفاداریهای متّصور عبارتند از: وفاداریها در افکار عمومی اعراب، تصویرهای

رایج از وفاداری، منابع خلیج، جنگ ایران ـ عراق، تقسیم اعراب / اعراب سعودی. هدف فصل «نقش امنیتی شورای همکاری خلیج [فارس]» نه به خریدهای اسلحه از طرف کشورهای خلیج [فارس] در دهه گذشته و نه، تفحص در باب نیروهای نظامی این کشورهاست بلکه تحلیل موارد زیر است: ۱ ـ پتانسیل و محدودیتهای شش کشور عضو شورای همکاری خلیج [فارس] در مورد ایجاد یک نیروی دفاعی مؤثر، ۲ ـ مفهوم امنیت در نزد آنها، ۳ ـ تلاشها و تنگناهای کشورهای شورای همکاری خلیج [فارس] در حوزه امنیت داخلی و خارجی اززمان شکل‌گیری شورا در مه ۱۹۸۱.

Dore Gold, "The US And Gulf Security" In The ***Middle East Military Balance: 1992-93,*** Gerusalem: Tell Avive University, Gaffee Cnter For Strategic Studies, 1993, 514 Pages.

* د. گلد، «ایالات متحده و امنیت خلیج [فارس]»، به نقل از کتاب تعادل نظامی خاورمیانه: ۹۳ ـ ۱۹۹۲، اورشلیم (بیت‌المقدس)، دانشگاه تل آویو، مرکز مطالعات استراتژیک جافی، ۱۹۹۳، ۵۱۴ ص

مقالهٔ ایالات متحده و امنیت خلیج فارس، فصل پنجم از کتاب تعادل نظامی خاورمیانه: ۹۳-۱۹۹۲ می‌باشد. این مقاله شامل عناوین زیر است: تصوّرات ایالات متحده از تهدید رو به تزاید ایران،تهدید از جانب عراق و منطقه جنوبی پرواز ممنوع در عراق، ترتیبات امنیتی به وجود آمده پس از جنگ و انتقال تسلیحات.

Michael Collins Dunn, "Five Years Afther Desert Storm: Security, Stabilaty And The U.S.Presence, "***In Middle East Policy,*** U.S.A: Middle East Policy Council, Vol.IV, Number 3.

* م.ک. دان، «پنج سال پس از طوفان صحرا»: امنیت، ثبات و حضور ایالات متحده»، مجله سیاست خاورمیانه، شورای سیاست خارجی امریکا، سال پنجم، شماره سوم

این مقاله می‌کوشد، نگاهی به حوادثی که در طول پنج سال پس از جنگ خلیج فارس و تجاوز عراق به کویت، اتفاق افتاده است، بیندازد. این حوادث در سه زمینه بررسی

شده‌اند: موضوع امنیت خلیج فارس و حضور ایالات متحده به طور کلی، مسئله تهدیدات ایران و عراق، تأثیر جنگ بر امنیت داخلی و آیندهٔ شورای همکاری خلیج فارس (متشکل از کشورهای بحرین،کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات عربی متحده).

Noor Ahmed Baba, "Us Security Dilemmas In The Gulf: Setback And Initiatives, "*The Gulf In Turmoil: A Global Response*", Edited By A.K.Pasha, New Delhi: Lancres Books, 1992. 389 Pages.

* نور احمد بابا، دشواریهای امنیتی ایالات متحده در خلیج [فارس]: موانع و ابتکارها به نقل از کتاب خلیج در آشوب: مسؤولیتی، ویراستار: آ.ک. پاشا، دهلی‌نو، مجموعهٔ کتابهای لَنسرز، ۱۹۹۲، ۳۸۹ ص

بحران اخیر در خلیج [فارس]، شاهدی بر عدم توانایی ایالات متحده در تضمین یک نظام امنیتی پایا برای منطقه بود .نظام امنیتی مذکور برای موقعیت ایالات متحده بعنوان حافظ منافع غرب، حیاتی بوده و هست. به طور تناقض‌آمیزی، حتی پس از شکست عراق و نابودی زیر ساختارهای اقتصادی و ماشینهای نظامی آن کشور، این بحران ناتوانی ایالات متحده را برای مدیریت چنین شرایطی نشان داده است. البته ناتوانی ایالات متحده زمانی هویدا می‌شود که از حمایتهای مادی ومعنوی خارج برخوردار نباشد و مدیریت این شرایط را به تنهایی به عهده بگیرد. تمام استراتژیهایی که ایالات متحده تا به حال در این راستا اتخاذ کرده است، طبیعت ویژه و خاص داشته است. تمام آنچه که در جنگ اخیر با آزاد سازی کویت و خاضع کردن عربستان پیش آمده است بیشتر حاصل شرارت جنایتکارانه و بد عمل کردن خود عراق بوده است و کمتر بخاطر استراتژی ذاتاً صحیح نظامی ـ دیپلماتیک ایالات متحده پدید آمده است.

Kenneth Katzman, "The Gulf Cooperation Council: Prospects For Collective Security, "The Persian Gulf Afther The Cold War, Edited By M.E.Ahrari And James H.Noyes, London: Praeger Publishers, 1993, 242 Pages

* ک. کاتزمن، «شورای همکاری خلیج [فارس]: چشم اندازهایی برای امنیت دسته جمعی»، به نقل از کتاب خلیج [فارس] پس از جنگ سرد، ویراستار: م. احراری و ج. نویس، لندن، انتشارات پراجر، ۱۹۹۳، ۲۴۲ ص

بحث این مقاله از کتاب مذکور این است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دهه ۹۰ به این نتیجه رسیده‌اند که برای بقا، همگرایی فزاینده نظامی و سیاسی لازم است. کتاب حاضر بحث می‌کند که کشورهای شورا در حال حاضر و در آینده، به ایالات متحده بعنوان ضامن نهایی امنیت خویش متکی خواهند بود. البته این کشورها، بدلایل سیاسی داخلی، به نظر نمی‌رسد حاکمیت خویش و ارزشهای ملی گرایانه عربی را وجه المصالحهٔ روابط با ایالات متحده قرار دهند. در نتیجه، کشورهای شورا در جستجوی امنیت دسته جمعی، ترتیباتی بدیل را با چند شریک منطقه‌ای علاوه بر ایالات متحده در نظر گرفته‌اند. این مقاله، عدم اعتماد و اختلافات سیاسی میان کشورهای شورا را عامل بازدارندهٔ همکاری میان آنها می‌داند و بیان می‌دارد که دیپلماتهای کشورهای شورا به علت ضعف داخلی حتی میزان بالای همگرایی نظامی اعضای شورا را در برابر تهدیدهای ایران و یا عراق ناکافی می‌دانند.

R.K Ramazani, "Peace And Security In The Pasian Gulf: A Proposal, "In The ***Persion Gulf War: lessons For Stategy, Law, And Diplomacy,*** Edited By Christopher C.Joyner, New York: Green Wood Press. 1990, 256 Pages.

* ر.ک. رمضانی، «صلح و امنیت در خلیج فارس: یک پیشنهاد»، به نقل از کتاب جنگ خلیج فارس: درسهایی برای استراتژی، حقوق و دیپلماسی، ویراستار: ک. جوینر، نیویورک، انتشارات گرین وود، ۱۹۹۰، ۲۵۶ ص

مطالب مهم مقاله عبارتند از: ابعاد استراتژیک و سیاسی و ابعاد دیپلماتیک و حقوقی

درس مهمی که می‌توان از جنگ ایران و عراق گرفت، این است که نیاز به صلح و امنیت پایا در تمام منطقه خلیج فارس وجود دارد. برای برآوردن این نیاز لازم است که یک استراتژی بین‌المللی را طراحی کنیم که مشارکت کشورهای خلیج فارس و سایر

قدرتهای ذینفع را در بر گیرد. همانطور که کشورهای منطقه در صلح و امنیت منطقه منفعت دارند، کشورهای بین‌المللی نیز در دستیابی امن و مطمئن به ذخایر نفتی منطقه منفعت دارند.

نویسنده قبل از اینکه پیشنهاد خود را در این‌باره که چگونه یک استراتژی بین المللی به خوبی می‌تواند این دو مجموعهٔ بنیادی از منافع را حفظ کند و افزایش دهد، ارایه دهد، سه سناریوی جایگزین را در مورد اینکه از چه طریق دیگر می‌توان صلح و امنیت را در منطقه خلیج فارس محافظت کرد، ارایه می‌شود.

به لحاظ نظری، دو سناریوی اول مفهوم سیطرهٔ قدرت را باز می‌نماید ولی سومین سناریو با مفهوم توازن قدرت همراه است. پیشنهاد نویسنده پلی است میان این مفاهیم و مفهوم امنیت دسته جمعی، این معرفی مختصر، در ابتدای فصل چهاردهم از کتاب حاضر آمده است، این فصل به بحث صلح و امنیت در خلیج فارس و ارایه یک پیشنهاد می‌پردازد.

بخش سوم

امنیت بین المللی

فصل اول

مفاهیم نظری

Scoht Armstrong and Malcolm, Byrne, as editors, "The Chronology, ***The Documented Day - by - Day accoount of the secret military assistanse to Iran***" and Contras, Newyork: Warnerbooks, Inc, 1987

* اسکات آرمسترانگ و مالکولم. برن. (ویراستاران)، «روزشمار کمکهای سری نظامی آمریکا به ایران و کُنتراها»، نیویورک، انتشارات واریز، ۱۹۸۷

Arthur Salter, ***Security: Can we retriere it?***, London: Macmillan and Co.,Limied, 1939, 390 pages.

* آ. سالتِر، «امنیت، آیا می‌توانیم آن را تحصیل کنیم؟»، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۹۳، ۳۹۰ ص

خطر و چشم‌انداز، امنیت دسته‌جمعی، توانایی ملی، مبانی یک صلح جدید و آزادی و سواستیکا از مباحث مطروحه در این مقاله می‌باشند.

سؤالاتی که در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از: آیا جنگ گریزناپذیر است؟ چه خط مشی سیاسی امید جلوگیری از جنگ را پیش روی ما قرار می‌دهد؟ آیا جامعه ملل هنوز ابزار صلح به شمار می‌آید یا منشأ خطر؟ آیا می‌توانیم سعادت خویش را در سیاستی جستجو کنیم که هم توانایی و قدرت مقابله را شامل شود

به دست آوریم و بر چه مبنایی تصمیم بگیریم که کی و کجا امتیاز دهیم. اگـر در حـال حاضر، جامعه ملل تاب تحمل بار امنیت دسته‌جمعی را ندارد، آیا می‌توانیم آن را مجدداً بازسازی کنیم؟ اگر چنین است، چگونه و بر چه مبنایی؟ و چگونه می‌توانیم معین کنیم که تعهدات متقابل تحت چـه شـرایـطی خـطرات را افـزایش یـا کـاهش مـی‌دهد؟ ایـن سؤالات، به ضرورت، در شرایط محدود و خاص این دوره بررسی می‌شود. این کتاب پنج بخش عمده دارد. اول: خطرات و چشم‌اندازی که پیش روی نویسندهٔ کتاب قرار دارد و بدین منظور به عوامل سیاسی و مادی حائز اهمیت آنها پرداخته می‌شود. دوم: مطالعه تکامل جامعه ملل از منظر قدرتهای درون آن. سوم: قدرت و توانایی ملی، نقد بـعضی کمبودها در تأسیسات و سازمانهای انگلستان و ارایه اصلاحات. چهارم: طرح یک خط مشی سیاسی سازنده برای یک مبنای جدید صلح. پـنجم: خـلاصه‌ای از نـتایج بـحث مطرح می‌شود: هم در باب قوت و ضعف دو نظام رقیب و هم در باب اقداماتی که لازم است دموکراسی‌ها برای دفاع از خود آغاز کنند.

Lee w. Farnworth and Richard B. Gray, As editors, ***Security in a world of change: (Reading and nots on I.R)***, California: wads worth publishing Company 1969,432 paper.

* لی. و. فارن وورث و ریچارد. ب. گری (ویراستاران)، «امـنیت در جـهان مـتغیر»، کالیفرنیا، انتشارات دادازوورت، ۱۹۶۲، ۴۳۲ ص

کتاب شامل پنج فصل می‌باشد: پس از مقدمه در فصل اول مفاهیم اساسی توضیح داده می‌شوند. فصل دوم: الگوهای معاصر سیاست خارجی را بررسی مـی‌کند. فـصل سوم: تقلا برای قدرت نام دارد. فصل چهارم تلاش برای نظم بین‌المللی را مطالعه می‌کند و فصل پنجم به بحث پیرامون صلح می‌پردازد.

نویسندگان در این کتاب به گونه‌ای فراگیر و با ملاحظه مؤلفه‌های مـتنوع و پـیچیده نظری و عملی و با نگاه به آینده، تلاش کرده‌اند دیپلماسی مناسب امنیت و صلح را در جهان تبیین و مدلی برای نظریه امنیت ملی و بین‌المللی از رهگذر واقعیتهای حاکم بـر نظم بین‌المللی و تحولات آن، بیابند. بررسی مغایرت اهـداف بـین‌المـللی در سـیاست

خارجی کشورها و نیز آرمانهای قدیمی و واقعیتهای نوین و تناقضات موجود در تفکر دیپلماسی آسیا و آمریکا از جمله مؤلفه‌های دخیل در امنیت ملی و بین‌المللی هستند که در این کتاب به آنها پرداخته شده است.

Otto Pick and Julian "critchley, *Collective Security,* London: Macmillan Press Ltd, 1 974, 123 papes.

* اوتو. پیک و جولیان کریکلی، «امنیت دسته‌جمعی»، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۷۴، ۱۲۳ ص

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هشت فصل است. فصل اول مسئله امنیت و فصل دوم ریشه‌های امنیت را بررسی می‌کند. فصل سوم به ظهور و سقوط امنیت دسته‌جمعی می‌پردازد. فصل چهارم در جستجوی یک جایگزین نام دارد. در فصل پنجم چه کسی سیاست خارجی را می‌سازد؟ سوال اصلی است. فصل ششم به سیاست خارجی بریتانیا اختصاص یافته است. فصل هفتم در صدد پاسخ به این سوال است که چگونه باید با بمب زندگی کرد؟ و بالاخره در فصل هشتم سه کنفرانس اروپا مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نگرانی شهروندان راجع به زندگی اقتصادی و معیشتی آنان موجب می‌شود که نتوانند نسبت به امنیت خارجی و بین‌المللی بی تفاوت بمانند. همانگونه که کشورها و جوامع ناامن و بی‌ثبات نمی‌توانند تضمین کننده امنیت خارجی باشند؛ یک جامعه باثبات و کاملاً امن نیز در فضای ناامن بین‌المللی قابل دوام و توسعه نیست. در این کتاب سعی شده است شرحی ساده و اجمالی در باب مفهوم و ریشه‌ها و فرآیند امنیت دسته‌جمعی به عنوان یک مفهوم کلیدی در علوم سیاسی ارایه شود.

Caroline Thomas, "***In Search Of Security: The Third World In International Relationc***", Sussex: Wheatchef Books, 1987, 228 Pages.

* کارولین توماس، «در جستجوی امنیت: جهان سوم در روابط بین الملل»، سازگز، انتشارات ویت چف، ۱۹۸۷، ۲۲۸ ص

پس از مقدمه، جهان سوم در جستجوی امنیت، ملت سازی و جستجوی امنیت،

جستجوی امنیت، جستجوی یک نظام تجاری امن، جستجوی امنیت غذایی و بهداشتی، سلاحهای اتمی و جستجوی امنیت و مطالعه موردی جامائیکا و جستجوی امنیت در دههٔ ۱۹۷۰ عناوین فصول هشتگانه کتاب مذکور هستند.

مضمون اصلی این کتاب این است که امنیت در چارچوب کشورهای جهان سوم فقط به بعد نظامی منحصر نمی‌شود بلکه به ابعاد دیگر بقای کشور نیز مربوط می‌شود. چند حوزهٔ کلیدی جستجوی امنیت بررسی می‌شوند از قبیل: جستجوی امنیت داخلی دولت از طریق ملت سازی، جستجوی نظامهای امن غذایی، بهداشتی، پولی و تجاری بعلاوه جستجوی امنیت از طریق سلاحهای اتمی. مقدمه این کتاب دو سئوال اصلی را مطرح می‌کند که پشتوانه سایر مطالب کتاب قرار می‌گیرد: آیا جهان سوم حقیقتاً وجود دارد؟ و جستجوی امنیت واقعاً دربارهٔ چیست؟ هدف این کتاب توصیف و توضیح نقش کشورهای جهان سوم در روابط بین الملل با توجه به مفهوم جستجوی امنیت است. علاوه بر آن، کتاب حاضر توصیه‌هایی را برای رسیدن به این هدف ارایه می‌کند.

Brian. crozier, As editor,As Annual of power and Conflict 1975 - 76 London: Enstitute for the Studg confLict, 1976, 232 paegs

* بری‌یان کروزی‌یر (ویراستار)، سالنامه قدرت و تعارض، ۱۹۷۶ ـ ۱۹۷۵، لندن، ۲۳۲ ص

این سالنامه شامل مقالاتی است که به توازن قوا و تحولات آن در سطح مناطق مختلف جهان می‌پردازد، مسائل امنیتی داخلی کشورها را بررسی می‌کند و تأثیر امنیت داخلی این کشورها بر امنیت بین‌المللی را به طور فشرده بیان می‌کند.

Chester A. Crocker and Fen Osler Hampson with Pamela Aall (editors), ***Managing Globalchaos: Sources of And Responses to International Conflict,*** Washington: Institute of peace press, 1996, 642 pages. ISBN 1-818379-59-3

* چ. آ. کروکر و ف.اُ. همپسون به همراهی پ.آل (ویراستاران): «مدیریت آشفتگی

جهانی: منشأ تعارض بین‌المللی و واکنشهای معطوف به آن»، واشنگتن، انتشارات مؤسسه صلح، ۱۹۹۶، ۶۴۲ ص

بخش‌های تشکیل دهندهٔ کتاب مذکور عبارتند از: بخش اول: منشأ تعارض در یک دنیای در حال تغییر، بخش دوم: کشورداری، مداخله و نظم بین‌المللی، بخش سوم: رویکردهایی به مدیریت تعارض: دیپلماسی بازدارنده، وساطت یا میانجیگری و ابتکارهای چند مسیره و بخش چهارم: تثبیت صلح: چالشهای جدید و معمّاها.

این کتاب حاصل پروژهٔ مؤسسهٔ صلح برای گردآوری مطالبی در باب موضوعات مدیریت تعارض و برقراری صلح است. این پروژه از کنفرانس دسامبر ۱۹۹۴ خود مؤسسه با عنوان «مدیریت آشفتگی» نیز الهام گرفته است. در بخش دوم این کتاب زیر عنوانی وجود دارد با نام: «استفاده از زور، دیپلماسی اعمال زور و امنیت دسته‌جمعی» که فصول سیزدهم تا هجدهم کتاب به این موضوع امعان نظر دارد. فصل شانزدهم با این عنوان که: «آیا امنیت دسته‌جمعی می‌تواند کارآ باشد؟»، به مطالعه موردی اروپا می‌پردازد.

Eleanor F-Rathbone, ***War Can be Averted***, N.y/London: Taylor publishing Company, 1938, 221 pages

* الیانور. ف. راسبون، «آیا می‌توان مانع وقوع جنگ شد؟» نیویورک - لندن، انتشارات تیلور، ۱۹۸۳، ۲۲۱ ص

کتاب در هشت فصل به مسأله صلح می‌پردازد. فصل اول شرایط امنیت دسته‌جمعی را بررسی می‌کند. فصل دوم ترس از جنگ نام دارد. فصل سوم شکستهای مفروض جامعه ملل را نام می‌برد. فصل چهارم سیاست تعهدات محدود حکومتهاست. فصل پنجم یأس و ناامیدی چپها عنوان گرفته است. فصل ششم شیوه و راه صلح‌طلبان برای صلح را مطالعه می‌کند. فصل هفتم ضعف و گسستگی جنبش صلح را مورد بحث قرار می‌دهد و فصل هشتم به پیدایش شرایط مفقود امنیت دسته‌جمعی اختصاص یافته است.

هدف اصلی این کتاب دفاع از این نظریه است که امنیت دسته‌جمعی در آینده‌ای نه

Almovist and Mickell, as editors ***Oil and Security***, New York: Stockholm, International Peace Research, 1974, 194 Pages.

* الموویتس و میکل (ویراستاران) موسسه پژوهش صلح بین‌المللی، استکهلم سوئد، «نفت و امنیت»، نیویورک، ۱۹۷۴، ۱۹۴ ص

این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و ۶ فصل می‌باشد. فصل اول وابستگی به درآمدهای نفتی نام دارد. فصل دوم امنیت نفتی کشورها و مناطق مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل سوم سه دسته اصلی کشورها و مناطق مختلف را از هم تمیز می‌دهد. فصل چهارم ظرفیتها برای همکاری و تعارض بحث اصلی است. در فصل پنجم استفاده نظامی از نفت مطالعه می‌شود و فصل ششم به خلاصه و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نفت اهمیت حیاتی برای امنیت نظامی و اقتصادی ملتها دارد. کمبود این منبع و توزیع آن در مناطق مختلف جهان، می‌تواند تبعات و پیامدهای امنیتی برای کشورهای حائز این منابع از یکسو، و کشورهای مصرف کننده از سوی دیگر، داشته باشد. در این تحقیق تلاش شده است باارایه داده‌های دقیق راجع به وضعیت نفت در جهان، در پرتو این وضعیت، چشم انداز امنیتی مناطق مختلف با توجه به موقعیت آنها نسبت به نفت، تبیین شود. رقابت دو جانبه میان کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت از یکسو، و مصرف کننده آن از سوی دیگر، و اهمیت روزافزون تجهیز ارتشها از طریق در آمدهای نفتی، جایگاه این ماده را در امنیت داخلی و بین‌المللی، روشن می‌نماید.

Samuel M.Makinda, "Sovereignty and Global Security," in ***Security Dialogue,*** Sage Publication, September 1998, Vol,. 29, No. 3, 281 pages.

* س.م. ماکیندا، «حاکمیت و امنیت جهانی»، مجله گفتگوی امنیت، انتشارات سیج، سپتامبر ۱۹۹۸، شماره پیاپی ۲۹، شماره سوم ۲۸۱ ص

نویسنده مقاله معتقد است که حاکمیت، مفاهیم امنیت را منعکس می‌کند و دیگر اینکه امنیت حول حاکمیت دور می‌زند. در نهایت وی به ترسیم چشم‌اندازهای آینده می‌پردازد. بسیاری از تحلیل‌گران امنیت و حاکمیت را جداگانه و بدون در نظر گرفتن

روابط نزدیک آنها، مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسنده این مقاله بحث می‌کند که میان حاکمیت و امنیت همزیستی وجود دارد و یکی بدون دیگری تحقق نمی‌یابد.

Sergey Rogov, "The Elements of a North _ South Security System", ***In Regional Conflicts: The Challenge To US _ Russian Cooperation,*** edited By James E. Goodby, Oxford University Press, SIPRI, 1995, 251 Pages.

* سرگی روگوف، «عناصر یک نظام امنیتی شمال ـ جنوب»، به نقل از کتاب تعارضهای منطقه‌ای: چالشی برای همکاری ایالات متحده ـ روسیه، ویراستار: ج. گودبی، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۵، ۲۵۱ ص

پایان جنگ سرد به این معنی می‌تواند باشد که تعارض شرق ـ غرب جایش را به تعارضهای شمال ـ جنوب و جنوب ـ جنوب داده است. اگر دنیا نخواهد به مرحله‌ای از بی‌ثباتی بیشتر وارد شود، مکانیسمهای امنیتی مطمئنی که قدرتهای بزرگ و کشورهای منطقه‌ای در آن در سطح جهانی و منطقه‌ای به همکاری مشغول شوند، باید گسترش و توسعه یابد. این فصل از کتاب حاضر بحثی مفهومی دربارهٔ این که چگونه چنین مکانیسمهایی قابل دستیابی است، ارایه می‌دهد و عناصر اساس یک نظام جدید امنیتی شمال ـ جنوب را توصیف می‌کند.

فصل دوم

سلاحهای کشتار جمعی

Richard J. Barnet and Richard A. Falk, editors, "*Security in Disarmament*", New Jersey: Princeton University Press, 1965, 441 Pages.

* ر. ج. بارنت و ر. آ. فالک (ویرایشگران)، «امنیت در خلع سلاح»، نیوجرسی، انتشارات دانشگاه پرنیستون، ۱۹۶۵، ۴۴۱ ص

کتاب شامل سه بخش به شرح زیر می‌باشد: بخش اول به کارکرد بازرسی می‌پردازد. بخش دوم محافظت از دولتها در خلع سلاح را مورد بحث قرار می‌دهد و در بخش سوم امنیت در خلع سلاح جمعی مطالعه می‌شود.

مقالات وارده در این کتاب به امکان انتخاب خلع‌سلاح به عنوان یک استراتژی امنیت ملی می‌پردازند. ویرایشگران سه حوزه را که گمان می‌کنند موارد آن از اهمیت خاص برخوردار است، برگزیده‌اند. در طی این چهار سال که گذشت (زمان تألیف کتاب)، در این سه حوزه پیشرفتهای تحلیلی مهمی به وقوع پیوسته است. حوزه اول عبارت است از: شروع خلع سلاح. سؤالاتی که به این حوزه مربوط است، با مسأله بازرسی ارتباط دارد. این مسأله بیش از آن که یک مسأله فنی باشد، مسأله‌ای سیاسی است.

حوزه دوم عبارت است از: وحشت دولتهای ملی از این که در چارچوب موافقت نامه‌های خلع سلاح گرفتار آیند و سپس منافعشان به خطر بیفتد. سؤالاتی که مربوط به این حوزه هستند، به بحث تحریمها، ابزار دیگر تحمیل و اجبار به خلع سلاح و انتخابهای

مسائل ویژه خلع سلاح بنیادین (حذف اساسی ظرفیتهای نظامی ملی) مرتبط است. با نگاهی به این حوزه اخیر، نکات فراوانی درباره نقش بازرسی و تحمیل و اجبار در روند خلع سلاح خواهیم یافت.

Craig A. Snyder (editor), "***Contemporary Security and Strategy***", London: Macmillan Press, 1999, 243 Pages.

* ک. آ. اِسنایدر (ویرایشگر)، «امنیت و استراتژی معاصر»، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۹۹، ۲۴۳ ص

کتاب شامل ده فصل می‌باشد که مهمترین آنها عبارتند از رئالیسم و مطالعات امنیتی، ساختارهای امنیت منطقه‌ای، آینده استراتژی اتمی، گسترش سلاحهای اتمی، و تصور مجدد از جنگ.

برای بررسی کامل الزامات انتقال از مطالعات استراتژیک به مطالعات امنیتی، مهم است که اساس نظری هر دو مکتب فکری یاد شده را بشناسیم. کتاب حاضر، ابتدا مواضع نظری برجسته در مطالعات استراتژیک و امنیتی را مورد بررسی قرار می‌دهد که با استراتژیست‌های کلاسیک و رئالیست‌های مدرن آغاز می‌شود و با رویکردهای بدیل و جایگزین نویسندگان کتاب به امنیت ادامه می‌یابد. کتاب حاضر در نهایت، با بحثهای جاری در این حوزه از مطالعات ادامه می‌یابد: مطالعات مربوط به استراتژی اتمی، بازدارندگی، گسترش سلاحهای اتمی، پیشرفت در جنگ مدرن و انقلاب تکنیکی در مسائل نظامی.

Edward A. Kolodziej and Patrick M. Morgan as editors, "***Security and Arms Control:*** Volume 1: A ***Guide to International Policymaking***", New York: Greenwood Press, 1989, 312 Pages.

* ا. آ. کُلود زیج و پ. م. مورگان (ویراستاران)، «امنیت و کنترل تسلیحاتی»: راهنمای سیاست‌گزاری بین‌المللی، سال نخست، نیویورک، انتشارات گرین وُود، ۱۹۸۹، ۳۱۲ص

این کتاب به چشم اندازهای تحلیلی وسیعی می‌پردازد که متناسب با ملاحظات

امنیتی و کنترل تسلیحاتی هر دولت ملی است. کتاب حاوی چهار قسمت است: قسمت اول، ویژگی‌هایی از نظام بین‌المللی را بر می‌شمارد که تهدید زورمندانه یا استفاده از زور را مشروط می‌کند و دیگر این که برای کنترل خشونت و مضبوط کردن آن مطابق با خواسته ملی، روش‌هایی را مورد نیاز می‌داند. این قسمت، دوازده کارکرد سیاست استراتژیک ملی را تصریح می‌کند.

هشت کارکرد، مربوط به تهدید زورمندانه و استفاده از زور است که در قسمت دوم می‌آید. قسمت سوم سه کارکرد دیگر را بررسی می‌کند که با کنترل بازخور ناسازگار و مخالف مربوط است. این بازخورها عبارتند از: تلاش یا تهدید به به قتل، آسیب رسانی و نقص عضو دیگران، و نابود کردن آنچه که دشمن راغب است از قبیل بهبودی مادی، فرهنگ و نوع حکومت. قسمت آخر این جلد، دوازده روش ـکارکرد را مرور می‌کند که با استفاده از آنها می‌توان از خشونت و تهدید فراتر رفت و بر تعارض انسانی فائق آمد. این دوازده روش ـکارکرد ارایه شده در قسمت چهارم، به عنوان کارکردهای متعادل کننده در برابر دوازده کارکرد ارایه شده در قسمت دوم و سوم مطرح شده‌اند.

David CAR Lton and Carlo Schaerf, ***International Terrorism and World Security***", Colif: International School on Disarmament and research on Conflict, 1975, 332 Pages

* دیوید کارلتون و کارلو اسکارف، «تروریسم بین‌المللی و امنیت جهانی»، کالیفرنیا، مؤسسه بین‌المللی خلع سلاح و پژوهش دربارهٔ درگیری (تعارض)، ۱۹۷۵، ۳۳۲ ص

کتاب شامل یک مقدمه و چهار بخش می‌باشد. مقدمه: مختصری از آینده خشونتها. بخش اول، تروریسم بین‌المللی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بخش دوم به رقابتهای تسلیحاتی هسته‌ای می‌پردازد. بخش سوم راجع به امنیت اروپا و خاورمیانه صحبت می‌کند و بخش چهارم: آموزش صلح و مطالعه تعارض نام دارد. نویسندگان کتاب بر این عقیده‌اند که آینده ما خشن خواهد بود. ما اکنون دو نوع خشونت را تجربه می‌کنیم: بازدارندگی هسته‌ای و تروریسم بین‌المللی. اکنون ناسازگاریها و پارادوکسها به گونه‌ای

چگونه خود را نمایان می‌سازد؟ استعمار زدائی؛ اتحاد دوجانبه آمریکا و شوروی؛ و وجود رقابت در تسلیحات هسته‌ای. مدلهای آینده تعارض به راحتی قابل شناسایی نخواهند بود تا کشورها بتوانند بر اساس منافع ملی محدود خود با آن مقابله کنند بلکه امنیت ملی با آینده کل نظام بین‌المللی سرنوشتی پیوسته دارد.

James E.Dogherty, ***How to think about Arms control and Disarmament?*** Newyork: Crane, Russak Company, 1973, 202 pages.

* جیمز. ای. دوورتی، «چگونه دربارهٔ کنترل تسلیحات و خلع سلاح بیندیشیم؟»، کرانه، ۱۹۷۳، ۲۰۲ ص

کتاب مذکور از ده قسمت تشکیل شده است که عمده‌ترین قسمتهای آن عبارتنداز: انواع خلع سلاح و کنترل سلاح، پیشینه تاریخی مذاکرات خلع سلاح، خلع سلاح عمومی، کنترل اسلحه و گفتگوهای محدود کردن سلاحهای استراتژیک.

پیشرفت تکنولوژی سلاحهای میکروبی و شیمیایی و هسته‌ای روز به روز نگرانی ملتها را نسبت به امنیت خودشان افزایش می‌دهد، اما هنوز بسیاری از کشورهایی که می‌توانند مستقل تصمیم بگیرند ترجیح می‌دهند امنیت خود را بر بازدارندگی یا موازنه قوا بنیان گذارند تا توقع خلع سلاح و یک حفظ صلح مؤثر بین‌المللی. اکنون لزوم یک امنیت دسته‌جمعی و خلع سلاح عمومی بیش از گذشته ضرورت پیدا می‌کند و نگرشهای گذشته کارایی خود را از دست می‌دهند. آیا وجود سلاح فی‌نفسه سبب بروز جنگ است؟ یا اینکه مسلح بودن کشورها می‌تواند از طریق بازدارندگی، صلح به ارمغان آورد. نویسنده با مورگنتا موافق است که سلاح جنگ می‌آورد و خلع سلاح صلح. سلاح ثمره جنگ است پیش از آنکه بذر جنگ باشد.

SIPRI - UNESCO Hand Book, ***Peace, Security and Conflict Prevention,*** Oxford University Press, 1998, 230 Pages.

* موسسهٔ بین‌المللی تحقیقات صلح در استکهلم یونسکو هندبوک، «صلح و امنیت و جلوگیری از تعارض»، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۸، ۲۳۰ ص

کتاب مذکور از هشت فصل تشکیل شده است. پس از مقدمه، فصل اول کتاب به تعداد، نوع و محل تعارضات عمدهٔ مسلح در فاصلهٔ زمانی ۱۹۹۲ تا ۹۶ می‌پردازد. فصل دوم به تلاشهای چندجانبه در مواجههٔ با تعارض مسلح متمرکز است. در فصل سوم، اطلاعاتی دربارهٔ هزینهٔ نظامی و تولید و تجارت سلاحهای عرفی عمده ارایه می‌شود. فصل چهارم، ذخیرهٔ جهانی سلاحهای اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پنجم روندها و سازمانهایی را که از طریق آنها کنترل تسلیحاتی انجام می‌شود، مرور می‌کند. در این فصل، همچنین مختصری از قراردادهای کنترل تسلیحاتی مهم ارایه می‌شود. فصل ششم به جایگاه سازمان ملل متحد در نظام امنیتی بین‌المللی می‌پردازد و مهمترین ارگانها و مسئولیتهای این سازمان را بر می‌شمرد. مطالعات موردی کتاب به موارد آسیا و اروپا می‌پردازد که موضوع فصل هفتم است و رویکردهای منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای متفاوت به مسائل امنیتی معاصر را نشان می‌دهد. فصل هشتم نیز به گاهشماری وقایع عمدهٔ مربوط به صلح، امنیت و جلوگیری از تعارض اختصاص یافته است.

Jeffrey M.Elliot, Robert Reginald, "***The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary***", California: oxford uni. press, 1989, 349 pages.

* جفری. م. الیوت و رابرت رگینالد، «واژه‌نامه فرهنگ کنترل تسلیحاتی، خلع سلاح و امنیت نظامی»، کالیفرنیا، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۹، ۳۴۹ ص

این فرهنگ در نُه فصل به توضیح اصطلاحات مربوط به خلع سلاح و امنیت می‌پردازد. جنگ و صلح، رقابت تسلیحاتی، امنیت نظامی، امنیت دسته‌جمعی، جنگهای سنتی و سلاحها، سلاحهای هسته‌ای، استراتژی هسته‌ای، گسترش سلاحهای هسته‌ای و کنترل تسلیحاتی و خلع سلاح هسته‌ای عناوین کتاب هستند.

این کتاب به صورت فرهنگ واژگان، به توضیح اصطلاحات موجود در متون مربوط به خلع سلاح، نظارت هسته‌ای و امنیت می‌پردازد. در فصل چهارم عناوینی چون: امنیت دسته‌جمعی، پیمان دفاع دسته‌جمعی آسیای جنوب شرقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Stephan R. Bowers and Kimberly R. Keys, "Technology and Terrorism: The New Threat for the Millennium," in ***Conflict studies,*** UK: Research Institute for the Study of Conflict and Terrorism, May 1998, No. 309.

* س.ر.بورز و ک.ر.کیز، «تکنولوژی و تروریسم: تهدید جدیدی برای هزاره»، مجله مطالعات تعارض، انگلستان، مؤسسه پژوهش برای مطالعه تروریسم و تعارض، می۱۹۹۸، شماره ۳۰۹

مقاله مزبور بعد از مقدمه به این مطالب و موضوعات می‌پردازد: تروریسم و کامپیوتر، پتانسیل سایبر تروریستی، تروریسم بیولوژیکی، تسلیحات شیمیایی و نتیجه عمومی: علامتها و نظامهای هشداردهنده. نویسندگان معتقدند که تروریسم نه تنها مشکلاتی را برای امنیت ملل ایجاد کرده است بلکه بنیادهای جامعه دموکراتیک را از طریق از بین بردن اعتماد مردم به نهادها، به خطر انداخته است. نکته دیگر این است که در حالی که تعداد اتفاقات تروریستی کم است، کشندگی پتانسیل تروریستی تا حد وحشتناکی افزایش یافته است و این به پیشرفت تکنولوژیکی جامعه آخر قرن بیستم مربوط می‌شود. ظهور و گسترش تروریسم کامپیوتری، بیولوژیکی و شیمیایی نتیجه تحولات تکنولوژیکی است. تکنولوژی در هر سه مورد، متغیری است که هر تهدیدی را مهم و جدی می‌کند. در این مقاله، ذیل عنوان تروریسم و کامپیوتر به موضوع امنیت ملی نیز پرداخته شده است.

Keith Krause, "Conclusions: Security Culture And Non - Proliferatin, arms Control And Disarmament Agende, In ***Contemporary Security Policy,*** Essex: Frank Cass And Co. Ltd., April 1998, Vol. 19, No. 1.

* کیت کروز، «نتایج: فرهنگ امنیت و عدم گسترش، کنترل تسلیحات و برنامه خلع سلاح»، مجله سیاست امنیتی معاصر، اِسِگز، فرانک کاس، آوریل ۱۹۹۸، شماره پیاپی: ۱۹، شماره اول

نقش توضیحی حداقلی «فرهنگ گسترده»، تلقی‌ها و میراث تعارض، جهت‌گیریهایی

به سوی مناسبات منطقه‌ای، عناصر فرهنگی دیپلماسی و مذاکره، تأثیرات برگرفته شده از فرهنگ سیاسی داخلی و الزاماتی برای عدم گسترش چند جانبه، کنترل تسلیحات و برنامه خلع سلاح، مطالب مطرح شده در این مقاله هستند.

این مقاله در واقع، نتیجه‌گیری است از مقالات ارایه شده در مجله. این مقاله به ابعاد نظری بحث فرهنگی امنیت و کنترل عدم گسترش تسلیحات و برنامه خلع سلاح می‌پردازد و از خلال بحثهای کنترل تسلیحات و خلع سلاح در مورد کشورهای غربی کشورهای آ. س. آن، چین، هند، آمریکای لاتین و خاور میانه که در مقالات مجله ارایه شده است، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظری می‌رسد.